



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



صحیح

مجموعہ سخن ان پیامداری

مقام معظم جبری

جلد دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه حج

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	صحیفه حج - جلد ۲
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	اشاره
۳۹	مقدمه
۴۱	پیام به حجاج بیت الله الحرام
۴۱	اشاره
۴۱	بار الها! تو را سپاس می گویم
۴۲	بار دیگر روزهای حج فرا می رسد
۴۳	امام خمینی قدس سره زنده است
۴۵	دلہاتان را به او بسپرید
۴۶	حج؛ کانون معارف اسلام و مظهر توحید
۴۷	حج بی برائت، حج نیست
۴۸	حجی که از پایه های دین به شمار می رود
۴۸	حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید
۴۹	تفکیک دین از سیاست؛ یکی از بزرگترین مظاهر شرک
۵۱	نغمه ی جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان است
۵۲	محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی
۵۳	دشمنی جبهه ی شیطان با اسلام
۵۴	جمهوری اسلامی، آماج توطئه های طراحی شده علیه اسلام
۵۵	احساس ضعف استکبار در برابر اسلام
۵۶	مسلمانان کاملاً حساس و هوشیار باشند
۵۷	در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود
۵۹	امام خمینی در دل یکایک عاشقانش زنده است

- ۶۰ ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند
- ۶۱ راه امام خمینی قدس سره را دنبال می کنیم
- ۶۱ چشم انداز آینده، روشن و امیدبخش است -
- ۶۲ پیام به حجاج بیت الله الحرام -
- ۶۲ اشاره
- ۶۲ دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز -
- ۶۴ توانمندی های حج -
- ۶۴ ملتهای اسلامی بیدار شده اند -
- ۶۵ استکبار، محکوم به عقب نشینی است -
- ۶۵ توجه به حج ابراهیمی و محمدی -
- ۶۷ حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی به عنوان نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی -
- ۷۰ حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّدی ری شهری به عنوان نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی -
- ۷۳ سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج -
- ۷۳ اشاره
- ۷۳ حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید -
- ۷۳ همه مراقب رفتار خودشان باشند -
- ۷۵ پیام به حجاج بیت الله الحرام -
- ۷۵ اشاره
- ۷۵ حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین -
- ۷۶ حج؛ ذخیره یی تمام نشدنی -
- ۷۶ پروردگارا! ...
- ۷۸ قدرشناسی حج بیت الله -
- ۷۹ حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان -
- ۸۱ تدبیر در رمز و رازهای حج -
- ۸۲ توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود -
- ۸۳ مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی -

- ۸۴ ----- تدبر در گذشته و پیوند با آینده -----
- ۸۵ ----- ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته ی افتخارآمیز خود -----
- ۸۷ ----- از احکام نورانی اسلام دست بردارید -----
- ۸۷ ----- توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام -----
- ۸۸ ----- فلسطین؛ مهمترین مسأله ی جهان اسلام -----
- ۸۹ ----- شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل -----
- ۹۰ ----- دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام -----
- ۹۰ ----- انقلاب اسلامی؛ طلیعه ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان -----
- ۹۱ ----- یادآوری چند نکته به ملت‌های اسلامی و رهبران آنها -----
- ۹۳ ----- توجه به وضعیت مصیبت بار ملت عراق -----
- ۹۵ ----- توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر -----
- ۹۶ ----- دامن زدن به اختلافات فرقه یی؛ ترفند استکبار -----
- ۹۷ ----- سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی -----
- ۱۰۰ ----- بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج، به همراه حجهالاسلام والمسلمین محمدی ری شهری، نماینده ی ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی -----
- ۱۰۰ ----- اشاره -----
- ۱۰۰ ----- هر چه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود -----
- ۱۰۱ ----- تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج -----
- ۱۰۲ ----- برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد -----
- ۱۰۲ ----- باید بینیم حج از ما چه می طلبد -----
- ۱۰۳ ----- فرهنگ و اخلاق و رفتار مردم ما باید برای حجاج دیگر الگو باشد -----
- ۱۰۴ ----- در ایام حج، تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت -----
- ۱۰۵ ----- امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می کردند -----
- ۱۰۶ ----- یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص -----
- ۱۰۷ ----- بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج» -----
- ۱۰۷ ----- اشاره -----
- ۱۰۷ ----- همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم -----

- ۱۰۷ ما نمی توانیم همه ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم
- ۱۰۸ خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان سازی
- ۱۰۸ حج، یک هجرت است
- ۱۰۹ درحج، عبودیت را در خود تقویت کنیم
- ۱۰۹ ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب
- ۱۱۰ به سمت حیات معنوی حرکت کنیم
- ۱۱۰ حج، فرصت خوبی است که انسان به خدا نزدیک شود
- ۱۱۱ مسلمان ها باید یکدیگر را باز یابند
- ۱۱۲ برائت، روح حج است
- ۱۱۳ دولتمردان امریکایی؛ روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم
- ۱۱۵ ملتها در مقابل زورگویی ها بایستند
- ۱۱۶ پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت را قولاً و عملاً نشان دهید
- ۱۱۷ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۱۱۷ اشاره
- ۱۱۷ شکری به وسعت دریای رحمت حق
- ۱۱۸ حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان
- ۱۱۸ منافع حج درست برای مسلمانان
- ۱۱۹ فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن
- ۱۱۹ برآورد موقعیت جهان اسلام
- ۱۲۱ وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین
- ۱۲۲ وظیفه ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار
- ۱۲۳ استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی شناسد
- ۱۲۴ قدرت ملتهای مسلمان
- ۱۲۵ بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی
- ۱۲۶ دولتهای اسلامی از آمریکا نترسند
- ۱۲۸ بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج

- ۱۲۸ اشاره
- ۱۲۸ عمل ما با قصد قربت باشد
- ۱۲۹ حج؛ ذخیره بی برای دنیای اسلام
- ۱۳۰ حج؛ یک فرصت استثنایی
- ۱۳۱ می خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند
- ۱۳۲ روی جمهوری اسلامی فشار می آورند
- ۱۳۲ کید دشمنان به جایی نمی رسد
- ۱۳۳ امریکا اشتباه می کند
- ۱۳۴ فاجعه آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند
- ۱۳۵ شکوه و قدرت اسلام روزه به روز بیشتر خواهد شد
- ۱۳۶ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۶ تجدید بهار ایمان و حیات دینی
- ۱۳۷ سه ویژگی برجسته ی حج
- ۱۳۷ زندگی در آینه ی حج؛ یک ضرورت دائمی
- ۱۳۸ سعی شده حج را فریضه ی فردی قلمداد کنند
- ۱۳۹ توحید؛ روح اساسی حج
- ۱۴۰ ایجاد تفرقه میان مسلمین؛ سیاستی استعماری
- ۱۴۰ مبارزه ی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمانان
- ۱۴۳ استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند
- ۱۴۵ تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه ی استکبار
- ۱۴۸ از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید
- ۱۵۰ بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۰ از دست اندرکاران حج تشکر می کنم
- ۱۵۰ حج؛ واجب بی نظیر

- تصمیم گیری درباره ی سرنوشت امت اسلامی ۱۵۱
- برائت، روح حج است ۱۵۲
- امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند؟ ۱۵۳
- ننگ حاکم بر نظام نوین دنیا ۱۵۴
- حضور ملتها، قدرتهای استکباری را می لرزاند ۱۵۵
- حضور معنادار مسلمانها در حج ۱۵۶
- در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم ۱۵۷
- اعمال سیاستهای استکباری در بوسنی ۱۵۷
- وحدت خود را حفظ کنید ۱۵۸
- زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید ۱۵۹
- پیام به حجاج بیت الله الحرام ۱۶۰
- اشاره ۱۶۰
- گسترده گی مصالح و منافع فریضه ی حج ۱۶۰
- اعمال حج، شعائر است ۱۶۱
- جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از قرآن و اسلام پا می فشارد ۱۶۲
- امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است ۱۶۳
- حج؛ فریضه یی سیاسی ۱۶۵
- چند توصیه به حجاج بیت الله الحرام ۱۶۶
- بیانات دردیدار اعضای شورای بعثه ی حج مقام معظم رهبری ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- تفضّل الهی در برگزاری مراسم حج ۱۶۸
- حج؛ یک کار استراتژیک و اساسی ۱۶۸
- برائت، واجب سیاسی است ۱۶۹
- از حکومت اسلامی غفلت شده بود ۱۷۰
- حج بی برائت، حج نیست ۱۷۱
- اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است ۱۷۲

- ۱۷۳ روی راهکارهای نو و ناپیموده فکر کنید
- ۱۷۳ ما کمک و وعده ی خدا را باور داریم
- ۱۷۵ بیانات در دیدار با کارگزاران حج
- ۱۷۵ اشاره
- ۱۷۵ خداوند، خدمت شما را قبول کند
- ۱۷۵ توجه به مسائل معنوی در حج
- ۱۷۷ حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید
- ۱۷۷ توجه به مسائل اجتماعی حج
- ۱۷۹ دشمنان، با عزت اسلام مخالفند
- ۱۸۰ با ملت ما، به خاطر آرمانهایش دشمنی می کنند
- ۱۸۰ حج را با ویژگیهای آن بشناسید
- ۱۸۱ دلهای آشنا، خود را با کانون معنویت مرتبط کنند
- ۱۸۲ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۱۸۲ اشاره
- ۱۸۲ موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می رسد
- ۱۸۳ حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می کند
- ۱۸۴ دو عنصر اصلی حج
- ۱۸۵ مبارزه ی استکبار با اسلام و مسلمین
- ۱۸۶ مهمترین انگیزه ی دشمنی با ایران اسلامی
- ۱۸۶ شور و شوق در سراسر امت اسلامی
- ۱۸۷ توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج
- ۱۸۷ قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند
- ۱۹۰ بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۰ زبان ما از شکر نعمتهای پرورگار قاصر است
- ۱۹۰ قبول الهی؛ بزرگترین پاداش شما

- ۱۹۱ باید نواقص را برطرف کنیم
- ۱۹۲ طبیعت انقلاب، حمله است
- ۱۹۲ حج را باید به اهدافش نزدیک کرد
- ۱۹۳ حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید
- ۱۹۴ بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج و زیارت
- ۱۹۴ اشاره
- ۱۹۴ حج، برای امت اسلامی عید است
- ۱۹۴ شکر نعمت فرایض الهی
- ۱۹۵ هزار ماهی که در آن لیلهاقدر نیست
- ۱۹۶ از دست اندرکاران حج تشکر می کنم
- ۱۹۶ نمی توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است
- ۱۹۷ برائت، جزو حج است
- ۱۹۷ حج؛ مظهر توحید الهی
- ۱۹۸ نمی شود برائت نداشته باشیم
- ۱۹۸ در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟
- ۱۹۸ حاکمیت اسلام و قرآن در ایران
- ۲۰۰ همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است
- ۲۰۰ نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است
- ۲۰۱ به دنیای اسلام احتیاج دارند
- ۲۰۱ بزرگترین غصه ی دنیای اسلام
- ۲۰۲ حج؛ گنج پایان ناپذیر
- ۲۰۲ ما به سمت فرج حرکت می کنیم
- ۲۰۴ پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج
- ۲۰۴ اشاره
- ۲۰۴ وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی
- ۲۰۵ راه مقابله با تهدیدات

- ۲۰۶----- جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است
- ۲۰۶----- تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می سازد
- ۲۰۷----- استفاده از امکانات امت اسلامی
- ۲۰۸----- فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی
- ۲۰۹----- حج، ناکامی های امت اسلامی را درمان می کند
- ۲۱۰----- حج، در صدر اقدامات بین المللی جمهوری اسلامی
- ۲۱۱----- از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران ناپذیر
- ۲۱۱----- ضعف کنونی دولتهای مسلمان
- ۲۱۲----- اتهامات واهی به جمهوری اسلامی ایران
- ۲۱۳----- جمهوری اسلامی، با قدرت و عزت پیش می رود
- ۲۱۴----- حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند
- ۲۱۵----- بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت
- ۲۱۵----- اشاره
- ۲۱۵----- مژده یی بس شیرین
- ۲۱۵----- حضور ما در حج، کار خودش را می کند
- ۲۱۶----- حضور ارزشمند روحانیون در بعثه
- ۲۱۷----- کار تبلیغی- فرهنگی دشوار است
- ۲۱۷----- تشکر از بخش اجرایی حج
- ۲۱۹----- بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج
- ۲۱۹----- اشاره
- ۲۱۹----- همه ی منافع در حج لحاظ شده است
- ۲۲۰----- شکر نعمت، عمل هم لازم دارد
- ۲۲۱----- دنیای اسلام مورد تهاجم است
- ۲۲۱----- استکبار با فکر اسلامی برخورد می کند
- ۲۲۲----- ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار
- ۲۲۲----- وحدت؛ یکی از پیامهای بزرگ انقلاب

- ۲۲۳ مسؤولیت حج چیست؟
- ۲۲۳ عزت اسلامی را حفظ کنید .
- ۲۲۵ پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج .
- ۲۲۵ اشاره .
- ۲۲۵ روزهای عید و میعاد .
- ۲۲۶ جنبه ی فردی و اجتماعی حج .
- ۲۲۷ قدرت ملی؛ کلید همه ی کامیابی ها .
- ۲۲۷ امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین المللی .
- ۲۲۸ جبهه ی خودی نتوانسته از همه ی امکانات خود استفاده کند .
- ۲۲۹ امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام .
- ۲۳۰ میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید .
- ۲۳۱ تجربه ی ذی قیمت ایران برای دولتها و ملت‌های مسلمان .
- ۲۳۲ بازگشت به اسلام؛ درس بزرگ امام خمینی قدس سره .
- ۲۳۴ بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج .
- ۲۳۴ اشاره .
- ۲۳۴ سپاسگزاری از پروردگار متعال .
- ۲۳۴ حج؛ یکی از آیات لطف الهی به ایران .
- ۲۳۵ باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود .
- ۲۳۶ حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی .
- ۲۳۸ پیام به حجاج بیت الله الحرام .
- ۲۳۸ اشاره .
- ۲۳۸ موسم حج؛ مزده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان .
- ۲۳۹ معرفت؛ نخستین هدیه ی حج .
- ۲۳۹ شناخت خود به عنوان یک فرد .
- ۲۴۰ شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه ی امت اسلامی .
- ۲۴۱ شناخت نمونه و نمایی از امت واحده .

- ۲۴۲ شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج
- ۲۴۳ شناخت دشمن
- ۲۴۳ یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد
- ۲۴۴ نشانه های امید در رفتار ملت‌های مسلمان
- ۲۴۵ دشمنی استکبار با ایران، بغض آلودتر شده است
- ۲۴۵ ملت ایران حیات دوباره ی خود را باز یافته است
- ۲۴۶ خصومت‌های رژیم امریکا با ایران و ایرانی
- ۲۴۷ پایبندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت
- ۲۴۸ چند توصیه به حجاج بیت الله الحرام
- ۲۴۹ بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۴۹ حج امسال از جهات مختلف، موفق بود
- ۲۵۰ از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرد
- ۲۵۰ گاهی از بینات الهی غفلت می کنیم
- ۲۵۱ توکل، در همه ی امور کارگشاست
- ۲۵۲ بیانات در دیدار کارگزاران حج
- ۲۵۲ اشاره
- ۲۵۲ باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند
- ۲۵۳ دشمن از دشمنی چشم نمی پوشد
- ۲۵۴ سه نوع توطئه در جریان است
- ۲۵۵ پشتوانه ی پیروزی ملت ایران
- ۲۵۶ دل ملت با اسلام است
- ۲۵۶ حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ
- ۲۵۷ پیام معنوی حج
- ۲۵۷ حرکت قرآنی در جامعه ی ما رواج دارد
- ۲۵۸ به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید

- ۲۵۹ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۲۵۹ اشاره
- ۲۵۹ روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده است
- ۲۵۹ عظمت سرمایه ی امت اسلامی و خطر در کمین آن
- ۲۶۰ هم تزکیه ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است
- ۲۶۱ جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند
- ۲۶۱ اثبات حقانیت نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام
- ۲۶۲ جمهوری اسلامی توانایی های خود را به اثبات رسانده است
- ۲۶۲ خطر درونی و دشمن بیرونی امت اسلامی
- ۲۶۳ دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران
- ۲۶۴ چهره ی دوگانه رژیم امریکا
- ۲۶۴ سیاهه ی جرایم رژیم امریکا
- ۲۶۵ جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می رود
- ۲۶۷ بیانات در دیدار با کارگزاران حج
- ۲۶۷ اشاره
- ۲۶۷ حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت
- ۲۶۸ فضای کشور؛ مشحون از معنویت
- ۲۶۸ دشمنان ما دچار تناقض اند
- ۲۶۹ انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی
- ۲۷۰ گاهی یک رأی هم مؤثر است
- ۲۷۱ برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی
- ۲۷۱ تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است
- ۲۷۲ باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم
- ۲۷۳ بگذارید مردم کار خود را بکنند
- ۲۷۳ خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس
- ۲۷۳ بعضی ها زود مرعوب می شوند

- ۲۷۵ نماینده نباید مفتون و فریفته شود
- ۲۷۵ نماینده، طمع ورز نباشد
- ۲۷۶ باید درباره ی نماینده تحقیق کرد
- ۲۷۶ مردم باید توی دهان دشمنان بزنند
- ۲۷۷ دشمن کمین گرفته است
- ۲۷۸ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۲۷۸ اشاره
- ۲۷۸ امت اسلامی از حج استفاده ی شایسته را نمی برد
- ۲۷۸ جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است
- ۲۷۹ سیاستمداران و رجال دینی امت اسلامی چاره یی نمی اندیشند
- ۲۸۰ حصار نومییدی بر گرد ملت‌های اسلامی
- ۲۸۱ حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود
- ۲۸۲ جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می رود
- ۲۸۳ دروغ رذالت آمیز استکبار
- ۲۸۳ ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد
- ۲۸۵ بیانات در دیدار کارگزاران حج
- ۲۸۵ اشاره
- ۲۸۵ ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم
- ۲۸۵ بشر، بسیاری از موهبت‌های الهی را قدر نمی داند
- ۲۸۶ نشان قدرشناسی از حج
- ۲۸۶ برای کشور، برنامه ریزی شده است
- ۲۸۷ تصمیم قاطع بر تحقق اسلام
- ۲۸۸ امام قدس سره در میان ما زنده است
- ۲۸۸ برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید
- ۲۹۰ بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج
- ۲۹۰ اشاره

- ۲۹۰ کار شما جزو وظایف همیشگی حکومت‌های اسلامی است
- ۲۹۱ حکومت اسلامی می‌خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد
- ۲۹۱ نورانیت در باطن جمهوری اسلامی
- ۲۹۲ دین برای اداره‌ی زندگی انسان است
- ۲۹۳ عده‌یی می‌خواهند ملت ما را از دین جدا کنند
- ۲۹۳ در حج، هویت اسلامی را نشان دهید
- ۲۹۴ ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است
- ۲۹۵ پیام به حجاج بیت الحرام
- ۲۹۵ اشاره
- ۲۹۵ نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت
- ۲۹۶ سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج
- ۲۹۷ جهان اسلام در حال گذر از مرحله‌ی حساسی است
- ۲۹۷ سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار
- ۲۹۹ بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده‌ی مراسم دهه‌ی فجر
- ۲۹۹ اشاره
- ۲۹۹ خدمت به مردم، نعمت بزرگی است
- ۲۹۹ حج؛ حامل معنویت، وحدت و معرفت
- ۳۰۰ نتایج تفرق دنیای اسلام
- ۳۰۰ استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان
- ۳۰۱ مردم دهه‌ی فجر را قدر می‌دانند
- ۳۰۲ دشمن سعی می‌کند دهه‌ی فجر را از یاد مردم ببرد
- ۳۰۳ مبارزه‌ی با فساد؛ یک جهاد واقعی
- ۳۰۳ در مبارزه‌ی با فساد، تبعیض قائل نشوید
- ۳۰۴ مواظب باشید فساد به وجود نیاید
- ۳۰۴ فساد کمتر، سرمایه‌گذاری بیشتر
- ۳۰۵ می‌خواهند مبارزه‌ی با فساد را تحت الشعاع قرار دهند

- ۳۰۵ هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه ی با فساد
- ۳۰۶ با فساد مبارزه شود، نه با بی گناه
- ۳۰۷ پیام به حجاج بیت الحرام
- ۳۰۷ اشاره
- ۳۰۷ حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان
- ۳۰۸ ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می رسد
- ۳۰۸ آشکار شدن چهره ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله
- ۳۰۹ امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست
- ۳۱۰ شوخی زشت و طعنه زنی به حقیقت
- ۳۱۰ مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران
- ۳۱۲ بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج
- ۳۱۲ اشاره
- ۳۱۲ ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت
- ۳۱۳ حج؛ یک واجب استثنایی
- ۳۱۴ از فرصت حج، همه باید استفاده کنند
- ۳۱۵ قرآن انسان را هدایت می کند
- ۳۱۶ امروز دنیای اسلام دارد ضربه می خورد
- ۳۱۷ مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم
- ۳۱۷ کدام زندگی راحت؟
- ۳۱۸ از ذخیره ی حج استفاده کنید
- ۳۱۹ پیام به حجاج بیت الله الحرام
- ۳۱۹ اشاره
- ۳۱۹ حج، نماد امت اسلامی
- ۳۲۰ اسارت سیاسی و اقتصادی
- ۳۲۱ طمع ورزی شبکه های استعماری
- ۳۲۲ تحرکات دیوانه وار

۳۲۲ ----- حامی تروریسم

۳۲۳ ----- قبضه کردن اوپک

۳۲۳ ----- سرچشمه ی مقاومت ملتها

۳۲۳ ----- دین آزادی و عدالت

۳۲۵ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه حج

مشخصات نشر : تهران: مشعر، - ۱۳۸۲.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: (ج.۱)؛ ۲۰۰۰۰ ریال: (ج.۱)

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : نمایه

مندرجات : ج. ۱. مجموعه سخنان و پیام های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره حج

موضوع : حج

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ / ح ۳ ص ۳ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۷۷۱۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه های حیاتبخش حجّ است، اما هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه های تابناک امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانده، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حج، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حج گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محل هبوط ملائکه الله، و توقف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حج ابراهیمی - قدس سره الشریف - و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای - مد ظله - با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حج، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حج، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیت های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حج تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد.

از برادر دانشمند جناب آقای مهندس علی رضا برازش و همکاران محترمشان که در تهیه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نمایم.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۴/۴/۱۳۶۸ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۱۴/۴/۱۳۶۸ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَتَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ. (۱)

بارالها! تو را سپاس می گویم

بارالها! تو را ثنا می گویم که باب راز و نیاز بنی آدم را با خویش گشودی و دل مشتاقان جمال را به وعده ی رحمت و مغفرت نواختی؛ آرایش شرک را بر بندگان خود زینده ندانسته، دامن بنی آدم را از آن پیراستی و توحید و اخلاص را زیب دل و جان مؤمنان خواستی.

بارالها! تو را سپاس می گویم که بر بنده ی برگزیده ات محمد صلی الله علیه و آله، کتاب و حکمت را و شفای دردهای بنی آدم را نازل فرمودی و راه سعادت را در سخن و عمل او به جهانیان نمودی.

بارالها! بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و همه ی سلسله ی نورانی انبیا و اوصیا و اولیا، گویندگان حق و کوبندگان باطل و شکنندگان بتهای جاهلیت و ناصحان مشفق امت، سلام و صلوات نازل فرما و راه آنان را روزبه روز در چشم خلاق روشنتر، و در دل آنان محبوب تر فرما.

بارالها! بر بنده ی صالح متواضعت امام خمینی قدس سره، که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلا ی کلمه ی تو و احیای دین تو، رنج های گران بر جان خرید و

مجاهدت در راه ملت ابراهیمی و سنت محمدی صلی الله علیه و آله را به نهایت رساند و در این راه لحظه‌یی از حرکت و تلاش باز نایستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست، و کلمه‌ی او را رفعت بخش، و راه او را رونق بخش، و میراث یگانه‌ی او را در پناه خود حفظ کن، و آرزوها و هدف‌های او را محقق ساز، و ما را از اخلاف نیک او قرار ده.

بارالها! من در این سخن، مقصدی جز ابلاغ پیام تو و انجام تکلیفی که بر دوش خود احساس می‌کنم، ندارم. پروردگارا! سوز سخن حق را در این کلام بگنجان و آن را به گوش و دل مؤمنان و همه‌ی حق طلبان جهان برسان. همان اخلاص و صفا را که در سخن عبد صالح تو و امام و قائد ما موج می‌زد، بدان بیامیز و آن را به قبول حسن، مقبول فرما...؛ آمین رب العالمین.

بار دیگر روزهای حج فرا می‌رسد

بار دیگر روزهای حج فرا می‌رسد و صلاهی ابراهیمی و أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱)

فطرت مسلمانان پاکنهاد را به اجابت می‌خواند و فراق خانه‌ی خدا، دل مشتاقان را آکنده از درد و رنج می‌سازد. دست ظلم و عدوان بیرون آمده از آستین حکام حجاز، بدین اکتفا نکرده که صدها زایر خانه‌ی خدا را در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده و هزاران کبوتر خونین بال حرم را فقط به جرم براءت از مشرکین و اعلام نفرت از امریکا و اسرائیل و دعوت مسلمین به وحدت و برادری، تار و مار نماید؛ بلکه برای انتقام از ملتی که در همه‌ی صحنه‌ها بر قوای استکبار جهانی تاخته و خواب راحت را از چشم غارتگران و زورگویان جهان ربوده است، و برای زدودن اثر چند سال حج همراه با براءت، که به برکت حضور فرزندان انقلاب و مجاهدان راه قرآن و اسلام، فضای حرمین شریفین و عرفات و مشعر و منی را از ندای توحید خالص و نفی آلهه‌ی زور و زر آکنده بود، راه خانه‌ی خدا و مأمن خلق را به روی آنان بسته و زبانها و قلم‌های اجیر و مزدور را به کمک

رسانه های صهیونیستی و امریکایی برضد آنان به کار انداخته است.

این دومین موسم حجی است که در آن ملت ایران- این فدایی ترین فرزندان اسلام- از طواف بر گرد خانه ی محبوب مصدود شده اند. دولت سعودی با دستاویز کردن بهانه های پوچ، امسال نیز همچون سال قبل، به صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ پرداخت و خود را مصداق این آیه ی شریفه ساخت: **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ. (۱)** حافظه ی تاریخ ما این دشمنیها را فراموش نخواهد کرد.

امام خمینی قدس سره زنده است

اکنون که ملت ایران همزمان با سالگرد فاجعه ی خونین مکه، به مصیبت بزرگ فقدان قائد اکبر و منادی وحدت مسلمین و برافرازنده ی پرچم اسلام و قرآن، بنده ی صالح خدا و ناصح دلسوز امت و فرزند خلف پیغمبر- خمینی کبیر مبتلا شده است، جا دارد که حجاج بیت الله از هر کشور و ملت، طنین ندای توحید و وحدت را که همه ساله از آن حنجره ی ابراهیمی برمی آمد و فضای خانه ی خدا و سپس فضای جهان اسلام را پُر می کرد و بت های قدرت و مکتب را به لرزه درمی آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیونها مسلمان تحقیر شده و ستم زده به وسیله ی حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.

آری، اگرچه یوسف عزیز امت اسلام اکنون در میان ما نیست و جای او که همه ساله در وجود یکایک حاجیان دلباخته و سرازپانشناخته ی ایرانی تجلی می کرد، خالی است، ولی هم اکنون نیز او را در هر دل ذاکر و عارف و در هر جان پُرشور و در هر زبان حَقگو و در وجود هر مسلمان غیور و دلسوخته و در هر جا که در آن، سخن از عزت اسلام و وحدت مسلمین و برائت از مشرکین و نفرت از «انداد الله» و اصنام جاهلیت هست، می توان یافت. او زنده است، تا اسلام ناب محمدی زنده است؛ و او زنده است، تا پرچم

عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.

هنوز ندای ملکوتی او که می گفت: «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود»، در فضای مکه طنین افکن است، و درس فراموش نشدنی او که می گفت: «کدام خانه بی سزاوارتر از کعبه و خانه ی امن و طهارت ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود؟»، در کتیبه ی ذهن انسان های بیدار منقش است.

هنوز این سؤال هشداردهنده ی او که: «آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیل های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه ی ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد؟»، وجدان مسلمانان غیور را برمی انگیزد و پاسخی از سر وارستگی و اخلاص می طلبد. و هنوز این سخن پیامبر گون او، دل و جان مشتاقان را تسخیر می کند که می گفت: «هیئات که امت محمد صلی الله علیه و آله، سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند؛ و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت و آرام بماند و نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است، ادامه می دهد». و خدا را شکر خمینی بزرگ تنها نماند و چنان که او می گفت و می خواست: «بسیجیان جهان، این پابرنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگان شان سلب کردند».

هنوز این نوای شیرین و امیدبخش، دل مؤمنان را از فروغ حیات روشن می کند و خون امید و نشاط در پیکر امت اسلامی می دمد که: «مسلمانان جهان و محرومان سراسر گیتی، از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی برای همه ی جهانخواران آفریده است، احساس غرور و آزادی کنند و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در

منطقه ی کفر بسر آمده است و گلستان ملتها رخ نموده است و امید که همه ی مسلمانان، شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده ی خویش را نظاره کنند...».

آری، امام خمینی زنده است، تا امید زنده است؛ و تا حرکت و نشاط هست، و تا جهاد و مبارزه هست، ... امام خمینی و امت فداکارش، از مکه و میقات هم غایب نیستند.

سیلاب اندیشه ی جهاد و شهادت و مقاومت و برائت از مشرکین و محبت به مؤمنین که از قله ی بلند اندیشه ی او جاری است، همه ی دلها و جان های مستعد را فرا می گیرد و به او حضوری معنوی می بخشد. آری، چنان که او خود می گفت: «ما در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم در مکه است. دروازه های مدینهالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته ی محبتمان با پیامبر، هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می میریم و خدای را سپاس می گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه، پایدار مانده ایم و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه ی تاریخ محرومان و پابرهنگانیم و غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی داریم...».

دلهاگان را به او بسپرید

و اکنون که برای دومین بار دست جور و عدوان، راه خانه ی خدا را بر مسلمانان خداجوی ایران بسته و به حساب امریکا و اسرائیل، بر ملتی که برترین پرچم مبارزه با شیطان بزرگ و دولت غاصب دست نشانده اش را برافراشته است، جفا روا داشته و امت داغدار ما را که رخت عزای امام فقید اسلام را بر تن دارد، داغدارتر کرده است، این جانب نکاتی را از باب تذکر به برادران و خواهران حاضر در صحنه ی حج و به همه ی مسلمانان عالم و نیز به ملت بزرگ ایران عرض می کنم:

۱) حال که به نام خدا و به دعوت پیامبر خدا، راهی کوی دوست شده و از هر «فَج عمیق» به حریم بیت الله الحرام وفود کرده و احرام حج و هجرت الی الله بسته و ابراهیم وار

نغمه ی: إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ (۱)

به زبان فطرت سر داده و زمزمه ی: وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبَّ عَلَيْنَا (۲)

را به زبان حال و قال مترنم گشته اید، امید است از ثمرات کُلِّ شَيْءٍ که ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند استدعا کرد، شیرین کام شده و چشمتان به شهود منافی که حضرت ربوبی مژده داده، منور گردد.

به طور حتم، یکی از این منافع آن است که در پرتو مناسک و شعایر آموزنده ی حج، دلہاتان را که خانه ی خدا و امانت اوست، به او بسپرید و از شرک و زَیغ و زنگار تطہیر کنید و پیمان: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ (۳)

را تجدید نمایید و باتمسک به فرمان: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ، (۴)

به بشارت: وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى، (۵)

سرافراز گردید.

حج؛ کانون معارف اسلام و مظهر توحید

حج، کانون معارف اسلام و بیان کننده ی سیاست کلی اسلام برای اداره ی زندگی انسان است. حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم علیه السلام است که گفت: إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ؛ (۶) صحنه ی اتحاد عظیم امت اسلامی بر گرد محور توحید و براءت از مشرکین و نفی و طرد همه ی بتهاست. وبت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده ی افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت های شیطانی سلطه گر و جبار، و چه عصبیت های جاهلی و ناحق که: فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ. (۷) حج ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله و حج علوی و حسینی علیهما السلام آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران

۱- صافات: ۹۹

۲- بقره: ۱۲۸

۳- یس: ۶۰

۴- حج: ۳۰

۵- زمر: ۱۷

۶- انعام: ۱۹

۷- یونس: ۳۲

همراه باشد. زمزمه‌ی مناجات سالار شهیدان و سید شباب اهل الجنه در عرفات، چه زیبا این هر دو را در یک سخن می‌سراید: «الهی أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَيْذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا ... وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصِيرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْلَا نَصِيرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمُغْلُوبِينَ ... يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلوُكُ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» (۱)

. و خطبه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در یوم الترویبه که در آن نسخ مقررات جاهلیت و تحذیر از فریب شیطان برای وادار کردن بنی آدم به عبادت خود و حکم قاطع به پیوند برادری میان همه‌ی مسلمین را اعلام فرمود، خط کلی حج را معین می‌کند.

حج بی برائت، حج نیست

کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمدی صلی الله علیه و آله و جوشش زمزم حسینی، این جرعه‌ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی برائت، حج بی وحدت، حج بی تحرک و قیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح و معنای حج را فاقد است.

بت‌های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان از خدا بی‌خبر و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حج بامضمون سازنده و روشن و الهامبخش، بشدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته‌اند. آنها تبلیغات دامنه‌دار و خصمانه‌یی را به وسیله‌ی آخوندهای درباری و ریزه‌خواران سفره‌ی عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و باهیا هو و جنجال خواسته‌اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه‌ی عبادات فردی نیست؛ غافل از آن که هر انسان‌اندکی هوشمند هم بوضوح درمی‌یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جداافتاده و همصدایی صاحبان زبانها و نژادها و ملیتها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به جبل‌الله با حالت طبیعی در حج منظور نمی‌بود و فقط عبادت و رابطه‌ی جداگانه‌ی انسانها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از کُلِّ فَصْحٍ عَمِيقٍ و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودن این راه، چرا؟ و

حضور در مکه و سپس در عرفات و مشعر و منی، آن هم در ایام معدودات و روزها و ساعات معین برای همه ی مسلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه ی واحد، چرا؟

حجی که از پایه های دین به شمار می رود

آری، حج عبادت است و ذکر و دعا و استغفار؛ اما عبادتی و ذکر و استغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه ی امت اسلامی و نجات آن از زنجیرها و غل های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملاطت از آن. این است حجی که از پایه های دین به شمار رفته و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه آن را علم اسلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده ی فقر و تنگدستی و مایه ی تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است؛ و این است آن حجی که بندگان مجاهد خدا همه ساله از ایران با شوق و شور بدان روی می آورند و براثت از امریکا و صهیونیسم و نفی ولایت استکبار و شعار برای تعمیم ولایت الهی را شرط اصلی آن می شمرند؛ و این است آن حجی که سیلی خوردگان از اسلام و انقلاب و در رأس آنان امریکای جنایتکار، از آن احساس خطر می کردند و اکنون دو سال است حکام آل سعود برای شادی و خشنودی امریکا و اسرائیل، مؤمنین را از اقامه ی آن مانع می شوند و زبانها و قلم های مزدور آخوندهای نوکرسفت را به نفی آن و محکوم کردن آن وادار می کنند.

حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید

اینک شما حاجیان جهان اسلام؛ شما که دشمنان وحدت اسلامی نخواسته و نگذاشته اند که همراه با برادران ایرانی خود به طواف و سعی و وقوف و رمی و نماز و زیارت قبر رسول گرامی صلی الله علیه و آله بپردازید، یاد برادران مهجور و مصدود خود را در آن مراسم زنده کنید و حج را هرچه بتوانید، به معنی و روح و حقیقت آن نزدیک کنید و بدانید که هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض؛ و

خداوند نخواهد گذشت از آنان که برای رسیدن به هدف های ناپاک و حقیر خود، آماده اند که بزرگترین حربه ی امت اسلامی در برابر جهان کفر و استکبار را از او بگیرند و حج زندگی ساز و شورآفرین را، به عبادتی فردی و سطحی همراه با سیاحت و تجارت بدل کنند.

تفکیک دین از سیاست؛ یکی از بزرگترین مظاهر شرک

(۲) از بزرگترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادی از عبادت، و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا- معاذالله- جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنایتکارانند، و استضعاف و استعباد و استثمار خلاق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده ی بی مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعظالسلاطین و نوادگان «بلعم باعورا»، فریاد برخوانند آورد که دخالت در سیاست کردید، و اسلام را چه به سیاست؟!

این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. آنچه جای تأسف است، این که سالها غفلت مسلمین و مهجور ماندن قرآن سبب شد که دست های تحریف بتوانند به نام دین، هر سخن باطلی را در اذهان جای داده و بدیهی ترین اصل دین خدا را منکر شوند و شرک را جامه ی توحید پوشانده و مضمون آیات قرآن را بی دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه ی قسط را هدف از ارسال رسل می داند؛ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، (۱)

و در حالی که با خطاب کُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ، (۲)

همه ی مؤمنین را موظف به تلاش برای اقامه ی قسط می کند، و در حالی که آیات کریمه ی قرآن، اعتماد به ستمگران را ممنوع می سازد و به پیروان خود می فرماید: وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى

۱- حدید: ۲۵

۲- نساء: ۱۳۵

الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ، (۱)

و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می‌شمرد و می‌گوید: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ، (۲)

و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می‌دهد؛ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، (۳)

و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه‌ی قدرت‌های مادی و سیاسی و همه‌ی بت‌های بی‌جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره‌ی سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می‌کند، باز کسانی پیدا می‌شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضداسلامی را از آنها پذیرند.

سیاستمدارانی که دائماً دم از جدایی دین و سیاست می‌زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می‌کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟ آیا فکر کرده‌اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه‌ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف بندی‌های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می‌کند؟

آیا در آیه‌ی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ (۴)

و آیه‌ی وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ، (۵)

یا آیات معرفی حزب الله و حزب الشیطان، یا آیات ولایت الله، یا آیات حکم به غیر ما انزل الله، اندیشیده و در آن تأمل کرده‌اند؟

۱- هود: ۱۱۳

۲- نساء: ۶۰

۳- بقره: ۲۵۶

۴- ممتحنه: ۱

۵- شعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲

آیا اعمال و رفتار سیاسی و اجتماعی انسانها که بیشترین بخش زندگی آنهاست، بدون جزاست؟ پس وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا (۱)

و وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ (۲)

چیست و با کدامین میزان سنجیده می شود؟ آیا می توان گفت اسلام در دنیا به خوب و بد این گونه اعمال کاری ندارد و وظیفه یی مقرر نمی کند؛ ولی در آخرت جزای آن داده می شود؟

آیا جهاد اسلامی که درصدها آیه ی قرآن و حدیث مسلم، در زمره ی برترین فرایض دینی قرار گرفته و ترک آن مایه ی ذلت و شقاوت دنیا و آخرت شناخته شده، برای به دست آوردن چه چیز و دفاع از کدامین ارزش است؟ آیا حیات طیبه یی که برای تحصیل آن باید جهاد کرد، زندگی در زیر سایه ی شوم ولایت غیرخداست؟ بر خاک مذلت نشستن و حاکمیت جباران و ارزش های غیرالهی را تماشا کردن و تن به ذلت دادن است؟ و اگر چنین نیست و جهاد برای تحصیل حاکمیت الله و خروج از ولایت طاغوت به ولایت الله است، پس چگونه می توان نقش و ارزش سیاست را در دین و در هدف های تعیین شده ی دینی، دست کم یا نادیده گرفت؟

نغمه ی جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان است

بدیهی است که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان پلیدی است که از اسلام زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته اند صحنه ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسف انگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این همصدایی برخی ملبسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکت است، که

۱- کشف: ۴۹

۲- زمر: ۷۰

مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعاظ السلاطین (لعنهم الله)، به این هم اکتفا نمی کنند که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایتکاران هم می پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبری از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و انکار آیات خدا- ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و براءت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستمدیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانی های خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمان نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!!

محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی

این جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی الله و فانی فی الله آشکار می شود که اسلام را به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی تقسیم می کرد. اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش ناپذیری با زورگویان و فتنه گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام آمریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرت های استکباری و توجیه کننده ی اعمال آنهاست؛ بهانه یی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت های مسلمان است؛ وسیله یی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین- چنان که در صدر اسلام بوده است- بلکه به عنوان گوشه یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت.

اسلام امریکایی، اسلام انسان های بی درد و بی سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه ی تجار، وسیله یی برای زراندوزی یا قدرت طلبی می دانند و همه ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی محابا به زاویه ی فراموشی می افکنند و یا وقیحانه تأویل می کنند.

اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت های محروم و مظلوم خود را در آستانه ی آلهه ی امریکایی و اروپایی قربان می کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می دوزند؛ اسلام سرمایه دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه ی فضیلتها و ارزشها می کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می داند و همه ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می کند؛ و این چیزی است که ملت های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.

دشمنی جبهه ی شیطان با اسلام

۳) امروز یکی از مسایل مهم جهان اسلام، دشمنی کینه توزانه و دیوانه وار جبهه ی شیطان و بخصوص شیطان بزرگ، با اسلام و مفاهیم و عقاید اسلامی است. اگرچه دشمنی برنامه ریزی شده و همه جانبه با اسلام، از آغاز پیدایش استعمار سابقه دارد و استعمارگران در سده های اخیر که کشورهای اسلامی را جولانگاه غارت و چپاول و کشتار و تجاوز خود کرده بودند، به اسلام به چشم مانع و سد مستحکمی در برابر فتنه انگیزی های خود نگریسته و آن را آماج حملات سیاسی و فرهنگی شدید قرار دادند و برنامه ی جدایی مسلمین از قرآن و اسلام را با مکرهای شیطانی خود و از جمله با ترویج فساد و ابتدال و فحشا به اجرا گذاشتند، و لیکن از هنگامی که آتشفشان انقلاب اسلامی، خرمن امیدهای آنان را به آتش کشید و فروغ امید را بردل مسلمانان جهان تابانید و حیات دوباره ی اسلام در جهان را نوید داد، قدرت های استکباری همچون گرگ زخم خورده،

به هجومی همه جانبه و سراسیمه و دیوانه وار علیه اسلام دست زدند، که البته دور از انتظار نبود، و به طور حتم سنت های الهی در شکست و فزونی آنان محقق خواهد شد- ان شاء الله- چنان که قرآن فرموده است: **وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصَِّبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعًا**؛ (۱) به شرط آن که مؤمنین به اسلام، به وظایف خود در قبال این توطئه ها آشنا باشند و از انجام آن غفلت نورزند.

جمهوری اسلامی، آماج توطئه های طراحی شده علیه اسلام

بدیهی است که آماج اصلی همه ی توطئه هایی که در ده سال گذشته علیه اسلام طراحی شد، جمهوری اسلامی بود، که ام القرای اسلام و پیشاهنگ حرکت جهانی آن محسوب می شود، و در این ده سال ملت ایران انواع ضرباتی را که در واقع به سمت اسلام و نیروی عظیم انقلابی آن هدف گیری شده بود، پذیرا شدند. جنگ تحمیلی هشت ساله، محاصره ی اقتصادی و انواع حملات بی شمار سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، درحقیقت با انگیزه ی فشار بر اسلام و دشمنی با آن انجام گرفت و ما افتخار می کنیم که به خاطر گوهر عزیز یکدانه یی که با خود داشتیم- یعنی ایمان به خدا و عمل به اسلام- سالها مورد خشم جنون آمیز و انتقام سبانه ی قدرت های جهانی قرار گرفته و سپر بلا شدیم. آری، **وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ**. (۲) ولی مبارزه ی قدرت های استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره یی وسیعتر، هم باروش های سیاسی و تبلیغاتی، و هم باروشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد.

فشار و سختگیری بر مبارزان و آزادیخواهان و علما و روشنفکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیم های وابسته به امریکا، و نیز سختگیری نسبت به اقلیت های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، نمونه های بارز مبارزه ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه ی فیلم های اهانت آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و

۱- رعد: ۳۱

۲- بروج: ۸

غیراسلامی، نمونه های مبارزه ی فرهنگی بااسلام است. اکنون دولت های استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پول های گزافی را در راه این خصومت های جنایت آمیز خرج می کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می گیرند.

احساس ضعف استکبار در برابر اسلام

نکته ی مهم آن است که این حرکات خصمانه، ناشی از احساس ضعف اردوگاه استکبار در برابر اسلام است. صلابت اسلامی و پایداری ملت مسلمان ایران و فریادهای تندراسای بت شکن قرن و فضل و نصرت الهی که آن عبد صالح و یارانش را همواره شامل بود، موجب شد که صدور اندیشه ی انقلابی اسلام که دشمن بشدت از آن در هراس بود، از همان راههایی که آنان برای جلوگیری از صدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقانیت این ملت بزرگ و گسترش دامنه ی انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسختر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد.

امروز ایادی استکبار جهانی در همه جا در برابر اسلام موضع انفعالی دارند و کینه ورزی آنان با اسلام، چه با شیوه های فرهنگی و چه سیاسی با زور و سرنیزه، از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده ی اسلام است.

این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده ی آنان در دفاع ازاسلام تبدیل می شود. نمونه ی بارز، ماجرای نوشتن کتاب آیات شیطانی نویسنده ی مرتد و مهدورالدم انگلیسی است که دولت های استکباری با این کار می خواستند اسلام را تضعیف کنند، و خدای متعال برعکس خواسته ی آنان، این کار را موجب آبروریزی آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مهدورالدم بودن نویسنده اش، آهنگ

مسلمین رساتر و انسجام آنان بیشتر شد و همه ی تلاش های دشمن در مبارزه با اسلام- ان شاء الله- به همین گونه نتیجه یی منتهی خواهد شد که: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانٌ ضَعِيفًا (۱)

مسلمانان کاملاً حساس و هوشیار باشند

نکته ی دیگر آن است که مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملاً حساس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می تپد و از حقد و کینه ی دستگاه های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه ی عمومی و بزرگ آنهاست.

البته وظیفه ی عمومی همگان در برابر اهانت به مقدسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به واجب القتل بودن نویسنده ی مرتد و پلید آیات شیطانی، تکلیف همه را نسبت به موارد مشابه روشن می سازد. حکم امام امت درباره ی آن نویسنده ی نگون بخت به قوت خود باقی است و او باید همچنان در انتظار اجرای آن تا لحظه ی مقدر بماند.

مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، باید برای اعلام مخالفت و نفرت خود از توطئه های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند، و مطمئن همان گونه که مسلمانان غیور در پاسخ به ندای امام امت (اعلی الله کلمته) تاکنون قاطعانه موضعگیری کرده اند، از این پس نیز به همان گونه عمل خواهند کرد.

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود

۴) در حج باید مسایل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله ی ملت های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت ترین شرایط زندگی را بر آنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه ی بارزی از این گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه ی خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه ی دولت های استعمارگر و ضد اسلام و به دست جنایتکار صهیونیستها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است. کسان و گروه های زیادی در این مدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده، یا ادعای آن را کرده اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گرهها کورتتر هم شده است.

علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولاً از یاد بردن هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول دهها سال گذشته، و ثانیاً خیانت سران کشورهایایی از اعراب و حتی خیانت سران و چهره هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمدالله عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغضوب زنده شده، و به همین جهت معادله ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.

جوانان و کودکان و زنان و مردانی که امروز مظلومانه در شهرهای وطن مغضوب با خون خود کوچه ها و خیابانها را رنگین می کنند، و نمازگزارانی که در اجتماعات هفتگی جمعه ی خود، کابوس مرگ را بر سر اسرائیلیان غاصب و مهاجر می کوبند، نور امیدی را بر سراسر فلسطین تابانیده اند که در تمام چهل سال غضب و قبل از آن در روزگار فشار و اختناق انگلیسی، هرگز سرزمین مقدس آن را به خود ندیده بود، و آینده هم متعلق به

همین مؤمنین مصمم و مبارز است.

امروز دیگر روزگار ضعف و انفعال و انتظار ملت فلسطین تمام شده است و اسلام نیروی حقیقی آن ملت برجسته را به وی بازگردانده است. امروز دیگر سران خائن و سازشکار فلسطین فروش فلسطینی که فارغ از رنج شهروندان یا چادرنشینان، به معامله ی سیاسی و تجارت با سرمایه ی فلسطین مشغولند، نمی توانند سرنوشت آن کشور و ملت را رقم بزنند. سرنوشت فلسطین، در مسجدها و نماز جمعه ها و خیابانها و میدان های سراسر زمین های اشغالی است که رقم می خورد، و این از برکات اسلام است.

ملت لبنان نیز که از دو سو زیر فشار صهیونیستها و همدستان فالانژ آنان سالهاست با آتش و خون سروکار دارد، راه خود را یافته و تصمیم خود را بر ضد نظام فاشیستی و قبیله یی مدرن و مورد تأیید امریکا و فرانسه و انگلیس گرفته است.

مسلمانان مظلوم لبنان، سرنوشتشان با ملت فلسطین گره خورده و رنج همسایگی با متجاوزین افزون طلب صهیونیست را می برند. در این جا نیز ایمان و جهاد است که بن بستها را خواهد شکست.

دنیا ناباورانه شاهد بن بست شکنی در قضیه ی افغانستان بود. مجاهدان افغان، به برکت اسلام و وحدت کلمه، توانستند ارتش بیگانه را بیرون برانند، و اگر باز هم به همین دو عامل تکیه کنند، خواهند توانست حکومت شایسته ی مطلوب خود را در آن کشور تشکیل داده و رژیم وابسته ی کنونی را از جا بکنند. این دو عامل، عیناً علاج همه ی دردها و گرفتاری های فلسطین و لبنان نیز هست.

ما علاج مسأله ی فلسطین را در راه حل های دیکته شده ی ابرقدرتها نمی دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده ی سرطانی حکومت صهیونیستی است، و این کاملاً ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسأله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به کار برند. ملت ایران مانند همیشه خود را در کنار مبارزان فلسطینی می داند و بدون پیروزی در قضیه ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص می شمرد.

امام راحل عظیم، از نخستین روزهای شروع مبارزه در ایران، مسأله ی فلسطین را در صدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب

کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیت نامه ی سیاسی، الهی اش با ما و همه ی مسلمانان عالم، درباره ی آن حرف زد. این واجب، تخلف ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت- ان شاء الله- و خدا با ماست.

امام خمینی در دل یکایک عاشقانش زنده است

۵) نزدیک به چهل روز است که امت اسلام در سوگ امام و مراد و مقتدای خود در التهاب و سوز و خروش است. نزدیک چهل روز است که امام خمینی، آن بنده ی مطیع خدا، آن دشمن آشتی ناپذیر مستکبران، آن طرفدار و خدمتگزار مستضعفان و محرومان و مظلومان، آن برافرازنده ی پرچم اسلام ناب محمدی و افشاگر اسلام امریکایی، آن فریادرس مسلمانان جهان، آن مجمع خصال والای اسلامی و آن مسلمان کامل، در میان ما نیست. او به ملکوت اعلی پیوست و ملت انقلابی ایران و دیگر فرزندان در سراسر جهان را داغدار و ماتمزده کرد؛ اما طنین صدای او که ندای حق و عدل بود، در دل های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد. برای او که راهرو راه پیامبران بود- همچون خود پیامبران- مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.

او دربانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده ی قهرآمیز ملت های زیر ستم، در ایمان آگاهانه ی نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوباره ی معنویت و ارزش های اخلاقی در جهان، و در همه ی جلوه های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ ساز او در دوران معاصر به وجود آورد، و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است.

دشمنان زخم خورده ی انقلاب، انتظار روز فقدان او را می کشیدند، تا در غیبت آن دیده بان بیدار و نگاهبان نیرومند، به مولود و میراث و تلاش او- یعنی جمهوری اسلامی در ایران و نهضت بیداری مسلمین در جهان- دستبرد زنند و چشم زخم وارد آورند؛ اما بیداری انقلابی و ایمان آگاهانه و وفای عاشقانه ی ملت بزرگ ایران که در تشیع جنازه ی

بی نظیر و عزاداری تاریخی آن بزرگوار و حوادث پس از آن بروز کرد، و نیز پیوند و رابطه‌ی عمیقی که مسلمانان جهان در آسیا و اروپا و افریقا نسبت به ملت ایران و امام فقید نشان دادند، دشمنان را مأیوس، و تحلیلها و پیش بینی های آنان را افسانه و پندار ساخت.

ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند

من وظیفه دارم احترام و سپاس عمیق خود را به ملت عظیم الشان ایران ابراز دارم و به آنان خاضعانه عرض کنم که شما با امتحان بزرگ و تکان دهنده‌ی مواجهه شدید و روسفید و آبرومند از آن بیرون آمدید؛ سلام و رحمت خدا بر شما باد. شما در حیات بابرکت امام، بهترین و صدیقترین یاران برای او بودید و مایه‌ی سربلندی آن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله شدید و پس از پرواز ملکوتی او نیز، باشکوهترین وفاداری را نسبت به او و وصیت او نشان دادید؛ خدای بزرگ از شما راضی باد. و نیز وظیفه دارم از همه‌ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان سپاسگزاری کنم، که دل ملت ایران را تسلأ دادند و دشمن را مرعوب کردند و وحدت شکوهمند اسلامی را به نمایش گذاردند؛ روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه‌ی آنان راضی باد.

متأسفانه در دنیای اسلامی، کسانی از سران سردمداران و جیره خواران و عالم نمایان و قلم فروشان نیز بودند که قدر امام را که در هالتاج عزتی بر تارک امت اسلامی بود، نشناختند و با او جفا کردند و برای دلخوشی امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام، با او درافتادند و برای خاموشی نور وجود او، خفاش گون تلاش کردند؛ یُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. (۱) لعنت خدا و نفرت مسلمین و حسرت ابدی بر آنان که با خلف صدق پیامبر صلی الله علیه و آله آن کردند که ابوجهل و ابولهب و فرعون و قارون و بلعم باعورا و همه‌ی ائمه‌ی نار با پیامبران و صدیقان و ائمه‌ی نور کرده بودند؛ وَ أَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ. (۲)

۱- صف: ۸

۲- قصص: ۴۲

راه امام خمینی قدس سره را دنبال می کنیم

ما با خدا پیمان بسته ایم راه امام خمینی قدس سره را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه ی فاضله ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ نشین، و به کار گرفتن همه ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه های ماست. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.

چشم انداز آینده، روشن و امیدبخش است

برادران و خواهران، ملت عزیز ایران! اگر دست دشمن امسال نیز شما را از حق مسلمتان - یعنی زیارت بیت الله و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی هدای مدفون در بقیع علیهم السلام - محروم ساخت و برگ دیگری بر کارنامه ی سیاه خود افزود، اما چشم انداز آینده به نظر ما روشن و امیدبخش است. ما تاکنون به تکلیف اسلامی خود عمل کرده ایم و بر تبعات آن نیز صبر می کنیم و امیدوارم خداوند لطف خود را بر ما بگستراند و رضای حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و دعای آن حضرت را شامل حال ما سازد.

وعده ی خدا به رسولش، ان شاء الله درباره ی شما فرزندان مخلص امام و یاران فداکار اسلام نیز به تحقق خواهد پیوست، که فرمود: لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسِيحُ جِدَّ الْحَرَامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤْسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ. (۱)
اول ذی الحجه الحرام ۱۴۰۹ هجری

سید علی حسینی خامنه ای

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۷/۴/۱۳۶۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۷/۴/۱۳۶۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز

فرارسیدن ایام حج، همه ساله، همراه با شوق و حنین دل های شیفته و جانهای آرزومندی از سراسر جهان اسلام است که در جوار خانه ی معبود و دیار محبوب، سر بر آستان عشق و تقدیس گذارند و جبهه ی تعبد و تقرب بر خاک آن مقام بسایند. ایام معلومات را در سایه ی ذکر و نیایش بگذرانند و در پناه رحمت و مغفرت حق بیارمند.

برادران دور افتاده ی خود از چهار گوشه ی عالم را ببینند و شکوه امت اسلامی را در نمونه یی زنده و مجسم، حس کنند.

اما ملت مظلوم و پاکنهاد ما در این ایام، همراه با اشتیاق مخلصانه ی خود به حضور در آن مشهد عظیم جان ها و دل ها و تن ها و تلاشها، دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز را با همه ی وجود احساس می کند و آن را به خدا و نبی مکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) شکوه می برد:

اول، غم شهادت فراموش نشدنی کبوتران خونین بال حرم را که سه سال پیش به جرم اعلام براءت از مشرکین، به تیغ کین و حقد حکام سعودی، در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده شدند. بندگان پرهیزگار و بااخلاصی که در خانه ی خدا- یعنی خانه ی خودشان- به خاطر خوشایند بیگانگان و دشمنان، به دست بیگانه پرستان و از خدا بی خبران، مظلومانه به شهادت رسیدند و با خون به ناحق ریخته ی خود، داغ ننگی بر

پیشانی حکام ستمگر و خائن حجاز نهادند.

و دوم، درد فراق خانه ی خدا و محرومیت از انجام مناسک حج و ممنوع شدن از حضور در محشر عام مسلمین را که به دست خود فروختگان، بر ایشان تحمیل شده و راه خانه ی خدا به روی آنان مسدود گشته است. این، یکی از عبرت انگیزترین وقایع دوران تحول خیز کنونی است که ملتی از همه به اسلام وفادارتر و از همه در راه خدا فداکارتر، از خانه ی خدا مسدود شود و از انجام فریضه ی اسلامی ممنوع گردد.

آن روی این صفحه ی شگفت انگیز آن است که حرم الهی، برای مستشاران امریکایی و کمپانیداران نفتی امن باشد و برای مسلمانان پاکباز و خانه پرداز، ناامن و کمین صدها خطر. این، از جمله ی نشانه های غریبی است که خبر از وضعی بشدت ناهنجار می دهد و طبعاً در خود، بشارت تحولی و آینده یی بهنجار حمل می کند. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. (۱) بوقهای جهانی، همصدا با دروغگویان سعودی، آن روز گفتند که ایرانیان در پاسخ حمله به مسلحین سعودی کشته شده اند و عدد کشتگان آنها این همه نیست و به همان عدد، از نظامیان مکه به هلاکت رسیده اند!

شگفتا! چگونه زایران بی دفاع که سلاحی جز اراده ی قوی و ایمان عمیق و عشق آمیخته به ایشار نداشته اند، می توانستند گاردهای دست آموز سعودی را به قتل برسانند، یا آغازگر حمله به آنها باشند؟ و چگونه می توان در تعداد شهیدان این فاجعه شک کرد؟

آیا حمل بیش از چهارصد پیکر شهید از مکه به ایران، برای اثبات وسعت جنایت کافی نبوده است؟ امروز هم همان بوقها و همان دروغگویان می کوشند که گناه آل سعود را در جلوگیری از حج ایرانیان، کوچک جلوه دهند، یا انکار کنند.

دولت جمهوری اسلامی، برای گشودن راه کعبه ی مقصود، از هیچ تلاشی سر باز نزد و باز هم نخواهد زد؛ اما مدعیان تولیت حرمین شریفین، بر جلوگیری از حضور حاجیانی که حج را به معنی درست آن شناخته و توحید الهی را با برائت از مشرکین همراه کرده اند، اصرار می ورزد.

غمی از این بزرگتر نیست که مدعیان خدمت به حرمین شریفین و کلیدداران خانه ی خدا، کمر بستگان خدمت امریکا باشند و از شعار وحدت مسلمین و برائت از امریکا و صهیونیسم، وحشت کنند!

این وضع، موجب آن است که امروز هم که روز بیداری مسلمانان و طرح شعارهای اساسی اسلام است، حج- این فریضه ی بزرگ امت ساز و دشمن شکن- از مضمون واقعی خود برکنار بماند و قالبی به این عظمت و شکوه، معنایی به تناسب خود نداشته باشد.

توانمندی های حج

حج می تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه پاره های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده اند، نجات دهد. حج می تواند دردهای مسلمین را به علاج نزدیک کند و بزرگترین درد آنان را- که سلطه ی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کفر و استکبار است- درمان نماید. حج می تواند دل بستگی های اسارت آفرین را از دلها بشوید و در مقابل، ارتباط با خدا و با بندگان خدا را در فرد و جمع مسلمانان تقویت نماید و همین دلیل است که سیاست های حاکم بر حجاز، از حج واقعی و حامل مضمون الهی و سیاسی بیمناکند و قدرت تحمل آن را ندارند.

ملت مؤمن و مبارز ما، تنها به این جرم از حج محروم می شوند که خواسته اند روح و معنای حج را به آن برگردانند و عبودیت خدا را با اظهار برائت از مشرکین- که خود، حاق معنای عبودیت است- همراه سازند. اما نه حکام حجاز و نه دست های پشت پرده یی که به خاطر منافع استعماری خود، این سیاست های خائنه را به آنان دیکته می کنند، نخواهند توانست از بازگشت حج به شکل صحیح خود، جلوگیری کنند.

ملتهای اسلامی بیدار شده اند

امروز ملتهای مسلمان بیدار شده و رو به حاکمیت اسلام پیش می روند. امروز شعارهای اسلامی، که تا چندی پیش فقط از حنجره ی ملت پیشرو و پیشاهنگ ما خارج

می شد، در میان دیگر ملت‌های مسلمان نیز گسترش و جذابیت یافته و از شرق تا غرب، در همه جای جهان اسلام، احساس هویت اسلامی را به ملت‌ها برگردانده است.

سیاست‌های استکباری، تا کی خواهند توانست از سفر حج جوانان بعضی کشورهای اسلامی جلوگیری کنند؟ تا کجا خواهند توانست از ورود مسلمانان آگاه و بیدار کشورهای اسلامی به مکه و مدینه مانع شوند؟ امروز حماسه‌ی اسلام در شمال آفریقا و در برخی کشورهای دیگر اسلامی، در حال دگرگون سازی وضعیت سیاسی این مناطق است. آیا خواهند توانست مردم این کشورها را نیز از حج، مصدود و ممنوع کنند؟ ما حج و زیارت حرمین شریفین را حق مسلم ملت خود دانسته و با تمام قوا آن را از آل سعود- که تضييع کنندگان این حق مسلمند- مطالبه می کنیم و به حول و قوه الهی، آن را از آنان می ستانیم.

جبهه‌ی کفر و استکبار بدانند که آینده متعلق به اسلام است و هیچ تدبیری و هیچ قدرتی نخواهد توانست از اقتدار روزافزون اسلام و رواج روزافزون شعارها و ارزش‌های اسلامی در جوامع مسلمین، جلوگیری کند.

استکبار، محکوم به عقب نشینی است

ملت عزیز ما نیز بدانند- و می دانند- که عزت و عظمت و شکوه اسلام، که با قیام و فداکاری آنان در دوران انقلاب تا امروز به وجود آمده، هر روز که می گذرد، بر عزت و عظمت و اقتدار آنان می افزاید و کید دشمنان در برابر صبر و مقاومت شجاعانه‌ی آنان، قادر به پایداری نیست.

استکبار و ایادی آن، محکوم به عقب نشینی در برابر موج فزاینده‌ی اسلامند، و خون پاک شهیدان مکه و دیگر شهدای انقلاب اسلامی، راه حرکت و پیشرفت اسلام در جهان را هموار ساخته و پرچم اسلام را در بسیاری از نقاط عالم به اهتزاز درآورده است.

توجه به حج ابراهیمی و محمدی

حجاج بیت الله الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم

درخانه ی خدا گرد می آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان- که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه ی جهانی است- و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله سازند.

شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم الشان و قائد کبیر اسلام، امام خمینی قدس سره مطرح شد، علی رغم میل سازشکاران سیاستباز، باید با قوت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.

جدایی دین از سیاست که توطئه ی دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه ی کشورهای اسلامی در مقابله با سیاستهای استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملت‌های مسلمان شمرده شود.

اگرچه امسال نیز برادران مجاهد و شجاع و ایثارگر شما از ایران، در جمع حاجیان نیستند و ایادی امریکا و اسرائیل، راه آنان به سوی آن کعبه ی آمال را قطع کرده اند، اما دل‌های آنان در آن جاست؛ همچنان که شعارها و خواسته ها و سخن دل آنان، بی شک برای یکایک کسانی که به عزت اسلام و مسلمین می اندیشند، مطرح است.

از خداوند متعال، پیروزی اسلام و مسلمین را مسألت نموده و امیدواریم با پایداری و استقامت و بیداری و آگاهی مسلمانان، مخصوصاً علما و متفکران و روشنفکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان در کشورهای اسلامی، و توجه به عظمت و وظیفه یی که بر دوش آنان است، دست کفار و مستکبرین از جوامع اسلامی قطع شود و عزت و عظمتی که خداوند برای مؤمنان مقدر فرموده، به جوامع مسلمان برگرداند.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

علی حسینی خامنه ای

۵ ذیحجه ی ۱۴۱۰

انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(۱۷ / ۱ / ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی - دام بقائه -

خدای مَنان را شکر گزاریم که بار دیگر با عنایات خود، ملت شریف ایران را مشمول تفضلات خاص فرموده و موانع را از سر راه حج ابراهیمی و حضور در میعاد الهی و مردمی خانه ی مکرم خود برطرف نموده و دلهای مشتاق را با دعوت به وعده گاه ضیافت خود به اهتزاز آورد.

اکنون به فضل الهی و توجّهات ولیّ الله الأعظم (روحی فداه)، ملت ایران در آستانه ی استیفای حق عظیمی است که سه سال به ناروا از او بازداشته شده بود. باید شک نکرد که روح مطهر امام آزادگان و قائد درست اندیشان، آن پایه گذار حج ابراهیمی و ولایت و برائت محمدی صلی الله علیه و آله از توفیق کرامت بار ملت ایران و تلاش و مجاهدتی که به این عزت منتهی شد، شاد و راضی است.

این جانب با تأسی به آن بزرگوار - که جناب عالی را با اعتمادی کم نظیر، از همگنان ممتاز ساخته بود - با اطمینان و اعتماد کامل به دانش و بصیرت و هوشمندی همراه با امانت و صداقت و کارآیی که از آن برخوردار می باشید، شما را به سمت نماینده ی خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می کنم.

این واجب بزرگ که ذکر خداوند و انابه و استغفار در آن، با برائت و بیزارگی از مشرکین و نمایش عظمت و وحدت مسلمین توأم و همراه است، امسال در شرایطی انجام می گیرد که مع الاسف بخشی از سرزمین های اسلامی عربستان و عراق، به حضور و

تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادر کشی های بی سابقه یی در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه دار می سازد، و حج باید بر دل‌های خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را- که همانا اتحاد و همبستگی ملت‌های مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهان‌خواران و غارتگران ثروتهای مادی و معنوی مسلمین است- به آنان نشان دهد.

حضور جناب عالی که یادگار عزیز و گرانقدر امام المجاهدین و خود از شخصیت‌های برجسته ی انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه ها و ترفندهای استکباری می باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و به حق جمهوری اسلامی را بی واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده ی دنیای کنونی و منطقه ی اسلامی مطلع شوند.

لازم است جناب عالی کلیه ی دستورات حضرت امام خمینی قدس سره را در احکام صادره به نمایندگان محترم ایشان در حج سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و با دقت و تمام امکان به آن عمل نمایید، وبالخصوص مسلمین را به وحدت کلمه و دفاع از اسلام و مبارزه با ائمه ی کفر و سردمداران ظلم و فساد جهانی و متجاوزین به حقوق کشورها و ملت‌های ضعیف و دست نشاندهگان آنان توصیه کنید و از وقایع ظالمه و خونینی که در فلسطین و عراق و لبنان می گذرد، آنان را آگاه سازید.

همچنین ضروری است که در هر فرصتی، همه ی حجاج، بالخصوص حجاج عزیز ایران را به ذکر و خشوع و تضرع و تقویت علقه های معنوی و رابطه با حضرت باری تعالی و تقدس متذکر فرمایید.

اکنون در آستانه ی فصل مبارک حج، یاد شهیدان مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی- که داغ آنان از دل زدوده نشده و نخواهد شد- دل را می گدازد و اشک بر دیده جاری می سازد. امید است که حج ناتمام آن مظلومان، به لطف خدای عزیز و

قدیر، به کمال و تمام حج همه ی مسلمین بینجامد و خون به ناحق ریخته ی آنان، تقاص همه ی خونهای به ناحق ریخته ی جهان اسلام را در پی داشته باشد.

لازم می دانم از جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای کروی - رییس محترم مجلس شورای اسلامی - که با توجه به مسؤولیت سنگین خود در کشور، امکان ادای این مسؤولیت را نداشتند، به خاطر زحمات بی دریغ در حج سالهای گذشته تشکر کنم و توفیق جناب عالی و کسانی را که در این امر خطیر همکار و دستیار شما خواهند بود، از خداوند مسألت نمایم.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

بیستم ماه رمضان ۱۴۱۱ برابر با هفدهم فروردین ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

حکم انتصاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری به عنوان نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(۶/۲/۱۳۷۰ ه. ش.)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محمدی ری شهری - دام بقائه -

بر آشنایان معارف اسلامی پوشیده نیست که فریضه ی حج بیت الله از جمله ی تکالیف نادری است که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی، به شکلی باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانیده شده و درست گزاردن آن می تواند او را به توفیقات بزرگی در همه ی عرصه های مادی و معنوی نایل سازد.

در این فریضه ی بزرگ، سیر آفاق با سیر انفس، ذکر و خشوع و انابه و استغفار با سعی و حرکت و وقوف و برائت، اتحاد و رفق و تراحم مؤمنان با هشدار و بیزاری و پرهیز از کافران، «از سراب خود رو بر تافتن» با «در اقیانوس جمع فرو رفتن»، «درد خود را به طیب القلوب گفتن» با «طبیانه از درد مسلمین جهان پرسیدن» و خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، همسنگ و همعنان گردیده اند. این تنوع و پیچیدگی، همواره ایجاب کرده است که به منظور هرچه بهتر و کاملتر برگزار شدن حج، همه ساله هدایت و زعامتی، خیل حاجیان بیت الله را سرپرستی کند و به آنان در سیراب گشتن از این سرچشمه ی فیض الهی یاری رساند.

اکنون که حجاج ایرانی به فضل و توفیق الهی و تحت عنایت و به برکت دعای حضرت ولی الله الاعظم (روحی فداه) بار دیگر با رفع موانع، توفیق آن یافته است که در این میعاد عام مسلمین شرکت کرده، لوای حج ابراهیمی را برافرازد، جناب عالی را

که از چهره های سرافراز جمهوری اسلامی و دارای مواقف افتخار آمیز در طول سالیان گذشته و همواره کارگزاری امین و شجاع و کارآمد برای انقلاب و پیشوای عظیم راحل آن بوده اید، به سمت نماینده ی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می کنم.

انتظار می رود که حجاج محترم، با راهنمایی و ارشاد جناب عالی فرصت یابند به برکت مناسک و شعایر حج، دلهای خود را در زلال ذکر خدا تزکیه و تطهیر کرده، در کنار آن، با مشاهده ی شکوه جماعت مسلمین که از اقطار میهن بزرگ اسلامی به طواف کعبه آمده اند، فکر و ذهن خود را به عظمت اسلام و مسلمین متوجه سازند و قدرتی را که خداوند در ید واحده ی امت اسلامی به ودیعه نهاده است، به چشم ببینند.

غفلت مسلمانان از این نیروی لایزال، همواره موجب آن شده است که دشمنان اسلام و غارتگران ثروتهای مسلمین بتوانند حيله گرانه بر سرنوشت ملت‌های اسلامی تسلط یابند و در این مقطع زمان، دست پلید اردوگاه کفر و استکبار و در رأس آن رژیم جبار و عنود امریکا، در سرزمینهای اسلامی با همین وسیله به هر تصرف دلخواه خود دست زده، در جان و مال مسلمین دست تطاول گشوده است.

در حج باید تا سرحد توان و امکان، پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد و ضمن استفسار از مسایل و حوادث آنان، حقایق مسلم سیاسی که امروز در فضای جمهوری اسلامی بر اکثر یا همه ی مردم آشکار است، به آنان انتقال یابد و آیه ی کریمه ی ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ... تحقق پذیرد.

مسلمین به اتحاد کلمه ترغیب و از کید دشمنان بر حذر داشته شوند و تجارب ملت انقلابی و فداکار ما برای آنان تشریح گردد.

لازم است همه ی دستوره‌های حضرت امام خمینی - قدس الله نفس الزکیه - را به نمایندگان‌شان در احکام صادره ی سرپرستی در سالهای گذشته در مد نظر داشته و دقیقاً آنها را به اجرا در آورید؛ و برمسئولان حج؛ اعم از مدیران دولتی و روحانیون محترم و رؤسای کاروان‌ها و همه ی حجاج محترم لازم است که از راهنمایی‌ها و دستورات

جناب عالی پیروی کنند.

با دعا برای تعالی درجات روح مطهر امام عزیزمان و ارواح طیبه ی شهدای مظلوم حج و دیگر شهیدان راه حق، شما را به خدا می سپارم و توفیق شما و دیگر حجاج محترم را از خداوند مسألت می کنم.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

یازدهم شوال ۱۴۱۱ برابر با ششم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری روحانیون و ... (۱/۳ / ۱۳۷۰ ه. ش.).

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج

اشاره

(۱/۳ / ۱۳۷۰ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید

من هم از همه ی برادران و خواهرانی که در تدارک اسباب حج امسال زحمت کشیدند، از مسؤولان اجرایی در بخشها و دستگاههای مختلف، مخصوصاً از جناب آقای ری شهری که زحمت کشیدند و این کار بزرگ را تعقیب کردند و وسایل حج امسال این ملت عزیز و عظیم الشان را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر می کنم.

ان شاءالله شکر و سپاس الهی و قبول ذات مقدس پروردگار آن وقتی خواهد شد که این مراسم بزرگ، آن چنانی که مورد رضای اوست و با همان جهتگیری که اسلام برای ما ترسیم کرده و امام عزیزمان تجدید نموده است، انجام بگیرد.

این وظیفه ی همه است که سعی کنند حج را مایه ی آبروی اسلام، و بخصوص برای ما ایرانیها، مایه ی آبروی امام قرار بدهند. همه ی آحاد برادران و خواهران مؤمنی که به حج می روند، جا دارد که حج را یک امر کاملاً شخصی به حساب نیاورند. یک وقت عبادت و واجبی برعهده ی کسی است، می رود انجام می دهد و برمی گردد؛ ولی قضیه فقط این نیست؛ این بخشی از قضیه است.

همه مراقب رفتار خودشان باشند

هرکدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می کنند، جزیی از یک حرکت عظیم و

از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزیی از این مجموعه به حساب بیاورند و آن گونه عمل کنند. پس، لازمه ی این احساس آن است که همه مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک - هر جا که هستند - رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه ی آبرو باشد.

همه باید این نکات را رعایت کنند؛ منتها هرچه به طرف مسؤولیت و معرفت بیشتر حرکت می کنند - که نوبت به امثال شما برادران و خواهران می رسد - باید بیشتر رعایت کنند. بعضی از عاداتی که در بین مردم هست، باید کم بشود و تحت الشعاع جنبه ی حج قرار بگیرد. نمی گوئیم بعضی از خریدها بکلی موقوف بشود، لیکن در حدی باشد که مساسی با حیثیت جامعه ی انقلابی و ملت بزرگ ما پیدا نکند.

امیدواریم که ان شاء الله این سفر مورد توجه و نظر حضرت ولی عصر (ارواحنافداه) قرار بگیرد. همه ی شما، چه در آن جا و چه در هنگام اجرای مناسک، مشمول تفضلات آن بزرگوار باشید و بهره ببرید و ان شاء الله با اعمال مقبول الهی مراجعت کنید.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۲۶/۳/۱۳۷۰ ه. ش.).

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۲۶/۳/۱۳۷۰ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُتُوكَ رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطَّعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ. (۱)

حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین

خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گردآمدن در خانه ی خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گلدسته ی تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بتهای جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت الله را که سدره ی کعبه و خدمه ی مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آن مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت؛ حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جدامانگی از اصل و ریشه ی خود به آن دچار می شوند؛ مانند: بیگانه گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و

غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدبینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره ی آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه های دشمنان دوباره ی اسلام و مسلمین، و بسی بیماریهای مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط ناهلان و از خدا بی خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرنهای اخیر، با حضور قدرتهای استعماری بیگانه در منطقه یادست نشانندگان فاسد و دنیاپرستان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است.

حج؛ ذخیره یی تمام نشدنی

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره یی تمام نشدنی و چشمه یی همیشه جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالده قرارداد که در هر حال آن که بشناسد و قدرداند، توان استفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری های مهلک خواهد ساخت. و خدا را سپاس که بر ملت شایسته ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه ی مقصود را پس از سرزنش خارهای مغیلا ن بیابان طلب، به جام وصلی که شیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان بازداشته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمدی (صلی الله علیهما و آلهما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکووجهی پُر کرد؛ دل تفتیده ی مشتاقان مهجور و مصدود و محصور را با جرعه ی وصال آرامش بخشید و جان مبهج از انوار معرفت و لبریز از شوق زیارت را لبیک اجابت گفت؛ بندگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده ی نصرت مؤمنان را انجام کرد و خانه ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

پروردگارا! ...

پروردگارا! به این حاجیان مشتاق و سرازپانشناخته و پس از انتظاری جانگزا به خلوت دوست بار یافته، و به همه ی برادران و خواهرانی که از اقطار عالم به بارگاه عام

رحمت و غفران شتافته اند، نظری به لطف و رأفت بیفکن و دلهاشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و هدایت و کمک خود را شامل حال آنان کن و آنان را به عزمی راسخ بر اصلاح حال امت مسلح ساز و بر دشمنانشان پیروز فرما؛ آمین ربّ العالمین.

پروردگارا! بر ارواح شهدایی که در چهار سال پیش از این، در حریم امن الهی، هدف خصومت و کین قرار گرفته و زن و مرد و پیر و جوان، مظلومانه در عتبه ی خانه ی دوست به خون غلتیدند و کسان و عزیزان چشم انتظار خود را با جنازه های خونین خود از انتظار به درآوردند، رحمت و فضل خود را نازل فرما و ثواب حج تمام را به آنان که در حسرت آن به ملکوت پرواز کردند، عطا کن.

پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیا، آن انسان پرهیزگار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می جست و دوستی و دشمنیش به خاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت عبادتگران و کوشش تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام حج ابراهیمی و بهره برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه ی عمل بپوشان.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه ی اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده ات، حضرت محمّد بن عبد الله صلی الله علیه و آله نازل فرما، که راه راست را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، بویژه حضرت بقیه الله الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین؛ (عجل الله فرجه و ارواحنا فداه).

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از «من» قومی و نژادی و فرقه یی، به «ما» ی اسلامی و قرآنی پیوسته اید، مناسب است مسایلی را در مدنظر داشته، درباره ی آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته ی تأمل و فکر و عمل سازید:

قدرشناسی حج بیت الله

۱) اولین مطلب، قدرشناسی واجب بزرگ و پُر رمز و راز حج بیت الله است. حج مظهر توحید، و کعبه خانه ی توحید است. این که در آیات کریمه ی مربوط به حج، بارها از ذکرالله سخن رفته، نشانه ی آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ی ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائرالله حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «الله» و طرد و نفی و برائت از «انداالله» است. این است آن «ملت حنیف» ابراهیم علیه السلام؛ بت شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله ی تاریخ.

شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه ی خدا و حج باید در همه ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لایت» و «منات» و «عزی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند، بت قدرت امریکا است که همه ی شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود- که نقطه ی مقابل مصالح مسلمین است- حرکت می دهد.

عبادت، همین اطاعت بی چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملتها تحمیل می شود و آنان با شیوه های گوناگون، به سمت آن سوق داده می شوند.

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله ی دستهای استعماری در میان ملتها ترویج می شود، فرهنگ مصرف زدگی که روزه روز زندگی ملتها را بیشتر در لجنزار خود

فرو می برد، تا کمپانیهای غربی - که مغز و قلب اردو گاه استکبارند - بیشتر سود ببرند، سلطه ی سیاسی غرب استکباری که پایه های آن به وسیله ی حکومتهای دست نشانده و ضد مردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه یی شکل آشکارتری به خود می گیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت پرستی است که در ضدیت کامل بانظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است.

حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه ی توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه براءت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرمش صلی الله علیه و آله، اعلام براءت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است؛ وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. (۱) فریاد براءت که امروز مسلمان در حج سر می دهد، فریاد براءت از استکبار و ایادی آن است که مع الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک آلود بر جوامع اسلامی، پایه های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده اند، و توحید آنان فقط لقلقه ی زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده است.

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این که خداوند متعال همه ی مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه یی خاص و در زمانی خاص فرا می خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و

سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه گری آن را می یابند و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی نیاز حس می کنند و این فاصله ی مصیبت بار میان ملتهای مسلمان با دستگاههای حاکم بر آنان پدید نمی آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز- یعنی احیای احساسات افراطآمیز ملی گرایی- این فاصله ی وسیع و عمیق میان ملتهای مسلمان را پدید نمی آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آن که رقیب و معارض هویت واحده ی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه ی وجودی آن می گردد؛ و به جای آن که هر قومیتی، وسیله و بهانه ی نفی و تحقیر قومیت های دیگر شود، وسیله یی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته ی خدای بزرگ را که: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۱) فراهم آورد.

تشکیل امت واحده یی که ناصیه ی عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه ی آن، نیل به همه ی کمالات

فردی و جمعی مسلمین میسر می گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه سازی و تأمین می کند.

حج ابراهیمی و محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا)، بی گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه ی عظیم، در همان حال که ذکر خدا: فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا (۱)

و اعلام برائت از مشرکان: وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ (۲)

رکن حج محسوب می شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران- یعنی اجزای این امت واحده- جدایی و دشمنی بیافریند، نیز در حد اعلاست؛ تا آن جا که حتی بگومگویی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ. (۳) آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان- یعنی دشمنان بنیانی امت واحده ی توحیدی- لازم می شود، جدال با برادران مسلمان- یعنی اجزای بنیانی امت واحده ی توحیدی- ممنوع و حرام می گردد، و بدین گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می یابد.

تدبر در رمز و رازهای حج

رازها و رمزهای حج، بسی بیش از آن است که در این جا بدان اشاره شد، و تدبر در این رازها- که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه ی مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است- افقی جدید در برابر حاجی می گشاید و او را به عالمی پُرتلاش و پُرحرکت و تمام نشدنی می کشد. اولین وظیفه ی هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته ی کار از این همه است، و نیز تأمل در این که چرا دستها و دستگاههایی سعی می کنند حج را برون از همه ی مفاهیم سیاسی و جمعیش و

۱- بقره: ۲۰۰

۲- توبه: ۳

۳- بقره: ۱۹۷

تنها به عنوان عبادتی یک بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی نمایان دین به دنیافروش که نام و شأن دینی آنان حکم می کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت درآورند، بعکس، با هرگونه روشنگری در این باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟ و چرا بارها و بارها در بلندگوهای اعلام می شود که سیاست در حج نباید دخالت کند؟

مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله ی دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض ورزی و حسابگری های خباثت آلود جمعی دیگر قرار گیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل قدس سره بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین به دنیافروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود

۲) دومین مساله یی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مساله ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و آفریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملتهای مسلمان- که هدف استعمارگران، مستقیم و غیرمستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این طرف بوده- به طور طبیعی ایجاب می کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته ی پُرشکوه کاملاً منقطع شوند و بدین گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حيله، در زمینه ی کاملاً

مساعدی که تسلط حکومت‌های فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه‌ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می‌شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دو‌یست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره‌ی گسترده و بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروتهای زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه‌ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی - که از جمله‌ی آن، رشد علمی و فرهنگی است - باز داشتند.

یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده‌ی ضعف روحی و مادی آن و مذاقه در نظامهای سیاسی و وضع دولتهای اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می‌سازد که از مهمترین علت‌های این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملتها از گذشته‌های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرن‌ها می‌تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد. آن مجد و شکوه تاریخی، در آغاز با قیام لله و جهاد مخلصانه برای خدا و عمل به احکام آزادیبخش و زندگی ساز اسلام و به برکت حرکت مسلمین در صدر اسلام و در غربت روزهای مکه و جهاد دوران مدینه، پایه گذاری شد. مولود مبارکی که «جامعه‌ی اسلامی» نامیده می‌شود، به برکت جهاد و مبارزه‌ی حجاز توانست به جوانی نیرومند و هوشمند بدل شود و سپس در طول قرن‌ها توانست مشعل علم و معرفت و درفش قدرت و سیاست را بر سر جهانیان بگستراند. آن عظمت، از عظمت مبارزه‌ی مکه و مدینه سرچشمه گرفت.

مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی

اکنون این جا - مکه و مدینه - پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی است بر جماعتی مؤمن و مقاوم، که به برکت ایمان و عمل به آیات الهی، توانستند از خاک

مذلتی که بر آن آرمیده بودند، برخاسته و قد علم کرده و آزادی شایسته‌ی انسان را برای خود تدارک دیده و پرچم آزادی بشریت و نجات انسان از سلطه‌ی امپراتوری‌های زر و زور آن دوران را برافرازند و با نور معرفتی که از قرآن سرچشمه می‌گرفت، پایگاه عظیم دانش بشری را پدید آورند و خود قرن‌ها بر منبر بلند علم و معرفت بشری قرار گیرند و سخاوتمندانه به همه‌ی بشریت بیاموزند و گرانباترین آثار علمی را طی قرن‌های متمادی پدید آورند و سرنوشت جهان بشریت را با علم و سیاست و فرهنگ خود رقم بزنند. اینها همه از برکات تعالیم خالص اسلام و حکومت الهی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و برهه‌ی بی‌از صدر اسلام بود که علی‌رغم تسلط و رشد شجره‌ی خبیثه‌ی حکومت‌های سلطنتی و رجعت از دوران توحیدی، باز تا قرن‌ها ثمرات خود را به مسلمین می‌چشاند و آنان و همه‌ی بشریت را کامیاب می‌کرد. هر وجه از این خاک و این سرزمین، یادآور خاطره‌ی بی‌از دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یاران فداکار و نورانی اوست. در این سرزمین بود که اسلام طلوع کرد و پرچم جهاد برافراشته شد و آزادی بشریت از همه‌ی غل و زنجیرهای جاهلیت رقم خورد.

امروز که ملت‌های مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه‌ی جهان اسلام، به بیداری و قیام لله گراییده‌اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته‌ی نورانی و معجز نشان، با دوران قیام لله و مبارزه‌ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند. خاطرات اسلامی در این سرزمین، برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفابخشی است که او را از ضعف و زبونی و یأس و بدبینی نجات می‌دهد و راه دستیابی به هدف‌های اسلام را - که همیشه برای هر انسان برخوردار از عمق و حکمت، هدف زندگی و تلاش است - نشان می‌دهد.

تدبر در گذشته و پیوند با آینده

در این جا بود که پیامبر عظیم الشان با یاران مخلص خود، سیزده سال همه‌ی سختیها را به جان خریدند و مرارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دواند. و در این جا بود

که پس از سالهای مصیبت بار زندگی در شعب ابی طالب، پس از شکنجه‌ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیه و عبدالله بن مسعود و دیگران، پس از راهپیمایی طولانی و پُرمشقت و بی حاصل رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پُربرکت به مدینه‌الرسول صلی الله علیه و آله پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد.

در این جا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. این جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال دوستی و غنیمت طلبی ناکامی آورد. این جا آیه آیه‌ی قرآن نازل شد و خشت خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبیه‌ی اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمان با تدبیر در این گذشته و زیستن در لحظه لحظه‌ی آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می‌یابد، راه زندگی و هدف آن را می‌شناسد، به خطرات راه پی می‌برد، فردای این حرکت را بالمعاینه می‌بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می‌سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می‌آید؛ و این همه، از برکات حج است.

از آنچه گفتیم، می‌شود فهمید که چرا استعمارگران دیروز و سردمداران سلطه‌ی استکبار جهانی امروز، این همه از پیوند فکری و عاطفی مسلمین با گذشته‌ی خود بیمناک و با آن در ستیزند. آری، این پیوند با گذشته است که حال و آینده را رقم می‌زند.

ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته‌ی افتخارآمیز خود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام این که ملت ایران در صدد است جامعه‌ی بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگانشان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه پرست و روبه گذشته و عناوینی از این قبیل، بشدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از این که ایران اسلامی می‌خواهد پایبند به سنتهای گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظامهای مرتجع و مستبد و پایبند سنتهای پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچگاه به آن نامها مورد

تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت انگیز آن که رادیوهای رژیم‌هایی که در آن از ابتدایی‌ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه‌ی غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می‌شود و مردم در حساس‌ترین مسایل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره آمیز خود به خنده انداختند!

آری، استکبار و دارودسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از این که کشوری در اعماق کهنه پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود، سر کند، ولی درهای خزاین مادی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خوشنودند! آنان از بازگشت ملتها به گذشته‌ی بی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱)**

را به آنان بیاموزد، کریمه‌ی **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۲)**

را بر آنان فرو خواند، خطاب **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ (۳)**

را به گوش و دل آنان برساند، فرمان **إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ (۴)**

را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌ی بی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند.

۱- نساء: ۱۴۱

۲- منافقون: ۸

۳- نساء: ۷۵

۴- یوسف: ۴۰

از احکام نورانی اسلام دست بردارید

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام لله بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه ی دینی و نظام توحیدی، تبری نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند که: **وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (۱)**

و قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (۲)

و فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ (۳)

و وَمَنْ قَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (۴) در حج، در مدینه و مکه، در احد و منی و حرا، در این سرزمین که قدم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنجها و دربه دریها و مبارزات و خون دلها بوده و در قدم به قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته ها به تدبیر پردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه ی آن، نتیجه و سرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوه ی خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ **وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ. (۵)**

توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام

(۳) موضوع مهم دیگری که حجاج بیت الله به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن

۱- بقره: ۱۲۰

۲- مائده: ۵۹

۳- هود: ۱۲

۴- بروج: ۸

۵- محمد: ۳۵

پردازند، مسایل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر حج کنگره ی عظیم سالیانه ی مسلمانان سراسر جهان است، بی گمان فوری ترین دستور این کنگره، مسایل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسایل، در تبلیغات استکباری به گونه یی مطرح می شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود، و نه اگر در آن حادثه سوء نیت و سوء عمل استکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشا گردد، و یا به طور کلی مطرح نمی شود. حج جایی است که باید این خیانت تبلیغاتی افشا، و حقیقت آشکار شود و زمینه ی آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید.

اینک فهرستی از حوادث مهم جهان اسلام را به عرض برادران و خواهران مسلمان می رسانم:

فلسطین؛ مهمترین مسأله ی جهان اسلام

الف: مهمترین مسأله ی امروز، مسأله ی فلسطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهمترین مسأله ی جهان اسلام و شاید مهمترین مسأله ی بشریت بوده است. این جا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غضب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده یی سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه ی التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ این جا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی در پی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی وجدان و بیگانه از انسانیت و بی محابا از جنایت گوشزد می کند، شیوه های دشمن از همیشه پیچیده تر و هشداردهنده تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدی تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. ... و این است خبر تازه ی امروز.

اکنون اوضاع آشفته ی جهان اسلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی مهار امریکا، زمینه ی مساعدی برای تهاجم کینه ورزانه ی دولت غاصب فراهم ساخته، که با پشتگرمی به حمایت شیطان بزرگ - که حقاً خطرناکترین دشمن اسلام و مسلمین است - آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان

ساختن آن نمی کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشی از بهای کمکهای غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقال فلاشه های اتیوپی که قرار است خدمت به صهیونیست های امریکایی و اروپایی غاصب فلسطین را بکنند و اخیراً یهودیان هند؛ شهرک سازی در بخشهای غصب شده ی اخیر فلسطین و حتی احتمالاً در بخش اشغال شده ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاحهای کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاحهایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملات هوایی روزمره و متناوب به جنوب لبنان و بمباران غیرنظامیان فلسطینی و لبنانی؛ سختگیری روزافزون نسبت به شهروندان عرب فلسطینی- یعنی صاحبان آن سرزمین- و انجام جنایتبارترین و وحشیانه ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه ی سیاسی، در برابر عقب نشینی روزبه روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان دادن زبوانه ی برخی از سیاستمداران عرب، چهره ی مهاجم به خود گرفتن و حتی فکر تشکیل کنفرانس بین المللی و یا منطقه یی، هر یک را به نوعی رد کردن، و بالاخره پیشنهاد تشکیل دولت فلسطین در گوشه یی از سرزمین فلسطین را که محصول عقب نشینی و ذلت پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت رد کردن. اینها مجموعه یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی ستیزان صهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.

شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسلامی منطقه پدید آورده و ذخیره کرده اند و برآنند که این خنجر مسموم را همواره در پهلوی جهان اسلام نگاهدارند؛ و امروز شیطان بزرگ، سررشته ی این سگ دست آموز را در دست دارد. پس، تعجبی نیست که نقض مکرر قوانین بین المللی، نقض مداوم حقوق بشر- آن هم به فجیعترین

شکل - تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم ربایی به گونه ی آشکار، تهیه ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها - که هریک در هریک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه یی عظیم تلقی می شود - از صهیونیست ها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برنیانگیزد.

دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام

بدین ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ - که چیزی جز محور رژیم صهیونیست نژادپرست نیست - نشان نمی دهد؛ بلکه بعکس، نشانه هایی از گسترش کمپ دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می خورد؛ و من نمی دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت بار و تسلیم ننگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده اند؟

علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می توانند با کمکهای حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده تر سازند، و نیز می توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست های قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده، گواه صادقی است بر این که ملتها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند.

انقلاب اسلامی؛ طلیعه ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان

ب: مسأله ی دیگر، حرکتهای اسلامی در برخی از کشورهای عربی و افریقایی است. این یکی از مژده بخش ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوانهایش، با

روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه‌ی پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.

برادران و خواهران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که بخش عمده‌ی بی‌از فشار مشترک شرق و غرب بر ایران اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه قبل و بعد از آن، بدین خیال باطل بود که با شکست جمهوری اسلامی در ایران، تجربه‌ی حرکت اسلامی در چشم مسلمانان سایر کشورها ناکام جلوه کند و برق امیدی که از پیروزی انقلاب در ایران، دل‌های آنان را روشن ساخته بود، نیروی آنان را در این راه مبارک به کار نیفکند. امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که می‌خواهد انقلاب اسلامی را در ایران، راکد و متوقف و رسیده به بن بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم‌الشان آن قدس سره و آشتی جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل قدس سره بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی - که جدی‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی است - وارد می‌کردند.

یادآوری چند نکته به ملت‌های اسلامی و رهبران آنها

خدا را شکر که هیچیک از تلاش‌های استکباری - چه عملی و چه تبلیغاتی - کارگر نیفتاد و شعله‌ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره‌ی مصمم و تسلیم‌ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جان‌های مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکت‌های عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می‌شود. لیکن این جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه‌ی خود می‌دانم به این ملت‌ها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم:

اولاً، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه ی بی صبری یا بی بصیرتی حرکت را تهدید می کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.

ثانیاً، حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیر کشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم پذیری توده ها و دیگر بدبختیهای ملتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.

لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.

ثالثاً، دشمن می کوشد با جوسازی و حيله های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی برحذر دارد، و شاید برخی از ساده دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن امریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه ی این جانب، اجتناب جدی از این مصلحت اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبار آلود نسازید.

رابعاً، اسلام و حرکتهای اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی - یعنی آن جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدفهای امریکا و دیگر مستکبرین است - از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار برحذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت گیریشان متهم کنید و هرگز در صدد جلب کمک آنان نباشید.

خامساً، از تجارب حرکتهای دیگر اسلامی در سایر کشورها و وضع کنونی آنان بی خبر نمانید و علی رغم میل استکبار، با آنان ارتباط بیابید.

و بالاخره سادساً، آیه ی شریفه ی وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا (۱)

را که توصیه ی تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه ی آن را نصب العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

توجه به وضعیت مصیبت بار ملت عراق

ج: یکی دیگر از مسایل کنونی جهان اسلام، مسأله ی عراق و وضع مصیبت بار و گریه آور ملتی است که بر اثر سوء نیت و سوء تدبیر زمامدارانش، علاوه بر اختناق و حکومت پلیسی شدید، و پس از این که از ده سال پیش به این طرف، به جنگ غیرعادلانه با همسایگان خود مجبور گشته و به خاطر تدابیر ابلهانه و جاه طلبانه ی سرانش، هزاران هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانش، در بمبارانها و تخریبات به قتل رسیده، یا داغدیده و یا مجروح و معلول و بی خانمان شده و بخش عظیمی از ثروت ملی و تاریخی اش نابود شده، اکنون از سوی همان زمامدارانی که مسبب همه ی این مصایب بوده اند، به صورت مستقیم تهدید می شود و با بمبارانها و سلاحهای دسته جمعی و شیمیایی، قتل عام و آواره و نومید از زندگی می گردد.

هنگامی که ارتش عراق برای ارضای جاه طلبی و افزونخواهی سران رژیم آن کشور، به کشور کویت حمله و آن را تصرف کرد و بهانه یی نقد به دست امریکا برای حضور بی سابقه ی نظامی و بالطبع نفوذ شوم سیاسی و اقتصادی در منطقه ی خلیج فارس داد و منطقه ی خلیج فارس از هر دو طرف - رژیم عراق و متحدین غربی - به آتش کشیده شد، کسانی از مسلمین غالباً از روی ساده اندیشی خیرخواهانه، و شاید معدودی از سر بدخواهی و حسابگرانه، به جمهوری اسلامی مصرانه پیشنهاد می کردند که به کمک رژیم بعثی عراق شتافته، به سهم خود ابعاد جنگ را گسترده تر سازد. این نظر، البته برخلاف اصول مسلم اسلام بود که جهاد را فقط در راه گسترش دین خدا، یا دفاع از

ملتهای مستضعف و یا دفاع از دولت اسلامی واجب می‌شورد؛ و نه در دفاع از رژیم می‌مهاجم و اشغالگر و قدرت طلب، آن هم با ایدئولوژی حزب بعث که رسماً و علناً منکر و معرض دین و معنویت است، آن هم با سوابق ظلم و فساد و اختناق و نسل کشی که رژیم عراق در آن دارای وضعی استثنایی است، و بالخصوص رژیمی که سابقه ی تسلیم و فرمانپذیریش در برابر قدرتهای سلطه گر را ایرانیان در طول هشت سال جنگی که به خواست استکبار و با سلاح و کمک همه جانبه ی آنان بر نظام اسلامی تحمیل کرد، بخوبی دریافته اند.

آری، اسلام دفاع از چنین رژیمی را جهاد نمی‌شمرد و آن را جایز نمی‌داند؛ لیکن این پیشنهادکنندگان بعضاً تحت تأثیر اظهارات ریاکارانه و فرصت طلبانه ی مسؤولان ویرانی عراق، که در برهه یی کوتاه برای جلب نظر ساده لوحان، بدروغ دم از اسلام و مقدسات دینی می‌زدند و بعضاً با اعتراف به خباثت و فساد و ظلم سران آن رژیم، دفاع از ملت عراق را انگیزه ی خود از این پیشنهاد می‌دانستند، ما به آنان یادآوری می‌کردیم که کمک به مردم مظلوم عراق واجب است، اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست؛ بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.

اکنون با تسلیم و فرار مفتضحانه ی رژیم و ارتش عراق در برابر امریکا و متحدین غربی و قبول همه ی شرایط مستکبران، آن رژیم توانسته خود را برای مدت نامعلوم دیگری بر سریر حکومتی بی افتخار و قدرتی ذلت آمیز تأمین کند؛ و در این حال، باز مردم عراق- این ملت مظلوم که سالهاست گروگان رژیمی خشن و ظالم و فاسد و شکنجه گرند- باید علاوه بر تاوان جنگی که فقط به هدف افزونخواهی سران رژیم بر آنان تحمیل شده، غرامت شکست و ذلت و عقده های حقارت آن رژیم را نیز بپردازند.

همان رژیم و ارتشی که بیش از صد ساعت نتوانستند با دشمنان خارجی که به داخل خانه ی آنان آمده بودند، بجنگند و از مرگ نترسند، اکنون بیش از صد روز

است که به جان ملت عراق افتاده، خانه ها را ویران، شهرها را بمباران، عتبات عالیات را هتک، مردم را از وطن آواره، علما و بزرگان را دستگیر و بسیاری را شکنجه و ملت را قتل عام می کنند. در شمال، کردها و در جنوب، اعراب را طوری کشتند و زدند و دربه در کردند و به عزای عزیزان نشانند که واقعاً در مورد هیچیک از جنایتکاران شناخته شده در روزگاران اخیر ما نشنیده و گمان نبرده ایم. با مردم عراق رفتاری کردند که انسانهای باوجدان با حیوانات نمی کنند.

کردهای شمال عراق بر اثر اخم و تهدید امریکا و دولتهای غربی، فعلاً وضع بهتری دارند، تا بعدها چه پیش آید؛ اما شیعیان جنوب که به دلایل متعدد، مورد بغض و کینه ی امریکا و متحدینش می باشند- و دلیل عمده آن است که داعیه ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در آنان هست- همچنان در تهدید دائم و مورد بلا و مصیبت دائم از سوی رژیم ضد دینی و طغیانگر و نسل کش عراقند. این، تصویر ساده یی از وضع عراق است که گفته شد؛ ملتی ستمدیده و مظلوم و بی پناه با دست خالی در برابر حکومتی بس خشن و بی اعتنا به همه ی معیارهای اسلامی و انسانی و بین المللی و بی باک در ریختن خون مردم و ظلم به مردم. ... و صدای یاللمسلمین آن مردم بلند است. و در همین چند روز، علایم آشکار محاصره و حمله ی خونین به صدها هزار نفر فراریانی مشاهده شد که از بیم ارتش، به مرداب های میان بصره و عماره و ناصریه پناهنده شده اند و زن و مرد و کودک بیمار و- بنا بر خبر- بعضاً وبا زده و دچار بیماریهای واگیر می باشند. غرب و بخصوص امریکا، جز نقل بعضی خبرها، آن هم کوتاه و بی کشش، هیچ کمکی نکرده اند و آنان تنها امیدشان به خداست و به توده های مسلمان، که البته می توانند حداقل به شکل اعتراض به این اعمال، آنان را یاری دهند.

توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر

د: مسأله ی بعدی، وضع مسلمانان کشمیر است. دولت هند، با استفاده از اشتغال دنیای اسلام به مسایل حاد ماههای اخیر، که موجب غفلت عمومی از وضع آن برادران جداافتاده و مظلوم شده، حداکثر فشاری را که توانسته، بر آن مردم وارد آورده و جان و

مال و حتی - بنا بر نقل - ناموس آنان را مورد تعرض و تاراج قرار داده است. این جانب اکنون درصدد آن نیستم که در ماهیت مسأله ی کشمیر قضاوتی بکنم - و مطلعین می دانند که این، یکی از زخمهای کهنه یی است که انگلیسی های استعمارگر در هنگام خروج اجباری خود از هند، بر پیکر شبه قاره وارد کرده و به وسیله ی آن از مسلمانان هند بزرگ انتقام گرفتند - سخن ما آن است که دولت هند در برخورد با این مسأله، از ابزارهای خشن و نامناسب استفاده کرده و با اطمینان به این که دولتهای بزرگ و سازمان های مدعی حقوق بشر هیچ دفاع واقعی از مسلمانان نخواهند کرد، به روشهای غیر انسانی متوسل شده است.

ملتهای مسلمان باید بدانند که مسلمان کشمیری از آنان متوقع آن است که از او دفاع کنند، و این وظیفه ی اسلامی و برادرانه ی مسلمین است، و دولت هند اگر تصور کند که می توان آن جمع کثیر از مسلمانان را بدون هیچ عکس العمل از سوی مسلمین جهان، برای همیشه تحت فشار نگهداشت، بی شک در اشتباه است.

در همین جا لازم است درباره ی اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپایی اشاره شود که فشار وارد بر مسلمانانی که مایلند هویت اسلامی خود را حفظ کنند، افشاگر ماهیت دموکراسی و آزادی یی است که غرب پیوسته از آن دم می زند! حساسیتهایی که بعضی دولتهای اروپایی در برابر ساختن مسجد، یا تشکیل اجتماعات اسلامی، یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می دهند یا در مردم برمی انگیزند، باید مسلمانان را به مواضع واقعی آن دولتها نسبت به اسلام آشنا سازد. اینها از جمله ی مسایل مهمی است که مسلمانان جهان باید درباره ی آن بیندیشند و از آن برای معرفت به وظیفه ی خود در این روزگار بهره گیرند.

دامن زدن به اختلافات فرقه یی؛ ترفند استکبار

ه: یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله ی اختلافات فرقه یی میان مسلمین است.

این البته مسأله ی تازه یی نیست و اختلافات و نزاع و بعضاً زدوخورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه یی، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است؛ لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر

آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه یی آن- و نه اسلامی به معنای عام- معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نفاق میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده ایم این فتنه گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه ی مردم از همه ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم نما یا انقلابی نما شنیده می شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه یی بهت انگیز از آن دفاع کرده اند- زبان می گشاید و قلم می راند. یا در کشور مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می کنند و کتاب و مقاله می نویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.

ما همه ی اینها را به حساب امریکا و دستیاران و مزدورانش می گذاریم و دامن ملتها و علمای راستین اسلام را از آن پاک می دانیم؛ لیکن این از جمله مسایلی است که باید با هوشیاری مسلمین حل شود و مجال تاخت و تاز به دشمنان اسلام داده نشود.

سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی

و: آخرین سخن، مسأله ی بسیار مهم سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش از پیش سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی آن در این

کشورهاست. این ابرقدرت ظالم و سلطه طلب، پس از تحولات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظامهای الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با امریکا فرو افتاد، درصدد است که سراسر جهان و بخصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه ی نفوذ بی رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از- به اصطلاح- جنگ سرد، به جنگ همه جانبه یی با بیداری اسلامی- که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است- کمر بسته است.

این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهانخواری، می کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه ی مراکز حساس و ثروت خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه تر از پیش ادامه دهد. اگر این رؤیای شوم به تحقق پیوندد، روزگار سیاهی بر ملتهای این منطقه خواهد گذشت که در گذشته نظیر نداشته است.

رژیم امریکا، اینک از هر وسیله یی برای رسیدن به آن هدف شیطانی استفاده می کند و متأسفانه جهالت و غرور و قدرت طلبی حکام عراق- که زمینه ی آن را هم کمکهای قبلی امریکا و غرب به عراق فراهم کرده بود- اوضاعی را در این منطقه به وجود آورد که عواقب تلخ و دردناک آن را همه کم و بیش می دانند؛ و از جمله تبعات آن، یکی این است که امریکا به تصمیم گیرنده ی اصلی در بخش مهمی از این منطقه مبدل شده و دولتهای منطقه را مرعوب خود ساخته است؛ و این تهدیدی بزرگ برای موجودیت اسلامی، بلکه کیان انسانی در این منطقه و در هر منطقه از جهان که چنین اتفاقی بیفتد، به شمار می آید.

امروز به جز اسلام و انسانهای مؤمن و مصمم، هیچ نقطه ی امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست. و خدا را سپاس که امروز خورشید منور اسلام حیاتبخش، دوباره بر دل و جان انسانها تابیدن گرفته و بسیاری ملتهای مسلمان در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا مبارزه را آغاز کرده اند. این، حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه ی شیطانی

امریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد؛ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي. (۱) ملتها و دولتها در قبال روحیه ی گرایش به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله- اسلامی که سرلوحه اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه ی شیاطین از زندگی ملتهاست- به یک اندازه مسؤولند. دولتهای اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملتها و کشورها و قدرت دولتها را تأمین می کند.

از خداوند متعال، بیداری همه ی مسلمانان عالم و شرف و عزت و رهایی آنان از چنگال استکبار و پیروزی آنان در مصاف دشمنان خدا را مسألت می کنم.

پروردگارا! پرتو قرآن و اسلام را بر دلهای مسلمین مستدام بدار و رحمت و فضل خود را بر آنان نازل کن؛ آنها را تأیید بفرما و دلهاشان را با امید و ایمان مستحکم بدار؛ قلب ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) را از ما شاد و دعایش را در حق ما مستجاب کن؛ حج حاجیان و تلاش تلاشگران راه خودت را به نیکی مقبول فرما؛ دلهای مسلمین را روزبه روز به هم نزدیکتر و عوامل تفرقه را نابود فرما؛ ارواح مطهر شهدای راه حق و جسم و جان آسیب دیدگان این راه را مشمول رحمتت بفرما. پروردگارا! از هر حرکتی که در سراسر جهان برای حاکمیت دین تو انجام می شود، حضرت امام خمینی- آن بنده ی صالح و برگزیده ات- را جزای خیر عنایت کن. آمین ربّ العالمین.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمهم الله

علی الحسینی الخامنه ئی

سوم ذی الحجه الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری

مصادف با بیست و ششم خرداد سال ۱۳۷۰ هجری شمسی

بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج و ... (۲۳/۴/۱۳۷۰ ه. ش.).

بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج، به همراه حجهالاسلام والمسلمین محمدی ری شهری، نماینده ی ولی فقیه و سرپرست حجج ایرانی

اشاره

(۲۳/۴/۱۳۷۰ ه. ش.).

بسم الله الرحمن الرحيم

هر چه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود

در ابتدا باید به ناتوانی و عجز خودمان از ادای شکر حضرت باری تعالی اعتراف کنیم، که هر چه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود. همین هم که خدای متعال بحمدالله مردان لایق و کارآمدی را بر اداره ی این مراسم برانگیخت، خود از الطاف باری تعالی بود. واقعاً به مردم ما یک عیدی داده شد و دست شفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولی عصر (ارواحنافداه) بر سر این مردم کشیده شد، که بعد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سزاوار بودند که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.

ماها می دانیم، برادران دست اندرکار هم همه می دانند که ایشان در سال آخر حیات نورانی و مبارکشان، خیلی به فکر حج بودند و خیلی مایل بودند که این مسأله انجام بشود.

البته مقدر نبود که این کار در حیات آن بزرگوار انجام بشود، ولی بحمدالله در این زمان شد؛ خدا را سپاسگزاریم. خودمان را کوچکتر از آن می دانیم که در این باران رحمت الهی، برای خویش کمترین نفعی قایل باشیم. امیدواریم که خداوند این زحمات فراوان را از شماها قبول کند و فضل و رحمت خود را همواره بر سر این مردم مستمر و جاری بدارد.

تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج

واجب و لازم است که من به عنوان یک فرد کوچک و خدمتگزار، از برادران عزیزی که در این کار از جان و فکر و وجود خودشان مایه گذاشتند و در این خدمت بزرگ همگانی نقش ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، تا بقیه ی آقایان علمایی که تشریف دارند، جناب آقای جمارانی، تا برادران حج و زیارت، جناب آقای رضایی، و سایر کسانی که به نحوی دست اندرکار این قضیه بودند؛ هم در بخش اداری و تشکیلاتی و سیاسی و مدیریتی و تدارکاتی - که بخش واضح و بارزی است - و هم در بخش آن ظرفتها و محتواهای بسیار مؤثر - اگرچه در میدان ارزیابی کم نمود است - و نیز آن کسانی که همفکری کردند، آن کسانی که کارهای زحمتدار را انجام دادند - که جناب آقای پورنجاتی به بعضی از آنها اشاره کردند - همچنین کسانی که آن نوشته ها را منتشر کردند، آن عکس مبارک حضرت امام قدس سره را کشیدند - که جناب آقای ری شهری برای من نقل کردند، حدود دوازده روز، و هر روز چندین ساعت، یک نفر در آن فضای بسته خودش را مصروف این معنا می کرد، تا این عکس را زیبا از کار دریاورد و جلوی چشم مردم رهگذر قرار دهد - کسانی که آن پلاکاردها و تابلوها را درست کردند، آن ماکت قدس را ساختند، و خلاصه این که نوشتند، کشیدند، ساختند، پرداختند، واقعاً میلیونها لحظه ی فعال دست به هم دادند، هزاران فکر صائب و هزاران نیروی مفید در کنار هم قرار گرفتند، تا توانستند این محصول را برای عالم اسلام فراهم کنند. خدا را شکر می کنیم و شماها را سپاس می گوئیم.

امیدواریم که هر کدامتان هر مقداری که تلاش داشتید - که خدای متعال به آن اعلم و اعرف است و ما کوچکتر از آن هستیم که بخواهیم در این زمینه ها اظهار اطلاع بکنیم؛ شما خودتان بهتر از ما می دانید - ان شاء الله خداوند به شما پاداش بدهد و توفیقاتان را اضافه کند و از شما قبول نماید.

برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد

آن چیزی که من مفید می دانم عرض بکنم، این است که حج حادثه بی است که هر سال یک بار اتفاق می افتد؛ اما از آن حوادثی است که می سزد اگر یک سال یک جمع عاقل، عالم، هوشمند و توانا، برای آن چند روز برنامه ریزی و تلاش کنند. بله، من این حرف را که در گزارش آمده بود، قبول دارم که برنامه ریزی خوب، در صحنه ی عمل خودش را نشان می دهد؛ اگرچه هیچ سالی را با سال دیگر نمی شود مقایسه کرد و هر سالی مسایل خودش را دارد. امسال مسایل خاصی بود، شکل خاصی بود و مهره های سیاستهای جهانی، ترکیب خاصی داشتند. شما از این فرصت استفاده کردید و این حضور را به این شکل نشان دادید؛ سال دیگر نمی دانیم که چگونه است. این طور نیست که هر سالی قطعاً بتواند الگوی سال دیگر بشود؛ نه، ممکن است سال بعد حادثه ی کوچک یا بزرگی اتفاق پیدا کند که کل هندسه ی این صحنه و عرصه ی ترسیم شده را عوض کند.

آن وقت این مجموعه، مرکز و شعاع دیگری پیدا خواهد کرد. برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزئیات هم فرض بشود، خوب و لازم است؛ منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد، تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

باید ببینیم حج از ما چه می طلبد

آنچه که مهم است، این است که ببینیم حج از ما چه می طلبد. ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، باعظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن جا هستند، نیست؛ بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه های خودشان می روند و خبری از حج می برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته اید.

مسلمانان همه در حج بودند و شما آن جا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که **و تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (۱)**

ایجاب می کند، انجام بدهید، تمام

دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله ی دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه یی داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه ی این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ بخصوص که منطقه، منطقه ی عجیبی است. آن جا زمینها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمینها را ببوسد. این جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه ی زهرا علیها السلام، کف پای سلمان به همین زمینها خورده است. این وادیهای مختلف مکه، این شعبها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد.

اصلاً محوطه، محوطه ی عجیبی است؛ مثل این که از عالم دیگری آورده اند و در این دنیای ما گذاشته اند؛ برای ما این گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شما باید که باید وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (۱) باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید.

این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گل سرسبد جماعی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبانها بیاید و احياناً بعضی بر زبانها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخها را به صورت جزوه، کتاب، انسان آماده ی به حرف، و تماسهایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.

فرهنگ و اخلاق و رفتار مردم ما باید برای حجاج دیگر الگو باشد

امسال من داعی بیشتری بر استطلاع از مسایل حج داشتم و زیاد سؤال می کردم.

برای من از معنویت حجاج ایرانی در حج تعریف می شد؛ شاید سالهای دیگر هم همین طور بوده است. برادران نقل می کردند که نیمه شبها عده ی زیادی از ایرانیها در گوشه و کنار مسجدالحرام و یا در عرفات ایستاده بودند و نماز شب می خواندند، یا حال توجه داشتند. اینها خیلی مهم است. من خودم در حج مجموعه یی را دیدم که یک حال معنوی داشتند. وقتی فهمیدم متعلق به کدام کشورند، در احساس و درک من نسبت به مردم آن کشور اثر گذاشت. سالها هم گذشته، اما این قضیه از یادم نمی رود.

ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته یی را از ایرانیها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد. این قدمی نیست که بگوییم برداشته بشود، تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه، همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد. بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملت‌های مسلمان، این مسأله ی اساسی و مهم وجود دارد.

در ایام حج، تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت

اما از دید همان صدویست هزار نفری هم که خودمان برمی داریم می بریم یک مسأله ی مهم است. صدویست، سی هزار، صدوپنجاه هزار، ان شاءالله در آینده دویست هزار نفر زن و مرد و پیر و جوان را برای مدت بیست یا بیست و پنج روز، در حساسترین مناطقی که می شود انسان حرفی را مؤثر در ذهنها فرو کند، به ما می سپارند. این، فرصت بسیار استثنایی و خیلی عجیبی است. وقتی که یک مشت آدم را در مدت یک هفته به اردویی می برند، می گوییم برای تأثیرگذاری عجب میدان خوبی است. این اردوی صدوپنجاه هزار نفری را به دست ما سپرده اند و ما داریم آنها را می بریم؛ تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت. بحمدالله ما سرمایه های گرانقدری هم داریم؛ آقایان اهل علم، صاحبان فکر، صاحبان زبانها یا روشهای مؤثر. با این دید نگاه کنیم که ما یک عده را به اردو برده ایم و می خواهیم روی اینها اثر بگذاریم، و وقتی که برمی گردند، منقلبشان کرده باشیم؛ که حج هم اصلاً برای منقلب شدن است. حج باید ما را معنوی کند. وقتی برمی گردیم، واقعاً باید معنوی شده باشیم. هر کس برمی گردد،

بایستی کأنه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه ریزی مفصلی بشود. ...

ما باید از همه ی مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده بکنیم. مثلاً بینیم در عرفات چه استفاده یی می توان کرد. منظورم صرفاً استفاده ی سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده ی سیاسی و انقلابی است و هرچه می شود، باید استفاده کرد. یا مثلاً در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده یی می توان کرد. در بحبوحه ی اعمال حج، چه استفاده هایی می توان کرد. بعد از ایام حج - که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه اند - چه استفاده هایی می توان کرد.

یعنی ما باید برای دانه دانه ی اینها برنامه داشته باشیم. نمی گویم که از امسال تا سال آینده این برنامه ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می کردند

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم - یعنی سال ۴۱ - به حجاج پیام می دادند. بعد از آن مبارزات اولیه ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله یی شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه ی مدرسه ی فیضیه واقع شد، که فاصله ی تلخی بود؛ تحرک بود و تلاش بود و خطر، و ما نمی دانستیم که چه کار می خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهانندی - از شهدای حزب جمهوری اسلامی - و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان می رسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته ام! معلوم شد که ایشان

برای حج اعلامیه نوشته اند و فرستاده اند. یعنی در سال ۴۱ که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت می دادند

یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص

شنیدم که بحمدالله بازرسیها و گزارش گیریهای خوبی هم انجام گرفته است.

بخشهای گوناگون قاعدتاً نواقصی داشتند؛ هیچ کاری بی نقص نیست. یکی از کارهای اساسی که ان شاءالله بایستی خود جناب آقای ری شهری و برادران همکار ایشان دنبالش بروند، رفع جدی نقایص است. ببینیم در کدام بخش، کجای کار نقیصه وجود داشته است، آن نقیصه را باید برطرف بکنیم؛ هیچ ملاحظه کاری هم نباید انجام بگیرد. در این بخش، این برنامه ریزی شده بود، این مدیریت بود، این نقص را داشت؛ به هر قیمتی که هست، باید این نقص را برطرف بکنیم، تا ان شاءالله روزه روز کامل بشود.

من مجدداً روی نوشته و جزوه و کتاب تکیه می کنم. ... باید کتابها و جزوه هایی نوشته بشود، پاسخهایی روشن به سؤالهای مقدر داده بشود؛ هر روز هم سؤالی وجود دارد. بعضی از سؤالها همیشه تکرار می شود؛ لیکن بعضی از سؤالها موسمی و وابسته ی به حوادث جاری است. بایستی این سؤالها با بهترین بیان، با زیباترین ترجمه و با چاپ مناسب آماده شود و در اختیار باشد و ان شاءالله در آن جا داده بشود.

بار دیگر از جناب آقای ری شهری و بقیه ی برادران عزیز که واقعاً همه زحمت کشیدند و من از مجاری اموری که هست، بی اطلاع نبودم- هم در خلال کار می فهمیدم، هم بعداً برادرانی که آمدند، نقل کردند- می دانم که چه قدر بیدارخوابی، چه قدر زحمت، چه قدر تلاش انجام گرفته، تا آن که این کار به این خوبی بحمدالله ظاهر شد. از همه ی آنها صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم که خدای متعال خودش همه ی شما را مأجور و مثاب و موفق بدارد.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج» (۱۶ / ۲ / ۱۳۷۱ ه. ش.).

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج»

اشاره

(۱۶ / ۲ / ۱۳۷۱ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز و مسؤول در این امر عظیم و این تکلیف الهی بزرگ. همه ی ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که بحمدالله این توفیق را بار دیگر به ملت ما ارزانی فرمود که بتوانند در موسم عظیم حج و در محشر بزرگ مسلمین عالم، در جایگاه مناسب خود قرار بگیرند و قیام و دعوت به حق کنند و قولاً و عملاً، راه را برای مسلمانان عالم، روشن و واضح کنند. این، توفیق بزرگی است که انقلاب به ما ارزانی داشت. رهبری آن انسان بزرگ زمان ما و آن بقیه ی اولیای خدا و قدرت معنوی او و عنایات الهی و توجهات ولی عصر، ارواحنفاذ، این توفیق را به ملت ایران بخشید؛ و بحمدالله دوباره از سال گذشته، این توفیق به ملت ایران داده شد.

ما نمی توانیم همه ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم

در باب موضوع حج، مطالب زیادی در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب از زبان امام بزرگوار قدس سره، و دیگر صاحبان معرفت شنیده و خوانده ایم. لکن حقیقت این است که حج، از آنچه که گفته ایم و شنیده ایم، باز هم بزرگتر است؛ و ابعاد مختلف این تکلیف و واجب الهی آن چنان است که اگر سالها درباره ی آن فکر و عمل کنیم و بیاموزیم و به

دیگران یاد بدهیم، باز هم بعید است که توانسته باشیم همه ی خصوصیات این واجب بزرگ را کشف و بیان کنیم. ما به قدر توان و ظرفیت خودمان چیزی می فهمیم و چیزی می گوییم و چیزی عمل می کنیم.

خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان سازی

دو نکته ی اساسی در حج هست، که یکی مربوط به شخص هر زائر و هر حاجی است، و یکی هم مربوط به مجموعه ی مسلمین و سیاست دنیای اسلام و جهتگیری امت اسلامی ست. نکته ی اول، از این جهت حایز اهمیت است که اگر آن نباشد، کار دومی هم چندان درست نخواهد انجام گرفت. کار سیاسی و فریاد سیاسی، در دنیا زیاد است. آن فریادی که در دلها اثر می کند، جوامع را عوض می کند، دشمن را حقیقتاً می ترساند و راه را واقعاً روشن می کند، فریادی ست که از روی ایمان و از دل با تقوا و از انسان عامل صالح ناشی شده باشد؛ همان طور که در انقلاب اسلامی ایران مشاهده شد. پس، خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان سازی و ایجاد تحول و پیمودن راههای دشوار است. لذاست که در آیات کریمه ی حج، از ذکرالله و استغفار و بازگشت به خدا، مکرر سخن رفته است.

حج، یک هجرت است

حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیت ماست، هجرت از آن زندانی ست که ما را احاطه کرده، و گوهر یکدانه ی بی نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی هایی ست که از هوا و هوس ناشی می شود؛ هجرت از خودخواهیهایی ست که ما را از خدا دور می کند؛ هجرت از طبقه بندی ها و مرزبندی هایی ست که زندگی انسانها را از هم جدا می کند و فقیر و غنی، شریف و ضعیف، بزرگ و کوچک - بر طبق معیارهای عامیانه ی مردمی - را به هم نزدیک می کند و در کنار هم قرار می دهد، و وجه مشترک همه ی انسانها، یعنی عبودیت را در همه زنده می کند.

در حج، عبودیت را در خود تقویت کنیم

اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم.

هجرت الی الله کنیم. حج را قبول و مقبول در گاه پروردگار قرار بدهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهانی را که مرتکب می شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است، و به خدا نزدیک شده اید.» معیار، اینهاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن؛ از خودخواهی ها و خودپرستی ها دور شدن؛ مثل قطره ای، در دریای فضل و رحمت الهی خود را غرق کردن. و این، اساسی ترین کارهاست. «علیکم أنفسکم.» خودتان را دریابید.

چیزی که جای ایثار ندارد، این است. آنجا که هر کس در درجه ی اول باید به فکر خودش باشد، اینجاست! نزدیک شدن به خدا؛ توجه پیدا کردن به خدا؛ باور کردن رحمت و فضل خدا؛ به زبان صادقانه با خدا سخن گفتن؛ کنار گذاشتن دنیا و زخارف دنیا و مادیات و ارزشهایی که اطراف ما مثل پيله ی کرم ابریشم می تند تا آن نفس ملکوتی را از بین ببرد و خفه کند. اصل، اینهاست. وقتی که انسان با دلی پاک و روحی تائب با خدای متعال روبه رو شد، آن مراسم عظیم را انجام داد، حقیقتاً به خدا بازگشت، حقیقتاً به خدا هجرت کرد، حقیقتاً در مقابل پروردگار عالم تضرع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می شود.

ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهمترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز بشود و بایستد و مقاومت کند و سختیها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقوی زکّی واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با خدا یک طور مشی کرده باشد. خیر! او هر روز در هر برهه ای از برهه های حیات، از

برهه ی قبل بهتر بود؛ باکیفیت تر بود، و در آن، به خدا نزدیک تر بود. این را انسان به خوبی احساس می کرد؛ و اینها واقعیت‌هایی ست.

به سمت حیات معنوی حرکت کنیم

چرا می بینیم در گوشه و کنار دنیا، این همه سرمایه گذاری های مردمی، گاهی به هدر می رود، و حضور قوی مردمی نتیجه ی مطلوب نمی دهد؟! چرا می بینیم در مقابل نهیب قدرتهای بزرگ، گروهها و افراد، دل و زهره ی ایستادن پیدا نمی کنند؟ چرا می بینیم هیبت مستکبرین، جای هیبت خدا را در دلها می گیرد؟! چرا به جای اینکه از خدا بترسند، از دشمنان خدا می ترسند و عقب می نشینند و مغلوب می شوند و سرمایه گذاری ها را بر باد می دهند و خونها ضایع می شود؟! برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۱) تأسفی هم وجود ندارد.**

وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خوشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خوشنودیم. چون برای خدا کار کرده ایم. چون وظیفه مان را انجام داده ایم. چون ادای تکلیف کرده ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدت و در قضایای مختلف، هرگز متأسف نبود؛ هرگز ناامید نبود، و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هر کس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است. ما باید خودمان را علاج کنیم. باید متحول بشویم. باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم.

این، علاج همه ی دردها در دنیا و برای همه است.

حج، فرصت خوبی است که انسان به خدا نزدیک شود

حج، یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و

وابستگیها و طبقه بندیها و خطکشیها و همه ی آن چیزهایی که او را از معنا دور می کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می کند، جدا شود؛ دور بشود، و به خدا نزدیک شود.

این، یک فرصت است. نه اینکه همه، این کار را می کنند. نه اینکه همه، این توفیق را برای خودشان فراهم می کنند یا از آن استفاده می کنند. ولی باید سعی بکنیم. این، اصل قضیه است؛ که **وَيَذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ**. (۱) اسم و یاد خدا را همواره باید در نظر داشته باشیم. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه ی خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حساس و تا پایان کار، دائماً یک چیز به یاد حاجی و زایر خانه ی خدا باید باشد؛ و آن اینکه رضای الهی را کسب کند؛ از گناهان توبه کند؛ از آنچه او را از خدا دور می کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می کند. «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ». یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می کند. به انسان فتوح می بخشد. زنگارها را از جلو بصیرت انسان پاک می کند، و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان راحت تر می کند. این، همان موضوع اساسی در جنبه ی فردی این مسأله است؛ هیچ چیز جای این را نخواهد گرفت.

مسلمان ها باید یکدیگر را باز یابند

نکته دوم در باب مسأله ای ست که به امت اسلام مربوط است. خوب، حج جای تزاور است: تزاور، تعاهد. مسلمانها باید یکدیگر را باز بیابند. نه فقط اجسام یکدیگر را، بلکه دلها و فکرهای یکدیگر را. ملت های گوناگون باید شکل امت اسلامی را در آنجا پیدا کنند، احساس وحدت کنند، مشکلات بین خودشان را برطرف سازند، از مشکلات هم مطلع شوند، و مسائل اساسی امت اسلامی را جستجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است ...

برای امت اسلام، منفعتی بالاتر از این نیست. اگر حجیاج بتوانند در این مراسم یا در هر مراسمی در اکناف عالم، میلیاردها تومان پول پیدا کنند، ارزش این را ندارد که بتوانند در حج یک گره از گره های عمده ی دنیای اسلام و امت اسلامی را باز کنند. امروز گره

چیست؟ امروز گره اساسی در زندگی مسلمانها، تسلط استکبار جهانی است. و برائتی که شما اعلام می کنید، برای این است. یک روز برائت از مشرکینی بود که لات و منات و هبل و عزی را می پرستیدند، اما امروز برائت از سردمداران کفر جهانی و استکبار جهانی ست. امروز مظهر شرک و کفر، اینها هستند. آن روز اگر برائت از شیطانهایی بود که به شکل بتهای بی جان یا بتهای جاندار کم ارزش و کوچک ظاهر می شدند، امروز برائت از شیطان بزرگ است؛ برائت از امریکاست؛ برائت از قدرت و هیمنه ی شیطانی است؛ برائت از آن بلایی ست که بر همه ی مسلمین عالم و بر غیر مسلمین از ملت های مظلوم و مستضعف نازل شده است؛ یعنی قدرت استکباری عالم. این، مهمترین کاری ست که یک ملت، بخصوص یک ملت مسلمان- اگر بخواهد علاج و چاره جویی کند- باید انجام بدهد و مدّ نظر داشته باشد.

برائت، روح حج است

برائت، حقیقتاً از ارکان حج است؛ بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد. برائت، این است. امروز شما به صحنه ی عالم نگاه کنید و ببینید در دنیا چه خبر است! البته قوام تخت قدرت مشوم استکباری، فقط به امریکا و رژیم امریکا نیست. اما مهمترین پایه ی آن، امروز رژیم امریکاست. ملتها اسیر این رژیم اند. ملتها گرفتار این سیاستهایند. ببینید امروز با مسلمین عالم چه می کنند! اگر در هر نقطه از جهان حرکت و تپش نبضی از اسلام یا از مسلمین باشد- حتی بدون جهتگیریهای مترقی اسلامی- با آن مقابله می کنند؛ با آن روبه رو هستند و با آن دشمنی می کنند. مسائل فلسطین اشغالی را ببینید! قریب چهل و چهار- چهل و پنج سال است که سرزمین فلسطین را با این سرکوب و وحشیانه، از مسلمین غصب کرده اند. با این همه حرکات ضد بشری که از سوی رژیم غاصب صهیونیستی انجام می گیرد، با این همه گناهان و خلافهای بین، که هر انسانی را دچار انزجار می کند، امریکا از پشتیبانی خود از این رژیم دست بر نمی دارد. روزبه روز پشتیبانی خودش را از آن بیشتر می کند. این، به

چه معناست؟! کدام تضييع حقوق انسان، از اين بالاتر است؟! آن وقت، امريكاييها ادعاى طرفدارى از حقوق بشر مى کنند؛ درباره ي حقوق بشر سخنرانى مى کنند؛ حرف مى زنند؛ سياستگذاري مى کنند، و موضعشان را نسبت به رژيمها معين مى کنند. فلان رژيم در ليست سياه آنهاست، چون به قول آنها «مراعات حقوق بشر را نمى کند»! فلان رژيم امروز از ليست سياه خارج شد! فلان رژيم امروز وارد ليست سياه شد! اينها، دنيايى را دارند بازى مى دهند. افكار عمومى عالم را دارند با اين ملعبه به تمسخر مى گيرند، و بشريت را استهزا مى کنند. براى انسانها بلايى از اين بالاتر؟! درباره ي جمهورى اسلامى حرف مى زنند و گاهى در خلال حرفهايشان مى گویند که شرط رابطه ي ما با جمهورى اسلامى اين است که حقوق بشر را رعايت کند! خيلى فرق است بين آن حرفى که ما مى زنيم و آن حرفى که امريكاييها مى زنند! ما مى گوييم آن كسى که بايد براى روابط شرط معين کند، شما نيسيد. ملت ايران با شما دشمن است. از شما به سبب گناهان بزرگى که بر دوش رژيمتان است، متنفر است. حالا مى گویند که اگر چنين بشود و چنان بشود، ما رابطه برقرار مى کنيم! ما رابطه برقرار نمى کنيم! ما تا وقتى که شما اين همه در دنيا ظلم مى کنيد، تا وقتى که از رژيم غاصب اسرئيل حمايت مى کنيد، تا وقتى رژيمهاى فاسد را در دنيا پشتيبانى مى کنيد، تا وقتى با رژيمهاى طرفدار مردم و طرفدار استقلال، دشمنى مى کنيد، حاضر نيسيم به طرف شما نگاه کنيم. اين شما نيسيد که شرط معين مى کنيد!

دولتمردان امريكايى؛ روسياه ترين سردمداران سياسى عالم

مى گویند «ما طرفدار حقوق بشریم»! ما مى گوييم: اصلاً شما حقوق بشر را قبول نداريد. شما معتقد به حقوق بشر نيسيد. شما معتقد به حقوق کمپانيها و سرمايه داران بزرگ امريكايى هستيد. شما معتقد به منافع نامشروع رژيم امريكا در سراسر دنيا هستيد.

شما به حقوق بشر کار نداريد! آن ديروزتان، اين امروزتان! اين قضايای داخل امريكا و مسأله ي سياهان! دهها ميليون، شايد پنجاه ميليون يا بيشتر - الان درست در ذهنم نيست - از سياهان امريكا از حقوق انساني محروم اند. در داخل شهرهاى امريكا و در زير سايه ي حكومتى که خود را پرچمدار حقوق بشر مى داند و انسانهاى عاقل و هوشمند دنيا را به

لبخند تمسخر و ادا می کند، این هزاران انسانی که در سی و چند شهر آمریکا در همین روزها سربلند کردند و خشم خود را ابراز کردند، به چه کسی اعتراض داشتند جز به شما؟! به سبب تضييع حقوقشان از که شکایت داشتند؟! شما شهروندان خودتان را فقط به این جرم که پوستشان سیاه است، زیر پاهایتان لگدمال می کنید؛ آن وقت دم از حقوق بشر می زنید؟! شما سالهای متمادی در مناطق گوناگون عالم، انسانهای مظلوم را ذبح کردید.

در ویتنام چه کردید! چندصد هزار از نیروهای آمریکایی به ویتنام رفتند برای دفاع از یکی از فاسدترین رژیمها. رژیم آن روز ویتنام جنوبی، طرفدار حقوق بشر بود یا یکی از فاسدترین رژیمها بود؟! لشکرکشی کردند و رفتند آنجا. نه فقط مسلّحین مقابل خودشان، بلکه زن و بچه ها را کشتند. چقدر از بچه ها را نابود کردند! چقدر از زنها را نابود کردند! چقدر مزارع و کشاورزان را از بین بردند و کشتند، و گروههایی را در زیر خروارها خاک مدفون کردند! اینها حقوق بشر است؟! در همین ایران، سالهای متمادی از رژیم ظالم، فاجر و خشن پهلوی حمایت کردند. شاه، طرفدار حقوق بشر بود، که با همه ی امکانات از او حمایت می کردید؟! از همین صدام حسین که امروز و از مدتها پیش تا امروز، صفحات مجلات و تبلیغات آمریکایی پر است از بیان خشونت‌های او، چقدر حمایت کردند؟! به او کمک کردند، به او فناوری دادند، پول دادند، مواد غذایی دادند؛ و در مقابل جنایات بزرگ او، دم نزدند! جلو چشم مردم همه ی دنیا، شهر حلبچه بمباران شد؛ بمباران شیمیایی! زن و مرد و کوچک و بزرگ، در یک لحظه، با بمباران شیمیایی و باران زهری که بر سر آنها فرو ریخت، در میان کوچه ها و خانه ها افتادند و از بین رفتند. اما اینها، دم نزدند. اینها حقوق بشر بود؟! کدام آدم عاقلی در دنیا به این پرچم حقوق بشری که اینها بلند کرده اند باور دارد؟! چقدر ساده لوح اند آن دولتهایی که با این شعارها، از حرف خودشان عقب نشینی می کنند و مواضعشان را از دست می دهند! چرا؟ چون تبلیغات آمریکایی این طور می گوید! غلط می کند این طور می گوید! اینها خودشان بزرگ ترین مجرمین دنیایند. اینها روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم اند. اینها چه حقی دارند نسبت به این و آن حرف بزنند؟! حربه ای ساخته اند برای کوبیدن هر دولت و هر حکومتی که آن را قبول نداشته باشند؛ حالا یا حق، یا باطل.

ملت‌ها در مقابل زورگویی‌ها بایستند

ملت اسلام باید اینها را بداند. ملت‌ها باید در این زمینه تصمیم‌گیری کنند. ملت‌ها باید در مقابل این زورگویی‌ها بایستند. دولت‌ها ایستادگی نمی‌کنند. دولت‌ها نمی‌توانند ایستادگی کنند. متأسفانه بسیاری از دولت‌ها در دنیا، به خاطر انقطاع از مردم، قدرت ایستادگی ندارند. آنکه باید بایستد؛ آنکه اگر ایستاد هیچ قدرتی نمی‌تواند با او پنجه‌پنجه‌بندازد، ملت‌ها هستند. ملت‌ها باید بایستند. ملت‌ها این چیزها را در کجا باید بفهمند، جز در حج؟! پیام برائت، یعنی این. پیام برائت، یک حرکت بزرگ اسلامی است. شرکت در پیام برائت و در اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی است. هیچ‌کس نباید از حضور در این حرکت عظیم انسانی اسلامی - الهی و سیاسی، سر باز بزند. این، روح و معنای حج است. آن جنبه‌ی جهانی حج؛ آن چیزی که مربوط به سرنوشت امت اسلام است، این است. حج برای این است. اینکه گفتند «در یک روز معین و در روزهای معین - فی آیام معلومات - در ساعات معین و حتی در جایی معین در یک نقطه‌ی محدود، از تمام اقصی نقاط عالم جمع بشوند»، برای چنین چیزی است. والما می‌گفتند «در ایام حج، هر کس در خانه و شهر خود، اجتماعی برقرار کند: ایرانیها در ایران، عراقیها در عراق، حجازیها در حجاز، هندیها در هند، چینیها در چین، اروپاییها در اروپا». چرا گفتند «همه راه بیفتند»؟ - يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلٰی كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۱)

- چرا؟ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ. (۲) آن منفعت، این است. «منافع لهم» برای همه‌شان، برای مجموعشان و برای امت اسلام. حج برای این است. آن وقت بعضی آدمهای ساده لوح، سؤال می‌کنند که «آقا! دلیل برائت چیست؟» توقع دارند که در رساله‌ی عملیه نوشته باشند «برائت!» همه‌ی حج، فریاد برائت است. همه‌ی احکام حج حاکی از وجود چنین جهت‌گیری‌ای است. آن کس که نمی‌فهمد، باید ذهن و فهم خود را تصحیح کند.

۱- حج: ۲۷

۲- حج: ۲۸

پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت را قولاً و عملاً نشان دهید

این است معنای برائت. و من به برادران عزیز- چه شما مسؤولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی- توصیه می کنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولاً و عملاً نشان بدهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم. این جور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم اهمیت، برادران از هم جدا شوند و هر کس یک جور عمل کند. اینجاباید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. امام قدس سره توصیه کردند، امر کردند که «در نمازهای جماعت شرکت کنید.» بنده هم عرض می کنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی ست و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید. یکپارچگی را با عمل خودتان و با نظم و انضباط، بر محور همین دستگاهی که امروز متصدی ست، ندا کنید.

من لازم است از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، به خاطر حسن اداره ی این امور و این تشکیلات، و همچنین از همه ی شمادست اندرکاران و همه ی برادرانی که از ماهها پیش، بلکه از سال قبل، در ستاد و در دستگاههای گوناگون مشغول انجام امور حج بوده اند و کمک و برنامه ریزی و سیاستگذاری کردند، تشکر کنم. از همه باید تشکر کنم.

عمل به این برنامه ها و برنامه ریزی ها، مستلزم آن است که ملت ایران مظهر این نظم و انضباط باشد. امیدواریم خدای متعال تفضل کند و وجود مقدس ولی عصر، ارواحنفاذ، لطف و عنایت خود را شامل حال شما کند. ان شاءالله از برکات وجود و حضور آن بزرگوار، در مراسم حج برخوردار باشید؛ و از معنویات آن ولی الهی بهره مند شوید. و ان شاءالله که شما برادران و خواهران مسلمان، بخصوص برادران و خواهران ایرانی، با حج مقبول، با توجه به خدا، با حضور قلب، با دلهای رقیق شده و به خدا نزدیک شده و دلهای پاک شده و گناهان دور ریخته و ثواب و فضیلت کسب شده، از این سفر پربرکت برگردید.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۳/۳/۱۳۷۱ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۱۳/۳/۱۳۷۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْيَبِينَ الطَّاهِرِينَ قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلَّلْنِي كَثِيرًا.

مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

شکری به وسعت دریای رحمت حق

اکنون که موسم حج فرا رسیده و نغمه لیبیک بر آمده از دل‌های مشتاق، فضای حریم امن الهی را انباشته است و ملت‌های مسلمان، از آفاق گسترده ی جهان، به میعاد ذکر و استغفار و قیام و اتحاد شتافته، و برادران مهجور، به یکدیگر رسیده اند، جبهه ی سپاس و خضوع به ساحت خدای عزیز و حکیم سوده، حمدی به عظمت صفات حسنی و شکری به وسعت دریای رحمت حق، نثار حریم حضرت احدیت می کنم، که یکبار دیگر به مسلمین مشتاق، توفیق این فریضه را عطا فرمود، و یکبار دیگر پرچم عزت و عظمت را بر فراز سر مسلمانان در خانه ی امن خود برافراشت و یکبار دیگر حجاج ایرانی را بر این سفره ی رحمت و عظمت نشانید. زبان و قلم از توصیف و تقدیر این نعمت بزرگ، قاصر است، خدا کند که نور معرفت بر دل‌های روشن شما حج گزاران بتابد و حقیقت، بی واسطه ی حرف و گفت، در جان مشتاق شما متجلی گردد.

حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان

نکته ی مهمی که این جانب می خواهم به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید بگویم این است که حج، نعمتی الهی است که بر نسلهای مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می گیرد که این همان عذاب شدید الهی است که: **وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**.

گرفته شدن حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروههای بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره مند شوند که: **لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ**. خوب است به درستی بیندیشیم، آیا جهان اسلام توانسته است از منافع حج برخوردار شود؟ و اساساً این منافع چیست؟

منافع حج درست برای مسلمانان

حج درست می تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه ی بتهای درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوسهای پست کننده و قدرتهای اسیرکننده ی آدمی اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع ناپذیر می سازد.

و نیز حج درست می تواند از اعضای جدا افتاده ی امت اسلامی، پیکره یی واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرفها و دردها و پیشرفتها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدفها و نتایج برنامه ریزی می شد، و در این برنامه ریزی دولتها و علما و صاحبنظران و روشنفکران جهان اسلام، همکاری می کردند، ثمرات گرانبهائی نصیب امت اسلامی می گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرأت می توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنانکه شریعت اسلام خواسته است

مورد بهره برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است خواهد رسانید.

فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه ی الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله ی زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه ی عمل بر همه ی ملت‌های مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه ی علمای دینی و روشن بینی و مساعدت دولتمردان همه ی کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه ی بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

برآورد موقعیت جهان اسلام

اکنون بجاست که با استفاده از این فضای معطر اخوت و به عنوان ادای بخشی از وظایفی که حج بر دوش ما می نهد، نگاهی به جهان اسلام افکنده و موقعیت آن را با توجه به حوادثی که پس از حج گذشته تا امروز در سراسر جهان پیش آمده، برآورد نماییم و وظایف خود را در این مجموعه باز یابیم.

حوادث یکسال گذشته از جمله ی مجموعه حوادث نادری است که کمتر زمانی به این کوتاهی را در تاریخ به یاد داریم که این همه حوادث بزرگ را در خود جای داده باشد.

در رأس این حوادث، فروپاشی ابرقدرت شرق و نابودی قدرت غول آسایی است که دهها سال، یکی از دو سلطه ی عظیم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی جهان، به شمار می رفت. اضمحلال امپراتوری پهناوری با قدرت نظامی افسانه یی و دسترسی به سلاح اتمی و همه گونه وسیله و امکان برای سلطه و نفوذ در دیگران، در محاسبات معمولی و

مادی در شمار کارهای محال است. اما این حادثه اتفاق افتاد و نادرستی محاسبات مادی یکبار دیگر ثابت شد.

گسیخته شدن بلوک شرق، دگرگونی فاحش جغرافیایی سیاسی در اروپا، سر بر آوردن ملتها و کشورهایی که سالیان متمادی بزور و غصب، در تصرف بیگانگان یا زیر نفوذ آنان بودند، نیز از جمله ی این حوادث شگفت آور است.

به همین اندازه جالب و هیجان انگیز است پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و به قدرت رسیدن ملتی که چهارده سال با غربت و مظلومیت و فقر مادی ولی با ایمان عمیق به اسلام، بار جهادی پر مرارت را بر دوش کشید، و نیز پدید آمدن چند کشور مسلمان مستقل در آسیای میانه با ملت هایی که علیرغم تبلیغات زهر آگین هفتاد ساله ی کمونیستها و علیرغم تلاش پس مانده های آن دوران که هرگز با اسلام آشتی نکرده اند و نخواهند کرد، ندای اسلام سر داده و به مسلمانی خود افتخار می کنند و در پی تحقق بخشیدن به احکام اسلامی هستند و نیز پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی که هم اکنون موجب دغدغه ی دولتهای اروپایی شده است.

و نیز از نوعی دیگر، پیروزی گروههای اسلامی در الجزائر در انتخاباتی آزاد و با روش منطبق بر معیارهای دموکراسی که مایه ی امید و تفاخر همه ی مسلمانان و حاکی از عمق ایمان اسلامی در آن ملت مجاهد و مجرب بود، و در عظمت آن همین بس که قدرتهای ضد اسلامی و مرتجعین منطقه را به یک اندازه مشوش کرد، تا آن جا که با کودتای مزورانه، بر روی آن حرکت اسلامی سرپوش نهادند و فعلاً آن را مهار کرده و به بند کشیده اند، و البته هر روشن بین به وضوح درمی یابد که تا زمان درازی نخواهند توانست به این وضع ادامه دهند.

باری، سال گذشته ی ما سرشار از چنین حوادث کم نظیر و شگفت آور بود، و به جز آن، رشد حرکت های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرتهای قُلدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم بخصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه نیز از ممیزات برجسته ی این سال بود.

وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین

این حوادث مهم و عبرت انگیز که بسیاری از آنها بی واسطه یا با واسطه از اسلام، متأثر بوده است، بر روی هم وضعیت جدیدی را برای اسلام و مسلمین به وجود آورده که وظیفه ی همه ی ملت‌های اسلامی است آن وضعیت را درست بشناسند و بدون فوت وقت نسبت به آن، موضعی یکپارچه و متین و منطبق با محاسبه اتخاذ کنند.

این وضعیت جدید دارای دو بخش یا دو عنصر است: اول این که تفکر اسلامی و هویت اسلامی در گستره ی جهان، از شوکت و عزت و نشاط بیشتری برخوردار گشته و اسلام به صورت یکی از برجسته ترین حقایق موجود عالم، در سرتاسر جهان مطرح گردیده است.

و دوم آن که قدرت های مسلط جهان در موضع صریحتری از خصومت نسبت به اسلام و مقاصد اسلامی قرار گرفته اند، و تحقیقاً یکی از فصول اصلی در نظم نوین پیشنهادی امریکا برای جهان پس از سقوط کمونیسم، فصل اسلام زدایی و مقابله ی با رشد روزافزون حرکت‌های اسلامی است.

هر کس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را درباره ی اسلام، و نهضت های اسلامی معاصر، و کشورها و ملت هایی که دم از گرایش به اسلام می زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامی اند، تعقیب کند از عمق کینه یی تمام نشدنی به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می یابد.

در حوادث جاری عالم نیز شواهد متعددی را بر این مدعا می توان مشاهده کرد که از جمله ی تلخترین و غم انگیزترین آنها، حوادث جاری در بوسنی و هرزگوین و نیز جنگ‌های خانگی در قره باغ و منطقه ی عمومی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگ‌های مذهبی و نژادی این قاره ی جنگ طلب می اندازد، با این تفاوت که امروز صرب‌های یوگسلاوی سابق، برای کشتار دستجمعی مسلمانان از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می کنند! با این حال این دولتها که به بهانه ی حقوق بشر در کار کشورهای

دور دست هم دخالت و اعمال نظر می کنند در برابر این فجایع دست روی دست گذارده اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوریهای دیگر همان کشور سابق، آن جا که پای مسلمانان در میان نبود به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه ی قفقاز نیز دولتهایی که می توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره باغ شوند، نه تنها اقدامی جدی نکردند و بلکه تلاش میانجی گرانه ی جمهوری اسلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی علاقه خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال یافته ی قفقاز، ثابت کردند.

ارتباطات فشرده ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مستقل آسیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش های اسلامی و آنچه آنان نام بنیادگرایی بر آن می نهند موضعگیری های خصمانه ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه جا و بطور نمونه یی بارز با حرکت سیاسی پیرومندان ی مسلمانان در الجزایر، رفتار حيله گرانه و غدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم انگیز و مظلومانه ی کنونی، دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفاً عکس العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعاً شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی امریکا و دیگر سلطه گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

وظیفه ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار

ملت های مسلمان باید به این سؤال پاسخ دهند که وظیفه ی مسلمین در برابر این موضع عنادآمیز و کینه توزانه چیست؟ شک نیست که قُلدران عالم فقط به احساسات خصمانه اکتفا نمی کنند، و از همه ی امکانات مالی و سیاسی و تبلیغاتی و اگر بتوانند، نظامی خود برای اعمال دشمنی استفاده خواهند کرد، همچنان که تاکنون کرده اند. و ملت ایران در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، این دشمنی ها را تجربه کرده و امت بزرگ اسلامی شاهد کینه توزی استکبار جهانی با ایران اسلامی یا سایر نمونه های حرکت اسلامی در نقاط دیگر جهان بوده است.

شک نیست که بی تفاوتی ملت های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخورد است و می تواند در برابر تجاوز و دشمنی امریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تاکنون همه ی لطمت جبران ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه ی دولتها یا ملت ها بوده است. ایستادگی ملت ها، دشمن را به ستوه می آورد و او را در رسیدن به هدفهای متحیرانه اش ناکام می سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه یی را که امروز انتفاضه ی اسلامی در برابر صهیونیست ها از خود نشان می دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهر آگین برای فلسطین رقم نمی خورد، و اگر امروز سران نهضت های اسلامی و مردم مؤمن، سختی های مبارزه را بر خود هموار کنند بی گمان امت اسلامی، آینده ی شیرینی را به دست خواهد آورد.

استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی شناسد

استکبار در تعرض خود به ملت های مسلمان، حدی نمی شناسد. امروز صهیونیستهای غاصب و امریکا به عنوان حامی همه جانبه ی آنها تا آن جا پیش رفته اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن که نه ریشه ی تاریخی دارد و نه رابطه ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.

در کشورهای اسلامی که مردم با ایمانی ناگسستنی به اسلام وابسته اند- از قبیل جمهوریهای تازه استقلال یافته که علیرغم هفتاد سال تلاش اسلام زدایی کمونیستها، با گرمی و هیجان از حاکمیت اسلامی سخن می گویند- قدرتهای ضداسلامی تا آن جا پیش می روند که از خطر اسلام گرایی در این کشورها سخن می گویند و شیرین ترین دلبستگی های آنان را به عنوان خطر قلمداد می نمایند.

این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده ی عمومی و یک اقدام هماهنگ از سوی ملت ها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شر توطئه های استکبار از سر ملت های مسلمان برطرف شود. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی آن که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون این که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه ی خود عقب نشینی کند.

اکنون صهیونیست ها علاوه بر ترور و آدم ربایی و غصب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می کنند و با اعتماد به این که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل حتی نتوانسته از ادامه ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند.

این نمونه یی بود از عقب نشینی هایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ تر می سازد.

قدرت ملتهای مسلمان

این جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است جلب می کنم، و آن قدرت ملت های مسلمان است. با پشتوانه ی این قدرت شکست ناپذیر، دولتهای اسلامی می توانند در برابر ابرقدرت امریکا که امروز جبهه ی ضد اسلامی استکبار را سرپرستی می کند، بایستند و از حق ملتهای خود و نیز از ملتهای مسلمان مظلوم دفاع نمایند. اسلام بهترین تضمین برای اداره ی زندگی یک ملت است و در سایه ی آن، ملتها می توانند طعم آزادی و استقلال کامل را بچشند و از آن بهره مند شوند، و ایمان اسلامی آحاد مردم در کشورهای مسلمان نشین، بهترین پشتوانه برای چنین منظوری است.

انتظار از دولتهای مسلمان آن است که به جای ترس و واهمه از اسلام- که امریکا و دیگر سردمداران استکبار سعی فراوان بر القای چنین ترس و واهمه یی در سران کشورهای اسلامی دارند- به این آیین الهی به چشم نجاتبخش ملتهای خود و به مثابه ی پیوندی میان ملتهای مسلمان یعنی اجزای امت اسلامی نظر کنند و با آن برای خود قدرت و عزت فراهم آورند.

این خود قوی ترین وسیله برای جلب و پشتیبانی ملت ها است، و دولتی که ملت خود را پشت سر داشته باشد می تواند از هیچ تهدیدی نترسد.

بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی

به ملت های اسلامی و آحاد مردم مسلمان نیز عرض می کنم که علاج همه ی دردها و ناکامی های ملل مسلمان، بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی و زیر سایه ی احکام اسلامی است. این آن چیزی است که عزت و قدرت و برخورداری از نعم بزرگ امنیت و رفاه را به مسلمانان برمی گرداند و سرنوشت تلخ و ذلت آمیزی را که طراحان استکبار برای امت مسلمان تدارک دیده اند، از آنان دور می سازد.

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملتهای مسلمان نیست و ملتهای مسلمان چاره ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام های سرمایه داری غرب زندگی کنند. این یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالهاست تبلیغ می شود. نظام سرمایه داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته و با وجود ثروت های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی بکلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت های آسیا و افریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی عدالتی عمل می کند و در این جا نیز مانند آن جاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب

آن یعنی اردوگاه سرمایه داری هم با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه تاز شدن در میدان قدرت، بدان دچار شده ماندنی نیست و دیر یا زود دنیا شاهد سقوط و تلاشی آن نیز خواهد بود.

اسلام قادر است که مسلمانان و همه ی انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آن که درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی های اسلام و تجربه یی مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است که از عمر سیزده ساله ی آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه ریزی و کینه توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی وقفه آماج دشمنی ها و خباثت های اردوگاههای دشمن قرار داشته است.

امام خمینی عظیم (قدس الله نفسه الزکیه) ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عمل مخلصانه کرد، و این راه هم اکنون در برابر همه ی ملت ها قرار دارد.

دولتهای اسلامی از آمریکا نترسند

همه ی آنچه از دولتهای مسلمان انتظار می رود، با اراده و خواست ملتهای آنان قابل تحقق است. شما باید از دولت های خود، مقابله با صهیونیزم و استکبار، و دفاع از مسلمانان مظلوم سراسر عالم و یکپارچگی و برادری با ملت ها و کشورهای مسلمان دیگر را طلب کنید و در راه این هدفهای عالی، پشتیبان دلسوز و فداکار آنان باشید.

شما باید به آنان بقبولانید که از آمریکا نترسند و در مقابل قُلدری های آن بایستند. و شما باید به آنان تفهیم کنید که اسلام و قرآن تنها راه نجات است و آنان را به حصار مستحکم لاله الاالله سوق دهید.

و در این وظیفه ی بزرگ، علمای دین، روشنفکران، خطبا، هنرمندان، دانشجویان و جوانان دارای نقش و مسؤولیت سنگین تری می باشند، و زنان نیز مانند مردان و دوشادوش آنان در این وظیفه سهمین اند. این است آنچه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام را در حق همه ی شما مستجاب می کند و شما را با پیوند الهی به آن مُنادی بزرگ توحید متصل می سازد. در پایان به حجاج محترم ایرانی توصیه می کنم که از این فرصت ارزشمند برای

تزکیه ی نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی حداکثر استفاده را بکنند، و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه ی روح، لحظه یی غفلت نکنند و نگذارند که خدای نخواستہ مظاهر بی ارزش مادی که همه جا نظائر آن را می شود یافت، چشم و دل آنان را به خود جذب کند و این روزها و ساعتہای استثنایی را که مخصوص معنویت و تکمیل نفس و تربیت روح و ارتباط با برادران مسلمان است، به بیهودگی از آنان بر باید.

خداوند همه ی شما را مشمول تفضلات الهی و توجهات و ادعیه ی زاکیه ی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار دهد.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

علی الحسینی الخامنہ ئی

اول ذی حجه الحرام ۱۴۱۲

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج (۸/ ۲ / ۱۳۷۲ ه. ش.).

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج

اشاره

(۸/ ۲ / ۱۳۷۲ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عمل ما با قصد قربت باشد

اولاً از همه ی آقایان محترم و خواهران گرامی که متحمل زحمات و خدمات این واجب بزرگ و فریضه ی ممتاز اسلامی شده اید و ان شاء الله در حج آینده نزدیک خواهید توانست و توفیق پیدا خواهید کرد که این واجب را به بهترین وجه بر گزار کنید و به حجاج محترم خدمت کنید، صمیمانه تشکر می کنم و به شما خوش آمد می گویم و امیدوارم که خدمات شما و زحمات و اهتمامی که مسؤولین محترم در امر حج مبذول می کنند مورد توجه حضرت ولی عصر، ارواحاله الفدا، و مقبول در گاه پروردگار عالم باشد.

یک مطلب اساسی وزیر بنایی فردی وجود دارد که به حسب طبع کار، مقدم بر همه مسائل و ضروریات دیگر است؛ و آن، این است: عملی که از ما سر می زند، ان شاء الله باید همراه باشد با قصد قربت و با طلب مرضات الهی. این، پایه ی کار است. همه ی کارها این جور است که با قصد خوب و نیت طاهر و قصد خدایی، بهتر انجام می گیرد؛ حتی کارهای دنیایی محض. لکن کارهایی که طبع عبادی و جنبه ی معنوی دارد، تأثیراتی فراتر از تأثیرات قابل محاسبه ی مادی می گذارد؛ که این حج هم، یکی از اظهر مصادیق این جور کارهاست؛ و به نیت خالص و قصد الهی بیشتر احتیاج دارد.

اگر کار برای خدا و به قصد انجام تکلیف و کسب مرضات الهی شد، خداوند به آن برکت می دهد، اثر می دهد، جذابیت می دهد و دلها را به طرف آن جلب می کند. در این

مورد خاص هم، آنچه که شما از تأثیرات حج دنبال آن هستید، آن را فراهم می کند. شما به این حرکت عظیمی که انجام گرفت- یعنی اصل پیدایش انقلاب، شروع نهضت و مبارزه و کارهایی که در این انقلاب شد، از جمله همین مسأله ی حج که امام راحل عظیم الشان ما، رضوان الله تعالی علیه و قدس الله نفسه الطیبه الزکیه، این کارها را شروع کردند- نگاه کنید در همه ی این کارها، آن مردالهی و معنوی، نیتش نیت خدایی بود. خدا هم برکت داد. تبدیل حج از یک عمل نیمه تجاری نیمه سیاحتی تفننی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی، کار کوچکی نبود. این کار، با برنامه ریزیهای سیاسی و دنیایی و این چیزها قابل تحقق نبود. این را خدا کرد؛ و آن هم به خاطر نیت خالص آن مرد بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیتها را خدایی کنیم، ان شاء الله شما که همین جور هم هستید.

حج؛ ذخیره یی برای دنیای اسلام

مطلب بعدی که از لحاظ تأثیرات اجتماعی و جهانی و بین المللی مهم است، خود این قضیه ی حج است. حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام- با این همه احتیاجی که دارد- از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد. ما مردم مسلمانی که در این نقطه از دنیا داریم زندگی می کنیم، اختیار دار امور حج در ابعاد وسیع که نیستیم، ما خودمان و کار خودمان و تأثیرات آن را مالکیم. ما باید حج را به نحوی انجام بدهیم که دنیای اسلام از آن سود ببرد. حج یک مرکز اجتماع است. خدای متعال می تواند برای زیارت خانه ی خودش دوره ی سال را بگذارد. اگر فقط رفتن و دورخانه طواف کردن و حال و توجه پیدا کردن بود، چه لزومی داشت که همه ی مردم دنیا موظف باشند در یک روز، در یک مقطع زمانی، در روزهای مشخصی، این جا را زیارت کنند.

می گفتند که وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱) که در دوره سال بیایند. هر کس هر وقت می تواند

بیاید حج بکنند! این را نگفتند. حج را اَيَّامِ مَعْلُومَاتٍ قرار دادند؛ زمان مشخص قرار دادند. در داخل حج، اجتماعات یک روزه، یک شبه، دو-سه روزه قرار دادند؛ خواستند همه همزمان در آن جا جمع بشوند. این برای چیست؟ برای این است که لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ (۱)

پس این منافی که مسلمانها در دوران حج باید شاهد باشند و آن را ببینند، منافی است که با حیثیت تجمع مردم و با این حالت اجتماع ارتباط پیدا می کند. اگر اجتماعی تشکیل بشود که در آن ارتباطی نباشد، هزارها تن بیایند بی ارتباط با هم، بی تماس با هم و بدون خبرگیری از هم، بدون کمک معنوی به هم، بدون همفکری، مقصود حاصل نشده است. چه معنی دارد که عده ای را یک جا جمع کنند، درحالی که از آن جمع شدن هیچ فایده ای برای آنها متصور نیست؟ چرا نگفتند دوره ی سال را بیاید؟

لابد می خواستند که مسلمانها در این وقت معین در این جا اجتماع کنند، مجتمع بشوند، تا از این اجتماعشان فایده ای ببرند. چه فایده ای از این اجتماع می شود برد؟ دهها فایده! مگر می شود اینها را سر دستی اینها را شمرد؟ اگر به عمق مسأله پی ببرید، دهها فایده ی بزرگ دارد، که همه برای دنیای اسلام لازم و حیاتی است.

حج؛ یک فرصت استثنایی

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج، استفاده ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانها مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیدا کردن با هم نداشته اند. مدتها بود که مسلمانها خواب بودند، غافل بودند، نوری نبود، برقی نبود؛ بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند! گرفتاری بود، اما نه آن قدری مایه ی تنبه و بیداری بشود و آن گرفتاریها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود، گذشت، اما اجتماع حج برایشان فایده ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملتهای در خواب غفلت نگه داشته

شده، غافل از وضعیت خود، به فکر این بودند که گلیم خود را از آب حج بیرون بکشند و واجبشان را انجام بدهند و بروند. یک مدتی چنین بود. امروز هم مسلمانها، به خاطر گرفتاریهایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده اند، نهایت احتیاج را به همفکری و همکاری دارند. این همکاری و همفکری امروز ممکن است، لکن در گذشته ممکن نمی شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد.

می خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند

شما نگاهی بکنید به اکناف عالم، ببینید این قدرتهای ستمگر با مسلمانها چه دارند می کنند. اولین نیت آنها این است که مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند و اگر کسی هست که به مسلمانها هشدار می دهد، هر جور می توانند او را از صحنه خارج کنند. این، بزرگترین همت استکبار و قدرتها و قدرهای جهانی است. می خواهند منذری نباشد؛ منبهی نباشد؛ بیدار کننده ای نباشد؛ و به همین سبب با جمهوری اسلامی مخالف اند. مخالفت با جمهوری اسلامی به خاطر این تهمتیهایی که به دروغ به جمهوری اسلامی می زنند، نیست. اینکه ادعا می کنند در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت نمی شود- که البته حرف غلط و دروغ و افترای محض است- این به خاطر این نیست که واقعاً آنها به حقوق بشر اهمیت می دهند، برای بشر ارزشی قائلند. ما تا مدتی پیش گمان می کردیم که این غربیها و امریکاییهایی که پرچم حقوق بشر را به دروغ در دست گرفته اند برای بشر آسیایی و افریقایی و امریکای لاتین و اینها ارزشی قائل نیستند و ارزش را فقط برای خودشان قائلند؛ اما حالا معلوم شد که برای هیچ بشری ارزش قائل نیستند و اگر یک وقت خواستها و شهواتشان اقتضا بکند حاضرند هر جور انسانی را، مربوط به هر منطقه ی از عالم که هست، نابود کنند. در همین چند هفته پیش دیدید در امریکا یک گروه را که عقیده ی انحرافی داشتند کشتند. حالا- عقیده ی آنها برای ما درست هم روشن نیست. اما آنها که می گویند: «عقیده اشکالی ندارد، همه آزادند» در همان روزها رئیس جمهور و مسؤولین عالی رتبه ی امریکایی ایستادند تا برای همجنسبازان حقوقی قائل بشوند. پس داشتن یک عقیده ی منحرف و غلط و باطل چه جرمی محسوب می شود که جمع شدند و اینها را نابود کردند و در آتش سوزاندند؟!

روی جمهوری اسلامی فشار می آورند

ما از کسی دفاع نمی کنیم. ما، آن گروهی را که کشته شدند، نمی دانیم چه جور کسانی بودند. اما می خواهیم این نکته برای همه و از جمله مردم ما روشن بشود - که بحمدالله روشن هم هست، حتی وسواسیهای داخل جامعه هم، دیگر حالا می دانند - این کسانی که ادعا می کنند که طرفدار حقوق انسانها هستند، اینها راست نمی گویند، اینها خلاف می گویند، اینها دروغ می گویند. کسانی که این قدر به بشر بی اعتنا هستند، اگر به یک کشوری ایراد گرفتند که در آن جا حقوق بشر نقض می شود، آدم عاقل باید نگاه کند ببیند مقصودشان از این حرفها چیست؟ چه هدفی پشت سر این حرف قرار دارد؟ آن هدف معلوم است چیست. اینها نمی خواهند یک جمهوری اسلامی ای باشد، که قیام این جمهوری اسلامی، وجود این جمهوری اسلامی، به این معنی است که مسلمانان در همه جای دنیا می توانند مشابه چنین کشوری را تشکیل بدهند. از این می ترسند! اینها می خواستند که جمهوری اسلامی نابود بشود؛ می خواستند ناکام بشود، می خواستند در راه هدفهایش پیش نرود؛ می خواستند گرفتاریهای بزرگ پیدا کند.

حالا که می بینند بحمدالله با همت مردم، دولت و مسئولین، کشور به طرف سازندگی پیش می رود، به طرف آبادی پیش می رود، مردم یکپارچگی خودشان را در حد اعلا حفظ کرده اند، عزت جهانی کشور روزبه روز رو به افزایش است، حالا که می بینند جمهوری اسلامی مقتدر است، سر بلند است، مستقل است، از کسی ملاحظه نمی کند، به قدرتی اعتنا نمی کند، ناراحتند. از اینکه می بینند چنین نظامی، با حضور خود، ملت‌های مسلمان را تشویق می کند که بیدار بشوند و به اسلام خودشان فکر کنند، ناراحتند. بیداری مردم اولین چیزی است که اینها درصدد هستند مانع آن بشوند، لذا فشار می آورند روی جمهوری اسلامی. البته فشار آنها اثری ندارد. اگر قرار بود فشارهای امریکا و امثال امریکا بر روی جمهوری اسلامی، برای آنها اثر مطلوب داشته باشد، جمهوری اسلامی - به فضل الهی و به توجهات ولی عصر - این جور پیشرفت نمی کرد.

کید دشمنان به جایی نمی رسد

بودن این ملت، قیام جمهوری اسلامی، عزت جمهوری اسلامی، بزرگترین دلیل و

روشن ترین دلیل بر این است که کید دشمنان به جایی نمی رسد و به کوری چشم آنها، مسلمانها در همه جای دنیا، کم و بیش بیدار شده اند؛ ملتها به خود آمده اند و قدر اسلام را می دانند. با وجود این همه فشاری که بر مسلمانها وارد می کنند، نیروی اسلامی و روح اسلامی، رو به فزونی و ازدیاد است. حالا مثلاً به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می توانند؟

اسمش را گذاشته اند «صلح»! این صلح است یا ظلم است؟ مخالفت ما با این مذاکراتی که دارد بر سر فلسطین مظلوم انجام می گیرد، به خاطر مخالفت با صلح نیست. ما طرفدار صلحیم، ما منادی صلحیم، ما منادی بالاتر از صلح هستیم. ما می گوئیم: بین مسلمین عالم و بین آحاد بشر برادری باشد. ما طرفدار برادری هستیم، ما مخالف با صلح نیستیم؛ اما این مذاکراتی که امروز در امریکا در جریان است، مذاکره ی صلح نیست؛ این، مذاکره ی ظلم است. می خواهند یک ظلم را تثبیت کنند؛ می خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند.

البته که ما مخالفیم! همه ی جوانمردان عالم باید مخالف باشند. همه مسلمانان باید مخالف باشند و با آن مخالفت بکنند. خانه ی ملت فلسطین را از آنها گرفته اند و یک مشت غاصب را در آن جا، جا داده اند، پشتیبانی کرده اند، و به دست آن غاصبین، صاحبخانه ها را به فجیع ترین شکل سرکوب کرده اند. حالا هم برای اینکه دهان صاحبخانه ها را ببندند و به کلی ادعای آنها را از مایملک خودشان پس بگیرند، می خواهند با دولتهای عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند!

امریکا اشتباه می کند

مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین چیزی را امضا بکند! مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه ی او را به غاصبی بفروشد! ما امیدواریم این مذاکرات به یک قرار داد امضا شده ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست بشود؛ اگر پای آن را دولتهای عربی که حضور پیدا کرده اند امضا بکنند؛ آن امضا از نظر مردم فلسطین و از نظر مسلمانهای عالم و از نظر ما اعتباری ندارد. امریکا اشتباه می کند؛ امریکا با جمع کردن دولتهای عرب دور یک میز برای چنین مذاکره ی ننگینی، دولتهایی را که در آنجا جمع شده اند، در پیش مردمشان منفورتر می کند. مگر مردم کشورهای عرب حاضرند موافقت کنند که

رؤسایشان برون‌دخانه‌ی ملت فلسطین رابه دیگران بفروشنند! با این کار فاصله‌ی بین این رؤسا- اگر خدای ناکرده به چنین امضایی برسند- و ملت‌هایشان بیشتر خواهد شد.

ملت‌هایشان را خشمگین تر خواهد کرد. ملت مصر را خشمگین تر خواهد کرد. آن بیچاره‌ی مصری بلند می‌شود مثل سائل به کف، می‌رود به امریکا برای شکایت کردن از ایران! شکایت بکنند پیش آن بیچاره‌ای که خود او بیشتر از این دلش از ایران پُر است و شکایت دارد! از ایران چرا شکایت می‌کنی؟! از اسلام شکایت کن. از ملت مسلمان خودت شکایت کن. آن آقا اگر قرار است از کسی شکایت کند، از ملت مصر باید شکایت کند.

ملت مصر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه‌ی در اسلام است. ملت مصر افتخارات بزرگی در راه افکار نو اسلامی و مبارزات اسلامی دارد. این ملت، ملت غیوری است. یقین است که این ملت حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمل کند، و با آنها درگیری پیدا می‌کند. درگیری مردم مصر به ما چه ارتباطی دارد؟ ما هر جا مسلمانها بیدار بشوند، خوشحال می‌شویم. هر جا مسلمانها مشتشان را گره کنند، ما خوشحال می‌شویم.

هر جا مسلمانها کتک بخورند، ما غمگین می‌شویم و احساس مسؤولیت می‌کنیم. اما ما نیستیم که بخواهیم وارد بشویم و ملتی مثل ملت مصر را متوجه تکالیفشان کنیم. خودشان تکلیفشان را می‌دانند. خودشان آگاهند چه باید بکنند؛ و درست فهمیده‌اند. درست فهمیده‌اند ملت مصر، درست فهمیده‌اند جوانهای مصر که در مقابل آن حکومتی که دارد به آرمان اسلامی و به آرمان فلسطین و به سرنوشت کشورهای اسلامی خیانت می‌کند، ایستاده‌اند. این به ما ارتباطی ندارد. اشتباه اینها در همین است که قوت اسلام و نیروی اسلام و تأثیر اسلام را نمی‌توانند بفهمند.

فاجعه آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند

امروز شما ملاحظه کنید در بوسنی و هرزگوین چه خبر است! این بوسنی و هرزگوین واقعاً یک تابلو ماندنی است. خیانت و فاجعه آفرینی قدرتهایی که امروز به ظاهر دم از دلسوزی برای مردم بوسنی می‌زنند در تاریخ خواهد ماند. مثل این امریکاییها و بعضی از اروپاییها که زبانی دلسوزی می‌کنند، مثل دو نفر است که در مقابل هم قرار گرفته باشند. بعد شمشیر یکی را از او بگیرند و شمشیر دیگری را تیز کنند؛ و همین که او

شمشیر را در بدن این مرد غیر مسلح فرو برد و نزدیک است که وارد قلبش بشود، شروع کنند در اطراف او به آه و ناله کردن که «حالا- چطور است دعوا را متوقف کنیم؟ چطور است دوا و درمان کنیم؟ چطور است نگذاریم؟» این حرفها، انسانهای هشیار را به خنده ی تمسخرآمیز وادار می کند.

مردم بوسنی بیشتر از یک سال است که زیر فشار هستند. شما می گوئید «ما دل می سوزانیم، آذوقه می فرستیم، صربها را محاصره ی اقتصادی می کنیم؟! اینها همه اش حرف مفت است؛ اینها ادعای دروغ است؛ اینها منافقانه عمل کردن و حرف زدن است.

اگر اینها راست می گفتند و دلشان برای مسلمانها می سوخت، بایستی محموله های سلاح را می بردند به دست آن مسلمانها می دادند. آن مسلمانها احتیاج به نان و غذای کسی ندارند؛ احتیاج به کاروان غذای سازمان ملل ندارند؛ احتیاج به دلسوزی دروغانه ی این و آن ندارند. اگر سلاح داشتند، از خودشان دفاع می کردند. می بینید چه فاجعه ای را همین امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی به پشتیبانی از قصابان و ستمگران صرب و کروات دارند انجام می دهند!

شکوه و قدرت اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد

اما این را می خواهم عرض کنم؛ و این یک نکته ی اساسی است: علی رغم همه ی اینها، به فضل پروردگار، پس از چندی شکوه و قدرت اسلام، با پشتیبانی همین مردمی که برای اسلام مقاومت می کنند، در اروپا روزبه روز بیشتر خواهد شد، و خواب همان کسانی که می خواهند اسلام نباشد، بر آشفته خواهد شد. این، قدرت اسلام است؛ این، معنویت اسلام است؛ این، آمادگی مسلمین است؛ این، نیاز جهان اسلام و جامعه ی اسلامی به همفکری و همکاری است و این صحنه ی عظیم حج است و این شما خدمتگزاران که باید حجاج را راهنمایی کنید، هدایت کنید، احکام آنها را به آنها تعلیم بدهید، آنها را از لحاظ عمل شخصی شان، از لحاظ استفاده ی بهتر از مراسم حج راهنمایی کنید. ان شاء الله خدای متعال پشتیبان شما باشد و توجهات حضرت ولی عصر، ارواحنا له الفداء، شامل حال شما باشد و حج مقبول و سعی مشکوری داشته باشید.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۲۸ / ۲ / ۱۳۷۲ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۲۸ / ۲ / ۱۳۷۲ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة على رسوله النبي الأمين و على آله الميامين و أصحابه المنتجبين والسلام على جميع عباد الله الصالحين.

قال الله الحكيم: وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا.

وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.

تجدید بهار ایمان و حیات دینی

بار دیگر اراده ی نافذ الهی، مؤمنین را در زادگاه توحید و بارگاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه ی دلها و در ساحت قبله ی جانهای مسلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسلمان فائق آمده و انبوه دلهایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می تپند، به سوی مرکز توحید و وحدت امت کشانیده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سعی کرده است خانواده ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه ی اعتقادی اش و هم از علقه و پیوند فیما بین ایمانی اش جدا کند، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه ی حج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده ی کهنسال و ریشه دار تزریق می کند و هر سال شکوفه های تازه یی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودت اسلامی را، نوید می دهد، و ساخته های دست دشمن را باطل می سازد. این معجزه ی حج است که علیرغم وجود درگیریها و منازعاتی که، در آن، حکومت های مسلمان بارها در برابر یکدیگر

صف آرایی کرده اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملت‌های مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملتها همواره رو به افزایش بوده است.

سه ویژگی برجسته ی حج

اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اول، در آن باز می شناسد: نخست آن که حج، یگانه فریضه یی است که خداوند برای ادای آن همه ی آحاد مسلمین هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد از سراسر عالم و از خلوت خانه ها و عبادتگاهها، به یک نقطه فرا می خواند و در ایام معلومات، در گونه گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می زند: **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**. دوم آن که در همین کار دستجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می کند: **وَيَذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ**. سوم آن که در صفحه ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلی زندگی انسان موحد را عرضه می کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف دار و جهت دار می دهد.

از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سعی میان صفا و مروه و وقوف در محشر عرفات و مشعروذکر و تضرع و تعارفی که در آن است، و تا رسیدن به منا و قربانی اش و رمی جمره اش و حلقش و سپس دوباره برگشتن به طواف و سعی، همه و همه درسهای رسا و روشن حرکت جهت دار و دستجمعی و معرفت آمیز مسلمان، در عرصه ی توحید و در مسعای حیات و برگرد محور «الله» است.

زندگی در آینه ی حج؛ یک سیورورت دائمی

زندگی در آینه ی حج، یک سیر دائمی بلکه یک سیورورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و

رسم زندگی ما را در صحنه‌ی عملی و روشن ترسیم می‌کند. میعاد ی همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سالهای بعد گروههای دیگر و گروههای دیگر بیابند و بروند، بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبّر کنند، و در نهایت همه ی امت، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته، برسند. نظر افکندن به عرصه ی عظیم زندگی امت اسلامی، فراتر از ابعاد ملتها و نژادها و قوم و قبیله ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه ی زندگی، چنانکه شایسته ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا. این است آن سرچشمه ی معرفتی که هر ساله در حج، فیاض و بی زوال، بر انبوه خلائق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می‌یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می‌سازد.

سعی شده حج را فریضه ی فردی قلمداد کنند

در گذشته و امروز، نیز کوششهایی شده است و می‌شود تا حج را فریضه یی فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند.

بگذریم از آن غفلت زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتنی نگاه می‌کنند. حج با برجستگیهایی که در هیچ فریضه ی دیگر اسلامی، مجموعه ی آن را نمی‌توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ نظرانه ی آنان و نگاه بی فروغ و خطابین اینان است. در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حج ابراهیمی را ندا کرد و خلائق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلاهی: *وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ* را به گوش جهانیان رسانید. حج ابراهیمی همان حج محمّدی است که در آن، حرکت به سمت توحید و اتحاد، روح و سرلوحه ی همه ی مراسم و شعائر است؛ حجّی مایه ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امت واحده، حجّی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجّی که در آن ملتهای مسلمان، وجود امت فراگیر محمّدی صلی الله علیه و آله و

حضور خود در آن را لمس می کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملتها، از احساس ضعف و عجز و خود باختگی رها می شوند. حج ابراهیمی، آن است که در آن مسلمین، از تفرقه به جمعیت حرکت کنند و کعبه را، که بنای یاد بود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت پرستی است، با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره ی مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه بگیرند. اکنون این جانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حج شما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبیر در مناسک حج را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکراً عرض می کنم:

توحید؛ روح اساسی حج

۱- نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسی حج و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجه و حرکت به سوی الله و ردّ و نفی بتها و قدرتهای شیطانی است. خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس اماره و هواها و هوسهای گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روشهای شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملتهای مسلمان را دستخوش سیاستهای خود ساخته اند. مراسم برائت در حج، اعلان بیزاری از این قدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت آمیزی می تواند در زندگی جوامع مسلمان، نشانه ی سلطه ی قدرتها یا تلاش آنان برای تسلط بر کشورهای اسلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین المللی و موضعگیری در برابر حوادث عالم، همسو و تحت تأثیر قدرتهای سلطه گر و در رأس آن امریکا است. رواج فساد و رسمی بودن فحشاء و محرّمات شرعی در بسیاری از این کشورها، متأثر از سیاستهای شیطانی آن قدرتها است. وظیفه یی که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج گزار لازم می سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است، و

این اولین قدم، در راه تجسم اراده‌ی اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه‌ی جوامع اسلامی است.

ایجاد تفرقه میان مسلمین؛ سیاستی استعماری

۲- مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته‌ی دیگری از مناسک حج است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربه‌ی اختلافات فرقه‌یی و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربه‌ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی، ضربه‌ها و جراحتهایی وارد می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و افریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج‌فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف گاه به آن جا می‌رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملتها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم‌نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشان‌شان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملتهای مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنباش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشا کنند.

مبارزه‌ی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمانان

۳- نکته‌ی مهمی که شایسته است همه‌ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه‌ی جای جهان، مبارزه‌ی سرسختانه و توطئه‌آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه‌های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملاً

شناخته شده است، ولی می توان گفت که شیوه های متنوع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیداً قساوت آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده ی این روزگار است.

نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علّت این پدیده؛ یعنی شدّت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می سازد. علّت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست.

حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیر اسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده اند، که باید نهضت «تجدید حیات اسلام» نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقّع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها اسلام را فراموش نکرده، بلکه با ایمانی پر شور، که با استفاده از پیشرفت معارف بشری، بسی روشن بینانه تر و ژرف تر نیز شده است، بدان روی آورده و گم شده ی خود را در آن می جوید. قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله ی این نهضت جوان و ریشه دار است، که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است. این آن چیزی است که جبهه ی استکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقاید و مقدّسات ملتها پرهیز می کرد، وادار می سازد که در مبارزه با اسلام، علناً و با همه ی روشهای ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود. در امریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می توان شناخت که حداقل یکبار در گفته های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسته و مبارزه با آن را لازم شمرده اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسلمان، به ایمان و عمل اسلامی گسترده تر شده، این اظهارات ناشی از سراسیمگی و دشمنی، واضح تر گردیده است و اکنون کار به جایی رسیده که حتی رؤسا و سیاستمداران بعضی از کشورهای اسلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسلام را در زیر پوششی از نفاق پنهان می کردند، به پیروی از اربابان امریکایی و اروپایی شان علناً و صریحاً از خطر اسلام دم می زنند! و ایمان مقدّس مردمی را که بر آنان فرمان می رانند، برای خود خطر می شمرند. مبارزه با بیداری اسلامی در سطح جهان، شکلهای گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملاً دموکراتیک به حاکمیت جبهه ی اسلامی رأی می دهند، کودتایی خشن،

انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر- امریکا و اروپا- نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می گیرند و دست پنهان خود در آن را افشا می کنند. در سودان گروه های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیستهای غاصب به وحشیانه ترین وجهی سرکوب و شکنجه می شوند، آنگاه امریکا، آن آدم کشان ددصفت و شکنجه گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملت عراق، که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته اند، از سوی آن رژیم مورد وحشیانه ترین حملات قرار می گیرند، و امریکا و غرب، که انگیزه ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدام را در قضایای دیگر، آشکارا نشان داده اند، این جا با سکوتی رضایت آمیز و تشویق کننده ظاهر می شوند. در کشمیر و هند، تعصب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدسات مسلمین تعرض می کند و این با خونسردی و لبخند بی تفاوت امریکا و غرب مواجه می شود. در مصر روشنفکرترین نسلهای مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امتیاتی امریکا قرار می گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه ی اسلام، به وسیله ی پس مانده های رژیم کمونیستی، بشدت سرکوب و جمع کثیری از آنان از خانه و کاشانه ی خود آواره می شوند و غرب با همه ی دغدغه اش از بازگشت کمونیستها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیزم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می گیرد. در امریکا و اروپا مسلمانان و گروههای اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می گیرند و در مواردی تظاهر به پابندیهای اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب حجاب تحریم شده و به وسیله ی نویسنده یی مهدورالدم مکرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم های اروپایی قرار

می گیرد و حتی رئیس رژیم بدنام و بدسابقه ی انگلیس، با آن نویسنده ی قلم به مزد و بی ارزش ملاقات می کند. از اینها همه بدتر، فاجعه ی بی سابقه ی نسل کشی مسلمین در بوسنی است، بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست- و اخیراً با همراهی کرواتها- با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمکهای خارجی، زشت ترین و غیر انسانی ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می دهند، و غرب و امریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنان نکرده و هیچ ممانعتی از جنایت صربها نشان نداده اند، بلکه با استفاده از امکانات شورای امنیت از رسیدن سلاح به مسلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره ی آنان را کامل کرده اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند که امریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه ی بی نظیر بوسنی، مقصّر و مسؤول مستقیم اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده ی دروغ تحویل داده اما از کشته شدن حتی یک نفر از هزاران نفر کشته ی مظلوم آن سرزمین جلوگیری نکرده، و بالاتر، از قدرت دفاع یافتن آنان نیز ممانعت کرده اند. این تصویر مجملی از دشمنی غرب و امریکا با اسلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راههایی که بعضی ساده لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می کنند، گره گشا و مایه ی نجات مسلمین نیست.

تنها یک چیز علاج است و بس، و آن اتحاد مسلمانان، پافشاری بر اسلام و ارزشها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنگ کردن عرصه، در بلند مدت بر دشمن است. و امروز چشم امید دنیای اسلام، به جوانان غیور و بسیجی در سراسر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند

۴- نکته ی مهم دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه ی تدابیر شیطانی اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیت همه جانبه ی سیاسی و امتیعی و بیش از همه، تبلیغاتی امریکا و دیگر

کشورهای استکباری و ایادی منطقه یی آنان بر ضدّ نهضت اسلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضدّ نظام مقدّس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بی سابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده ی امریکا در منطقه، در منتهای رذالت و خبثاتی که از آن انتظار می رود، ایفای نقش کرده است. محاسبات مادی عادی، حکم می کرد که باید بر اثر این تلاش همه جانبه یی که مستکبرانه و از سر خشم و عناد ترتیب می یابد، نهضت اسلامی در کشورهای اسلامی ضعیف یا ریشه کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت به مرور وسیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسلامی متعدّدی را می توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعالان اسلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهند کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورها فعالیت گروههای اسلامی و حتی تظاهرات سیاسی و تبلیغاتی اسلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سرزمینهای غصب شده ی فلسطین مبارزات مردم، با شعارهای اسلامی و با مرکزیت مساجد، عرصه را بر صهیونیستها تنگ کرده است، و در همین سالها است که گروههای مبارز اسلامی در لبنان، حتی در انتخابات پارلمانی و نیز در موقعیتهای مردمی به توفیق چشم گیری دست یافته اند. و در همین دوره ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده لوحانه انتظار داشتند یا به بن بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم پوشد، با سرعتی بیش از توقع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است.

این جانب به برادران و خواهران مسلمان در همه جای جهان اسلام، عرض می کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن بینی نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه ی نومید شدن نمی دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لااقل می توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می بینید که نتوانسته است. ستّهای الهی و واقعتهای خارجی خبر از آینده ی روشن نهضت نوین اسلامی می دهند و قرآن بارها می فرماید: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه ی استکبار

۵- تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی شک کارآمدترین حربه ی استکبار است. امروز تعداد رسانه های صوتی و تصویری و مطبوعاتی یی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه یی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم الشان در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملت‌های مسلمان، روشنگری‌های علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعال و آگاه است. و همه بخصوص علمای متعهد دین در این مورد وظیفه یی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه یی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می بینیم که همان تهمتها امروزه به همه ی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می شود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی وارد کنندگانش آگاه می سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور

برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب:

اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضد انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده اند. ضدیت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه ی آن مدت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می رفت مبذول داشته اند. تضييع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیتهای کشور شرکت می ورزد، نمی پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می شمردند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیم هایی متوجه ایران می سازند که خود قلم های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه سازی کرده اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق یک ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهار صد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران به وسیله ی امریکا برفراز خلیج فارس، یا بی عدالتی نسبت به سیاهان در امریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزائر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزانیدن دستجمعی عده یی در امریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیّت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که این گونه

بی محابا حقوق بشر را پایمال می کنند یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی تفاوت بلکه رضایتمندانه و تشویق آمیز تماشا می کنند، حقیقتاً از این که بنا به ادعای آنان در ایران اسلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتند؟! حقیقت آن است که خود تهمت زندگان و از جمله سردمداران کنونی امریکا که اخیراً بر سر این حربه ی تبلیغاتی زنگ زده و قدیمی، جنجال تازه یی به راه انداخته اند، به خوبی می دانند که سخن به گزاف می رانند، آنچه آنان از جمهوری اسلامی نمی پسندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصلحت سیاسی به آنان اجازه نمی دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشکار می سازد. در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می سازد اینها است:

اول- جدا نبودن دین از سیاست و پایه ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوم- استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.

سوم- اعلام راه حل مشخص جمهوری اسلامی درباره ی مسأله ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و یهودیان در فلسطین. چهارم- حمایت معنوی و سیاسی از همه ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.

پنجم- دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه ی رواج دادن اهانت به این مقدسات، نظیر آنچه در باب نویسنده ی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد. ششم- تلاش برای اتحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملت‌های مسلمان در قالب «امت بزرگ اسلامی». هفتم- ردّ و نفی فرهنگ تحمیلی غرب، که دولتهای غربی با تنگ نظری و تعصب، برآند که همه ی ملت‌های عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم- مبارزه با فساد و بی بندوباری جنسی، که بعضی از دولتهای غربی بخصوص امریکا و انگلیس اخیراً انحرافی ترین شکل آن را بی شرمانه رسمیت داده یا در راه آنند، و از دهها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه ریزی و تلاش می کنند.

اینها است آنچه موجب دشمنی کینه آلود امریکا و همپالگی هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی در چشم ملت‌های مسلمانی که همه دلبسته‌ی این اصول اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متهم می‌کنند و از سوی دیگر با تحلیل‌های دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می‌سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه‌گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی قدس سره و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید

۶- در پایان، به حجاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حج، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلغان و پیام‌رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه‌ی خدا و حرم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و موافق با ارزش حج و سرزمین پرخطرته‌ی حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول الله صلی الله علیه و آله و عترت طیبه‌ی آن بزرگوار علیهم السلام و بخصوص توجه و توسل به حضرت ولی الله الاعظم که بی شک فیض

حضور مقدّسش در مراسم حج شامل دلهای با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بینات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه ی تقرب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علوّ درجات روح مطّهر امام راحل و ارواح طیّبه ی شهدای اسلام را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

۲۴ ذی القعدة ۱۴۱۳ برابر با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج (۳۱ / ۱ / ۱۳۷۳ ه. ش.).

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج

اشاره

(۳۱ / ۱ / ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم

برادران و خواهران خدمتگزار و عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدواریم خداوند متعال، این خدمات ارزشمند را که متوجه به یکی از مهمترین وظایف مسلمین است، مورد قبول قرار دهد و به شما کمک کند و به تلاشهای شما برکت بخشد تا بتوانید ان شاءالله به بهترین وجهی این فریضه ی عظیم عالی قدر را اقامه و احیای نمایید. وظیفه ی خود می دانم که از همه ی دست اندرکاران حج، به خصوص کسانی که در طول سال، ساعات متوالی وقت صرف می کنند تا به انجام صحیح این فریضه کمک شود، سپاسگزاری و تشکر کنم. این کارهایی که در راه آموختن به مردم و تشویق و تحریض آنها بر حج صحیح و تهیه ی مقدمات آن انجام می شود، واقعاً ارزشمند است. بنده بالاخص از جناب آقای ری شهری (حفظه الله و ابقاه) که حقیقتاً این کار را به وجه زیبا و نیکویی پیش بردند و ادامه دادند، سپاسگزارم.

حج؛ واجب بی نظیر

واجب حج، حقیقتاً یک واجب بی نظیر است؛ چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج، وضع مخصوصی دارد و جنبه ی معنوی در آن فوق العاده است. مثلاً یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست؛

اما حج از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام می‌گیرد؛ چه در داخل خانه ی خدا، در مسعای شریف، در عرفات، در مشعر، در منی، در اعمال گوناگون، در طوافهای مختلف، در نشست و برخاستها و در افاضه ی از نقطه ای به نقطه ی دیگر، همه اش ذکر خداست. این از جنبه ی معنوی، که معلوم می‌کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است. از طرف دیگر، جنبه ی دنیایی و مربوط به زندگی حج هم بی نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست، بلکه مربوط به همه ی دنیای اسلام است. خدای متعال، نقطه ای را معین فرموده و در زمانی معلوم-ایام معلومات- همه ی مسلمانها را به آن نقطه ی دعوت کرده است. آیا می‌شد که همه ی مسلمانان، نه یکپارچه که در گروههای مجزا و نه در ایامی معلوم که در طول سال، در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منی و مشعر و عرفات، جمع شوند؛ چون اگر حرکت مردم به این مناطق، اصل قضایا بود، می‌شد همه را در طول یک سال در آن جا جمع کنند.

این که خدای متعال امر به تجمّع همه ی مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ نکته ی اساسی و مهم، همین است. بدیهی است تجمّعی با این کیفیت به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر ببینند؛ یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیعتر، احساس عظمت ناشی از اجتماع ملتها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس، مورد توجه نبود، لزومی نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج، مقرر شود.

تصمیم‌گیری درباره ی سرنوشت امت اسلامی

و اما این که امت اسلام- هر ملتی از ملتهای مسلمان- کسانی از خودشان را در یک روز به یک نقطه می‌فرستند تا آنها باهم اجتماع کنند، این اجتماع برای چیست؟ اینها نکات و دقایقی است که به تعبیر امام صادق علیه السلام: «يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛ باید هر مسلمانی از مفاهیم قرآنی و اسلامی، بداند. خدای متعال از همه ی ملل مسلمان، جماعتی را دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید بیایید در این ایام معلوم، دور هم و با هم باشید.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ؛ (۱) همه با هم حرکت کنید. همه با هم افاضه کنید و همه با هم به طواف پردازید. این اجتماع همگانی برای چیست؟ مسلمانان نقاط مختلف دنیا، در یک نقطه گرد هم بیایند که چه کنند؟ دور هم جمع شوند و در سکوت به صورت همدیگر نگاه کنند و بعد از چند روز هم به اوطان خود برگردند؟! چرا دور هم جمع می شوند؟ جمع شوند تا اختلافات خود را با هم مطرح کنند؟ این جمع شدن به چه معنی است؟ جواب این است که جمع شدن افرادی از همه ی ملتها در یک نقطه؛ آن هم یک نقطه ی مقدس، فقط می تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد و آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تادرباره ی سرنوشت امت اسلامی، تصمیم گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد.

این کار سازنده و مثبت به چه کیفیتی می تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است ملت‌های اسلامی آن قدر پیشرفته اند- امیدواریم آن روز برسد- که وقتی در حج جمع شدند، در خلال این کنگره ی عظیم مردمی، از برگزیدگان ملتها، مجلس مفصل چند هزار نفره ای تشکیل گردد و این مجلس، مصوباتی داشته باشد و آن مصوبات در همان کنگره ی عظیم به تصویب آحاد حجاج آمده از کشورها برسد و بعد برای اجرا به دولتها و ملتها ابلاغ گردد. این بهترین کار است که متأسفانه امروز عملی نیست؛ زیرا ملتها هنوز در این زمینه، آن قدر پیش نرفته اند؛ به خصوص که دولتها هم به آنها کمکی نمی کنند. اما تا وقتی که چنان تصمیم گیری عملی در موسم حج، امکان ندارد، کار واجب در آن جا چیست؟

این است که ملتها به هر نحو که بتوانند، نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار براءت از دشمنان دنیای اسلام پردازند. این کمترین کاری است که می شود در حجی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقع بود.

براءت، روح حج است

براءت را ما از بیرون نیاورده ایم وارد حج کنیم؛ جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می دارند که در مطبوعات و در

اظهارات و نیش زدنهای خود در اطراف دنیا، مرتب بگویند شما حج را سیاسی کردید! حج را سیاسی کردید یعنی چه؟ اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کردیم، باید گفت حج، هیچگاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی- سیاسی است که مربوط به همه ی مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماعِ دلها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟ اگر مراد این است که حج وسیله ای برای پیشبرد سیاستهای ظالمانه ی قدرتهای بزرگ نشود، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه ی الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاستهای جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم.

هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام، مسائل مهمی است. این مسائل، کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می گیرد، به گوش دنیا و سیاستهای خائن برسانند؟

امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند؟

ببینید امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند! قضایای بوسنی و به خصوص قضایای هفته ی اخیر گورازده واقعاً گریه آور است. انسان نمی تواند هیچ توصیفی برای اهمیت و عظمت این فاجعه پیدا کند! هر چه در کلام بگوییم، کوچکتر از آن واقعیت است.

سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته اند و به قربانی ای که در مقابلشان است می نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می شود! این قربانی هم مسلمین یوگسلاوی سابقند. جریشان چیست؟ مسلمان بودن. این دیگر موضوعی نیست که ما بگوییم. من این واقعیت را سه سال پیش در پیام حج نوشتم و عنوان کردم. اگر چه آن روز انکار می کردند، اما امروز خود بلندگوهای استکباری می گویند که چون اینها مسلمانند

نباید کمکشان کرد! مجبور شدند اعتراف کنند که جرم مردم بوسنی مسلمانی است! چون در دل اروپا، یک ملت مسلمان سربر کرده است، استکبار به خشم آمده است. نمی‌گوییم یک حکومت اسلامی؛ چرا که اگر قرار بود بوسنی حکومتی پیدا کند، معلوم نبود یک حکومت صد در صد اسلامی به آن شکل باشد. بالاخره مردم این سرزمین نزدیک به پنجاه سال زیر بار حکومت کمونیستی بودند. قبل از آن هم سالهای متمادی زیر بار حکومت فاسد حکام عثمانی یا امثال آنها و یا بعضی از دولتهای فاسد اروپایی و امپراتوریهای اروپایی مثل اتریش و بقیه ی کشورها بوده اند. اینها که نمی‌توانستند یک شبه یک حکومت اسلامی و قرآنی به وجود آورند. این امر متوقع نبود. آن چه که استکبار مسلط بر دنیا را نسبت به مسلمین مظلومین بوسنی و هرزگوین، این طور خشمگین کرده است، وجود کشوری در اروپاست که ملت آن مسلمانند. آنها نمی‌توانند چنین ملتی را تحمل کنند. این وضع مسلمین در دنیاست. آن وقت سازمانهای بین المللی و بدتر و زشت تر از همه، سازمان ملل، در این قضیه بدترین امتحانها را دادند.

ننگ حاکم بر نظام نوین دنیا

بنده عرض می‌کنم دبیر کلی که امروز در رأس تشکیلات سازمان ملل است، بداند چنان سابقه ی بدی برای خود در بین مسلمین ایجاد کرد که دیگر به هیچ قیمتی این سابقه اصلاح نخواهد شد. مسلمانهای دنیا می‌بینند که در بوسنی چه اتفاق می‌افتد. لذا در برهه ای گفتند به ما اجازه بدهید برویم به آنها کمک کنیم؛ چرا که به طرف مقابل مسلمانهای بوسنی کمک می‌شود. گفتند نمی‌شود. گفتند اجازه بدهید تسلیحات برایشان بفرستیم. گفتند نمی‌شود. ظاهر حرف هم این است که به هیچ طرف، تسلیحات نمی‌دهیم. اما یک طرف نزع تمام امکانات تسلیحاتی دولت سابق یوگسلاوی را در اختیار دارد؛ امکانات همان دولتی را که سالهای متمادی از عراق پشتیبانی تسلیحاتی می‌کرد و تانک و دیگر سلاحها برایش می‌فرستاد. امروز، آن همه امکانات در اختیار صربهاست. یک طرف هم دست خالی است؛ مردم بی پناه یک شهر. زن و بچه ای که در یک شهر زندگی می‌کنند. معنای این حرف که می‌گویند به هیچیک از طرفین درگیری،

اسلحه ندادیم چیست؟ در مقابل افکار دنیا، تقلب می کنند و می گویند به هیچ طرف کمک نمی کنیم! یک طرف مسلح و یک طرف غیر مسلح، به جان هم افتادند. شما به جای این که یا سلاح را از دست مسلح بگیرید، یا سلاح به دست غیر مسلح بدهید، به کناری ایستاده اید و می گوئید به هیچ طرف کمک نمی کنیم! این حرف، معنایی جز این ندارد که شما منتظر نشسته اید تا ببینید طرف غیر مسلح بیچاره، چه وقت بر خاک می افتد! معنایش این است دیگر. واقعاً هم منتظرند که چه وقت مسلمانها از پا بیفتند. گفتند سربازان سازمان ملل را می فرستیم. ملت‌های اسلامی گفتند اجازه بدهید ما هم جزو سربازان سازمان ملل برویم آن جا و حائل شویم. گفتند نمی شود. نه فقط از جمهوری اسلامی که تقریباً از هیچ کشور مسلمانی نگذاشتند نیروی حائل به آن جا فرستاده شود! این یعنی چه؟ یعنی به سربازهایی که آن جا می فرستند، باید بگویند وقتی رفتید، به صربها کمک کنید! به مسلمان که نمی توانند این را بگویند؛ لذا نمی گذارند مسلمان برود. امروز چنین ننگی بر نظام نوینی که اینها می خواهند در دنیا به وجود آورند، حاکم است. آن رفتار امریکاییها، آن وعده های دروغشان نسبت به مسأله مسلمانان بوسنی و هرزگوین، آن مطلقاً کمک نکردنشان و آن هم رفتار سازمانهای بین المللی و بعضی دولتهای اروپایی و انگلیس و دیگران. خوب، یک مشت مسلمان در آن جا مظلوم واقع شده اند و منتظرند که چه وقت قتل عام شوند! مسلمانها در این مورد چه کنند؟ آیا راهی غیر از حج وجود دارد؟

حضور ملتها، قدرتهای استکباری را می لرزاند

آن عاملی که قدرتهای استکباری را می لرزاند، سواد الناس یعنی توده ی مردم است.

والا چند دولت در فلان کنفرانس که در فلان گوشه ی دنیا برگزار می شود، بنشینند و قطعنامه ای هم صادر کنند، اهمیتی نمی دهند. صد قطعنامه هم صادر کنند بی نتیجه است.

مگر علیه صهیونیستهای غاصب، تا کنون چندین قطعنامه صادر نشده است؟ یعنی هیچ، یعنی باد هوا! قطعنامه فایده ای ندارد. آن عاملی که قدرتهای استکباری را به معنای واقعی می ترساند و متوقف می کند، حضور آحاد ملتهاست. کجا بهتر از حج؟ دو میلیون مسلمان

از همه ی کشورهای اسلامی در آن جا جمع می شوند. از هر کدامشان بررسی احساس شما نسبت به گوراژده چیست؟ خواهد گفت دلم می خواهد به گوراژده بروم و از مسلمانهای مظلوم گوراژده دفاع کنم. حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟ حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد از دست برود؟ آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟ به جمهوری اسلامی اعتراض می کنند که چرا حج را سیاسی کردید؟ این است معنایش؟ برائت یعنی این.

برائت یعنی مردم در آن جا جمع شوند و علیه دژخیمهایی که با کراوات و لباس اتو کشیده و ادکلن زده می آیند و مثل وحشی ترین وحشیها، انسانها را می کشند و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت می کنند و نیز علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم می گیرند، فریاد سردهند. این معنایش برائت است. می شود که حج خالی از این باشد؟ آیا حج خالی از برائت، حج است؟ کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند.

منصفانه هم جواب بدهند. معنای آن حرف امام که فرمود حج بی برائت حج نیست، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حج است.

حضور معنادار مسلمانها در حج

حضور مسلمانها در حج باید یک حضور معنی دار باشد؛ وَاَلَا اِذَا فَجَّعَ جَنبَهُ يَ مَعْنَى و ذَكَرَ خَدَا مَنظُور بُوَد، انسان می توانست در خانه ی خودش بنشیند و ذکر خدا کند! دِیْگَر یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلٰی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِیْنَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۱)

لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر ایام معلومات لازم نبود. می گفتند هر کس در هر وقت از سال توانست به مکه برود. مگر نمی شد؟ این که گفتند یک جا جمع شوید، برای همین مسائل است. برای این است که ذکر خدا هم دستجمعی گفته شود. اعتصام به جبل پروردگار هم دستجمعی صورت گیرد. می فرماید: وَ اَعْتَصَمَ مُوَا بِجَبَلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا، و نه فرادا. مسأله این است.

در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم

البته این که دیگران در حج چه می کنند، به ما ربطی ندارد. ما باید آن چه را که وظیفه مان است در حج انجام دهیم و به فضل پروردگار، انجام هم می دهیم. این که نسبت به ملت‌های مظلوم، دیگران چه می کنند، به ما مربوط نیست. البته مربوط به ما نیست، به این معناست که اگر دیگران به ملت‌های مظلوم کمک نکردند، ما متوقف نمی شویم. چرا؛ تلاش هم می کنیم. کما این که به فضل الهی، دولت و مسئولین تلاش کردند تا شاید بتوانند ملت‌های دیگر را نیز برای کمک به مظلومین بوسنی ترغیب کنند. اگر ترغیب شدند، چه بهتر و اگر هم نشدند، ما به کمک‌های خودمان ادامه می دهیم. بحمدالله تا امروز دستگاه‌های مختلف جمهوری اسلامی و آحاد مردم در قضیه بوسنی و هرزگوین، سنگ کم به ترازو نگذاشتند؛ خوب به میدان آمدند و باز هم باید به میدان بیایند. امروز هم باید هلال احمر، هر کاری می تواند انجام دهد تا شاید امکان این را بیابد که به مظلومین محاصره شده از لحاظ غذا و لوازم زندگی کمک برساند. آحاد جوانهای مؤمن مسلح از سپاه و ارتش و بسیج باید اعلام آمادگی کنند تا هر لحظه که گفتند برای رفتن به آن جا مانعی وجود ندارد و وقتی که راه باز شد، بتوانند بروند. انقلاب و امام این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. لا یَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ. (۱) وقتی که شما می توانید پا در رکاب وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملت‌های دیگر نباشند؛ ولو دولت‌های دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به فضل الهی در راه انجام وظیفه ی اسلامی، پیشگام باشند؛ حال آن وظیفه ی اسلامی هر چه که می خواهد باشد.

اعمال سیاست‌های استکباری در بوسنی

البته بنده امروز راجع به فجایع یوگسلاوی سابق، عرض کردم. فقط هم آن نیست.

در همین نزدیکی خودمان، آن چه که با مسلمین منطقه ای از جمهوری آذربایجان در قره باغ می شود مثل همان فجایع است. آن چه که با مسلمانان تاجیکستان می شود نیز مانند

همان است. آن چه که با مسلمانان کشمیر می شود، آن هم دست کمی از آن فجایع ندارد.

البته هیچکدام به عظمت فجایع بوسنی نیست. آن جا دشمن، دشمن محلی نیست. در مناطقی که اسم بردم، دشمن، دشمن محلی است. در بوسنی - در قلب اروپا - سیاستهای استکباری اعمال می شود؛ زیرا آن جا برایشان مهمتر است. اصل این است که باید آن چه را تکلیف است، بدون خوف و واهمه از احدی انجام داد. ملت ایران رشته های ترس از قدرتها را برید تا توانست مستقیم و راست بایستد و راست قامتی او برای ملت‌های دیگر درس شود. می بینید که جوانها امروز در دنیا به نام اسلام شعار می دهند.

وحدت خود را حفظ کنید

از اول انقلاب، پانزده سال گذشته است، از رحلت امام قدس سره قریب پنج سال گذشته است. همه خیال می کردند که هر چه از مبدأ دور شویم؛ به خصوص بعد از رحلت امام بزرگوار (قدس الله نفسه)، دیگر شور و شوق ملت‌های مسلمان نسبت به ایران و انقلاب اسلامی تمام می شود. اما می بینید که این شور و شوق، روزه روز بیشتر شده و به موازات آن روزه روز برای استکبار جهانی، مشکل جدی تر شده است. این کار خداست، کار ما نیست. این اراده ی الهی است. منتها ملت ایران به کمک خدا و توفیقات الهی، زمینه ی این تفضل الهی را با گذشت خود، با فداکاری خود، با تلاش خود، با خون دادن خود، با ابراز عقیده ی خود و با حفظ وحدت خود فراهم کرد. وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروه‌های مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدم‌های مختلف، این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست دارند بگویند این هم جمهوری اسلامی که همه اش دم از وحدت می زد؛ ببینید در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرقه است. دلشان می خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانستند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هشیارِ شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست. امیدواریم که خداوند این حج مقبول را از شما و آحاد موفقی که ان شاء الله امسال به حج مشرف خواهند شد، بپذیرد.

ان شاء الله زحمات همه را قبول کند و توفیق دهد که حج خوبی برگزار گردد. کسانی که به حج می روند قدر حج را بدانند.

زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید

من این یک کلمه را نیز فعلاً عرض کنم تا اگر تفصیلی داشت، بعداً راجع به آن بیشتر بگوییم. کسانی که به مکه می روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان گردی نکنند.

مکه بالاتر از این حرفهاست. می توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می خواهند بگردند. اما در حج، این ایام معلومات را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی ارزش نکنند. در نمازهای جماعت شرکت کنید. در اجتماعات شرکت کنید. نماز اول وقت را به جماعت، در حریمهای عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزگارانه ای باشد که از ملت ایران انتظار می رود. پروردگار عالم، ان شاء الله همه ی شما را موفق بدارد و مشمول ادعیه ی زاکیه ی ولی عصر (ارواحنا فداه) باشید.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۲۵ / ۲ / ۱۳۷۳ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۲۵ / ۲ / ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ الْأَمِينِ وَ عَلَى آلِهِ الْمِيَامِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمَخْلُصِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ أَدْنَى فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.

گسترده‌گی مصالح و منافع فريضه ی حج

ذی حجه الحرام با ذخیره ی ابدی اش برای امت اسلامی از راه رسیده است. خدا را سپاس، بر این هدیه ی تمام نشدنی و سرچشمه ی همیشه جوشان که مسلمانان جهان به قدر همت و معرفت خود، می توانند هر ساله از آن بهره مند گردند و توشه بردارند.

گسترده‌گی و تنوع مصالح و منافی که دست علم و حکمت الهی در فريضه ی حج گنجانده، به قدری است که در هیچ فريضه ی دیگر اسلامی شبیه آن دیده نمی شود، از ذکر و حضور معنوی و خویشتن یابی انسان مسلمان در خلوت خود با خدا و شستشوی دل از زنگارهای گناه و غفلت، تا احساس حضور فرد در جمع و احساس وحدت هر مسلمان با همه ی امت اسلامی و احساس اقتدار ناشی از عظمت جماعت مسلمین. و از تلاش هر فرد برای شفا یافتن از زخم ها و بیماری های معنوی یعنی گناهان، تا کنجکاوای و تلاش برای شناختن و درمان کردن دردها و جراحتهای عمیق پیکره ی امت، و همدردی با ملتهای مسلمان، یعنی اندامهای این پیکره ی عظیم، همه و همه در حج و در کالبد اعمال و مناسک گوناگون آن گنجانیده شده است.

اعمال حج، شعائر است

قرآن اعمال حج را «شعائر» می نامد. این بدان معنی است که اینها فقط عملی فردی و برای ادای تکلیفی شخصی نیست، بلکه نشانه‌ی است تا برانگیزاننده‌ی شعور و معرفت انسان به چیزی باشد که این عمل، علامت و نشانه‌ی آن است. در ورای این نشانه‌ها، توحید قرار دارد یعنی نفی همه‌ی قدرتهایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه‌ی اقتدار خویش گرفته‌اند، و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه‌ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمان. در خلال آیات حج، قرآن همه را به برائت از بت‌های مشرکین فرا می خواند فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ. این بت‌ها ممکن است یک روز همان بت‌های آویخته بر کعبه باشد، اما بی شک امروز و همیشه، همان قدرتهایی است که حاکمیت بر نظام زندگی آدمی را بناحق در دست گرفته‌اند و امروز واضحتر از همه - قدرت استکبار و قدرت شیطانی آمریکا و قدرت فرهنگ غرب و فساد و ابتدالی است که بر کشورها و ملت‌های مسلمان تحمیل می کنند. البته عالم نمایان وابسته و مزدور حکومت‌های پوشالی اصرار خواهند کرد که خیر، بت‌ها همان منات و لات و هبل‌اند. همان‌ها که در روز فتح مکه زیر پای سپاهیان پیروزمند پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله خرد و نابود شدند! مقصود این آخوند السُّطنه‌ها آن است که حج را به زعم خود از هرگونه مضمون سیاسی، تهی سازند! غافل از آن که همین اجتماع میلیونی مسلمانان از هر گوشه‌ی جهان، در یک نقطه، در یک زمان، خود دارای بزرگترین مضمون سیاسی است. این نمایش امت اسلامی است که در آن اختلافات نژادی و زبانی و جغرافیایی و تاریخی همه رنگ باخته و از همه، یک «کل» پدید آمده است. آنان و اربابانشان برای این که مسلمان از این واحد بزرگ چیزی نفهمند و فردا احساس «جمع» نکنند، همه گونه دروغ و فریب و سخن باطل به میان آورده‌اند و می آورند تا عرصه را بر دعوت کنندگان به وحدت و منادیان برائت از سردمداران شرک، تنگ کنند.

جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از قرآن و اسلام پا می فشارد

ایران اسلامی خواسته است اگر نه بیشتر، کمترین کاری را که با مضمون حج مناسب است انجام دهد، و آن دعوت مسلمین به اتحاد، و کسب خبرهای راستِ ملت‌ها از یکدیگر، و ابراز نفرت و بیزاری از سردمداران شرک و فساد است، هر کس با این هدف‌های ارزشمند و والا مقابله کند هر چه بگوید ناحق گفته است: که قرآن درباره ی آن می فرماید: **وَاجْتَبُوا قَوْلَ الزُّورِ**. قول زور، سخن باطل کسانی است که بد جمهوری اسلامی را می گویند، زیرا: جمهوری اسلامی حاکمیت دولت صهیونیست بر فلسطین اسلامی را رد می کند و سازش چند فرد فاسد و مطرود با غاصبان را فاقد ارزش می شمارد، دخالت مالکانه ی امریکا بر کشورهای عربی را محکوم می کند، خیانت بعضی از سران اسلامی به ملت‌های مسلمان خود را برای خوشامد امریکا و صهیونیست‌ها، زشت می دارد، مسلمانان را به شناختن قدرت عظیم خود که امروز هیچ ابرقدرتی تاب مقابله با آن ندارد، فرا می خواند، معرفت اسلامی و مقررات شریعت را قادر بر اداره ی کشورهای اسلامی می داند، فرهنگ تحمیلی غرب را که مظهر آن برهنگی و مستی و بی ایمانی است، برای کشورهای اسلامی زینبخت می شمارد، و کوتاه سخن، بر پیروی از قرآن و اسلام پای می فشارد. امروز هر یک از کشورهای اسلامی که آشکارا همین سخن را بگویند و همین مواضع را اتخاذ کنند، یعنی اسرائیل غاصب را نفی کند، دخالت‌های قلدرانه ی امریکا را نفی کند، میگزاری و بی بند و باری و فساد جنسی و آمیختگی زن و مرد را نفی کند، خیانت سازشکاران با صهیونیست‌ها را نفی کند، مسلمانان را به وحدت و مقاومت در برابر ابرقدرتها فرا بخواند، احکام اسلامی را در حکومت و اقتصاد و سیاست و غیره عملی کند، همین تبلیغاتی که امروز بر ضد ایران اسلامی همه جا می پراکنند، بر ضد آن کشور و سران آن عیناً همه ی این تهمت‌ها و دشنام‌ها و نارواها را خواهند گفت و خبرگزاری‌های استکباری و صهیونیستی و رادیوهای امریکا و انگلیس و پیروان آنها همین بددهنی و یاوه پردازیها را درباره ی آن خواهند کرد. این است قول زور که خداوند آن را همتای شرک و در کنار آن آورده است. شگفتا که وعظالسلاطین نیز در بعض مناطق جهان در این کار حرام و ضد اسلامی، مقلد تبلیغاتی‌های امریکا و

صهیونیست اند! البته تسلیم مطلق آنان در برابر حکام جائر که متأسفانه سرنوشت روحانیون بعضی کشورهای مسلمان است، جایی برای تعجب نمی گذارد! اینک حج، نعمت بزرگ خدا در برابر شما است، باید آحاد مسلمین و امت اسلامی از آن سود ببرند و چنانکه فرموده است: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ. از آن برای اقامه و صلاح دین و دنیای خود بهره گیرند.

امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است

امروز دین مسلمانان به وسیله ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی ایمانی و بی بندوباری در میان جوامع اسلامی که غالباً با ابتکار قدرتهای ضدّ اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه های آنان و غیر آنان انجام می گیرد در خطر است، و دنیای آنان به وسیله ی سلطه ی روز افزون استکبار بر امور کشورهای اسلامی و فشار و دشمنی مضاعف بر هر دولت یا گروهی که بخواهد افکار را به سوی حاکمیت واقعی اسلام و استقلال و اقتدار ملتهای مسلمان متوجه کند. و البته جلودار این تهاجم همه جانبه به اسلام، شیطان بزرگ یعنی دولت ایالات متحده ی امریکا است. هر چشم دقیقی می تواند دست یا اراده ی آن دولت ضدّ اسلام را در پشت سر مصائبی که بر اسلام و مسلمین وارد می شود، ببیند. در فلسطین اشغالی عمده ترین عامل خیره سری و گستاخی صهیونیستها و مهمترین عامل به سازش کشاندن بیشتر دولتهای عرب در برابر زیاده طلبی در برابر اسرائیل، امریکا است. بدون پشتیبانی امریکا دولتهای مرتجع منطقه که به سرسپردگی در برابر امریکا شناخته شده اند، تبدیل به مدافع دولت غاصب و مدّعی فلسطینیان ضدّ سازش نمی شد و آنهایی که باید طبق وظیفه ی اسلامی خود، با اسرائیل مقابله کنند، لباس مقابله با مخالفان اسرائیل را نمی پوشیدند. و بدون حمایت بی قید و شرط امریکا، دولت غاصب نمی توانست فاجعه ی عظیمی مانند کشتار حرم شریف ابراهیمی علیه السلام را پدید آورده و آن چنان بی دغدغه خود را از عواقب آن بر کنار دارد. شبیه این مطلب در مورد مسلمانان بوسنی و هرزگوین نیز صادق است. قتل عام تاریخی مردم گورازده و ساریوو، به وسیله ی صربها که حقیقتاً در شمار لکه های ننگ بشریت در دوران معاصر

است، مسئولیت سنگینی بر دوش قدرتهای مسلط جهان و بیش از همه امریکا است. اگر دخالت و سیاستگذاری آنان نمی بود، مسلمانان بوسنی در برابر صربهای مسلح و مجهز، از دریافت کمکهای تسلیحاتی ممنوع و محروم نمی شدند و ملتی دست بسته و محاصره شده، قربانی مهاجمینی خونخوار و گستاخ و تشویق شده، قرار نمی گرفت. درد آور آن است که امریکا و ناتو پس از این زمینه سازی بیرحمانه برای قتل عام مسلمانان بوسنی، و پس از این که سازمان ملل و دبیر کل آن را کاملاً در جهت همین سیاست به کار انداخته اند، و پس از نشان دادن علائم رضایت خود از قلع و قمع مسلمانان به دست صربها، و پس از گذشت چند هفته از حمله ی سبعانه ی مهاجمین به زن و کودک و پیر و جوان مسلمان، و کشته شدن هزاران بیگناه و پدید آمدن محتنی بدان عظمت برای مردم شهر گورازده. پس از این همه، با تهدید صربها به بمباران هوایی، شکنجه را متوقف می کنند و آنگاه این را به حساب انساندوستی و صلح دوستی و بیطرفی خود می گذارند! آیا اگر جلادی پس از ساعتها و روزها، شکنجه ی شخصی را موقوف کند می تواند مدعی انساندوستی خود شود و ادامه ندادن شکنجه را دلیل بیاورد؟! همین موضع ظاهراً بیطرف ولی عملاً خصمانه نسبت به مسلمین، در همه ی قضایایی که در آن مسلمانان مظلوم، یک طرف قضیه و مورد ستم و فشار دشمنان خود هستند، نیز از امریکا و همدستان اروپایی اش مانند انگلیس دیده می شود. که نمونه ی آن، قضایای گریه آور کشمیر و محنت شدید مسلمانان قره باغ و تاجیکستان است. هر جا دولت یا جمعیتی شعار اسلام می دهند و برای حاکمیت اسلام تلاش می کنند، بطور بی قید و شرط مورد اهانت و تهمت و سختگیری و دشمنی خباث آمیز امریکا قرار می گیرند، مثال واضح، دولت سودان، نهضت اسلامی الجزائر، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مسلمانان مصر و امثال آنهاست. در همه ی این موارد، عناصر استکبار جهانی و بیش از همه امریکا، رفتاری همراه با تعصب و شبیه رفتارهای قبیله یی جوامع قبائلی از خود بروز می دهند. ماجرای دشمنی های کینه توزانه و همراه با خشم و بی انصافی از سوی امریکا نسبت به ایران اسلامی و البته به فضل و اراده ی الهی، غالباً بی اثر هم خود داستان جداگانه یی دارد که بسیاری در سطح جهان از آن باخبرند.

حج؛ فریضه یی سیاسی

اکنون آیا امت بزرگ اسلامی و رؤسا و سیاستمداران و روشنفکران و علمای دینی آن، نسبت به این وضع دردناک مسلمانان در سراسر جهان، هیچ مسؤولیتی ندارند؟ آنان که به صدق فرموده ی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَصِیْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، عقیده دارند آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حج بیت الله و زمانی مناسبتر از ایام معلومات سراغ دارند؟ یقیناً بی دلیل نبوده است که پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله برای اعلام برائت از مشرکین که یک عمل کاملاً سیاسی و در چهار چوب سیاست کلی نظام و دولت اسلامی اول بود ایام حج را انتخاب فرمود و دستور الهی و قرآنی، اعلام کرد که: «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تَبْتِغُوا فَهَوْ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». آری، حج فریضه یی است که مهمترین گرفتاریهای سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حل است. بدین معنی، حج، فریضه یی سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می دهد. کسانی که این را انکار و بر ضد آن تبلیغات می کنند در واقع با حل آن گرفتاریها مخالف اند. بطور خلاصه، حج، فریضه یی امت، فریضه یی وحدت، فریضه یی اقتدار مسلمین، فریضه یی اصلاح فرد و جمع و در یک کلمه: فریضه یی دنیا و آخرت است. آنان که نمی خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می خواهند، شعار جدایی دین از سیاست از همان چیزی است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، دهها سال است آن را مطرح کرده اند و امروز که حکومتی بر اساس دین مقدس اسلام در ایران پدید آمده و شوق روز افزون به تشکیل حکومت اسلامی همه ی جهان اسلام را فرا گرفته است، آن شعار را سراسیمه تر و خشن تر از همیشه مطرح می کنند، و هر جا مقدمات تحقق این هدف فراهم شده باشد، اگر بتوانند با خشونت و جدیتی تمام بر ضد آن وارد میدان می شوند. حاکمیت اسلام، متضمن مقابله با دخالت مستکبران در کشورهای اسلامی و نیز مستلزم کوتاه شدن دست وابستگان به این قدرتها و بندگان شیطان نفس و شیطان استکبار، از اداره ی این کشورهاست. پس طبیعی است که استکبار

و وابستگی و شیطانها و پیروانشان، از آن ناراضی و خشمگین باشند. و به همان اندازه باید مؤمنان به خدا و روز جزا و معتقدان راستین اسلام از آن استقبال و در راه آن مجاهدت کنند.

چند توصیه به حجاج بیت الله الحرام

اینک که از همه جای جهان، سعادت‌مندی توفیق آن یافته اند که ایام معلومات و حج خانه ی خدا را درک کنند این جانب با ابتهال و تضرع، از خداوند متعال می خواهم که حج آنان را مقبول و مأجور و آنان و همه ی امت اسلامی را از منافع آن برخوردار فرماید، و ضمناً برادران و خواهران را به اموری چند توصیه می کنم:

۱- این فرصت را برای خودسازی و انابه و تضرع، مغتنم بشمارید و توشه یی معنوی برای همه ی عمر خود از آن بگیرید.

۲- رفع گرفتاریهای بزرگ مسلمین را از خداوند متعال بخواهید و بارها و بارها این خواسته را در دعا و مناجات خود بگنجانید.

۳- از هر فرصتی برای آشنا شدن با مسلمین کشورهای دیگر و نقاط مثبت و منفی زندگی جاری آنان استفاده کنید. و مسلمانان غیر ایرانی بخصوص حقایق و قضایای ایران اسلامی را از زبان برادران ایرانی خود بشنوند و درست و نادرست تبلیغات جهانی را کشف کنند. همچنین امروز و همیشه تلاش کنند تعالیم امام عظیم الشان راحل حضرت امام خمینی (قدس نفسه الشریفه) را درباره ی مسائل مسلمین فرا گیرند و آن مصلح بزرگ تاریخ اسلام را بهتر و از نزدیک بشناسند.

۴- هر اطلاع و معرفت درستی از وضع امت اسلامی یا خصوص کشور خود را که در اختیار دارید، به مسلمین کشورهای دیگر منتقل کنید.

۵- در گفتگو با برادران مسلمان خود از هر جای جهان اسلام، مسأله ی «امت اسلامی» و نگرش یکپارچه به جهان اسلام را مورد توجه قرار دهید. اندیشه ی خود و دیگران را از چهارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقایدی، حزبی و امثال آن فراتر ببرید و به اسلام و مسلمانان بیندیشید.

۶- اقتدار خداداده ی بیش از یک میلیارد مسلمان و دهها کشور اسلامی با این همه ثروت مادی و معنوی و با میراث عظیمی از فرهنگ و تمدن و دین و اخلاق را همواره به یاد مخاطبان خود بیاورید.

۷- افسانه ی قدرت لایزال غرب و خصوص امریکا را که استکبار همواره سعی کرده است آن را چندین برابر بزرگ کرده و بی وقفه به ذهن مسلمانان القا کند، بشکنید. به یاد خود و دیگران بیاورید که قدرت ظاهراً تسخیرناپذیر کمونیسم، در همین نزدیکیها در برابر چشم همین نسل، شکست و فرو ریخت و از آن هیچ باقی نماند. قدرتهای بزرگنمای کنونی و از جمله قدرت امریکا هم ممکن است به همان آسانی، نیست و نابود شوند.

۸- مسؤولیت علمای دین و روشنفکران کشورهای مسلمان را که بسی بزرگ و سنگین است همواره به یاد خود آنان و دیگران بیاورید.

۹- وظیفه ی رؤسای کشورهای اسلامی را در قبال امت اسلامی و ایجاد وحدت مسلمین و دوری از قدرتهای استکباری و گرایش و تکیه به ملت‌های خود و ایجاد حسن رابطه میان مردم و حکام را به عنوان «الْأَنْصِيحَةُ لِلْأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ» به آنان یاد آور شوید و اصلاح این امر را از خداوند متعال بخواهید.

۱۰- همواره به یاد داشته باشید که مسؤولیت رؤسا، به معنای رفع مسؤولیت از آحاد ملت نیست و آنان در همه ی این هدفهای بزرگ می توانند نقش تعیین کننده یی ایفا کنند.

امید است به فضل الهی و با توجهات حضرت ولی الله الاعظم (اروحنا فداه و عجل الله فرجه)، حج مقبول نصیب حجاج محترم، و تفضلات و رحمت واسعه ی الهی شامل حال امت اسلامی و آحاد مسلمین بشود.

والسلام علی جمیع عبادالله الصالحین

چهارم ذیحجه الحرام ۱۴۱۴ برابر با ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۳

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری (۱۰/۳/۱۳۷۳ ه. ش.).

بیانات در دیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری

اشاره

(۱۰/۳/۱۳۷۳ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفضل الهی در برگزاری مراسم حج

اولاً: خیلی خدا را شاکریم که امسال هم این حرکت عظیم- حجّ بیت الله الحرام- با حضور دهها هزار مردم مؤمن مخلص کشورمان و به هدایت جناب آقای ری شهری و آقایان محترم، علما و برادران عزیز انجام گرفت. روزی که گفته شد حجّاج می آیند، بنده ضمن این که خدا را شکر کردم که بحمدالله امسال هم حجّمان به خوبی انجام گرفت، در قلبم احساس مسرتی همراه با شکرانه ی الهی و احساس افتخار داشتم. واقعاً تفضّل الهی است که ما هر سال می توانیم فریضه ی الهی حج را به این خوبی، با این شکوه و به این پرمغزی انجام دهیم و این نیست مگر لطف الهی و زحمات شما آقایان که این زحمات، خیلی خیلی ارزشمند است و هر کدام در جای خود، دارای اجر الهی است. البته ما که قابل نیستیم و تشکرمان اهمیتی ندارد. با این حال واقعاً از یکایک همه ی شما آقایان متشکریم.

حج؛ یک کار استراتژیک و اساسی

ثانیاً: حج یک کار استراتژیک و اساسی برای ماست. صرفاً این نیست که برویم آن را به عنوان یک فریضه انجام دهیم و برگردیم و در واقع از سر واکنیم. نه؛ حج یک فرصت و یک میدان است و به این چشم باید به آن نگاه کنیم. مثل این است که یک نفر

را پشت تریبونی ببرند و بگویند اینک این تریبون و این هم شما. نمی شود گفت که حج، فریضه ای از سر واکردنی است؛ آن را از سر واکنیم و برگردیم. خیر؛ حج فرصتی است که جلوی شما گذاشته شده و بایستی از پیش، خودتان را آماده کنید تا بهترین و موجزترین و پرمغزترین و رساترین سخن را از آن چه که در ذهن دارید، در چنین فرصتی فوراً بگویید و بیایید. برای ما حج این است. اگر چنان دایره را بر ما تنگ کنند که هر سال بیش از هزار نفر هم نتوانیم به حج بفرستیم، علی رغم دشمن و به کوری چشم او، از این فرصت حداکثر استفاده را خواهیم کرد. مبادا خیال کنند وقتی دیدیم مثلاً محدود شد، خواهیم گفت دیگر حج چه حجبی؟ خیر؛ حج مال ماست و فرصتی است در اختیار ما و در اختیار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و این ملت عظیم که این همه هم حرف دارد و بایستی بتواند آن جا بزند. با این دید که نگاه می کنیم، از همین امروز که آقایان بحمدالله برگشتید، بایستی بعثه مثل هر سال - هر سال هم همین طور بوده، اما به دلیلی که عرض خواهم کرد، امروز مهمتر است - شروع به تدوین برنامه ی سال آینده بر فروض مختلف کنید. آن هم با رعایت این نکته که چه کنیم تا بلیغتر و پرمضمونتر و مؤثرتر، کار خودمان را در سال آینده در حج انجام دهیم.

برائت، واجب سیاسی است

نکته ی بعد این است که مسأله ی برائت، البته یک امر واجب در حج است. منظور ما این نیست که برائت از واجباتی است که اگر کسی عمداً ترک کرد، حش باطل شود. نه؛ اهل معرفت می فهمند که مراد از وجوب آن چیست. قطعاً واجب است به این بیانی که عرض می کنیم. امانه مثل بقیه ی واجبات حج، مانند وقوف در عرفات یادرمشعرویا طواف.

نه؛ نوع دیگری از وجوب است که آن نوع دیگر، گاهی اوقات اهمیتش بیشتر از واجبات این سبکی غیر سیاسی می شود. برائت، واجب سیاسی است. یعنی چه؟ یعنی خدای متعال حج را برای اعلام حضور مؤمنین در حج - *لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ*، (۱) *قِيَاماً لِلنَّاسِ* (۲)

۱- حج: ۲۸

۲- مائده: ۹۷

و بقیه ی جهاتی که در آن است، معین کرده است. عده ای در طول سالیان دراز، بر اثر غفلت و نادانی و یا اغراض و مطامع، نگذاشتند حج چنان که باید انجام گیرد، برگزار شود.

ما اکنون می خواهیم حج را به نقطه و مرکز اصلی خودش برگردانیم. آیا این کار واجب است یا واجب نیست؟ آیا کسی می تواند بگوید شرعاً گذاشتن حج در جایگاه حقیقی خودش واجب نیست؟ می شود کسی بگوید این مستحب است؟ می شود کسی بگوید که این اجتناب پذیر است؟ کسی که می تواند اندکی در این راه کاری بکند، می شود بگوید که من این کار را نمی کنم؟ یا نه، این جزو واضحات است. حج باید در جای خود قرار گیرد. باید همچنانی که خدای متعال خواسته و مقرر کرده است، اجرا و اعمال شود. امروز ما می توانیم این کار را بکنیم. چگونه؟ به کیفیتِ برائت. به کیفیتِ ایجاد بعثه و تشکیلاتی که امروز هست. به شکلِ حضور متعزّض در حج. یعنی با همه چیز کار داشتن، نه منفعل، نه گریزان از برخورد؛ بلکه به شکل آماده ی برخورد. منتها منظورمان بر خورد خشن و خصمانه و خونین نیست، بلکه برخورد جهادی در مقام تبلیغ و بیان است. ما می توانیم این کارها را انجام دهیم. آیا انجام ندهیم؟ می شود کسی بگوید که می توان انجام نداد؟

می شود کسی بگوید برائت چیست که به آن چسبیدید؟ ممکن است بعضی چنین حرفی بزنند. اما کسی که خدا را قبول دارد، اراده ی الهی را در حج می داند. آیه ای که در آن قیاماً للناس آمده است، ناظر به همین معناست. آیا کسی می تواند آن را قبول داشته باشد ولی در عین حال بگوید ما نمی خواهیم شما کاری کنید که حج «قیاماً للناس» باشد؟

می شود چنین چیزی گفت؟ مثل این است که کسی بگوید چه لزومی دارد حکومت اسلامی تشکیل بدهیم؟!

از حکومت اسلامی غفلت شده بود

از حکومت اسلامی نیز مثل حج نبوی، غفلت شده بود. احکام الهی هم از مرکز و محور خودش قرنها دور بود. این همه حکام آمدند، این همه سلاطین آمدند، این همه سیاسیون در این کشور آمدند، این همه فتوحات در این کشور کردند؛ اما بدون محوریت دین خدا و بدون محوریت شریعت. اینها درست بود؟ کسی اگر بتواند شریعت را در

محور خودش قرار دهد، آیا پیش خدای متعال عذری دارد که در این راه قدمی بر ندارد؟ این همان حرفی است که امام، تمام وجود خودشان، آن وجود ذی قیمت را، در این راه مصرف کردند. این که ایشان خطاب به بعضی از حوزه ها فریاد می زدند: ساکت! می فرمودند: ای فلان جایی ساکت! ای فلان کسها ساکت! برای همین بود. این که امام می گفتند امروز تقیه حرام و اظهار حقایق، واجب است، برای همین بود. پانزده سال زحمت و تلاش و خون دل و خون و شکنجه و شلاق و سیلی و مرارت، برای این بود که حکومت اسلامی در مقرّ خودش و شریعت اسلامی در جای خودش قرار گیرد و اگر همه ی دنیای اسلام از شریعت سیراب نمی شود، لااقل بخشی از دنیای اسلام و جامعه ای، از این شریعت سیراب گردد و قوانین و مقررات زندگی در آن جامعه، برخاسته از شریعت باشد. امام در این مدت این همه تلاش و این همه کار کردند. همه ی مؤمنین، همه ی مجاهدین، همه ی شهدا، همه ی علمای واقعاً علاقه مند و همه ی شما نیز در این کار و تلاش شرکت داشتید تا پیروز شد. آنهایی هم که قبلاً در این زمینه، خیلی تلاش نمی کردند، بعد از پیروزی امیدوار شدند و بنای کار بیشتر را گذاشتند. آیا می شود کسی بگوید این کجای دین نوشته شده است؟ یا بگوید کجای توضیح المسائل نوشته شده که بعد از نماز و روزه و فلان، یکی از واجبات هم اقامه ی دین خداست؟ این توضیح المسائل می خواهد؟ این، بیان فرعی فقهی می خواهد؟ این، لازم است با مسأله ای که می گوید دستمان را دو بار با آب بشوییم پاک می شود یا یک بار کافی است و نظیر چنین مسائل و احکامی مقایسه شود؟ این، اصلاً قابل مقایسه با آنهاست؟ البته از آن واجباتی هم هست که اگر کسی ترک کند، تعزیر و حدّی در شرع برایش مقرّر نشده تا بگوید به ترک کننده این قدر حد بزنند و یا به عنوان فسق مبای واضحی ذکر نشده است؛ اگر چه تشخیصها مختلف است. پس این، یک واجب سیاسی است؛ همان طور که برائت یک واجب سیاسی است.

حج بی برائت، حج نیست

مسأله ی برائت واقامه ی حجّ اسلامی واقامه ی حجّ نبوی واقامه حجّی براساس قیاماً لِلنَّاسِ و مَنَافِعَ لَهُمْ، درست مثل همین است. امام، برای این تلاش می کردند؛ وَاَلَا اِيشَان

آدمی نبودند که بخواهند مسأله و موضوعی را که از دین نیست، به دین اضافه کنند و یا مسأله ای را که از دین هست از دین کم نمایند. ایشان آدمی بودند که مو را از ماست می کشیدند. امام، آدمی دقیق بودند. اگر همه ی دنیا مقابل امام جمع می شدند و موضوعی را که مورد پسندشان بود- همه از آن خوششان می آمد، همه دوستش می داشتند و حتی جوانها برایش به به می گفتند- مطرح می کردند و می گفتند این را بگوییم از دین است؛ اگر ایشان آن موضوع را از دین نمی دانستند، می گفتند نه. امام آدمی نبودند که بخواهند راجع به موضوعی که به دین برمی گردد، با کسی معامله و سازش کنند و یا رودربایستی داشته باشند. صریح می گفتند که برائت جزو حج است. برائت واجب حج است. حج بی برائت حج نیست. اینها تعبیرات امام است. جایگاه برائت در حج این است.

اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است

آلته «لقائل ان يقول»؛ ممکن است گفته شود اگر این طور است، پس چرا تعطیلش کردید؟ جواب این است که خود حج را هم يك وقت مانع می شوند. صدّ عن سبیل اللّٰه می کنند و حج، تعطیل می شود. در ابواب فقهیه، حجّ مسدود داریم. کسی که مسدود است چه کار کند؟ امسال نشد، سال دیگر بکند. اگر فلان وقتش سدی انجام گرفت، علاج شرعی اش چیست؟ وقتی نشد، انسان نمی کند دیگر. همه ی احکام الهی، موکول به قدرت و توانایی است. قدرت هم قدرت عقلی نیست، قدرت شرعی است. وقتی انسان می بیند دماء مسلمین در خطر است و مشکلات فراوان و صعوبات زیاد بر سر راه است و تکلیف بر او غیر قابل تحمل می شود، می گوید فعلاً این کار انجام نگیرد. امسال نتوانستیم برائت را انجام دهیم، به فضل پروردگار سال دیگر انجام خواهیم داد. اگر سال دیگر هم نتوانستیم انجام دهیم، سال بعدش انجام می دهیم. اگر ده سال نتوانستیم، پنجاه سال بعدش انجام می دهیم. مسأله که شوخی بردار نیست. این طور نیست که کسی خیال کند بالاخره برائت هم يك چند سال انجام شد؛ ناشی از شلوغی انقلاب بود و همه چیز کم کم به حال اوّل بر می گردد. خیر. مثل این است که بگوییم چند سال حکومت اسلامی بود، دین خدا بود، مجلس شورای اسلامی بود، ولی بعد همه چیز به شکل اول بر گردد.

پادشاهی بیاوریم، دولت غیراسلامی بیاوریم. مگر ممکن است؟ ما وارد راه جدیدی شدیم. آن، برگشت است. آن، رجعت است.

روی راهکارهای نو و ناپیموده فکر کنید

و اما نکته ی آخر. برادرانی که یک حج مفید را طراحی می کنند، ببینند اگر قرار شد ما در حج سال آینده باز هم نتوانیم براثت را به شکلی که تا پارسال معمولمان بوده انجام دهیم، چه باید بکنیم؟ ممکن است دیگر. ممکن است پیش بیاید. ممکن است خدای نکرده، العیاذ باللّٰه، سال آینده عرفات را آب بگیرد و نتوانیم وقوف عرفات کنیم. چنین فرضی ممکن است. ممکن است پیش بیاید دیگر. به هر حال راهی دارد. علاجی دارد.

به هر حال اگر سال آینده نتوانستیم براثت را انجام دهیم، چه کار کنیم که آن کار، بهترین باشد، برای این که حج «قیاماً للناس» شود. حج، حج نبوی و علوی شود. راجع به این مسأله باید فکر کنیم. همه ی راههای نو و ناپیموده و ابتکاری و ممکن را فکر کنید. با دقت برنامه ریزی کنید و همه ی مقدماتش را از همین امروز فراهم نمایید. اگر بناست، کاری انجام گیرد، کتابی برود، نوشته ای برود، کسی برود؛ این کارها را انجام دهید تا سال آینده حج ما به صورت بهترین حج انجام گیرد.

ما کمک و وعده ی خدا را باور داریم

ان شاء الله که خداوند متعال به شما کمک خواهد کرد. ما حقیقتاً سخن خدا و وعده ی خدا را قبول و باور داریم. این که می فرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا، (۱) این که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ، (۲) این که می فرماید: «هر کس با خدا باشد، خدا با اوست»؛ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ (۳)

همه ی اینها را قبول داریم. ما کمک الهی را قبول داریم. واقعاً اعتقاد داریم اگر جایی از طرف خدا کمک نمی شود، به خاطر عیب و

۱- عنکبوت: ۶۹

۲- عنکبوت: ۶۹

۳- عنکبوت: ۶

اشکالی است که در کار ما وجود دارد. بنابراین خدای متعال، ان شاء الله کمک خواهد کرد. روزبه روز، حج بهتر و کاملتر خواهد شد و ان شاء الله جمعیت بیشتری را به حج خواهیم فرستاد. ان شاء الله در سال آینده صدویست، سی هزار نفر بفرستیم و بتوانیم یک حج، آن چنان که دلخواه بندگان خوب خداست، داشته باشیم. ان شاء الله بعد از حج سال آینده، باز هم شما برادران عزیز را زیارت کنیم و همین طور سرشار از افتخار و سرور، کارها انجام گیرد.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

بیانات در دیدار با کارگزاران حج (۱۶ / ۱ / ۱۳۷۴ ه. ش.).

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۱۶ / ۱ / ۱۳۷۴ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند، خدمت شما را قبول کند

اولاً باید از همه ی برادران و خواهران عزیز تشکر کنم که یک بار دیگر این فرصت را برای بنده فراهم آوردید که در جمع محترم کارگزاران فریضه ی عظیم حج بتوانم راجع به این واجب الهی مطالبی را در میان بگذارم و عرض کنم. همچنین باید از زحمات شما عزیزان، بخصوص مسئولین محترم در اجرای هر چه بهتر این واجب الهی و پر کردن این خلاء تشکر کنم و از خدای متعال بخواهم که شما را منظور نظر حضرت بقیه‌الله الاعظم و مشمول ادعیه زاکیه ی آن بزرگوار قرار بدهد و به بهترین وجهی از شما این خدمت را قبول کند.

توجه به مسائل معنوی در حج

دو نکته مهم در باب حج وجود دارد که همیشگی و فراموش نشدنی است. یکی مسأله ی معنویت در حج است. در خلال این واجب، از اول تا آخر یک روحی وجود دارد که آن روح عبارتست از توجه و اخلاص به ذات مقدس احدیت و اظهار عبودیت در مقابل پروردگار. در فرائض و واجبات دیگر، به این حجم و کیفیت، این ویژگی را نمی شود مشاهده کرد؛ اگر چه قوام هر واجب و عبادتی، به توجه و ذکر حضرت پروردگار جلّ و علی است. وقتی انسانها به مرکز اقامه ی فریضه ی الهی حج، جذب می شوند از

محدوده‌ی زندگی مادی، خارج و به فضایی کاملاً معنوی وارد می‌شوند. در این فضای معنوی، انسان بطور حقیقی شستشویی می‌کند و برمی‌گردد. فرض بر این است که اگر انسان، یک بار در مدت عمر خویش چنین شستشویی بکند، برای او کافی است؛ چون حج یک بار واجب شده است و واجبات بر اساس نیازها و حاجت بشر است. اگر ما برای سیر تکامل و عروج الی الله به بیش از هفده رکعت نماز در روز احتیاج داشتیم، خدای متعال آن را واجب می‌کرد. حداقل واجب آن چیزی است که برای ما به صورت حکم واجب درآمده است. حج، برای هر کسی که بتواند؛ «من استطاع» - که نباید خیال کرد «من استطاع» واجب را محدود می‌کند، نه این واجب را توسعه می‌دهد - بدون استثنا، یک بار در عمر واجب است و اگر کسی نتوانست، خوب نمی‌تواند، بر او چیزی واجب نیست، چون قدرت وجود ندارد. پس یک بار، رفتن در آن مخزن و چشمه‌ی جوشان معنویت برای شستشو و پاکیزه شدن، کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر و بیشتر شستشو خواهد شد اما حداقل لازم همان یک بار است. ببینید چه قدر جنبه‌ی معنویت حج باید قوی باشد. اینها نکاتی است که ما باید واجب را از این دریچه‌ها درست بشناسیم و بفهمیم. اگر ما دیدیم که حج جنبه‌ی مادی و ظاهرسازی و دوری از معنویت پیدا کرد و در سفر حج رفتارهایی که برای خودمان انتخاب می‌کنیم یا بر ما تحمیل می‌کنند، ضد معنویت است، باید بدانیم از فلسفه‌ی حج دور افتاده‌ایم. کسانی که حج و ایام حج را، به میزان زیادی صرف چیزها و کارهایی می‌کنند که در جهت مقابل معنویت، غرق شدن در مادیت و دوری از خداست، در حقیقت، بدون اینکه خودشان بدانند، دارند از آن سرمایه‌ای که خدای متعال در حج به آنها هدیه کرده است، کم می‌کنند. آنها خیال می‌کنند چیزی به دست می‌آورند، در حالی که دارند چیزی از دست می‌دهند و با غرق شدن در مادیات، هدیه‌ی معنوی را ناقص می‌کنند. حج اول با «لبیک» یعنی پاسخ‌گویی و اجابت دعوت الهی، شروع می‌شود. تمام مناسک و کارهای حج از قبیل: حالت احرام، لباس و محرّمات احرام، طواف، سعی، نماز و وقوفین، هر کدام به نحوی، گوشه‌ای از وجود ما را به معنویت و به خدای متعال جذب می‌کند. این مجموعه‌ی مرکب در واقع چشمه‌ی زلالی است که باید خود را در آن، شستشو بدهیم. مراقب باشید که حج، این جهت را از دست ندهد.

حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید

در دوران گذشته- البته در زمانی که سردمدار امور حج کسانی بودند که معنویات را بو و لمس نکرده بودند- توقعی نبود. آنجا البته کسانی بودند، خودشان اهل معنا، توجه و تذکر بودند و خود را به نحوی تأمین می کردند، اما دستگاهی وجود نداشت که آنها را به سمت معنویت حرکت بدهد. امروز وضع فرق می کند. امروز کسانی که متصدی حج اند، اهل معنویت تذکر و انس با خدا هستند. طعم معنویت را می فهمند و شیرینی انس با خدا و ذکر خدا را درک می کنند. فرق می کند وقتی که مسئولین حج، این جور افرادی باشند، یا افرادی که اصلاً نمی فهمند حج چیست. نمی دانند فرق بین یک مسافرت معمولی گردش با حج عظیم الهی چیست. خیال می کنند این هم یک مسافرتی است که آدم برای سفر و گردش می رود و برمی گردد. امروز شما مسئولین حج آید. اهل معنویت متصدی امور حج اند. من از همه ی آقایان محترم، مسئولین، برادران و خواهران و هر کسی که به نحوی با حاجی ای ارتباط دارد، خواهش می کنم که یکی از کارها و کوششهایشان این باشد که این حاجی را به روح و معنویت حج، نزدیک کنند و مردم را با تأثیراتی که حج، منهای مسائل اجتماعی، برای تکامل فرد انسانی دارد؛ از قبیل اینکه فرد را کامل و پاک می کند، پالایش، تزکیه و مزین به زینت معنویت می کند، سرمایه ای به او می دهد، مشت او را پر می کند و برمی گرداند، آشنا کنند. همه اش هم با بیان و گفتن نیست بلکه با عمل، حضور، توجه و با رفتار، بایستی مردم را به معنویت سوق داد. اگر این بشود، نکته ی دوم حج هم که نکته ای فراموش نشدنی و یکی از اهم نکات در باب حج است، آسانتر خواهد شد.

توجه به مسائل اجتماعی حج

نکته ی دوم، همان نکته ی اجتماعی است. خدای متعال این واجب را به نحوی انجام داده است که مسلمانها، چشم در چشم یکدیگر واقع بشوند. اگر حج نبود، یک فرد مسلمان ممکن بود تا آخر عمر بسیاری از این ملتیتها را، نه تنها نبیند، بلکه اسم آنها را هم نشنود. حج، ملتها، رسوم، زبانهای مختلف و افراد نا آشنا که اگر دوتایشان در نقطه ای،

روزهای متمادی با هم باشند، معلوم نیست یک ذره با یکدیگر انس پیدا بکنند، را در یک نقطه جمع می کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می بخشد که دنبال یک هدف بروند. خوب توقع چیست؟ توقع این است که دستاورد واحدی پیدا بکنند.

آن دستاورد واحد چیست؟ آن چیزی که به همه ی ملتها ارتباط پیدا می کند، نه به یک ملت واحد، فضلًا از شخص واحد، آن چیست؟ آن عبارت است از چیزی که بین ملتها است، که همان اسلام است. بین ملتهای صاحب نژادهای مختلف؛ که همه مسلمانند، آنچه مشترک است چیست؟ آن، آرمانها، آرزوها، اهداف و عشقهای اسلامی است که اسلام برای آنها معین کرده است. پس حج می خواهد این را تأمین بکند. چرا این نکته ی واضح را بعضی نمی فهمند و باید برایشان تشریح کرد؟ بعضی با وجود تشریح کردن هم نمی فهمند و شقاوت را به حد اعلی رسانده، با این امر واضح و حق صریح، مبارزه هم می کنند. شرقی، غربی، سیاه، سفید و صاحب لغات گوناگون که اینجا جمع شده اند، چند روز عمل واحد انجام می دهند، در یک نقطه عبادت می کنند، می خوابند و می نشینند.

این کارها برای یک امر فرا ملیتی و فرا شخصیتی است و الاً ممکن بود این اعمال را هر کسی در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد. چرا مردم را به یک نقطه ی خاص کشاندند؟ برای اینکه با هم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن چیزی که فراتر از مجموعه های ملی است، یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند. آن، همان چیزی است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از روز اول دارد روی آن تأکید می کند و می گوید آقا حج، برای آشنایی مسلمانان، اتحاد و تأمین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک؛ یعنی برائت از مشرکین است. اینجا چون مرکز اسلام است و لب، روح و حقیقت اسلام توحید است و خانه ی خدا، مرکز اقامه و مظهر و نماد و رمز توحید است، لذا شعار، شعار توحیدی است و برائت هم برائت از شرک است. این امر واضحی است. حالا- می گویند آقا توی کتاب مسأله، کجا نوشته اند برائت از مشرکین جزء واجبات حج است؟ خوب کجا نوشته اند که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر باشد، اسلام را نفهمیده است؟ یک چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جایی که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به وضوح می بینید. البته انسان

باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد. کیست که توحید، شعار معنویت و وحدت مسلمین را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم برای این است که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده بشود؟ برخلاف آنچه امروز دشمنان می خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک سینه سپر می کند.

دشمنان، با عزت اسلام مخالفند

ببینید امریکا با چه فضاحتی با جمهوری اسلامی دشمنی می کند! این دشمنی برای چیست آقا؟ برای این است که نمی خواهد کلمه ی حق، معنویت و اسلام در جایی سینه سپر کند و خودش را نشان بدهد. اگر جمهوری اسلامی شعارهای اسلامی مانند نماز، دعا، عبادت و قرآن و از این حرفهایی که ما می زنیم را می گفت، اما در مقابل استکبار سینه سپر نمی کرد و هر چه آنها می گفتند، می گفت بله چشم، هر چه شما بفرمایید، به جان شما، هیچ کاری با آن نداشتند. اینها که با ذلت اسلام مخالف نیستند. اگر اسلام، العیاذبالله ذلیل باشد، اینها مخالفتی با آن ندارند. اینها با عزت اسلام مخالفند. اگر در جایی، کشوری بود، پرچم اسلام و لا اله الا الله هم داشت، شعار اسلام هم داد، اما در مقابل استکبار جهانی ذلیل بود، استکبار مگر دیوانه است با او بجنگد یا با او مخالفت کند؟

اسلامی که در مقابل امریکا به خاک می افتد، برای امریکا ضرری ندارد؛ چرا باید با او مبارزه کنند؟ خوب نوکر خودشان است. پول و کمک هم بخواهند، از او می گیرند و حرف خود را هم به او تحمیل می کنند. این جور اسلامی که دشمن ندارد. آنها، اسلامی را نمی پسندند که سینه سپر می کند، داعیه دارد و مردم را به خود دعوت می کند. پیغمبر اسلام خودش را در مکه حبس نکرد. اگر پیامبر خودش را در مکه یا در خانه حبس می کرد، دعوت نمی کرد و متعرض کسی نبود، کسی به او کاری نداشت. اسلام عزیز است. عزت اسلامی که سینه سپر می کند؛ می ایستد، سرش را بالا می گیرد، زیر بار دشمن نمی رود، بلکه بارها و بارها استکبار را ذلیل می کند و بینی او را به خاک می مالد، باید تثبیت شود. همچنان که جمهوری اسلامی، علی رغم بدبینها، ضعیف النفسها، منفی بافها و کوتاه نظرها، که می گفتند آقا نمی شود، نکنید، بترسید، و به کمک همین مردم و با عنایت

الهی و رهبری آن مرد موحد- که حقیقتاً آن امام بزرگوار موحد بود و توحید در سراسر وجود او جریان داشت. همه ی وجود او خدا، عظمت و عزت الهی را قبول داشت- توانست دشمن را ذلیل بکند و خودش عزیز باشد.

با ملت ما، به خاطر آرمانهایش دشمنی می کنند

از این جمهوری اسلامی ناراحتند؛ بدشان می آید، می خواهند بکوبندش. تهمت هم می زنند. شعار هم می دهند. خلاف و دروغ هم می گویند، ظلم هم می کنند. می بینید که همه ی آنچه که می گویند ظلم است. توطئه هم می کنند. در داخل هم، انگشت مفسد گندیده ی خودشان را وارد کشور می کنند. اینجا و آنجا را از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، دچار مشکل هم می کنند. خرابکاری می کنند و جلو بازسازی ملت را می گیرند. ساختن، سخت است اما ویران کردن آسان است. امروز دولت دارد می سازد و بازسازی می کند. یک ساختمان را خشت باید روی خشت گذاشت تا بالا برود، اما با یک ماده ی منفجره راحت می شود آن را منفجر کرد. جلوی این کار مشکل را می گیرند.

مزاحمت ایجاد می کنند. خباثت می کنند. برای چه؟ برای اینکه می بینند اینجا یک ملتی هست که با دعوت و با شعارهای اسلامی، کمر بسته است به اینکه زندگی، دنیا و آخرت خود را بسازد، آباد کند و می خواهد زیر بار دشمن هم نرود؛ این است که با این ملت دشمنی می کنند. به همین دلیل با شعار توحید در حج هم دشمن اند.

حج را با ویژگیهای آن بشناسید

عزیزان من، حج را با این دو خاصه بشناسید؛ خاصه ی تأثیر شخصی، فردی و معنوی، ایجاد یک انقلابی در هر دل، این هزاران دلی که از اینجا احرام می بندند و به خانه خدا، به میعاد و میقات الهی می روند تا منقلب، الهی و معنوی بشوند و برگردند. دلها از خانه ی خودشان احرام می بندند. دلهای ذاکر و خاشع، در واقع قبل از میقات دلها مُحرم اند. این، یک ویژگی بود. [که این قابل اغماض نیست. و دومی هم معنا و مفهوم جمعی، اسلامی (این قسمت در نوار نیست)]، امتی و فراملیتی مربوط به امت اسلام و

عبارت است از اثبات عزت توحید، نفی شرک، برائت از شرک و مشرکین و داعیان الی الشرک و مخالفان توحید، به هر شکل و به گونه ای که بتوانند. مثل خود حج که؛ **مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا**، متوقف بر استطاعت است.

دل‌های آشنا، خود را با کانون معنویت مرتبط کنند

البته دل‌های مؤمن پیروان آل محمد صلی الله علیه و آله در آن سرزمینها دنبال یادگارهای عزیز خودشان هم می‌گردند. دنبال یاد ائمه مظلوم خودشان که آنجا، پایگاه اشعاع و نورانیت و درس آنها بوده است. ائمه در طول دو بیست و پنج سال امامت شیعه، در آن شهرها و توی همان کوچه، خیابانها و خانه‌ها، در همان سرزمین، در همان بقاع متبرکه، نشستند اسلام را به مردم تشنه، مشتاق و با معرفت تعلیم و تدریس کردند و یاد، ذکر، آثار، قبور مطهره و یادگارهای آنها آنجا است. امروز هم بازمانده‌ی عزیز و دردانه‌ی قیمتی این عالم وجود در روی زمین در ایام حج در همان جا است. سید و مولای آفرینش و محبوب دل‌های مشتاقان، در عرفات، منی، مشعر الحرام و طواف آن جا است. دل‌های آشنا سراغ بگیرند و خودشان را با کانون معنویت مرتبط کنند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد دل‌های ما را با منابع نور و معنویت و حقیقت آشنا کن. دل‌های ما را با خودت مرتبط کن. ما را از اولیائت جدا مفرما. پروردگارا به محمد و آل محمد حج را از امت اسلام قبول کن. حج را برای امت اسلام مبارک کن. کارگزاران حج عظیم اسلامی را مورد رحمت و برکات خودت قرار بده!

و السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۴ / ۲ / ۱۳۷۴ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۱۴ / ۲ / ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَذِّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَّ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۱)

موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می رسد

چون بهار طبیعت، که همواره در میعاد همیشگی خود، لبریز از نشاط زندگی فرا می رسد، موسم حج، نوبهار جان و دل، و فصل رویش و پیدایش روح زندگی توحیدی در دل هر مسلمانی که خود را به میقات رسانده باشد، همه ساله در موعد خدایی و همیشگی باز می گردد تا چون چشمه سار مبارکی رشحات حیات طیبه ی اسلامی را بر سراسر جهان اسلام بپاشد و کسانی را که توفیق یافته اند که تن به این سرچشمه ی مبارک بزنند، از غبار و کدورت گناه و شرک و ماده گرایی و میل به پستی و بدکرداری، پاک کند و در آنان اگر اهل توجه و تذکر باشند، مایه ی صلاح و فلاح یک عمر را ذخیره سازد.

اکنون بیش از چهارده قرن است که ندای ابراهیم خلیل از حلقوم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، همه ساله میهمانان بیت را در این موسم به پایگاه معنویت و وحدت می کشاند تا گرد مرکز توحید، همراه با آن جریان ابدی عروج، طواف کنند، و در پشت مقام ابراهیم به سمت

کعبه ی محمدی صلی الله علیه و آله، نماز گزارند، و میان صفا و مروه، سعی ابدی مؤمن از منشأ صفا را مجسم سازند. و معرفت به حقارت خویش و عظمت و عزت حق تعالی را در عرفات، و زمزمه ی ذکر و انس و عشق به حضرت احدیت و درک نور تابان آن بی همتارا در صحرای ظلمانی وجود خود در مشعر بیاموزند، و در منی شیطان بزرگ و شیطانهای دیگر را هدف رمی خود سازند، و به نشانه ی قربانی کردن هواها و تمایلات منحرف ساز، ذبیحه یی قربانی کنند- و این همه را در حال احرام که حریم جان و دل حاجی در برابر میوه های ممنوع این بهشت است و در کنار دیگر مسلمانان از هر جا و هر نژاد و باهر رتبه ی مادی یا معنوی و دارای هر زبان و فرهنگ به جای آورند و آنگاه به نشان زدودن همه ی چرکها و پلیدی هایی که در فضای آلوده ی زندگی مادی برجان و دل آنان نشسته است، حلق و تقصیر کنند و سپس بار دیگر با طراوتی که از زدودن گناه و تجلی معرفت و محبت خداوند، در جان و دل آنان پدید آمده است، به خانه ی خدا برگردند و طواف و نماز و سعی را این بار در آفاقی برتر از پیش به جای آورند و با ذخیره یی سرشار از توحید و معنویت و صفا، و عزمی راسخ در مبارزه با شیطانها، و قدرتی فائق بر نفس خویشان، آماده ی برگشتن به دیار خود و پراکندن عطر حج در اقطار گیتی باشند.

حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می کند

حکمت بدیع اسلام، این آزمایش شگفت آور و پر از رمز و راز را چنان ترتیب داده است که همین یک واجب بتواند در همه ی قرون و اعصار، و با هراندازه گسترشی که دامنه ی اسلام در شرق و غرب گیتی به دست آورده است، یکپارچگی و اتصال اجزاء این پیکر عظیم را تأمین کند ... همه در یکجا و همیشه در یک فصل، ... چه آن هنگام که سفر کعبه ی مشتاقان بیت از برخی نقاط عالم یکسال به طول می انجامید و چه امروز که دشمنان امت اسلامی برای پوشش تبلیغات زهر آگین خود به سراسر کره ی زمین به بیش از یکساعت نیاز ندارند، همیشه اجزاء این پیکر عظیم و پراکنده، به این مرکز وحدت و قدرت که برای آنان کانون صفا و برادری و معنویت و توحید و معرفت و اطلاع است نیاز داشته اند .. و اسلام اگر از حج خالی می بود رکنی اصلی و جزیی جوهری را فاقد بود.

دو عنصر اصلی حج

حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان .. همه ی اعمال و تروک حج، برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است، و این در حقیقت خلاصه یی از اسلام و همه ی دعوت‌های الهی نیز هست که: **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱)**

در آیات حج تعبیرات: **حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ، (۲) يَا قَالِئَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ...، (۳) يَا: فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا (۴)**

وامثال آن ناظر به همین دو عنصر اصلی است.

تقرب به خدا، ذکر و نماز و تسلیم و احرام و به خود و خدا اندیشیدن و سعی و صفا را می طلبد و در نهایت زاد و توشه ی تقوا را در کوله بار حاجی می گذارد: **و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ. (۵)** و اجتناب از شیطان و طاغوت، دل کندن از شهوات و هوسهای خوار کننده و کمک گرفتن از نیروی صبر و اراده ی خود و نیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانا در حرکت دستجمعی و همراهی و همدلی و همگامی و هم زبانی همگان در طواف و سعی، و وقوف در عرفات و مشعر و منی، و هدف گرفتن دستجمعی جمرات شیطان و رمی از همه جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می شود و در نهایت، گره خوردن دستها و دلها و عزم های مسلمین از همه جای امت اسلامی به یکدیگر و احساس قدرت و امنیت در سایه ی وحدت را پدید می آورد که: **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا. (۶)**

۱- نحل: ۳۶

۲- حج: ۳۱

۳- حج: ۳۴

۴- بقره: ۲۰

۵- بقره: ۷

۶- بقره: ۱۲۵

اگر حج، چنانکه قرآن خواسته و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده و عمل کرده، به جای آورده شود و چنانکه فرموده: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»، مناسک آن از عمل او گرفته شود، تأمین کننده ی کمال فرد و عزت امت است.

هرکس با چنین حجی مخالفت کند و حج را جدا از این خطوط و نشانه‌های اصلی آن بخواهد، با کمال جویی فرد مسلم و عزت امت اسلامی مخالفت کرده است.

مبارزه ی استکبار با اسلام و مسلمین

امروز استکبار جهانی با پرچمداری امریکا و با طراحي صهیونیسم به مبارزه یی آشکار با اسلام و مسلمین سرگرم اند. این البته دنباله ی خصومت‌های دیرین دشمنان اسلام است، لیکن با شیوه های تازه و انگیزه های تازه و ابزارهای تازه. و امت اسلامی از چنین کانون مقاومت و نیرو و وحدتی برخوردار است. آیا سزاوار است که مسلمین از حج برای مقابله با دشمن ستیزه جو و تفرقه ساز و توطئه گر بهره نگیرند و خود را بیدفاع در برابر دشمن قرار دهند؟

حج درست و کامل، می تواند بوسیله ی نزدیک کردن دلها و تبادل آگاهیها و افشای توطئه ها، خطرناکترین توطئه های دشمن علیه اسلام و مسلمین را خنثی کند. امروز دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار و صهیونیسم، تفرقه افکنی میان مسلمین و غوغاگری در عرصه ی تبلیغات را برضد هر کشور و دولت و جمعیتی که از بیداری اسلامی و حاکمیت قرآن دم زند و داعیه ی عزت مسلمین را داشته باشد، مهمترین کار خود می داند. زیرا اگر بتواند بخش های فعال و پرتحرک از امت اسلامی را از دیگر بخش های این امت جدا کند، مطمئن خواهد شد که در برابر خود پیکر عظیم و یکپارچه ی امت را نخواهد دید، و نقشه های خباثت آلودش در باره ی امت اسلامی را بی در دسر پیش خواهد برد.

این روزها مردم دنیا، شاهد حجم انبوه و متراکم و سطح وسیع تبلیغات بوقهای استکباری بر ضد جمهوری اسلامی ایرانند. این همان سیاست است که البته به فضل الهی تا امروز ناکام مانده ولی با همه ی توان استکبار، دنبال می شود.

مهمترین انگیزه‌ی دشمنی با ایران اسلامی

مهمترین انگیزه‌ی دشمنی با ایران اسلامی از دوران حیات امام راحل قدس سره تاکنون، آن است که در این کشور، همه‌ی سیاست‌ها با معیارهای اسلامی، محک زده شده و انتخاب یا مردود می‌شود. همه‌ی موضعگیریهای سیاسی براساس دستورات اسلام، شکل می‌گیرد.

سازش دولتها با صهیونیسم مردود اعلام می‌شود، چون این به معنی آوارگی همیشگی ملت فلسطین و اشغال همیشگی کشور فلسطین بوسیله‌ی دشمن است.

از ملت‌های فلسطین و بوسنی و تاجیک و افغان و کشمیر و چین و آذربایجان و الجزائر و دیگر ملتهای مظلوم مسلمان حمایت می‌کند، چون قرآن صریحاً حمایت از مستضعفان را لازم شمرده است: **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (۱)**

باسلطه‌ی امریکا و نفوذ و دخالت آن در کشورهای اسلامی و همه‌ی کشورهای مظلوم مخالفت می‌کند، چون قرآن فرموده است: **... لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ (۲)**

در کشور خود احکام اسلامی را منشأ و ملاک قانونگذاری قرار داده است، چون عزت و استقلال و رفاه و کمال مادی و معنوی برای یک ملت را در عمل به احکام اسلامی می‌داند..

اینها همه موجب آن شده است که سردمداران جبهه‌ی استکبار با دلالی و خناسی توطئه‌گران صهیونیست، ایران اسلامی را دشمن شماره یک خود بدانند و بقدر وسع خود با آن دشمنی کنند.

شور و شوق در سراسر امت اسلامی

نکته‌ی مهم آن است که امروز در سراسر امت اسلامی شور و شوق به این هدفها و موضعگیریها همه جا را فرا گرفته است، دربسیاری از کشورهای اسلامی، جوانان

وقش‌های برگزیده و زبده‌ترین و پاک‌ترین عناصر از علمای دین و اساتید مجامع علمی و هنرمندان و شعرا و نویسندگان و حتی بسیاری از کارکنان دولتی و قش‌های میانه‌ی مردم، دل و حتی زبان و قلم خود را به این هدفها سپرده‌اند. باسازش عربی-اسرائیلی مخالف‌اند، با تسلط روز افزون امریکا بر دولتهاشان مخالف‌اند، بابتی تفاوتی دولتها در برابر قضایای اسلامی در اروپا و آسیا و افریقا مخالف‌اند.. استکباراینهمه را نتیجه‌ی پیروزی اسلام در ایران، و اقتدار روز افزون ایران اسلامی می‌دانند، و از اینرو حقد و کینه‌ی بی‌دیوانه‌وار نسبت به جمهوری اسلامی را در دل می‌پرورانند.

این یکی از مهمترین انگیزه‌های کسانانی نیز هست که با حج ابراهیمی و حج معنی‌دار و جهت‌دار مخالف‌اند. زیرا تدبیر در حج، عامل معجزه‌آسایی در گسترش این اندیشه در میان همه‌ی مسلمانان است، بعلاوه چهارراه عظیمی برای تبادل اطلاعات ملتها از شرق و غرب و شمال و جنوب جهان اسلام است.

توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج

من به همه‌ی برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گردآمده‌اند متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبیر کنند و آن دونکته‌ی اصلی را یعنی دل سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی در اندیشه و عمل با عبودیت خالص و حقیقی از یکسو و اجتناب و برحذر بودن از شیطانها و دشمنان راه و جهت الهی از سوی دیگر، برای خود تأمین کنند و باروحی مجهز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده‌ی امت اسلامی و تصمیمی راسخ در پیگیری هدف‌های اسلام و به قصد حاکمیت یافتن معارف و قوانین و فرهنگ اسلامی بر جوامع مسلمان، به دیار خود بازگردند.

قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند

قدرت پوشالی دشمن، نباید چشم‌ها را خیره سازد. آنان از تفرق و ضعف روحیه‌ی مسلمین استفاده می‌کنند و قدرتی دروغین برای خود در برابر چشم ساده‌اندیشان

می نمایند. استکبار در همه ی صحنه هایی که مسلمانان به راستی در برابر زورگویی آنان ایستاده اند شکست خورده یا در مقاصد خود ناکام گردیده است. نگاهی به ایران اسلامی که به حول وقوه ی الهی در مواجهه با حجم عظیم و افسانه یی خصومت های امریکا و همدستانش در طول شانزده سال گذشته پیروز بیرون آمده و امروز از همیشه مقتدرتر، موفق تر، بانشاطتر و امیدوارتر است، ثابت کننده ی این مدعا است. امروز امریکا که پرچمدار استکبار در مبارزه اش با حرکت بیداری اسلامی است نه تنها در این مبارزه ی ناعادلانه، سرشکسته و ناموفق است که خود در درون خود نیز از لحاظ اقتصادی و امنیتی و سیاسی با مشکلات بزرگ و لاینحل روبه رو است. کمالین که در تلاشهای ابرقدرتانه ی خود هم که به گمان باطل سردمداران خام و مغرور امریکا، از حقوق ابرقدرتی آنان است! طعم تلخ شکستهای پیاپی را چشیده است و ان شاءالله در آینده هم خواهد چشید. نگاهی به وضع فلسطین و خواب خوش ولی تعبیرنشده ی حلّ مسأله فلسطین که اکنون به گره ی دشواری بدل شده است، یا به شرق افریقا و خروج مفتضحانه و منفورانه ی نیروهای امریکا از سومالی، یا به اروپا و نقش خنثی و بی خاصیت امریکا در قضایای بالکان، یا به تلاش دریوزه گون و بی پاسخ امریکا در چهار گوشه ی دنیا برای قطع روابط تجاری همه ی کشورها با ایران، یا به تکاپوی زشت و نفرت انگیز امریکا برای متهم کردن ایران در حوادثی همچون حادثه ی آرژانتین سرانجام رسوایی آنان با روشن شدن حقایق، و قضایای دیگر و متعددی از این قبیل اثبات می کند که قدرت فائقه ی ادعایی استکبار، مانند بسیاری از مدعاهای آنان چون طرفداری از حقوق انسان و امثال آن، سخنی پوچ است.

مسلمانان در صورت عزم و ایستادگی و معرفت، از استکبار قوی ترند. نیروهای استکبار در عرصه ی مسائل انسانی به ضعف های مفرط و بی علاج، دچارند و هیچ جمعیت و دولت و بخصوص ملت دارای تصمیم راسخ و اندیشه ی روشن - چه رسد به امت بزرگ اسلامی - نباید از آنان بیمی به دل راه دهد.

در پایان بار دیگر همگان را به تدبّر در یکایک اعمال و شعائر حج و نیز به استمداد از قدرت لا یزال الهی و تمسک به جبل الله دعوت می کنم و

امیدوارم کسانی که دل در گرو استضاءه از انوار الهی حج دارند، مورد تأییدات و تفضلات الهی قرار گرفته و مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیّه الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) گردند و با حج مقبول و دعای مستجاب و ذخیره ی ارزشمند معنوی به دیار خود باز گردند.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ

چهارم ذیحجه الحرام ۱۴۱۵ برابر با چهاردهم اردیبهشت ۱۳۷۴

علی الحسینی الخامنہ ئی

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج (۳۰ / ۲ / ۱۳۷۴ ه. ش.).

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج

اشاره

(۳۰ / ۲ / ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زبان ما از شکر نعمتهای پروردگار قاصر است

اولاً باید عرض کنم که زبانهای ما از ذکر، و دلهای ما از فکر و احصاء قلبی و شکر نعم پروردگار قاصر است. این کار عظیمی که امسال به همت شما آقایان انجام گرفت، این حج مقبول و عزیز، همراه با عظمت، عزت، شوکت اسلام، مسلمین و جمهوری اسلامی، نعمت پروردگار بود. القای این افکار به اذهان شریفه ی آقایان، قوت و عزم دادن و قاطعیت بخشیدن به شما در اجرای این کارهای دشوار و خطرناک، لطف الهی است. ما همین طور از دور این الطاف الهی را نگاه می کردیم تا آنجایی که می توانستیم احصاء می کردیم، می دیدیم که واقعاً و اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا الطاف خداوند قابل شمارش نیست. انسان نمی تواند واقعاً شکر بگذارد، جز اینکه به قصور، کوتاهی، ضعف، انکسار و حقارت خودمان در مقابل عظمت این نعمت های پروردگار اعتراف کنیم و بگوییم: «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». امیدواریم که خدای متعال نعمتش را بر این امت عزیز، مردم خوب و شما برادران فعال، فداکار و زحمتکش مستدام بدارد.

ان شاء الله هر سال، همیشه و در همه ی میدانها این توفیقات را به ملت ایران ارزانی بدارد.

قبول الهی؛ بزرگترین پاداش شما

در مرتبه ی دوم، حقیقتاً خیلی دشوار است که انسان بتواند از شما آقایان؛ جناب

آقای ری شهری با این همه تلاشها و فعالیت و حسن نظر نسبت به مسأله و تصمیم گیری بجا و بموقع و همچنین همه ی آقایانی که در این کار به نحوی از انحاء چه در تصمیم گیری و تمهید مقدمات، چه در عمل و اجرا با ایشان همکاری داشتند، سپاسگزاری کند. از بس که این زحمات شما با ارزش و بزرگ است، انسان احساس می کند که نمی شود واقعاً به آسانی از شما تشکر کرد. اجمالاً عرض می کنیم که خیلی متشکریم. خداوند ان شاء الله به شما اجر بدهد و از شما این زحمات را قبول بکند. قبول الهی بزرگترین پاداش شماست.

طبیعت بعضی از اعمال، نشان می دهد که مقبول پروردگار هم هست. الآن جناب آقای ری شهری برای من نقل می کردند که بعضی می آیند و اظهار علاقه می کنند، استفسار می کنند که براثت کی است؟ یا در محل رمی یا در جاهای دیگر از امریکا اظهار براثت می کنند. این صدای براثت، یک روز غریب بود. یک وقتی آن سالهای اول انقلاب حتی گاهی اوقات کسانی که از کشور ما نبودند، می دیدند که مسلمانهای مؤمن و انقلابی اظهار براثت می کنند، به آنها می گفتند که چه خبر است دیگر، مثلاً اظهار ناهماهنگی هم می کردند. بنده هم خودم این را در یک سفر که سال اول انقلاب چند روزی مشرف شدم، در مواردی مشاهده کردم، بعد هم از دیگران می شنیدم. دأب امام رضوان الله علیه این بود که وقتی انسان حرف حق را می زند، باید پایش بایستد. و الاً صرف انداختن حرف حق در فضا و رها کردن و رفتن کافی نیست. باید پای این بذر بنشینید تا سبز بشود.

خود آن بزرگوار پای دانه، دانه ی بذرها نشست تا این جور شجره ی طیبه ای را که أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ به وجود آورد. خودش ذره، ذره کارها را دنبال کرد.

خوب، طبعاً آثار و نتایج تاریخ این استقامت، دنبال گیری و دؤوب در این عمل را خدای متعال می بخشد. الحمد لله.

باید نواقص را برطرف کنیم

البته همان طور که فرمودند نقصها زیاد است. بعضی از نقصها را ما می دانیم و بعضیها را نمی دانیم. باید حتی بگردیم نواقصی را که هست پیدا کنیم و روزه روز آن نواقص را برطرف کنیم. خوب، اینکه شما می فرمایید، دشمنها دارند علیه شیعه

تبلیغات می کنند، روشن شد که مطلب چیست. دشمن با عکس العمل و حساسیتش نسبت به یک بخش از کار ما، خودش را لو می دهد و نشان می دهد که بخش مؤثر در کار ما کجاست. پس معلوم شد که آن چیزی که دشمن از آن می ترسد، تفکر و دید شیعی و انقلابی است. به همین خاطر می خواهد آن را در ذهنها مشوّش و مغشوش کند تا بگوید کسانی که این کارها را می کنند، آدمهای بی ریشه ای هستند. پس آن نقطه، نقطه ی حساسی است. ما بایستی به آنجا به عنوان نقطه ی حساس، توجه مضاعف بکنیم.

طبیعت انقلاب، حمله است

امام قدس سره می گفتند: «هر وقت دشمن یک حساسیتی نشان می دهد (این را هم به زبان مکرراً گفتند، هم عملشان این جور بود) ما باید از حساسیت دشمن بفهمیم که باید روی چه چیزی حساسیت داشته باشیم». چیزی را که او خیلی از آن بدش بیاید، ما خیلی به آن احتیاج داریم. ما هم همین کار را می کنیم. الحمدلله بیان ما که از آنها ناقص تر، حجتمان ضعیف تر و توانایی مان کمتر که نیست. ما هم می توانیم. آنها دارند عکس العملی کار می کنند. در حقیقت ما شروع کردیم. انقلاب شروع کرده. همه در مقابل انقلاب مدافع اند. انقلاب که لزومی ندارد از خودش دفاع کند. انقلاب باید حمله کند.

طبیعت انقلاب حمله است. حالا این حمله را ادامه بدهید. خیلی خوب، حالا بعد از این راجع به عقاید شیعه به بهترین بیان، به ابلاغ وجه و زیباترین شکل، کار درست انجام دهید.

کارهای کوچکی در دسترس و جزوه های چند صفحه ای را به تیراژ میلیون، در اختیار افراد قرار بدهید. لازم است که ما این جوری، میلیونی حرکت بکنیم. ... این یک نکته.

حج را باید به اهدافش نزدیک کرد

نکته بعد به نظر من این است که حج را باید به طرف اهدافش نزدیک کرد. یکی از بزرگترین هنرهای امام قدس سره این بود. امام حج را به طرف مواضع اصلی خودش بردند. ما باید نگاه کنیم ببینیم کجای حج از آن حج نبوی و ولوی فاصله گرفته، آن جا را فشار بگذاریم و نزدیک کنیم. اعمال حج عبارتند از: قضیه ی براءت، مسأله ی وحدت

اسلامی، مسأله‌ی اشاره به افکار عالی اسلامی و تبلیغ و توجیه آن، مسأله‌ی زهد و ریاضت. حج، برای زهد و ریاضت است. آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می‌کند، می‌بیند اصلاً برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلاً حج جای خوشگذرانی نیست. حالا اگر کسی می‌خواهد خوشگذرانی کند یک جور دیگر سفر کند، یک زیارتی هم بکند. حج جایی نیست که انسان متنعم بشود و راحت برود و بیاید.

آنجا باید مُغْبِرَ الوجهِ و مغْبِرَ الشَّعْرِ باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند. لباس زیبا و عطر نداشته باشد. از بوی متعفن اجتناب نکند بلکه از بوی طیب اجتناب بکند. در حج همه‌ی وسایل فشار و ریاضت الهی برای یک مدّت محدود و کوتاه فراهم است. مجموع اعمال حج سه، چهار روز بیشتر نیست. در این مدّت انسان باید یاد بگیرد که چه کار بکند. نمی‌شود فرض کنیم که لباس، مرکب و رفتار انسان تجملاتی نباشد، اما خوراکش، یک خوراک اشرافی درجه یک باشد. این باور کردنی نیست. اصلاً ظاهراً مثل تناقض صدر و ذیل با هم نمی‌سازند. ...

حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید

به نظر من یک مقداری حج را به سمت یک ریاضت انتخابی ببرید. یک وقت است که حجاج را بدون نان، آب، هتل و سرپناه رها می‌کنیم. این خیلی بد است. یک وقت هم برنامه ریزی می‌کنید که حالا یک مقدار در عسرت و ریاضت زندگی کنید. به خودمان هم می‌گوییم، به آنها هم می‌گوییم، اول هم خودمان در ریاضت زندگی می‌کنیم. اولین کسی که مرتاضانه زندگی می‌کند، خود ما خواهیم بود و بعد مردم هم یاد می‌گیرند و عادت می‌کنند. ان شاء الله به این سمت نزدیک بشوید. ان شاء الله امیدواریم آن نفس شریف امام قدس سره و ادعیه‌ی زاکیه حضرت بقیه‌الله همچنان پشتوانه‌ی کار باشد. دخالت دست قدرت پروردگار که همان عنایات ولی الله الاعظم ارواحنا فداه است، در همه‌ی قضایا بخصوص در قضیه‌ی حج که به احتمال قریب به یقین خود آن بزرگوار هم آنجا حضور دارند و از نزدیک شاهد و ناظرند، از اوضح واضحات است. اذان شد و دیگر وقت نماز است. ان شاء الله که آقایان موفق و مؤید باشید.

بیانات در دیدار نماینده ی ولی فقیه و سرپرست حجاج... (۱۳۷۵ / ۱ / ۱۵) ه. ش.

بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج و زیارت

اشاره

(۱۳۷۵ / ۱ / ۱۵) ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج، برای امت اسلامی عید است

آقایان عزیز و برادران فعال در یکی از مهمترین امور مسایل اسلام و نظام جمهوری اسلامی! خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند، این تلاش و مجاهدت را از شما قبول بفرماید و به آنچه که رضای او در آن است، هدایت و کمک کند و عافیت و فضل خودش را، در همه ی احوال شامل حال شما قرار بدهد.

این موسم، به خاطر نزدیکی زمان حج، همه ساله موسم شادمانی ملت ماست. حج، برای امت اسلامی عید است و حادثه یی می باشد که از اول تا آخر آن، معنا و مضمون عید و خیرات و برکات در آن است. همچنان که در آیه ی مبارکه ی: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ آمده است، در این سفر و عبادت و اعمال پیچیده و مرکب و پرمعنا، منافع مادی و معنوی برای امت اسلام- بخصوص برای حجاج- مندرج و متضمن شده است. لذا وقتی نزدیک به این مراسم می شویم، همه ی مردم- چه آن کسانی که به این معنا توجه دارند و چه آنهایی که عازم سفرند و چه کسانی که مسافر دارند و چه آنهایی که با برکات حج آشنا هستند- حقیقتاً احساس شادمانی می کنند.

شکر نعمت فرایض الهی

من هم از خدای متعال شاکرم، به خاطر این که این فریضه را بر ما قرار داد. اولین

شکری که باید بکنیم، شکر فرض این فریضه است. حکیم عزیز علیم، مصالح ما را ملاحظه فرمود و درست بر طبق نیاز و در چارچوب استعداد و توانایی ما، این فریضه را بر ما قرار داد. یکی از شکرهایی که ما همیشه باید بکنیم، شکر نعمت فرایض الهی است.

باید این واجبات الهی را شکر بکنیم. نباید شکر این نعمت بزرگ - از جمله حج - مغفول^۱ عنه بماند.

همچنین باید شکرگزاری کنیم که بحمدالله در جمهوری اسلامی و به برکت این نظام، خیلی از چیزهای فوت شده ی ما در قبل از انقلاب، به ما برگشت. «حج» هم در این نظام به ما برگشت. نمی گوئیم کسانی که قبل از انقلاب به مکه می رفتند، حج نمی کردند.

آن وقت هم مؤمنین و صلحا و مخلصانی بودند که به حج می رفتند و بهره ی خود را از آن می بردند. حج افراد بود؛ اما حج جامعه ی اسلامی و امت نبود و استفاده ی جمعی از آن نمی شد. هر کسی به قدر همت و ظرفیت خود - اگر کاسه ی گدایی را پیش برده بود - چیزی می گرفت و بر می گشت. بعضیها هم دست خالی بر می گشتند. امروز مسأله، مسأله ی خود آن حج کنندگان و حج گزارندگان نیست؛ مسأله ی امت است که استفاده می کند. مثل این مورد، خیلی چیزهای دیگر هم وجود دارد.

هزار ماهی که در آن لیلهاقدر نیست

فرمود: لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلِهَا الْقَدْرِ. هزار ماهی که در آن لیلهاقدر نیست. مسلم در هزار ماه متوالی، دهها لیلهاقدر هست؛ اما آن لیلهاقدر نیست.

لیلهاقدری که در آن امام نیست و و تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ نِيَسْتِ یا اگر تنزل ملائکه هست، مردم از او استفاده نمی کنند؛ این چه لیلهاقدری است؟ لیلهاقدر برای کسانی است که آن را دارند. در زمان حکومت بنی امیه، لیلهاقدری برای مردم وجود ندارد و کسی از آن استفاده نمی کند. خود امام و خواصش، از آن استفاده می کنند. این، غیر از آن لیلهاقدری است که امت اسلام از آن استفاده کنند.

ما واقعاً لیلهاقدر نداشتیم. ما جماعت و جهاد و حج و امر به معروف و نهی از منکر و خیلی چیزهای دیگر هم نداشتیم. تنها مسأله ی ولایت عملی و فعلی و مجسم و مجسد

در حیات اجتماعی و زندگی نبود که نداشتیم؛ خیلی چیزهای دیگر بود که از برکات ولایت است - مثل حج - ولی آن را نداشتیم. حج هم از برکات ولایت و برای ولایت است و به خاطر آن است که تحکیم عمود دین بشود. حج، خیلی فواید و برکات دارد که بحمدالله امروز زمینه فراهم است. این، شکر الهی را لازم دارد. باید شکر کرد و بزرگترین شکر هم همین است که از این فرصت استفاده بشود و هیچ کس کمترین امکانی را فروگذار نکند و ضایع و مهمل نگذارد.

از دست اندرکاران حج تشکر می کنیم

ما باید حقیقتاً از آقایان محترم و از شخص جناب آقای ری شهری هم تشکر کنیم.

من به سهم خود، به عنوان یک خدمتگزار کوچک، واقعاً متشکرم. مجموعه یی که برای حج فراهم شده است، متشکل از علما و مجتهدان و فضلا و بزرگان و مسؤولان کارآمد در کشور و کارآمدان و مجربان و فعالان عرصه ی سیاسی و اداری کشور می باشد. ایشان، بحمدالله یکی از بهترین مجموعه ها را در این خصوص فراهم کرده اند. این هم جای سپاسگزاری از ایشان و از یکایک همه ی شما آقایان عزیز است که امیدواریم روز به روز کاملتر بشود.

نمی توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است

البته، ما ادعا نمی کنیم حجی که بجا می آوریم، حج کاملی است. نه، کمال چیزی نیست که به عقل و تصور ما بگنجد. شما حجی را که وجود مقدس ولی الله الاعظم (سلام الله علیه و ارواحنا فداه) در آن حضور دارد و خودش حج می کند و مردم پروانه وار گرد او می گردند و از اشاعه ی بیاناتش، جانها و روحها و ذره ذره ی وجود استفاده می کنند، در نظر بگیرید که واقعاً کامل است. ببینید ما چه قدر با آن حج فاصله داریم. ما هم به قدر توان، بایستی بال و پری بزنیم و حرکت و تلاشی بکنیم. البته، باید روز به روز چیزهایی را که در اختیار ماست، تکمیل کنیم.

برائت، جزو حج است

این مسأله ی برائت که اشاره شد، حقیقتاً جزو حج است و لازم نیست که در روایات جزو فروع حج آمده باشد. چیزهایی وجود دارد که معنای حج و روح و مضمون حقیقی یک عبادت و عمل و فریضه ی الهی است و نمی شود این را از آن منفک کرد. اهمیت این، از یکایک فرایض بیشتر است. هر یک از این فرایض، چنانچه فوت شد، ممکن است به نحوی آن را جبران کرد یا مثلاً اضطراری آن را بجا آورد؛ اما آنچه روح یک عبادت محسوب می شود، قابل تفکیک از آن نیست.

حج؛ مظهر توحید الهی

بنابراین، در مسأله ی برائت و این که حج باید مظهر توحید باشد، تردیدی نیست.

حج مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که یک جزئش برائت است؛ برائت از «اندادالله» و کفار و از عبده ی اوئان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوئان و اصنام هم، که فقط «لات» و «عزی» و «هبل» نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه انگیزان عالم، بزرگترین بتهای زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بتهای بی جان و بی روح و بی توان است. در این که شکی نیست. بنابراین، امروز برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و برنامه های اینها و فعالیتی که علیه اسلام و مسلمین می کنند، جزو مسایل مسلم حج است.

ما مظهر این کار را در اجتماع خودمان دانستیم. این اجتماع را هم بر پا خواهیم کرد.

اگر روزی عقل ما به مظهري اوفی و اظهر و ابلغ از این رسید، این را رها خواهیم کرد و آن را خواهیم گرفت؛ لیکن چنین چیزی نداریم. ما امروز هر چه نگاه می کنیم، می بینیم که مظهر این برائت، همین تجمع و دور هم گرد آمدن و سخن برائت را بر زبان آوردن است. ...

بالاخره ما این اجتماع را تشکیل می دهیم. این، قابل تفکیک نیست. نهایتاً باید این مظهر و مظهر آن واجب و آن روح اصلی عبادت، به نحوی حصول تحقق پیدا کند؛ هر طور هر چه که باشد. «المیسور لایدرک بالمعسور». آنچه که ممکن است، ما آن را بجا

می آوریم. آنچه که برای ما حکمش باقی است، آن را عوض قرار می دهیم از آنچه که حکمش به خاطر اضطرار بقیه ی موانع، زایل شده است. بنابراین، نباید تردید کرد. ...

نمی شود براءت نداشته باشیم

مطلقاً این حرف قابل قبول نیست که آنها فکر کنند روزی فرا خواهد رسید که ما براءت نداشته باشیم. نه، نمی شود که ما براءت نداشته باشیم. می شود طواف نداشته باشیم؟ این که گفتیم به یک معنا از طواف هم بالاتر است. بنابراین، این تشکیلات هست و البته ما به درایت و عقل و کاردانی و حکمت جناب آن ری شهری و همکاران محترم و عزیزشان و آن مجموعه یی که آن جا هستند و تصمیم گیری می کنند و آنچه را که به هر شکلی مناسب بود، انجام خواهند داد، مطمئنیم؛ لیکن به هر حال باید این کار انجام بگیرد.

در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟

عزیزان من! آنچه که ما باید در حج بیان کنیم، خیلی مهم است. چه چیزی باید از ما صادر بشود؟ این، به نظر من جای خیلی بررسی و تأمل دارد. من می دانم که برادران در بعثه و مسؤولان محترم حج، از سال قبل که از سفر مبارک حج برگشتند، برای این مسایل مشغول برنامه ریزند و یقیناً ذهن و فکرشان، به جاهای خوبی منتهی شده است که حتماً ارزشمند می باشد و آثار و برکاتی دارد. حالا آنچه که به ذهن قاصر من هم می رسد، اجمالاً در این جا مطرح می کنم، برای این که معلوم باشد.

حاکمیت اسلام و قرآن در ایران

امروز، حقیقتی در عالم واقع و خارج تحقق پیدا کرده است که بعد از صدر اسلام تا امروز، نظیر و شبیهی ندارد و آن، حاکمیت اسلام و قرآن و حکومت علم و تقوا و فضایل اسلامی است. این، شوخی ندارد. شما نگاه کنید ببینید، بزرگانی مثل «علامه ی حلی» که پادشاه مغول را به طمع هدایت و بعد به خاطر آن حُشاشه یی که از هدایت در وجود او

پیدا شده بود و آن نور ضعیفی که تابیده بود، چه خود کُشانی می کردند و اسم پادشاه مغولی را در مقدمه ی کتاب می آورد. یا حکومت صفویها که البته آنها به ایران و اسلام و تشیع، خیلی خدمت کردند. حالا یک عده عادت کرده اند که تا از هر جا حرف شروع می شود؛ منتهی به این کنند که به صفویه بدگویی نمایند. صفویه حق حیات به گردن ما دارند. شما این را بدانید. اگر آنها مردمان فاسقی بودند، بین خودشان و خدا، به نتیجه ی آن خواهند رسید و اگر مردمان بدی بودند، خدا با آنها هر کاری می خواهد بکند، بکنند؛ لیکن آنها برای ما مفید بودند. اگر آنها نبودند، معلوم نبود من و شما امروز چه فکر می کردیم و از اسلام چه می فهمیدیم. بنابراین، صفویه انصافاً کار خیلی بزرگی را در این کشور انجام دادند. «جزاهم الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء».

لیکن اگر شما به واقعیت زندگی صفویه خوب نگاه کنید و شخصیت‌های صفویان را با یک حکومت و حاکم حق اسلامی مقایسه کنید، خواهید دید که زمین تا آسمان، با آن فاصله دارند. بهترینشان که «شاه طهماسب اول» است، شما ببینید که با یک عالم دین چقدر تفاوت دارد. چه قدر فاصله است بین آن کسی که امر و نهی و حکم دست اوست و آن کسی که باید باشد و شرطش علم و آگاهی از دین و عدالت و تعبد است.

خیلی فاصله دارند؛ در عین حال شما ببینید که علمای بزرگ آن روز، با آنها و تبعه شان چه کردند.

«شیخ بهایی»، آدمی به آن عظمت که به نظر من، با الفاظ قابل بیان نیست، یا کسی مثل میرداماد یا مثل علامه ی مجلسی، یا کسی مثل صاحب ذخیره محقق سبزواری و دیگران و یا حتی مثل محقق ثانی و محقق کرکی، ببینید که اینها به خاطر همان رقیقه یی از حقیقت که در وجود آنها و در حکومتشان بود، برای سلاطین صفویه چه کردند.

حکومت آنها را با حکومت اسلامی در امروز که مُر حقیقت و لبّ قرآن و احکام الهی در حد فهم و استنباط امروز فقها و علمای ماست، مقایسه کنید. ما که البته به صفحه ی غیب نظری نداریم و آشنا با غیب هم که نیستیم. امروز، همانی که طرق استنباط احکام الهی است، اجرا و بیان می شود. ببینید وجود چنین چیزی چه قدر در دنیا اهمیت دارد. این، بالاترین چیز است.

همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است

این که امام قدس سره فرمودند: همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است، این به خاطر همین است و الا شما خیال نکنید که امام انسانی بود که آن گوشه نشسته بود و ضعفهای نظام را نمی دید و احياناً خلافهایی که انجام می شد و کوتاهیها و بد کرداریها و بددلیهایی که صورت می گرفت، از اینها غافل بود. خیر، او بیشتر از خیلی ها هم می دانست. در عین حال، حفظ آن نظام را با همان طور آدمها، اوجب واجبات دانست و بر این زندگی و حکومت کرد و بر همین، خدا را ملاقات نمود و بلاشک بر همان طریق، از پروردگار عالم ثواب الهی و اجزل ثوابها را گرفت.

نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است

این نظام، شوخی نیست. این نظام و حقیقت درخشان، مثل الماس درخشانی است که لازم نیست از آن تعریف کنند. الماس، درخشندگی دارد. کسی هم که اسم الماس را نشنیده است، اگر در بیابان یک تکه الماس پیدا کرد، آن را با یک تکه سنگ خارا فرق می گذارد، ولو نمی داند که اصلاً الماس چیست و قیمتش چه قدر است. اگر به او بگویند یکی را بردار، بلاشک الماس را بخواهد داشت و او را نگه خواهد داشت. الماس این گونه است و درخشندگی دارد. به همین خاطر است که شما می بینید در افریقا و امریکای لاتین و اروپا و آسیا، در زیر سایه ی سنگین و شوم حکومت استکبار و حتی در خود ایالات متحده ی امریکا، عده یی نسبت به امام و این نظام، عاشقانه حرکت کرده اند و حرف زده اند و نوشته اند و خطر قبول کرده اند و زندان رفته اند و تا امروز هم کارشان همچنان بر این اساس باقی است. این، برای چیست؟ برای این است که آن حقیقت درخشنده یی که در این جا تحقق پیدا کرده است، خودش را در دنیا نشان می دهد؛ با این که این همه هم علیه آن حرف زده اند و هنوز هم حرف می زنند.

شما بایستی حج را به جمیع اجزا و خصوصیاتش، حاکی از این نظام قرار بدهید.

این، آن پیام اصلی است. کار اصلی این است. حالا ببینید چه طوری می شود این کار را کرد. البته، شما قطعاً برنامه ریزی کرده اید. باید رفتار اشخاص و حجاج و رفتار مسئولان

با مردم و نیز عبادت و سیاست، همه حکایت از معنویت و رشد و پیشرفتگی و ترقی خواهی و اهداف عالی ی نظام بکند.

به دنیای اسلام احتیاج دارند

امروز، دنیا بخصوص به نهایت دنیای اسلام احتیاج دارد. الآن شما ببینید اسرائیل یک حکومت غاصب قطعی است و واقعاً «الاریب فیه» است. معنای «اریب»، شک قائم به نفوس اشخاص نیست؛ یعنی هیچ حرف و سوسه یی و هیچ غباری در اطرافش نیست.

امروز، غاصب بودن اسرائیل این گونه است. واقعاً هیچ کس نمی تواند هیچ مستمسکی ذکر بکند که از آن بشود استفاده کرد که اسرائیل غاصب نیست. افراد و دولتهایی هستند که می گویند اسرائیل غاصب است؛ اما آمده یک کشور مثلاً خراب شده ی لم یزرعی را آباد کند! آنها حالا دارند زندگی می کنند، آنها مترقی و اروپاییند و فرهنگ غربی دارند؛ بگذارید بمانند! و الا کسی ادعا نمی کند که اینها عن حق به این جا آمده اند.

در حقیقت، صهیونیستهای امریکا و انگلیس و فرانسه و اروپا و شرق و غرب دنیا به این جا آمده اند و زندگی می کنند. به هر حال، آنها غاصبند. یک حکومت غاصب، با کسانی که خودشان را مغضوب عنهم می دانستند و سالهای متمادی کسی حق نداشت اسم فلسطین را بیاورد و می گفتند قضیه ی ماست! کارش به این جا رسیده است که حالا به کشورهایشان می رود و از او استقبال می کنند و آغوش باز می نمایند و او را بغل می گیرند و با هم عکس بر می دارند و افتخار هم می کنند که این قدر بدند! خیلی انحطاط لازم است که این عمل صورت گیرد. البته، این انحطاط دولتهاست، انحطاط ملتها نیست؛ اما ملتها به منشأ الهامی احتیاج دارند تا بفهمند و بدانند که چه دارد اتفاق می افتد.

بزرگترین غصه ی دنیای اسلام

خلیج فارس - یعنی در واقع مرکز حیات اقتصادی دنیای اسلام - چنین وضعی دارد.

این زایده ی جهان اسلام و این انگل و غده ی بدخیم، به این اکتفا نکرد که یک تکه زمین را بگیرد و تصرف بکند؛ حالا مشغول شده است که خودش را به شریانهای اصلی حیات

اقتصادی در دنیای اسلام بچسباند و این ماده ی حیاتی را بمکد. راهش هم این است که با اینها ارتباط برقرار کند و تماس اقتصادی بگیرد و کارهای اقتصادی انجام دهد.

یکی از سران خود باخته ی مزدور عرب در چند ماه قبل از این، همین حقیقت را بیان کرد و گفت: در صلح با اسرائیل، مادامی که این مسأله ی اقتصادی با اسرائیل حل نشود، نقشی بر روی کاغذ است و ارزشی ندارد. راست هم گفت. اصل قضیه این است که اسرائیل، منابع اقتصادی را بمکد. او در این فکر است و دارد قدمهای اولیه را بر می دارد و موفق هم شده است. این اقدام، برای دنیای اسلام عزا و مایه ی غم است. این، بزرگترین غصه برای دنیای اسلام است. مسلمین می فهمند که چه دارد می گذرد و چه دارد اتفاق می افتد؟ آیا می دانند که با فشار امریکا و حکام خود فروخته ی مزدور آن و با پشتوانه قرار دادن علم و صنعت و پیشرفت و تکنولوژی و ثروت برای یک هدف سیاسی این قدر پست و ننگین و لثیمانه، چه اتفاقی دارد در دنیای اسلام می افتد.

حج؛ گنج پایان ناپذیر

مسلمین باید این واقعیات را بدانند. اینها را از کجا بدانند؟ یکی از طرق و منافذ و منابر ما «حج» است. باید برنامه ریزی بشود. البته هوشیاری و ظرافت لازم است. چگونه عمل کردن، در موفق شدن خیلی نقش دارد. غرض، «حج» این طور چیزی است. به نظر من، «حج» گنجی لایفنی است. تمام مشکلات دنیای اسلام، از طریق حج قابل رفع است.

اعتقاد من این است که هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و هم حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولت حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج وجود داشته باشد، می توان از طریق حج، حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام را هم برطرف کرد.

ما به سمت فرج حرکت می کنیم

ما باید امروز این زمینه را نگه داریم. البته، حالا چنین امکانی نیست؛ اما نباید بگذاریم این زمینه از دست برود. باید این زمینه را نگه داریم. این حالت ترغیب و انتظار

را باید حفظ کنیم. تا ان شاء الله لَعَلَّ اللهُ يُجِدْتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. مسلماً خدای متعال فرج را پیش روی ما قرار داده است. ما به سمت فرج حرکت می کنیم؛ در این که تردیدی نیست.

هر قدمی که ما بر می داریم و هر نفسی که این ملت می کشد، نفسی به سمت رسیدن به فرج است. انتظار و عاقبت و فرجام کار ما، فرج است. ما به سمت فرج حرکت می کنیم؛ پس بایستی با شوق و امید بیشتری حرکت نماییم. به هر حال، هر کاری که در این زمینه بکنید، با ایمان و ثبات و اطمینان به این که خدای متعال اثر خواهد داد، یک حسنه و ثواب بزرگ است.

ان شاء الله خدای متعال، شما را مأجور و مثاب خواهد داشت. امیدواریم که خداوند این زحمات را از شما قبول بفرماید و حج مقبولی برایتان مقدر فرموده باشد. خداوند برای همه ی کسانی که آرزومند این سفر هستند، تسهیل و تیسیر فراهم کند تا بروند آنها هم زیارت کنند. ان شاء الله شما هم بتوانید بیشترین بهره را از این سفر معنوی بگیرید و با دست پر برگردید.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج (۴/۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج

اشاره

(۴/۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ الْمِيَامِينَ وَ السَّلَامُ عَلَى بَقِيهِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ.

وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی

حج، سرچشمه‌ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت، همه ساله تا ابد، فیضان خود را بر جهان اسلام و بر یکایک مسلمانان موفق جاری می‌سازد تا هر کس و هر مجموعه، به اندازه‌ی ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره بگیرد.

حجاج بیت الله الحرام، تنها بهره‌مند از این سرچشمه‌ی فیاض نیستند. اگر این فریضه‌ی عظیم به درستی شناخته و عمل شود ملتها و آحاد مسلمان در همه جای جهان، مشمول برکات آن خواهند شد.

افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو سو آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشأ آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها و خصلتهای منهدم‌کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون‌طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می‌سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بالای جان آنان می‌شوند.

محیط اسلامی - چه افراد و چه ملتها - همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار

داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم های وابسته نیز به آن کمک می شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعض ملت های مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چینستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیط های اسلامی است.

حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه ی بی زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره ی ابدی، هر دو نوع آسیب پذیر را در همه ی زمانها از خود دور سازند.

راه مقابله با تهدیدات

در حج، عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال، متکفل مقابله با تهدید اول است و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت و قدرت در امت بزرگ اسلامی که حج مظهر آن است، عهده دار مقابله با تهدید دوم.

هر چه این دو جنبه در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد. و هر گاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی - چه افرادش و چه ملت ها و کشور هایش - آسیب پذیرتر می گردند.

در متون شرع مقدس اسلام و در نص قرآن کریم، به هر دو جنبه ی حج تصریح شده و برای چشم های بینا و دل های با انصاف، جای تردید گذاشته نشده است. در کنار فرمان: فَادْكُرُوا اللَّهَ كَدِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا، دستور: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ (۱)

آمده، و هماهنگ با کریمه ی حکمت آمیز: لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَ لَا دِمَائُهَا وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ

سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبَرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۱)

آهنگ امید بخش: لِيشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ نازل گردیده است.

هر توصیه و تبلیغ و کوشش برای کمرنگ کردن یا کنار گذاشتن هر یک از این دو جنبه، مقابله با آیات و فرامین قرآن کریم است.

هیچ خسارتی برای امت اسلامی، سنگین تر از آن نیست که تعالیم و رهنمودهای اسلام که ذخیره های حیاتی ابدی برای مسلمانان و همه ی بشریت است، دستخوش غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان گردد و مجال بهره مندی مردم از آن، سلب شود.

حج یکی از این ذخیره های ابدی است، و بر همه ی مسلمین واجب است که آن را بهتر شناخته و بیشتر مورد بهره برداری امت اسلامی قرار دهند.

جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است

امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدید کننده یی است که اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و با همتهای بلند و چشمهای باز و استفاده از ذخائری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است، این مشکلات را بر طرف نسازند دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح اند، هر روز دایره ی مشکلات را تنگتر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملت‌های اسلامی باز هم دهها سال بلکه قرن‌ها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملت‌ها را بکلی استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، بتدریج نابود خواهند ساخت.

تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می سازد

امروزه- پس از قیام جمهوری اسلامی در کشور ایران و شکوفا شدن نهضت بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی- پرده از روی بسیاری از حقایق تلخ و

شیرین برداشت شده و افراد زیادی در سراسر جهان اسلام قادر بر تحلیل حوادث و فهم واقعیات اند. ولی باید قبول کرد که دست جادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعات که در سطح جهان، عمدتاً از آستین صهیونیستها و همکاران غربی شان و احياناً مزدوران ظاهراً مسلمان دولتهای مستکبر، خارج می شود، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می سازد. لذا بجاست که فهرست مجملی از مشکلات و نیز امکانات دنیای اسلام آورده شود:

استفاده از امکانات امت اسلامی

در بخش امکانات باید از جمعیت یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمین آغاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سرزمین گسترده یی در میانه ی اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در اختیار دارند. در میان این جمعیت عظیم، ملت‌هایی که معروف به هوش سرشارند. و تمدن‌هایی که دارای سابقه ی چند هزار سال است، و شخصیت‌های بارز علمی و سیاسی وجود دارند. این مجموعه که نامش امت اسلامی است دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم آهنگی شگفت آوری بهره مند است که از احاطه و نفوذ اسلام و توحید خاص و خالص آن در همه ی اجزاء و ارکان و زوایایش، پدید آمده است. این ملت‌های برادر و همدل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به دهها زبان سخن می گویند، همه خود را اجزاء برابر امت بزرگ اسلامی می دانند و به آن افتخار می کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و الهام می گیرند. و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه ی حقایق و مشتمل بر دستور همه ی نیازها و تکالیف آنهاست: وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبِیَانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ وَ هُدًی وَ رَحْمَةً وَ بُشْرٰی لِّلْمُسْلِمِیْنَ (۱)

منطقه ی جغرافیایی این مجموعه ی بشری، یکی از غنی ترین - اگر نگوئیم غنی ترین - سرزمین‌های جهان از لحاظ منابع طبیعی است،

و بطور ویژه منابع نفت آن پشتیبان تمامی چرخ و تمدن ماشینی امروز جهان است، یعنی اگر این مجموعه برای چند ماه نفت خود را به روی مشتریان ببندد، بیشترین بخش جهان و از جمله کشورهایی که دولتهای آنان از قرنهای و هم اکنون، سرنوشت ملتهای مسلمان را بازیچه ی آزمندی و زورگویی خود کرده اند، در تاریکی و سرما و واماندگی غرق خواهند شد.

بجز اینها، فهرست امکانات امت اسلامی، مشتمل بر صدها عنوان و سرفصل برجسته ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازننگری می تواند از آن آگاه شود.

فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه ی عظیم - یعنی امت اسلامی - نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد، نتواند از آنهمه امکانات استثنایی و کارساز بهره برد و در نتیجه ملتها و کشورهای اسلامی از قافله ی دانش بشری عقب؛ و از ثروت عظیم مادی خود بی بهره؛ و در مسابقه ی بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگهای بیگانه؛ و در عرصه ی سیاست بین المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشد.

این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بد کرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی یی را تشکیل می دهد، که به عنوان ردیفهای اول آن می توان اینها را بر شمرد:

- اختلافات فرقه یی که بیشتر به وسیله ی علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می شود.

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می شود.

- تسلیم در برابر قدرتهای مداخله گر که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه های سیاسی یا عقیدتی.

- بی اعتقادی و بی اعتنائی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه ی اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه ی فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می دادند قابل علاج می بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرو دستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.

حج، ناکامی های امت اسلامی را درمان می کند

سخن آن است که حج اگر درست و کما فرض الله اقامه شود قادر است همچون دارویی شفابخش، همه ی این بیماریهای اصلی و علت های ناکامی را درمان کند. این کار یکباره اتفاق نمی افتد، ولی در طول سالهای دراز، اجتماع میلیونی برادران و خواهران از چهار گوشه ی جهان اسلام در یک نقطه، آنهم در عرصه ی اعمالی هماهنگ و پر معنی، و در زیر لوای با عظمت توحید، و همراه با تجدید خاطره های صدر اسلام و یاد آوری بدر و احد، و زیارت مسجدی که نغمه ی روح بخش آیات قرآن از حنجره ی مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله هنوز از در و دیوار آن به گوش می رسد، و نوای پر قدرت الله اکبر مجاهدان صدر اسلام در آن موج می زند، و در فضایی لبریز از ذکر و حضور و مناجات

خدای عزوجل، که انسانها را از نفس ضعیف و خود خواه و کج اندیش جدا کرده، به معدن مجد و عظمت و قدرت ربوبی متصل می سازد سرچشمه ی شفابخشی است که دلها را قوی، و همتها را بلند، و اراده ها را استوار، و جانها را سرشار از اعتماد، و دیدها را وسیع، و آرمانها را نزدیک، و برادران را متحد، و شیطان را خوار، و کید او را ضعیف می سازد.

آری، حج درست و کامل، حج توحیدی، حجی که منبع عشق به خدا و مؤمنین و برائت از شیطانها و بتها و مشرکین باشد، رشد همه ی مشکلات امت اسلامی را ابتدا متوقف و سپس آن را مرتفع می سازد و منشأ عزت اسلام و شکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می شود.

حج، در صدر اقدامات بین المللی جمهوری اسلامی

بر پایه ی همین درک درست از اهمیت حج بود که پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، مسأله ی حج در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه ی سیاستُ الهی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق است با جنبه ی عبادتُ الهی آن که جلوه گاه غفران و رحمت ربوبی است، به هم آمیخته، حج امروز را به حج صدر اسلام نزدیک ساخت، و به عنوان نمادی از این همه، مراسم برائت از مشرکین را در حج، بار دیگر زنده کرد و تاکنون با وجود همه ی سختگیری های سیاسی و شدت عملهای ناشی از انگیزه های غیر اسلامی، این وظیفه ی اسلامی را دنبال کرده است.

جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که علیرغم تبلیغات و تلاشهای ضد اسلامی صد سال اخیر، حیات و پویایی و قدرت اسلام را در اداره ی جوامع عظیم بشری، ثابت کرده است، به حج نه همچون وسیله یی برای خود، بلکه همچون عرصه یی برای بیداری مسلمین و دمیدن روح تقوا و ایمان به اجرای شریعت اسلام و عزت و استقلال مسلمانان جهان، نظر افکنده است.

آنان که تحرک و جامعیت حج را نفی و رد می کنند، در واقع عزت و استقلال مسلمانان و نجات آنان از پنجه ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می کنند. هر گونه

فتوی و نظریه ی دینی در این باره، حکم به غیر ما انزل الله است که به گمان زیاد، از روی جهل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می شود.

از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران ناپذیر

امروز هر کس وضع دشوار ملت‌های مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیستها و توطئه های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هر کس از پیشرفت این غده ی بدخیم سرطانی در ارکان اقتصادی و سیاسی دولتهای منطقه احساس خطر کند، هر کس وضع تیره ی ملت فلسطین را ببیند که در اردوگاههای غربت، رنج می برند و خانه و کاشانه ی خود را در تصرف جلادان خویش می بینند، هر کس از وضع جنوب لبنان و منطقه ی اشغالی آن به دست صهیونیستها و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد، هر کس فاجعه آفرینی اخیر در لبنان را شنیده باشد که صهیونیستها با پشتیبانی دولت امریکا اکنون دوازده روز است که یکسره از هوا و زمین و دریا بیش از نیمی از این کشور را بمباران می کنند و کودکان و زنان و مردم غیر نظامی را قتل عام می کنند؛ هر کس از بوسنی و افغانستان و کشمیر و تاجیکستان و چینستان مطلع باشد، هر کس توطئه های پی در پی و اقدامات خصمانه ی امریکای طغیانگر و صهیونیسم ضد بشر را بر ضد جمهوری اسلامی که امروز مظهر حاکمیت قرآن و اسلام است، بداند، آری هر کس این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه ی دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره ی عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه ی مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین، خسارتی بی جبران و گناهی بی غفران است.

ضعف کنونی دولتهای مسلمان

ضعف کنونی دولتهای مسلمان، و تفرقه ی مصیبت بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی

قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمینهایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمتهای افسانه‌یی از کارخانجات غربی در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیستهای خونخوار آزادانه خانه و کاشانه‌ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می‌کنند و هیچیک از این دولتها نمی‌توانند راه آن را ببندند. این حقایق تلخ به اضافه‌ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می‌شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده‌ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملت‌های اسلامی و مجموعه‌ی نمونه برداشته‌ی آن که اینک در گرد کعبه‌ی شریف و در مواقع متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره‌های انباشته‌ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره بردارند. این است سخن ما و این است داعیه‌ی ما درباره‌ی حج و درباره‌ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

اتهامات واهی به جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی به خاطر همین موضع استوار و شجاعانه در دفاع از اسلام و احکام اسلامی، از آغاز تاکنون مورد خشم و انزجار قدرتهای استکباری و در رأس آنان شیطان بزرگ امریکا قرار داشته و دارد.

آنها جمهوری اسلامی را به توسعه طلبی و جنگ طلبی و صدور ناامنی متهم می‌کنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین توزی و دشمنی خباث آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه‌های صهیونیستها یا دست نشاندهگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می‌شود، بی‌وقفه تهمت‌ها و شایعه‌ها و تحلیلهای دروغ و غرض آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می‌کنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل (قدس الله نفسه) را بشکنند و متوقف کنند. آنها با

مدرن ترین روش های تبلیغی نامردانه می کوشند با لجن پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرفدارانش در دنیای اسلام را از آن رویگردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه ی ایران در آنها می هراسند پدید آورند. رسواترین تروریستهای عالم یعنی سران حکومت غاصب صهیونیست و حامیان بد سرشت آنان در دولت امریکا، ایران اسلامی را به تروریسم متهم می کنند. سردمداران امریکا و اسرائیل به هر بهانه یا بی بهانه، انگشت اشاره ی تهمت آمیز خود را به سوی جمهوری اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی را با خشم و نفرت بر زبان می آورند.

جمهوری اسلامی، با قدرت و عزت پیش می رود

این مایه ی افتخار ما است که بد سیرتان و روسیاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند.

ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دستهای آلوده ی آنان متنفر و بیزاریم. خدا و رسولش هم از آنان متنفر و بیزارند. **أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ (۱)**

امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزت و با اراده و عزم استوار به پیش می رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی بی روز افزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و با نشاط و رها از گرفتاریهای غم انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده ی دفاع از اسلام و ایران، معنویتی دامن گستر در کنار زندگی بی رو به توسعه و رشد، و بالاخره وحدت کلمه یی کم نظیر و مثال زدنی.

و بحمدالله چنین است که حجم انبوه تبلیغ دشمن بر ضد ما، نشانه ی عظمت و اقتدار روز افزون ملت و کشور ماست.

حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند

در پایان، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت این ایام بزرگ فراخوانده، همگان را به تدبر در حج و توشه برداری معنوی و روحی برای بقیه ی عمر دعوت می کنم. از آقایان روحانیون محترم می خواهم که این مضامین را در جمع کاروانهای ایرانی و غیر ایرانی به گونه های مناسب مطرح فرمایند و دلها و جانها را به معنویت حج و نیز به مضمون سیاسی آن متوجه سازند.

از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و استقلال واقعی کشورهای اسلامی و رهایی آنان از نفوذ سیاسی و اقتصادی مستکبران عالم را مسألت می کنم و بقای مجد و عظمت ایران اسلامی را در زیر سایه ی الطاف و عنایات ویژه ی حضرت بقیهالله الاعظم (روحی فداه) از حضرت احدیت طلب می نمایم.

والسلام علی جمیع اخواننا المؤمنین

علی الحسینی الخامنه ئی

چهارم ذی الحجه ۱۴۱۶ هجری قمری

برابر با چهارم اردیبهشت ۱۳۷۵ هجری شمسی

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت (۲۰/۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۲۰/۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مژده بی بس شیرین

خدا را سپاسگزاریم که بحمدالله، یک سال دیگر هم به ما عمر داد تا بینیم عناصر برگزیده ی نظام اسلامی و کسانی که در واقع در یک جبهه ی خطر، کار بزرگی را با همه ی توان و تلاش، در این موسم خاص انجام می دهند، مجدداً پیروزمندانه برگشتند و زیارتشان می کنیم. همیشه بعد از سفر حج، زیارت آقای ری شهری برای ما یک واقعه ی شیرین، مثل سپیده و طلوع فجر است. وقتی خبردار می شوم که ایشان از سفر حج برگشته اند، برایم مژده ای بس شیرین است و هنگامی هم که به این جا می آیند، فرصت دیدار، شیرین تر است، چرا که می بینم بحمدالله سفر پرمشقت و پرفایده ای را پشت سر گذاشته اند. البته فایده، منحصر نیست به آنچه که برادران عزیزمان انجام می دهند و حس می کنند که انجام داده اند؛ بلکه فایده ی بزرگ، مربوط می شود به دنیای اسلام و تأثیراتی که دهها هزار مسلمان ایرانی، با حرکات خودشان، با کار خودشان، با انواع شیوه هایی که هست و با طبقات مختلفی که دارند، از عالمشان، از جاهلشان، از کارکنشان، از مترجمشان، از جوانشان، از عکاسشان و از قاریشان می گذارند.

حضور مادر حج، کار خودش را می کند

مجموع این کارها، مسأله ی پیچیده ای است که هیچ ذهنی، اگر بخواهد ابتدائاً

به وجود بیاورد، نمی تواند چنین امری را تدبیر کند. به برکت اسلام و به برکت همین فریضه ی حج است که خدا این فایده ی بزرگ را به ما داده است. تأثیراتی که این مجموعه بر روی ذهنیت حجاج و دنیای اسلام می گذارد، قابل اندازه گیری نیست و در قالب گزارش که شما بخواهید به ما بدهید، نمی گنجد؛ چرا که اصلاً نمی شود به میزان و مقیاس سنجید. اما بنده به روشنی و وضوح مشاهده می کنم و می دانم که تأثیراتش خیلی زیاد است و روز به روز هم این تأثیرات بیشتر خواهد شد و دشمن چه بخواهد، چه نخواهد، حضور ما در حج - حضور مؤمنین بالله - و تلاشهایی که بحمدالله انجام می گیرد، کار خودش را می کند و علی رغم دشمنان و کفار، در ذهن مردمی که آنها نمی خواهند متأثر به این مسائل بشوند، تأثیرات لازم را خواهد گذاشت. به هر حال، بنده از آقایان خیلی تشکر می کنم. از شخص جناب آقای ری شهری که حقیقتاً خدمات و تلاشهایشان خیلی ارزنده است و نیز از آقایان علمایی که تشریف دارند تشکر می کنم.

حضور ارزشمند روحانیون در بعثه

همانطور که آقای امینی فرمودند، من واقعاً می دانم حضور یکی مثل جناب آقای کریمی در حج و در عمره، با این مایه ی بحمدالله غزیر (۱) علمی که در ایشان و بعضی برادران دیگر هست و آمادگیشان برای این که هر سؤالی را جواب بدهند و هر جهالتی را برطرف کنند، چقدر ارزشمند است! واقعاً که چقدر ارزشمند است! اگر انسان بخواهد اینها را احصاء کند، اصلاً به حساب در نمی آید. اگر این آقایان آن جا حاضر نباشند و زحمت نکشند، ممکن است مسأله ای که یک جاهل، جوابش را نمی داند، مشکل آفرین و مسأله ساز باشد. ایشان را زیاد زیارت می کنیم. از سفرهای ایشان، بنده با خبرم ولی از سفرهای دیگر آقایان مطلع نیستم. لابد آنها هم زیاد سفر می کنند و چقدر هم این کار، پرزحمت است. رفتن کسی مثل ایشان و این آقایان در آن جا و حضورشان در بعثه، یا در مسجدالحرام، یا در مسجدالنبی و در معرض استفاده ی کسانی که دنبال این مسائلند، که

اگر یکی از این مسائل را کسی نداند، گاهی حجت باطل است، گاهی کفاراتی به گردنش می آید، گاهی حیرتی برایش پیدا می شود که از همه ی اینها بالاتر است؛ آن گاه راحت پیدا کردن عالم و آگاه و عارفی که حقیقت برایش روشن است و جواب مسائل را به راحتی در معرض دید او می گذارد؛ واقعاً خیلی ارزشمند است. همین طور حضور آقایان و برادران عزیزی که در زمینه های مختلف، خدمت می کنند، دارای ارزش است.

کار تبلیغی - فرهنگی دشوار است

جناب آقای ری شهری یک کلمه می گویند، تحتش کارهاست! بنده چون خودم مختصری اهل همین کارهای تبلیغی - فرهنگی هستم و اندکی آگاهی دارم، می دانم که اینها یک کلمه گفتنش آسان است: «جزوه تهیه شد». خوب، این جزوه چطور تهیه می شود؟ چگونه تدوین می شود؟ به چه نحو تکثیر می شود؟ یا مثلاً مترجم این گونه گفت، یا فلان کار فرهنگی این طوری شد، و ... اینها گفتنش آسان است ولی انجامش واقعاً خیلی دشوار است. من از یکایک آقایان تشکر می کنم. اگر چه من کسی نیستم که تشکر کنم؛ چون این کار، مال من نیست، کار من نیست. این کار خداست و کار خودتان است که انجام می دهید. بنابراین خدا باید از همه ی شما آقایان و از کسانی که در پشت جبهه بیشتر بوده اند و کار و تلاش کرده اند، تشکر کند. ما نیز به هر حال به عنوان وظیفه، لازم می دانیم که از شما تشکر کنیم. کارتان خیلی کار ارزشمندی است.

تشکر از بخش اجرایی حج

همانطور که آقای ری شهری گفتند: «فراموش نکنیم»، ما هم داشت فراموشمان می شد تا از بخش اجرایی که مربوط به وزارت ارشاد و آقای رضایی است، یادی بکنیم.

انصافاً بخش اجرایی، بخش مظلومی است، چون قالب کلی کار است دیگر. قالب کلی کار را هم آدم نمی فهمد که موارد ریز و درشت کمی و کیفی اش چگونه انجام می پذیرد.

طبیعی است که دائم در چرخش است. این بخش هم خیلی با عظمت است. تشکیلات عظیمی است با کاری واقعاً خیلی گسترده و بزرگ. لازم است جناب آقای میرسلیم هم از

قول ما از برادرانی که این جا حضور ندارند و بعضی شاید در ایران نیستند، تشکر و قدردانی کند. به هر حال هم در این زمینه ها و هم در زمینه های محتوایی، واقعاً تلاشهای دولت- وزارت خارجه و بقیه ی بخشها- خیلی ارزشمند است. ...

امیدواریم خداوند مجموعه ی شما را کمک کند. بنده مجدداً از همه ی آقایان تشکر می کنم. ان شاءالله که روزبه روز بهتر و موفقتر باشید.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج (۱۶/۱۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج

اشاره

(۱۶/۱۲/۱۳۷۵ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه ی منافع در حج لحاظ شده است

اولاً: به شما برادران و خواهران محترم، خوشامد عرض می کنم و از زحمات ارزشمندتان در تدارک حج برای ملت مؤمن و خدا دوست و حقیقت طلب ایران، صمیمانه سپاسگزارم.

ثانیاً: همه ی مسلمین باید به خاطر فریضه ی حج، شکر گزارِ پروردگار باشند. فریضه ی حج با این وضعی که در اسلام مقرر شده است- که همه ی مذاهب اسلامی هم، تقریباً در کیفیت آن متفق القول و متحد الرأی هستند- یک گنجینه ی عظیم، یک ذخیره ی تمام نشدنی و یک سرچشمه ی همیشه فیاض برای مسلمین است. در حج، هم دنیا برای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب هست، نشان دادن عظمت اسلام به غیرمسلمین و تقویت ورحیه ی مسلمین به خاطر مشاهده ی عظمت اسلامی هم هست. نهایتاً این که، حج مجمعی برای متحد کردن آراء و دلها در زمینه های گوناگون است. همه چیز در این مجموعه ملاحظه شده است.

آن جا که قرآن کریم به منافع اشاره می کند و می فرماید: لِيُشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ، (۱)

مقصودش فقط منفعت معنوی نیست، فقط مسأله‌ی شخصی نیست، فقط جنبه‌ی روحی و روانی یا جنبه‌ی عبادی نیست و یا فقط جنبه‌ی دنیایی و تجارت نیست؛ بلکه همه چیز است. سیاست است، اقتصاد است، معنویت است، روحیه‌ی فردی است، روحیه‌ی جمعی است و اقتدار جهانی است. همه چیز در این واجب الهی قرار داده شده است. لذا شما ملاحظه می‌کنید امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله وظایف مهمی که در مجموعه‌ی اسلام در کنار قرآن لحاظ می‌کند، یکی هم حج است. می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبُّكُمْ» (۱)

؛ همان طور که می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ» (۲)

. یک رهبر دلسوز و دین‌شناس که هنگام وفات خود مایل است حرفی بزند که در طول تاریخ، دنیای اسلام از آن استفاده کند، طبعاً بر روی قرآن تکیه می‌کند، چون قرآن محور اصلی این دین مقدس است. لذا در کنار «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ»، «بَيْتِ رَبُّكُمْ» را نیز عنوان می‌کند. پیداست که تأثیر حج و اجتماع عظیم و شگفت آور و بی‌نظیر آن، تأثیری ژرف و عمیق و ماندگار است. بنابراین همه‌ی مسلمانان باید به خاطر این نعمت موهوب، از خدای متعال سپاسگزار باشند و شکر این نعمت بگویند.

شکر نعمت، عمل هم لازم دارد

البته شکر نعمت، فقط به زبان یا به زبان و دل نیست. شکر، عمل هم لازم دارد. عمل شاکرانه این است که انسان با نعمت خدای متعال به گونه‌ای رفتار کند که او اراده فرموده است. اگر با این نعمت، طبق اراده‌ی الهی رفتار شد، باقی می‌ماند، و الاً زایل می‌گردد.

بِحمدالله و المنه، مسلمین در طول تاریخ، از جهت جنبه‌ی ظاهری، حج را حفظ کرده‌اند.

لذا این نعمت برای آنها باقی و ماندگار است. لکن از جنبه‌ی قدرشناسی معنوی، شکر

۱- نهج البلاغه/ وصیتنامه‌ی امام علی علیه السلام.

۲- همان مدرک.

کاملی نسبت به این نعمت انجام نگرفته است. بنابراین برکت این جنبه از واجب عظیم، از بیشتر مسلمانان سلب شده و لذاست که از حج، استفاده نمی کنند.

دنیای اسلام مورد تهاجم است

امروز دنیای اسلام مورد تهاجم است. در هر جا که منافع استکبار جهانی، اندک معارضه ای با روش و حرف و حضور اسلامی در یک کشور اسلامی یا غیر اسلامی دارد، به شدت علیه مسلمین نقشه کشی و فعالیت می کند. این فعالیت یا به شکل جنگ است، یا به شکل مسلط کردن سیاسیون وابسته ی فاسد است، یا به شکل فشارهای گوناگون امنیتی و سیاسی است و یا به شکل فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی و غیره است. استکبار با همه ی دنیای اسلام، رفتار خصمانه دارد. البته در کشور ما، با اسلام در جمهوری اسلامی، با مردم مسلمان و جامعه ی اسلامی، رفتارش خشن تر و همه جانبه تر است که عللش هم معلوم است. علی ای حال اگر به دقت نگاه کنید، خواهید دید که استکبار در همه جای دنیای اسلام، هر جا بتواند چنگی می زند و دندانی نشان می دهد.

استکبار با فکر اسلامی برخورد می کند

استکبار، علاوه بر اینها، با فکر اسلامی هم - که به شکل مدرنش، جدید است - برخورد می کند. در واقع دنیای استکبار، امروز با استعانت عوامل صهیونیست یا دوستان صهیونیستها، هر چه بتواند، علیه فکر اسلامی و دنیای اسلام به فعالیت می پردازد. آنها به زبان می گویند ما با اسلام دشمنی نداریم و با مسلمانان مخالف نیستیم. اما تاکنون چه کسی توانسته است به انسانهای بدسابقه و دروغگو، به صرف قول، اعتماد پیدا کند؟ قولی که با عمل یکی نیست، قولی که به طور واضح در عمل نقض می شود، اعتباری ندارد. آنها در مصاحبه های خود عنوان می کنند که با اسلام و مسلمین، مخالفتی نداریم. پس مخالفت چیست؟ امروز هر کس به صحنه ی تبلیغات جهان و برخوردهای استکبار، صهیونیستها، عوامل رسانه های جمعی امریکایی و امثال آن نگاه کند، خواهد دید که یکی از خطوط اصلی تلاش آنها، ضدیت و معارضه با اسلام است. برای ما به شکل واضحی اثبات شده است و دلایل روشن و متقنی وجود دارد که آنها هر طور بتوانند با اصل اسلام، مخالفت می کنند.

ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار

در زمینه ی انواع مخالفت، یک بخش از اعمال خصومت، ایجاد تفرقه و اختلاف است که استکبار بر روی آن به شدت تکیه دارد. به هر جای دنیا که بنگرید، عامل تفرقه ای مشغول فعالیت است. هنگامی که به کاوش می پردازید، متوجه می شوید که این عامل تفرقه با یک یا ده واسطه، به ایادی خبیث استکبار منتهی می شود. تفرقه بین قومیتها، تفرقه بین ملتها و تفرقه بین مذاهب از طرف استکبار در همه جای دنیا رواج دارد. امروز استکبار کار را به جایی رسانده است که با پول و تشویق و تدبیر و نقشه ریزی خود و ایادی اش، بعضی از مسلمین در جاهایی بعضی دیگر از همکیشان خود را تکفیر می کنند و آنها را کافر می دانند. اصلاً تحریک تعصّبها یکی از رؤوس برنامه ی آنها در مخالفت با اسلام است. دیگر از این بالاتر چه مخالفتی وجود دارد؟ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و یکی از اولین پیامهای این انقلاب و امام بزرگوار این انقلاب، وحدت بین مسلمین بود؛ آن هم وحدت عاطفی، نه وحدت دینی. یکی شیعه است، یکی سنی است و یکی شش امامی است؛ هر کس مذهب خودش را داشته باشد. در بین شیعه، فرّق مختلفی وجود دارد؛ همانگونه که در بین اهل سنّت، فرّق مختلفی دیده می شود.

مسأله ای نیست. اما از لحاظ سیاسی و عاطفی، همه با هم در مقابل دشمن، متّفق و یکدل باشند. دشمن می خواهد فرّق مختلف مسلمان را با هم دچار اختلاف و تفرقه کند.

می خواهد باس اینها را بین خودشان قرار دهد. نیت دشمن این است که نیروهای فرّق مسلمان صرف معارضه ی درونی بین خودشان شود. به خواسته ی دشمن، نباید تن در داد.

وحدت؛ یکی از پیامهای بزرگ انقلاب

وحدت بین مسلمین یکی از پیامهای بزرگ انقلاب بود که انصافاً بسیار موفق شد.

امام بزرگوار در این میدان، یکی از درخشانترین موفقیتها را به دست آورد. اما دشمنان به مرور به توطئه و وسوسه و خناسی پرداختند. آنها هنوز هم کاری می کنند که دلهای فرّق مسلمان را نسبت به همدیگر پر از کینه کنند. امروز هر کس که موجب جدایی دلها

مسلمانان و فرق اسلامی از یکدیگر شود، در حالی که در مقابل دشمنان دین و دشمنان اسلام و دشمنان قرآن، احتیاج به وحدت و همدلی دارند، به همان اندازه ی تلاش خود، نسبت به اسلام و مسلمین خیانت آشکار کرده است. این را همه باید بفهمند.

مسئولیت حج چیست؟

در چنین حالتی که دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و به خصوص روی تفرقه بین مسلمین، سرمایه گذاری می کند، مسئولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر می تواند معنی دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترفندهای دشمن و خنثی کننده ی نقشه های استکبار و صهیونیست باشد. حج، این گونه است. چرا بعضی نمی خواهند از این نعمت الهی، آن چنانی که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟! چرا نمی خواهند دلها به هم نزدیک شود، ذهنها روشن گردد، دشمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزار و برائت جویند؟ چرا؟ حج فرصت عظیم و بزرگ و ذی قیمتی است که استفاده از آن صرفاً به نفع یک گروه مسلمان یا یک ملت خاص هم نیست. فایده اش برای همه ی مسلمانان است و به همه برمی گردد و همه از آن سود می برند. دشمن وقتی می خواهد علیه ما فعالیت کند، مگر ملاحظه ی ما را می کند که بدمان نیاید؟

چرا ما باید ملاحظه ی دشمن را بکنیم که بدش نیاید؟ استکبار وقتی می خواهد ما را به جان یکدیگر بیندازد، وقتی می خواهد اسلام را خرافی و زشت جلوه دهد، مگر ملاحظه ی خوش آمدن و بد آمدن مسلمانان را می کند؟ ما وقتی که می خواهیم بگوییم استکبار دشمن اسلام و مسلمین است، چرا باید ملاحظه ی او را بکنیم؟! یکی از بی نهایت افتخارات امام بزرگوار ما، مسأله ی حج و احیای حج ابراهیمی و اسلامی است.

افتخار مردم مسلمان ما نیز چنین حجبی است.

عزت اسلامی را حفظ کنید

شما خدمتگزار چنین حجبی هستید، پس قدر آن را بدانید. مردمی که به حج مشرف

می شوند، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسلامی؛ عزت ناشی از برافراشتن پرچم اسلام در ایران اسلامی را، حفظ کنند. مبادا رفتار حاجی ایرانی به گونه ای باشد که عزت این نظام و انقلاب و شکوه و عظمتی که به اسلام در این جا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود. بعضی اشخاص ملاحظه نمی کنند. بعضی اشخاص مسائل شخصی خودشان را، روح مصرفی خودشان را و موارد گوناگونی از این قبیل را بر مصالح یک ملت، بر آبروی یک کشور، بر آبروی اسلام و بر آبروی پرچم برافراشته ی جمهوری اسلامی ترجیح می دهند. این رویه خوب نیست، مصلحت نیست. همه باید ملاحظه و توجه کنند. حُجَّاج عزیز ما در بین خودشان به افرادی که می بینند ملاحظه ی مصالح اسلام و انقلاب را نمی کنند، تذکر دهند. چنین تذکری مسلماً مصداق نهی از منکر است. البته خدای متعال، تفضلات خود را بر کسانی که در راه او و برای او کار می کنند و به عبادت و تلاش می پردازند، قطعاً و بلاشک نازل خواهد فرمود. این امیدواری وجود دارد که وجود مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) در این محشر عظیم مردمی - حج - حضور خود و تفضلات خود را بر دل‌های مستعد و روح‌های آماده، نازل فرماید و از این دریای رحمت و لطف، هر کسی بتواند انواع مختلف بهره را ببرد. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، حج را بر همه ی مسلمین و مسلمات در سراسر عالم مبارک گردان. به ملت عزیز ما هم، حج را مبارک کن.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج (۲۱ / ۱ / ۱۳۷۶ ه. ش.).

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج

اشاره

(۲۱ / ۱ / ۱۳۷۶ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضَمًّا وَوَعَدْنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

روزهای عید و میعاد

این روزها بار دیگر خانه ی خدا میزبان خیل عظیم دل‌های پر شور و شوقی است که از سراسر جهان در آن کعبه ی امید گرد آمده اند؛ میلیون‌هایی که در سایه ی عبودیت خالص حضرت احدیت، احساس وحدت و جمعیت می کنند؛ چشم‌هایی که با گلاب اشک خود، قدمگاه پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا علیهم السلام و مجاهدان و بزرگان اسلام را شستشو می دهند؛ جان‌هایی که در پرتو معنویت بیت الله الحرام و حریم تربت مصطفوی صلی الله علیه و آله، نورانیت و صفا می یابند؛ دست‌های به دعا برافراشته یی که قافله ی نیاز و حاجت را روانه ی درگاه بی نیاز می کنند؛ دردمندانی که بر در سرای طیب، علاج دردهای مزمن جهان اسلام را می جویند و در آن، همدردانی از هر نژاد و زبان و رنگ و از هر گوشه ی عالم می یابند؛ ضعیفان تنها مانده یی که در آن جا احساس قدرت و عظمت می کنند. این روزها بار دیگر پیکره ی عظیم امت اسلام، نمایی از ابهت و شکوه خود را در برابر چشم کسانی که دچار غفلت از آنند، می گذارد؛ دوستان را امیدوار و دشمنان را

بیمناک می سازد. ابر رحمت و حکمت بر تشنگان می بارد، دل‌های افسرده‌ی را طراوت می بخشد، و مغزهای راکدی را به شکفتن و اندیشیدن وا می دارد.

آری، این روزها برای جهان اسلام و امت اسلامی روزهای عید و روزهای میعاد است و بجاست که مسلمین در همه جای گیتی و به ویژه حجاج بیت الله الحرام، ساعتها و لحظه‌های آن را برای تعبد و تعقل، مغتنم بشمارند و آنان که به فرصت گرانبهای حج و زیارت دست یافته‌اند، با دستانی پر از رحمت و حکمت الهی، و با تصمیم و اراده‌ی تازه برای آینده‌ی خود و امت اسلامی، به دیار خویش باز گردند.

جنبه‌ی فردی و اجتماعی حج

در میان فرایض دینی، حج بزرگترین فریضه‌ی است که در آن هر دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی به شکلی نمایان، گنجانیده شده است.

در جنبه‌ی فردی، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است، تا آدمی به عبودیت - که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است - راه یابد و در آن گام بردارد.

در این بخش، تنوع فرصتها و آزمایشگاهها به حدی است که هر گاه کسی با توجه و تدبیر از آن عبور کند، بی گمان دستاوردی گرانبها خواهد داشت؛ فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکرالله که همچون فضای سرشار از روح و حیات، در همه‌ی این مراحل، گسترده شده است. مجموعه‌ی این فرصتها می تواند برای هر فرد، دوره‌ی کوتاهی از ریاضت شرعی و تمرین زهد و ستم و حلم و برخی خلیات پسندیده‌ی دیگر نیز باشد.

در جنبه‌ی اجتماعی، حج در میان همه‌ی فرایض اسلامی بی همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه‌ی دیگری بدین سان به آحاد مسلمان، درباره‌ی مسایل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی آموزد و

آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی کند. تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه یی از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی توانند بدان دست یابند.

قدرت ملی؛ کلید همه ی کامیابی ها

قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه ی کامیابیها و وسیله ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده ی عمومی برخوردار باشد.

درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده ی آنان را زایل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد- همان طور که امروز در کشورهای همچون امریکا و غیره، نشانه های آن دیده می شود- ولی فقدان آن تواناییها و اقتدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریعتر بر جان کشورها می اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملتها می ستاند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقتدار و سیادت علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند. و امروز همه ی رهبران هوشیار ملت‌های جهان در صددند که از هر امکان و ذخیره یی که می تواند آنان را قدرتمند کند، بهره گیرند.

امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین المللی

امت بزرگ اسلامی با وجود عمده و عُمده ی خود، فاقد عزت و قدرت در سطح بین المللی است؛ چگونه باید عزت و قدرت شایسته ی خود را به دست آورد؟ همه ی آحاد مسلمان، بخصوص زمامداران و مسئولان کشورهای اسلامی و علما و روشنفکران و شخصیت‌های مسلمان، باید همواره این سؤال را در ذهن و زبان خود داشته و به دنبال پاسخ آن باشند.

امروز بیشترین منابع نفت که بی اغراق به منزله ی خون برای تمدن کنونی جهان

است، در کشورهای اسلامی است. حساسترین مناطق سوق الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورها است. یک پنجم همه ی جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه دار و علوم و معارف آنان، اولین گامهای عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غریبها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند. با این همه، مسلمانان، امروز در سطح جهان، در روند عمومی سیاست جهانی، در تصمیم گیریهای بزرگ عالم و در تعیین نظام همبستگی جهانی، هیچ نقشی ندارند؛ و از این بالاتر، بسیاری از کشورهای اسلامی در سیاست ملی خود، دنباله رو و محکوم یکی از چند دولت مستکبر و زورگوی جهانند؛ دولتهایشان دست نشانده و ضعیف النفس، ملتهایشان دچار اختناق یا بی خبری، و علما و روشنفکرانشان دستخوش ترس و تغافل و عشق به راحتی ... و نتیجه آن شده است که سرمایه های آنان بر باد می رود؛ جایگاه سیاسی آنان به اشاره ی دولتهای مستکبر تعیین می شود؛ و عده و عده ی آنان به حساب نمی آید؛ و امت بزرگ اسلامی که امروز باید از همه ی موجودی خود برای کسب عزت و اقتداری که مستحق آن است، برخوردار شود، بدین گونه از بخش عظیمی از عده و عده ی خود محروم می ماند و دشمن اسلام و مسلمین، از آن به زیان اسلام و مسلمین استفاده می کند.

وضع کنونی جهان اسلام و حوادث محنت باری که در هر گوشه ی آن، زندگی را بر میلیونهای اسلامی تلخ و دشوار کرده است، فاجعه ی بی نظیر فلسطین مغضوب، محنت تاریخی مسلمانان بالکان، اوضاع کشمیر و افغانستان، اوضاع انفجار آمیز خلیج فارس، وضع اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورهای اروپایی، همه و همه شواهد گویای این حقیقت تلخند.

جبهه ی خودی نتوانسته از همه ی امکانات خود استفاده کند

جهان اسلام در همین هفته های اخیر شاهد آن بود که دولت ایالات متحده دو بار

پیاپی، رأی شورای امنیت سازمان ملل را بر محکومیت رژیم صهیونیستی برای ویران سازی خانه های مسلمانان بخش شرقی بیت المقدس، وتو کرد؛ و این همان امریکاست که بخش عظیمی از ثروت و قدرت خود را از موجودی کشورهای عربی مسلمان کسب می کند و دولتهای بسیاری از این کشورها، صریحاً دوستی و احترام و ثروت خود را، بلکه بخشهایی از خاک خود را تقدیم آن کرده اند. چرا امریکا در مقابل این دوستیهای قولی و عملی، حتی یک بار هم حاضر نیست در مسأله ی فلسطین، میل و خواست آنان را رعایت کند. بی شک هیچ دولتمرد عرب و مسلمان نمی تواند در برابر تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیست که یاد آور و دنباله ی جنایات پنجاه ساله ی آن رژیم است، و حتی مخالف قرارهایی است که به نام صلح در سالهای اخیر بسته شده است، بی تفاوت باشد و از آن خشمگین نشود، ولی چرا دوستی و وفاداری دیرین دولتمردان عرب با امریکا، کمترین تأثیری در روند روزافزون حمایت امریکا از رژیم غاصب نمی گذارد؟ درست است که دولت کنونی امریکا بیش از اسلاف خود به صهیونیستها سرسپردگی نشان می دهد؛ ولی کی و کجا اتفاق افتاده است که دولتهای متعاقب امریکا، دوستان عرب خود را با برادران صهیونیست خود برابر بشمارند و یک بار هم که شده، غاصبان صهیونیست را از خود ناراضی کنند؟

در این باب، سخنان گریه آور بسیار است و حدیث غفلت و احیاناً خیانت خودیها و استکبار و خباثت بیگانگان و دشمنان، چیزی نیست که در این گفتار مختصر بگنجد؛ آنچه این جانب می گویم، آن است که جفای دشمن به خاطر آن است که جبهه ی خودی نخواسته است از همه ی نیرو و امکان خود استفاده کند و عده و عده ی خود را به مصاف دشمن بیاورد.

امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام

بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام، امت بزرگ اسلامی است؛ یعنی ملت‌های مسلمان که وحدت و اتفاق و تفاهم آنها و غریو رعد آسای اعتراض آنها و قدرت اندیشه و بازوی کار و ثروت طبیعی و خداداده ی آنها، می تواند دل هر دولت مستکبر را آب، و

گوش او را کر، و پشت او را خم کند.

حج، مظهري و نمونه يي از اين پشتوانه ي عظيم و تمام ناشدني و غير قابل شکست را در برابر چشم ما مي گذارد.

اين جاست که معنای حقیقی فریاد براءت در حج آشکار می گردد؛ و چنین است که غریو دستجمعی مسلمانان در براءت از مشرکین، در حج روح می دمد و مضمون می بخشد.

آیا اکنون هیچ مسلمانی می تواند در این سخن حکیمانه شک کند که «حج بی براءت، حج نیست»؟

ملتهای مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنها است و دست خدا مقتدرتر از هر پدیده ی قدرتمند در عالم وجود است. و دولتهای مسلمان بدانند که ملتهای آنان، قویترین پشتیبان در مقابله با بیگانگان بر توقع و متجاوز و غارتگر و بیرحمند. اگر ملتها به صحنه راه داده شوند، اگر به ملتها اعتماد شود، اگر با ملتها صادقانه عمل شود، دولتها آن چنان اقتداری خواهند یافت که نه در میدان نبرد لازم است از دشمنی بترسند، و نه در عرصه ی بنای کشور و زندگی عمومی لازم است به بیگانه یی احساس نیاز کنند.

امروز دولت و ملت ایران به برکت همین یگانگی است که با توکل به خدا در برابر زورگوییهای امریکا ایستاده اند و تهدیدهای مکرر او آنان را تکان نمی دهد و چنان احساس قدرت می کنند که با تکیه بر حقانیت خود و با وجود فشارهایی که به وسیله ی ایادی استکبار، از همه طرف بر آنان وارد می آید، آینده را درخشان و راه خود را روشن و دلهای خود را سرشار از امید و اطمینان می یابند.

میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید

برادران و خواهران عزیز در همه جای جهان! میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید؛ آشنایی و الفت میان خود را در آن تحکیم بخشید؛ از سرنوشت یکدیگر با خبر شوید؛ از تجربه های یکدیگر درس بگیرید؛ راز ایستادگی و ثبات جمهوری اسلامی و ملت بزرگ

ایران را از آنان بشنوید.

در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود را از جبهه ی استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسأله ی فلسطین، به گوش دشمن برسانید.

تجربه ی ذی قیمت ایران برای دولت‌ها و ملت‌های مسلمان

برخلاف تبلیغات مغرضانه ی دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد آگاهی امت اسلام می شمارد و از حضور خود به نفع همه ی جهان اسلام- و نه فقط منافع خود- بهره می طلبد. ملت ایران حامل تجربه ی گرانبه‌ای برای همه ی کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم الشان توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه ی عرصه ها به موفقیت‌های بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یکسره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین ساله یی که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه ی انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه ی جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولت‌های مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گام‌های بلندی در راه توسعه ی کشور بردارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند؛ مسأله ی فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی رغم امریکا و صهیونیزم که خواسته اند این مسأله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه جا و همه وقت مطرح سازد؛ به مردم مظلوم بوسنی کمک‌های مؤثر برساند؛ در همه ی قضایای محنت بار ملل اسلامی، دست یاری به سوی آنان دراز کند و با وجود فشارهای روز افزون استکبار و تهدیدهای مداوم امریکا، با صلابت و قدرت، در این راه‌ها به جلو رود. این تجربه ی

ذی‌قیمتی برای همه‌ی دولتها و ملت‌های مسلمان است.

این جانب با صدق و خلوص، دست دوستی به طرف همه‌ی دولتهای مسلمان دراز می‌کنم و به آنان برای همکاری و همفکری در راه رفع هموم دنیای اسلام خوش آمد می‌گویم و به همه‌ی ملت‌های مسلمان متواضعانه عرض می‌کنم که قدر خود و قدر اسلام و احکام نورانی قرآن را بدانند.

بازگشت به اسلام؛ درس بزرگ امام خمینی قدس سره

درس بزرگ امام راحل عظیم الشان ما قدس سره، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی‌شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست. راه ملت‌های دیگر نیز به سعادت، چیزی جز این نیست.

اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولتهای عرب را نخواهد یافت.

اگر چنین شود، دولتهای عرب خود را مجبور نخواهند پنداشت که بر خلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسأله‌ی فلسطین را به دست فراموشی بسپارند و با ایجاد رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با رژیم غاصب و متجاوز، صهیونیستها را به میان جوامع عربی راه دهند و بدین آسانی حصار را که می‌تواند رژیم صهیونیست را به مرور خفه کند، از گرد او برچینند.

ما شك نداریم که در آینده‌ی نه‌چندان دور، عاقبت ملت فلسطین در سایه‌ی فداکاری خود و آگاهی دنیای اسلام، به حق مغضوب خود دست خواهد یافت و بیگانه‌ی متجاوز و ستمگر را از خانه‌ی خود بیرون خواهد افکند؛ ولی تصمیم و اراده‌ی دولتها و ملت‌های مسلمان به فضل الهی خواهد توانست این آینده را تسریع کند و از محتتهای آن بکاهد.

در خاتمه، همه‌ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت گرانبهای حج برای خودسازی

شخصی و آینده سازی اجتماعی دعوت می کنم و امیدوارم همه ی مسلمانان جهان، بخصوص ملت‌هایی را که گرفتار حوادث تلخ و شدت‌های زندگی اند، به دعای خیر یاد کنند و این حقیر را هم از دعای خیر فراموش نکنند. «وَالسَّلَامُ اللَّهُ عَلَىٰ بَقِيهِاللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَرَجَهُ».

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

علی‌الحسینی‌الخامنه‌ئی

دوم ذیحجه‌الحرام ۱۴۱۷ برابر با بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۷۶

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج (۸ / ۲ / ۱۳۷۶ ه. ش.).

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۸ / ۲ / ۱۳۷۶ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاسگزاری از پروردگار متعال

من هم تشکر می کنم؛ اولاً از پروردگار متعال سپاسگزاری می کنم که بحمدالله امسال هم ملت ایران را با یک حج باشکوه و موفق و سرشار از افتخار، شاد کرد. هر سفر که کاروان حجاج، مشرف می شوند و برمی گردند، فضایی از احساس اعتزاز به اسلام و به جمهوری اسلامی در کشور به وجود می آید؛ بحمدالله امسال هم این فضا بود- شاید از جهاتی بهتر و بیشتر از سالهای قبل- از جناب عالی (۱) و از همه ی آقایان محترمی هم که تشریف دارند، و از کسانی که در این جلسه نیستند و هر کدام به نحوی دست اندرکار برگزاری این حرکت عظیم بودند، به سهم خودم صمیمانه تشکر می کنم.

خداوند ان شاءالله شما و همه ی آقایان عزیز را موفق و محفوظ بدارد؛ ان شاءالله بتوانید سالهای متمادی این برنامه ی بزرگ را با همین روند و همین جهت و ان شاءالله خیلی بهتر اجرا کنید.

حج؛ یکی از آیات لطف الهی به ایران

به نظر من یکی از آیات لطف الهی به ایران، همین حج است؛ چون همچنان که در طول زمان- چه نسبت به اصل اسلام، از طرف دشمنان اسلام، و چه نسبت به مذهب

۱- خطاب به آقای ری شهری.

اهل بیت و پیروان اهل بیت، از طرف دشمنان این جریان- فشارهایی وجود داشته است که حیات و اصل موجودیت آنها را تهدید می کرده، امروز هم علیه هر اظهار وجود و هر نشانه ی حضوری از جمهوری اسلامی، دشمنهای فراوانی هستند که به طور دایم مشغول تعامل و تهاجم اند.

و همچنان که خدای متعال در طول تاریخ، جریان حق را از لابلاهی این همه ماجراها- یعنی اسلام را و مذهب اهل بیت و پیروان اهل بیت را از میان موانعش- به سلامت عبور داده و روزبه روز هم آنها را تقویت کرده است، بحمدالله نظام مقدس اسلامی و این ملت مؤمن را هم همین گونه از لابلاهی همه ی این موانع و مشکلات، با دست قدرت خود، جواری که برای اهلش قابل پیش بینی نیست و بسیار فوق انتظار آنهاست، عبور داده و می دهد و آنها را به سمتی هدایت می کند که برای آنها به عنوان هدف متکامل و متعالی مفروض است؛ و آنها را دارد پیش می برد و حرکت می دهد.

باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود

تعجب من از این نیست که خدای متعال، ملت ایران و جمهوری اسلامی را حمایت می کند؛ چون خودش فرموده: **إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا**. از این صریحتر چه می خواهید؛ اینها که **الَّذِينَ آمَنُوا** هستند دیگر. اگر کسی در هر چیز جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران شک کند، در ایمانشان که نمی تواند شک بکند، چرا خدای متعال **إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا** را- این وعده ی صریح واضح روشن را- در این جا تحقق نبخشد؟ **وَمَنْ أَضِدُّقٌ مِّنَ اللَّهِ قَبِيلًا**؛ آیا چه کسی می تواند صادقتر از خدای متعال وعده بدهد؟! پس باید حمایت بکند؛ این تعجب ندارد.

تعجب از کسانی است که این اعتماد را ندارند! تعجب از کسانی است که این خوش بینی و امید را در دلهای خودشان، به زور از بین می برند! من می بینم که متأسفانه کسانی واقعاً با تشبث به بهانه های واهی، این امید را که امید حقی و امید صدقی است، کأنه می خواهند با دست خودشان در دلهایشان از بین ببرند! چرا؟

این راه خدا و وعده ی خداست؛ باید همین طور بشود. اگر این گونه نمی شد، جای

تحلیل و توجیه و استدلال و دفاع بود- که بگوییم خدا فرموده است دفاع می کند، حالا چرا دفاع نمی کند- اما خدا فرموده است که دفاع می کند، دارد هم دفاع می کند. این دیگر تأملی ندارد، باید هم بکند؛ یعنی کسی که طلبکار نیست، تکلیف هم برای خدا معین نمی کنیم، خودش فرموده است، طبیعت امر این است دیگر، غیر از آنچه که فرموده، چیزی نیست. قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا.

از هر حجتی، از هر حادثه و هر قضیه‌ی بی که در تاریخ جمهوری اسلامی پیش می آید- که بحمدالله همه‌ی آنها هم در جهت حقانیت جمهوری اسلامی تمام می شود- باید ایمان و تسلیم ما در مقابل خدای متعال، بیشتر بشود؛ وعده‌ی خدا همین است، خدا هم درست فرمود، صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ.

حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی

علی‌ای حال بحمدالله حج، مظهر حمایت الهی از نظام جمهوری اسلامی است. این برائت هم واقعاً یکی از بزرگ حج است؛ اگر حج نبود، کجا می خواست برائت دسته جمعی مسلمان انجام بگیرد؟! من تعجب می کنم، کجا جای این بود که این آهنگ بر خاسته‌ی از دل‌های امت اسلامی که بالاخره وجود دارد- این غریبی است که دل‌های مسلمان، انباشته‌ی از آن است- ظهور پیدا می کرد؟! غیر از حج، واقعاً جایی وجود ندارد.

اگر چه به نام اسلام، اجتماعات و مجتمع‌هایی هست، اما هیچ کدام از آنها حج نیست که مرکز همه‌ی مردم- مثاباً للناس- محل اجتماع و رجوع آحاد مردم و آحاد ناس باشد. خدای متعال حج را این گونه قرار داده است. برائت، مربوط به حج است و یکی از آن احکام حکیمانه‌ی اسلام که ما هم می فهمیم و عقل به حکمتش می رسد، همین است؛ که خدای متعال این را در حج قرار داده است.

بحمدالله امسال هم برائت شما به طور مضاعف انجام گرفت؛ هم شما برائت را انجام دادید، هم دیگران انجام دادند. عیبی هم ندارد، ما می خواهیم برائت در حج انجام بگیرد؛ مضاعف هم انجام بگیرد، چه بهتر. دیگران هم انجام بدهند، ما خوشحالیم.

بحمدالله انجام شد، خیلی خوب و مایه ی عزت اسلام بود. ما هم امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال از شما به احسن وجه، قبول کند. حقیقتاً زحمات آقایان مشکور است؛ من صمیمانه تشکر می کنم.

آن شکوه و عظمت اسلامی که حج ما دارد، بحمدالله آن رسایی و بلاغی که حج ما دارد، بر اثر جنبه های معنوی است، والا جنبه های مادی و ظاهری و تشریفات، کمترین اثر را دارد- اگر نگوییم بعضی اوقات، جنبه ی تعویق و مانع و عایق هم دارد.

به هر حال از زحمات جناب عالی و آقایان مجتهدین، علما، بزرگان و زحمت کشان این راه، حقیقتاً صمیمانه تشکر می کنم. خداوند ان شاءالله به همه ی شماها اجر بدهد.

همچنین از همه ی کارکنان سازمان حج، آقایانی که در آن جا مشغول هستند، صمیمانه تشکر می کنم؛ این تشکر ما را به آقایان هم ابلاغ بفرمایید. ان شاءالله خدای متعال از آنها شکر گزار باشد و قلب مقدس ولی عصر از آنها راضی باشد.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۲ / ۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۱۲ / ۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَالسَّيْرَاجِ الْمُنِيرِ سَيِّدِنَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الْأَطْيَبِينَ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى الْخَيْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجِبِينَ

موسم حج؛ مزده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان

موسم حج با مزده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان، از راه رسیده است، و بجاست اگر صدها هزار دل مشتاق که در این موسم، مجال بهره مندی از فیض لقاء خواهند داشت، پیوسته در جوش و شور و هیجان آماده سازی خویش باشند، و میلیونها مسلمان آرزومند که امسال در فهرست بهره مندان نهاده نشده اند، به یاد لحظه لحظه ی ایام سعادت‌مندان و دعا برای خود و آنان، دل و ذهن خویش را رنگین و معطر سازند، و همه ی مسلمانان صاحب‌دل به گونه یی در ایام حج، با حج و شعائر و آیات جلال و جمال آن سپری کنند.

مراسم حج در هر سال، یک حادثه ی بزرگ است که رواست اگر در آن ایام معلومات، مرکز اصلی فکر و توجه و اندیشه و احساس مردم در سراسر جهان اسلام باشد؛ و هرکس بسته به جایگاه روحی و فکری و سیاسی، به نوعی بدان بیندیشد و با آن بسر برد. و بدیهی است که بهره مندان از فیض حج، در مرکز این تکلیف و توقعند؛ و چون جسم و جان و اندیشه و تلاش آنان آمیخته به حج و برکات و آثار آن است، شایسته است

که بیشترین بهره‌ی معنوی و روحی و فردی و اجتماعی را از آن به دست آورند، و ان شاء الله چنین خواهد بود.

معرفت؛ نخستین هدیه‌ی حج

اگرچه برکات حج، همه‌ی جنبه‌های حیات بشری را فرا می‌گیرد و این باران رحمت بی‌دریغ، از خلوت دل و اندیشه‌ی آدمی تا عرصه‌ی سیاست و اجتماع و قدرت ملی مسلمانان و تعاون میان ملت‌های مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می‌سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است؛ و نخستین هدیه‌ی حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خداداده‌ی «فهم پدیده‌ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر بفردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی‌گیرد، و هیچ پدیده‌ی دینی دیگری نمی‌تواند مجموعه‌ی شناخت‌هایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد.

این معرفت، عبارت است از مجموعه‌ی بی‌از شناختها که از جمله‌ی آنهاست:

شناخت خود به عنوان یک فرد

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه‌ی عظیم امت اسلامی، شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن.

شناخت خود به عنوان یک فرد، به معنی تأمل در وجود خویش و شناخت ضعفها و تواناییهای آن است.

آن جا که تعینات مادی و تشخیص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می‌بازد و آدمی جدا از آن مایه‌های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می‌رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیل کرده و امی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می‌کنند و دست

نیاز به سوی او می گشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می یابند، هر انسان با تدبیری می تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علوّ و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهم باطل و غرور انگیز درباره ی هستی ضعیف خود را به دور افکنند، و شیشه ی کبر و خودپسندی را، که مایه ی زشت ترین خلیقات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بتهای درونی خویش گسستن را بیازماید و بچشد.

این شناخت اساسی که جوهر همه ی عبادات و مضمون همه ی مناجاتها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می بخشد و او را برای دیگر شناختها، مستعد و بر پیمودن همه ی راههای کمال، توانا می سازد. در زندگی عادی، گرفتاریهای دنیوی و سرگرمی افراطی به تکاپوی مادی و درگیریها و جدالهای تمام نشدنی در زندگی روزمره ی انسانها، دل را غافل و مشغول می سازد و او را از این معرفت روشن بازداشته، دچار تار عنکبوت توهم و گمانهای باطل می سازد و دل را به تکدر و تیرگی می کشاند؛ و حج علاج قاطع این گرفتاری است.

شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه ی امت اسلامی

شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه ی امت اسلامی، به معنی نگرش به مجموعه ی حاجیان و به همه ی ملتها و سرزمینهایی است که مردم خود را به طواف خانه ی خدا فرستاده اند. نگرش به کلّ حجاج و در آئینه ی این جمع متراکم، نگرش به امت بزرگ اسلامی است که امروزه از دهها ملت و صدها میلیون انسان در سراسر جهان تشکیل شده، و از مهمترین امکانات مادی و معنوی برای حیات و رفاه اجتماعی برخوردار است و همه ی بشریت و تمدن صنعتی با همه ی حجم مادیش، به آن و منابع عظیم آن و بازارهای رایج آن و میراث فرهنگی و علمی آن، محتاج و از آن بهره مندند.

شناخت خود به مثابه ی جزئی از این واقعیت عظیم، حجگزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می کند؛ و افسون جدایی را که سالهاست

دستهای استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی گرایی می دمند، باطل می سازد.

سردمداران جهان طبقاتی، یعنی سیاستمدارانی که همت گماشته اند جهان را همیشه در دو قطب قوی و ضعیف، یا مستکبر و مستضعف نگهدارند، و مرکز قدرت را به زیان ملت‌های مستضعف، میان خود تقسیم کنند، از دو قرن پیش تا امروز، از وحدت امت اسلامی بی‌مناک بوده و بر سر راه آن مانع تراشیده اند! همان کسانی که در دهه ی حاضر، با قتل عام مسلمانان بالکان، یا تبعیض و بی عدالتی نسبت به اقلیتهای مسلمان اروپا، یا بی تفاوت ماندن در برابر اینها، عزم مسیحی کردن یکسره ی اروپا را آشکار ساختند، از یکپارچه شدن دنیای اسلام با عنوانهای اهانت آمیز یاد کردند و در تبلیغ و عمل، از آن جلوگیری نمودند.

تقویت این احساس در فرد، که وی عضوی از پیکر بزرگ امت است و هدایت درست آن، باید بتواند بر همه ی آن ترفندهای تفرقه ساز، غلبه کند؛ و ضمن این که هویت ملی و فرقه یی را در بخشهای گوناگون امت اسلامی پاس می دارد، از فوایدی که در یکدلی و اتحاد است، همه ی این مجموعه ی بزرگ را بهره مند سازد و عزت و اقتدار و خیر کثیری را که در یکپارچگی امت اسلامی نهفته است، شامل همه ی اجزا و اعضای آن کند.

طواف و سعی و نمازهای جماعت و همه ی حرکات و سکنات دستجمعی در حج، این درس را به حجگزار می رساند و آن را در اعماق وجود او نفوذ می دهد.

شناخت نمونه و نمایی از امت واحده

شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ - یعنی اتحاد اسلامی - و در نهایت سر برکشیدن قدرت واحده ی اسلامی در میدان سیاست جهانی است. دیدن توده های عظیم حجگزار از نقاط گوناگون عالم، و با زبانها و رنگها و نژادهای گوناگون، افق دید مسلمان را گسترش می دهد و از مرزهای شخصی و قومی و ملی فراتر می برد، و وظیفه ی اسلامی رفتار برادرانه، وی را با آنان به

تعارف و همزبانی و همدلی می کشاند، خبرهای اختصاصی ملتها را به سراسر جهان اسلام می برد و توطئه ی تبلیغاتی دشمن را که همیشه، و امروز بیش از هر زمان، دست اندرکار قلب حقیقت و دروغ سازی و شایعه پراکنی است، خنثی می کند و فاصله های مکانی و زبانی و پنداری را از میان برمی دارد. با تبیین موفقیت یک ملت، در دل ملت‌های دیگر، امید می دمد و با تشریح تجربه ی یک کشور، کشوری دیگر را مجرب می سازد. احساس انزوا و تنهایی را از افراد و ملت‌ها می زداید و ابهت دشمن را در چشم آنان می شکند، مصیبت‌های بزرگ یک کشور را برای دیگران شرح می دهد و آنان را به فکر علاج آن می افکند.

توقف حجگزاران در موسم حج در یک نقطه، و بخصوص وقوف در عرفات و مشعر و مَبِیت در منی، همگی، زمینه های مستعد این شناختِ کارساز و کارآمدند.

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنی تأمل در پایه گذاری این خانه است که در عین حال، هم خانه ی خداست و هم خانه ی مردم؛ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ. (۱) هم جایی است که انسان نیازمند، بدان روی می کند و هم نقطه یی است که عظمت آیین الهی در آن جلوه گر می شود. آمیزه یی از شکوه و عظمت و صفا و سادگی، یادگاری از نخستین ندای توحید، و جایگاهی برای تحقق وحدت کلمه. هم نشاندار جای پای مجاهدان صدر اسلام، که غریبانه در آن مبارزه کردند و مظلومانه از آن هجرت نمودند و فاتحانه و مقتدرانه بدان بازگشتند و آن را از نشانه های جاهلیت عرب پیراستند؛ و هم معطر به نَفَسِ نِیَاشِگَران و جای سجده ی متعبدان و دست نیاز ثناگویان. هم مَطَّلَعِ خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام. هم پناهگاه دل‌های رمیده و هم امید بخش جان‌های به ستوه آمده!

تشریح فریضه ی حج و ترتیب مناسک آن، هم نشانه ی عظمت است و هم آیت رحمت. با این شناخت است که دلها به مشاهده ی کعبه ی شریف در مسجدالحرام منقلب می شود و بیراهه ها به صراط مستقیم می پیوندند و انسانها دگرگونه می شوند.

شناخت دشمن

شناخت دشمن، محصول همه ی آن شناختها و متمم و مکمل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست. در خود اعمال حج، رمی جمرات، نماد دشمن شناسی و دشمن ستیزی است؛ و پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، اذان براءت را در حج سر داد و آیات براءت را از حنجره ی امیر مؤمنان علیه السلام در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جزّار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، براءت نیز بی فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمنها و ستیزه گریهای کنونی، غفلت از دشمن و بی مبالاتی به براءت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.

اگر آن شناختهای پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می شود. هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرّق و پراکندگی بکشانند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!

یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد

شیطان در قرآن، تعبیری از نیروهای شرّ آفرین و فساد آفرین و انحطاط آفرین است که در صف مقابل انبیا قرار می گیرد؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ. (۱) و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد

غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.

امروز بیشترین تلاش شیطان که همان جبهه ی سیاسی استکبار است، مصروف آن می شود که مسلمانان را از آینده ی خود، نومید و به ذخیره ی گرانهای فرهنگ و دانش خود، بی اعتنا سازد. هر پدیده یی که به مسلمانان جهان، امید ببخشد و آنان را به فکر بنای آینده بر پایه ی اسلام بیفکند، در چشم استکبار، بشدت منفور و مبعوض است. دشمنی شیطان بزرگ با ایران اسلامی، از آن است که تشکیل جمهوری اسلامی و اداره ی کشوری پهناور، با جمعیتی انبوه و با ثروت مادی و معنوی بی پایان، به مسلمانان، نوید عزت و عظمت اسلامی می دهد و فروغ امید را در دلهای آنان زنده می کند.

نشانه های امید در رفتار ملت‌های مسلمان

در نوزده سالی که از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گذشته است، همه ی جهان، نشانه های امید را در رفتار ملت‌های مسلمان دیده اند و می بینند و هرچه گردونه ی زمان، به پیش رفته و تدابیر دنیای استکبار در برابر این موج بلند و دنباله دار، بیشتر شکست خورده، این امید بیشتر شده است.

بیداری فلسطینیان و آغاز مجاهدتهای آزادی طلبانه ی آنان با شعارهای اسلامی در برابر صهیونیستهای غاصب، بیداری ملت‌های مسلمان در اروپا و تشکیل کشور مسلمان بوسنی - با وجود فاجعه ی خونباری که به دست، یا با سکوت رضایت آمیز اروپاییان برای آنان پیش آمد - به حکومت رسیدن معتقدان به حاکمیت اسلام در ترکیه و الجزایر، از راههای معمول دموکراسی غربی - که البته در هر دو مورد، با کودتا و دخالت قدرتهای نامشروع و خصومت دشمنان جهانی قدرت اسلام، موفقیت آنان نیمه کاره ماند - تشکیل حکومت بر پایه ی مبانی اسلامی در سودان - که با وجود کارشکنیهای خارجی، بحمدالله همچنان در راه اقتدار اسلامی به پیش می رود - زنده شدن شعارهای اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان - که سالهای متمادی این شعارها در آن فراموش شده بود - و مثالهای متعدد دیگر، همه و همه، نشانه های تأثیر عمیق و روزافزون ولادت جمهوری اسلامی در ایران، بر سراسر جهان اسلام و امت اسلامی است.

دشمنی استکبار با ایران، بغض آلودتر شده است

دشمنی استکبار، به همین نسبت با ایران اسلامی، روزبه روز سخت تر و بغض آلودتر شده است! پس از شکست توطئه های پیاپی نظامی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی، استکبار جبهه ی تازه یی گشوده که تاکنون نیز بر ضدّ ایران اسلامی فعال است.

این جبهه، یک جبهه ی جنگ تبلیغاتی است؛ و هدف آن، متهم کردن ملت و دولت ایران و بر اثر آن، خاموش کردن فروغ امید در دل ملت های مسلمان است! در این جنگ تبلیغاتی، این طور وانمود می شود که ملت ایران، از حرکت عظیم انقلاب و شعارهای آن و از حاکمیت اسلام و قرآن، پشیمان شده و مسؤولان کشور، به اسلام و انقلاب پشت کرده اند! و به عنوان شاهد و نمونه، ادعا می شود که دولت ایران، در صدد ایجاد روابط دوستانه با دولت امریکا است! انکار مکرر این ادعا از سوی مسؤولان کشور و تأکید همیشگی آنان بر عشق و پایبندی به اسلام و انقلاب و خط امام راحل قدس سره مانع از آن نیست که دستگامهای تبلیغاتی و حتی مسؤولان سیاسی استکبار و بخصوص رژیم مستکبر امریکا، ادعای خود را با زبانها و شیوه های گوناگون، تکرار کنند و آن را در تفسیرها و خبرها و گزارشهای جهانی، مخصوصاً در سطح جهان اسلام، بیش از پیش، تکرار نمایند!

شناخت دشمن در حج، به معنی شناخت این روشها و انگیزه های آن، و برائت در حج، به معنی افشای توطئه ی دشمن و اعلام بیزاری از آن است.

ملت ایران حیات دوباره ی خود را باز یافته است

ملت و دولت ایران، با انقلاب عظیم خود که به رهبری امام خمینی عظیم الشان قدس سره و ادامه ی خطّ و راه او، پرچم عظمت اسلام و ایران را برافراشت، عزت و استقلال ملی خود و حیات دوباره ی تاریخی خود را باز یافته است. به برکت انقلاب اسلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و استبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زندگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره های نوکر مآب و بی کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مؤمن و امین یافت. سرنوشت کشور و

منابع ملی و ثروت‌های خداداده اش را، که به وسیله بیگانگان غارت می شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

خصوصیتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضد مردمی پهلوی حمایت کرد، دولت‌های وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلح ایران را در قبضه ی خود گرفت، دستگاه ضد امنیتی شاه و شکنجه گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملت‌های مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آن که علی رغم مجموعه ی آن جبهه ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش بیاری در اختلافات منطقه یی، و سعی وافر برای ایجاد

اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله ی مزدبگیران سازمان سیا، تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه ی جبهه ها و همه ی زمینه های ممکن!

این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومت‌های رژیم امریکا با ایران و ایرانی است.

و البته همه می دانند و خود سردمداران رژیم امریکا بیش از همه بتلخی می دانند که رژیم امریکا در اغلب این زمینه ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهر آگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی در پی، درصدد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهر آگین دشمن را که همین امروز هم با خنجری زهر آلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!!

پایندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم الشان ایران و صیانت از آرامش و سِلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

روابط ما با همسایگان و با دیگر کشورهای جهان- از جمله با کشورهای اروپا- دلیلی گویا و روشن است، و تلاش همیشگی ما برای گفتگوهای برادرانه با کشورهای مسلمان- که بحمدالله هم اکنون شاهد نتایج شیرین تعدادی از آنها هستیم- در برابر چشم مردم جهان است؛ لیکن در کنار این همه، شناخت دشمن و هشیاری و سرسختی در برابر آن را نیز دستورالعمل همیشگی خود ساخته و به اغوای شیاطین، فریب نخورده است، و

ان شاء الله از این پس نیز نخواهد خورد.

و دشمن صهیونیست را که دولتی غاصب و اشغالگر در سرزمین اسلامی فلسطین برپا کرده، هرگز به رسمیت نخواهد شناخت و اعتقاد خود به لزوم محو آن دولت اشغالگر و تشکیل دولتی از مردم خود کشور فلسطین را، هرگز پنهان نخواهد کرد. همچنین امریکا را که شیطان بزرگ و رأس فتنه ی استکبار است، تا وقتی به روشهای کنونی خود پایبند است، دشمن خود به حساب خواهد آورد و دست دوستی به سوی او دراز نخواهد کرد.

چند توصیه به حجاج بیت الله الحرام

برادران و خواهران عزیز از سراسر جهان اسلام و حجاج عزیز ایرانی! با استعانت از خدای بزرگ، بکوشید تا معرفت را که از بزرگترین دستاوردهای حج است، در همان گستره یی که تبیین شد، به دست آورید و با شناختهای تازه یی در زمینه های یاد شده، به کشور خود بازگردید و آن را دستمایه ی تلاش و حرکت خود برای آینده بسازید. در این موسم، بخصوص، محنت مسلمانان کوزوو را که دنباله ی سرگذشت خونبار مناطق بالکان و تجربه ی دیگری از نوع تجربه بوسنی و هرزگوین است، با یکدیگر بازگو کنید. برای پیروزی و نجات آن مردم مظلوم، دعا و در راه کمک به آنها اقدام کنید. همچنین برای مسلمانان دیگر مناطق محنت زده ی اسلامی، چاره جویی و دعا کنید و اصلاح امور مسلمانان را از قدرت و رحمت مطلقه ی الهی، مطالبه نمایید.

امید است همگی با حج مقبول و دستی پُر از دستاوردهای معنوی و اخلاقی و سیاسی، به خانه های خود برگردید. وَالسَّلَامُ عَلٰی بَقِيَّةِ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَعَجَّلَ اللّٰهُ فَرَجَهُ.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

علی الحسینی الخامنہ ئی

سوم ذیحجه الحرام ۱۴۱۸ برابر با دوازدهم فروردین ماه ۱۳۷۷

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت (۳۱ / ۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.).

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۳۱ / ۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج امسال از جهات مختلف، موفق بود

امیدواریم خداوند این زحمات و خدمات شما آقایان عزیز را به شرف قبول خودش مشرف کند و توفیقات خود را بر شما زیاد کند، تا بتوانید باز هم این خدمت ارزنده را به مردم خوب و عزیز ما تقدیم کنید. من به سهم خودم از جناب آقای ری شهری و بقیه آقایانی که هر کدام به نحوی در این کار دسته جمعی و خدمت بزرگ همکاری داشته اند، صمیمانه تشکر می کنم. بحمدالله همان طور که در خبرها و نشانه های گوناگون می شد مشاهده کرد، حج امسال از جهات مختلف خیلی خوب و موفق بود. هم توانستید حجاج بیشتری ببرید، هم توانستید بی دغدغه آنها را حج بدهید، هم توانستید دعای کمیل را که یکی از بهترین وسایل جلب رحمت الهی است در موسم حج برگزار کنید. قُلْ مَا يَعْجُبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَفَسَدَ تَشَكِيلُ اِنْ مَرَّاسَمُ وَاَنْ سَوَّزُ وَاَنْ گِذَّازُ وَاَنْ تَوَّجُهَ وَاَنْ عَشَقُ وَاَنْ نِيَّازِي كَه مَرْدَمُ مَا دَرَاَنْ مَنطَقَه ي بَخْصُوص اِبْرَاز مِي كَنَنْد، يَقِينَاً دَر جَلْب رَحْمَتِ الهِي تَأْثِير دَارْد؛ وَاَنْ نَفُوسِ مَسْلَمِينَ هَم بَه خَاطِرِ هَمِينِ اسْت كَه بَه شَمَا جَلْب مِي شُود. چُون اِشَارَه ي الهِي اسْت. وَاَلَا اِگَر خَذَلَانَ الهِي بَاشَد- كَه خَدَاي مَتَعَالَ نِيَاوَرْد اَنْ رُوزِي رَا كَه مَا اَز طَرَفِ پَرُورْد گَار، بَه شُومِي اَعْمَالَ خُودْمَانَ دِچَار خَذَلَانَ بَشُوم- دَر اَنْ صُورْتِ دَعَايِ كَمِيلِ هَم فَايْدَه اِي نَخَوَاهِد بَخْشِيد وَاَنْ هَم، مَرْدَم رَا دَفْع مِي كَنْد. حَالَا چُون مَظْهَرِ رَحْمَتِ الهِي اسْت مَرْدَم رَا بَه مَجْمُوعَه ي شَمَا وَاَنْ نِظَامِ جَمْهُورِي اسْلَامِي وَاَنْ

حرفهای ما متوجه می‌کند. همچنین توانستید ماجرای بسیار مهم و پرارزش و پرمعنا و اساسی «برائت» را امسال هم به راه بیندازید و این مراسم با ارزش را اقامه کنید. ...

از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرید

الحمد لله امسال دیدید که خدای متعال در دیگری را باز کرد که اصلاً تصورش را هم نمی‌کردند. یک برائت خیلی خوب اعلائی درجه‌ی یکی تقریباً در عرفات راه انداختید، که مردم آمدند و استفاده کردند؛ و پیام خودتان را به دنیا رساندید. واقعاً اینها برای ما درس است! از پایه‌ها، از اصول، از آنکه شناختید که مال ماست نباید به هیچ قیمتی بگذرید. حالا یک وقت انسان می‌تواند، می‌کند؛ یک وقت نتوانست، نمی‌کند دیگر. آنکه اشکال ندارد. حکومت، اساسی‌ترین حکم اسلام است. اصلاً خدای متعال انبیا را نفرستاد مگر برای اینکه در جامعه اقامه‌ی حکم الهی بکنند. اقامه‌ی حکومت حق اولین تکلیف همه‌ی انبیاست. ائمه‌ی ما سالیان متمادی گذشت، حکومت را به راه نینداختند، چون نمی‌توانستند. اما نگفتند ما حکومت نداریم. همیشه هم می‌گفتند:

«حکومت داریم، باید هم بشود.» احکامش را هم می‌گفتند، حرفهایش را هم می‌زدند. با مبانی اسلامی و اصول اسلامی، باید این‌گونه برخورد کرد.

گاهی از بینات الهی غفلت می‌کنیم

نعمت الهی را هم باید شکر کرد؛ و بدانیم که اینها نصرت خداست. اشکال عمده‌ی ما این است که از بینات قرآنی گاهی غفلت می‌کنیم. مثلاً وقتی خدای متعال می‌فرماید که **وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصِرُهُ** با «ل» تأکید، با «ن» تأکید ثقیله، دیگر تردید نباید بکنیم که نصرت خدا هست. چرا بعضی در این شک می‌کنند که آیا نصرت خدا خواهد بود؟ بله، نصرت الهی خواهد بود. اگر جایی نصرت الهی نیست به این دلیل است که ما مقدماتش را فراهم نکرده‌ایم. اگر مقدمات را فراهم کنیم و پای کار باشیم، نصرت الهی هم خواهد بود. وقتی خدای متعال می‌فرماید که **وَسَيَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**، که آن وقت امام سجاده علیه السلام می‌فرماید که اگر تو نمی‌خواستی بدهی، نمی‌گفتی **وَسْئَلُوا اللَّهَ**؛ پس این یک برهان

منطقی است؛ برهان عقلانی است. بنابراین در حکم وعده است. پس سؤال مسلماً و بلاشک، اعطا دارد. حالا اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ را نمی گویم، چون به نظر بنده آن یک معنای دیگری دارد. لیکن سؤال از فضل الهی، پشت سرش اعطاست. ما موانع اعطا را باید برطرف کنیم تا خدای متعال اعطا کند. آن وقت هر چه می خواهیم از خدا بخواهیم.

ما به اینها توجه نمی کنیم. خدای متعال به ما وعده ی نصرت داده، ما هم می بینیم و مشاهده می کنیم که برای او داریم این حرکات را می کنیم. پس باید مطمئن باشیم که مسلماً نصرت الهی هست و اینها نمونه هایی از نصرت الهی است. ان شاء الله بعد از این بیشتر هم خواهد بود. و امیدواریم که هر چه می گذرد وسایل جلب رحمت الهی را بیشتر فراهم بکنیم و بیشتر از آن استفاده کنیم.

توکل، در همه ی امور کارگشاست

توکل به خدای متعال در همه ی امور کارگشاست. در امور کلی و جزئی، اتکال علی الله و حرکت به امید خدا با البته اتکا، به معنای بی حرکتی نیست. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ خدای متعال به پیغمبرش می گوید: «تصمیمت را بگیر و توکل به خدا کن.» نه اینکه تصمیم نگیر، بخواب و به خدا توکل کن که خدا خودش درست کند! معنایش این نیست. با عزم راسخ در کارهای بزرگ به خدا توکل کنید. و پیش بروید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ ان شاء الله پیش خواهید رفت. امیدواریم که این وضعی که فعلاً از لحاظ سیاسی وجود دارد روزبه روز بهتر بشود. در همان جهات و چهارچوب های مورد تأیید و قبول ما در ارتباطات خارجی که خوب بوده تا الآن و هیچ مشکلی مشاهده نمی کنیم و روش خوبی است، از این بهتر هم می تواند بشود. ان شاء الله که روزبه روز بهتر بشود و بتوانید حجج بهتری و خدمات بیشتری را با قبول الهی به مردم ارائه بدهید.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بیانات در دیدار کارگزاران حج (۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.).

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۷ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند

جمع امروز مجلس ما بحمدالله یک جمع معنوی و ارزشی به تمام معناست.

کارگزاران فریضه ی عظیم حج، قاریان قرآن، بسیجیان و زنان و مردان مؤمن و انقلابی و مخلص در حرکت در راه خدا، همگی خوش آمدید و امیدواریم مشمول تفضلات الهی باشید.

قبل از هر سخن دیگری لازم می دانم سپاسگزاری و تشکر خودم را از درگاه حضرت حق متعال و بندگان مؤمنش به خاطر حرکت عظیم ملت ایران در روز بیست و دوم بهمن امسال عرض کنم.

بعضی از حوادث، تأثیراتش در افکار دنیا و تصحیح اشتباهات دشمنان و دوستان بیش از آن چیزی است که انسان در وهله ی اول تصور می کند. این راهپیماییهای مردم عزیز ما در مناسبتهای مختلف انقلابی و از همه مهمتر در روز بیست و دوم بهمن، هرسال مثل باران رحمتی است که می بارد و غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند. مثل زلال رحمتی است که می جوشد و خس و خاشاکها را از سر راه برمی دارد، چشمها را با حقیقت آشنا می کند.

امسال مردم عزیز ما در تهران، در شهرها، حتی در بخشها و روستاها با حضور خودشان در بیست و دوم بهمن، با اعلاء کلمه ی انقلاب، با احیا و تجلیل از نام امام

بزرگوار، با ابراز نفرت از دشمنان انقلاب و اعلام وفاداری به مبانی و اصول این انقلاب عظیم یک بار دیگر این فیض و این لطف را برای ملت ما و مسلمانان عالم و ناظران بین المللی به ارمغان آوردند، و دشمنان را که با تحلیل های واهی برای خودشان دلخوشی درست می کنند، یک بار دیگر با حقیقت درخشان نور انقلاب اسلامی و حیات و عزم ملت ایران آشنا کردند. دست رد به سینه ی آنها زدند و دوستان را خوشحال کردند. خدا را بر این توفیق، بر این لطف و بر این فیض سپاسگزاریم و ملت جلیل القدر و عظیم الشأن ایران را هم سپاسگزاریم به خاطر اینکه این گونه حیات و عزم و وفاداری خودشان را عملاً با جسم و جان و حضور خودشان- نه با حرف این و آن- به اثبات رساندند.

دشمن از دشمنی چشم نمی پوشد

یک جمله من عرض کنم. شما برادران و خواهران عزیز و همه ی ملت ایران توجه کنند. خطاست اگر گمان کنیم که دشمنان انقلاب با پیروزی انقلاب در اول کار، با پیروزی انقلاب در جنگ، با پیروزی انقلاب در صحنه های مختلف، از مقابله با تداوم انقلاب، چشم پوشیدند؛ خطاست اگر گمان کنیم دشمن از دشمنی چشم می پوشد. حرکت شما، اقدام و حضور و هوشیاری شما، ضربه های دشمن را خنثی می کند، این حرکت و این حضور باید تا آن وقتی ادامه پیدا کند که دشمن به کلی مأیوس شود. در این بیست سال گذشته ملت ایران بارها دشمن را عقب رانده است، اما دشمن گوش خوابانده و منتظر فرصت است.

حضور جمهوری اسلامی در این منطقه، در دنیای اسلام و در زیر این آسمان، برای منافع دشمنان اسلام بسیار شکننده و خطرناک است. چشم دشمنان اسلام به این دوخته شده است که شاید بتوانند نقطه ی ضعفی پیدا کنند. همچنان که چشم دنیای اسلام به شما و جمهوری اسلامی دوخته شده است، ملت های مسلمان و تداوم حرکت اسلامی و حیات اسلامی متوجه شماست. امیدها بسته ی به شماست. لذا دشمن توطئه می کند، شاید بتواند این مرکز امید را از مردم مسلمان عالم بگیرد.

سه نوع توطئه در جریان است

سه نوع توطئه در جریان است؛ توطئه ی سیاسی، توطئه ی اقتصادی، توطئه تبلیغاتی.

البته ملت ایران محکم ایستاده است. ملت و دولت در مقابل این توطئه ها ایستاده اند.

توطئه ی سیاسی با سیاسی کاریهایی است که انجام می دهند. با تحریکات و دسیسه چینی هایی است که می کنند، با تشویق و تحریک دشمنان داخلی و خارجی ما در موارد مختلف است، در مقاطع گوناگون این دشمنی سیاسی است. گاهی لبخند مکرآلود نشان می دهند، گاهی چهره ی غضبناک نشان می دهند، گاهی کسانی را که در داخل و خارج وادار به مبارزه ی با اسلام و نظام اسلامی می کنند ...

توطئه ی اقتصادی کمک به فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است. البته امروز مشکلات اقتصادی مخصوص ایران نیست؛ مخصوص کشورهای این منطقه هم نیست، امروز وضع اقتصادی در دنیا دچار یک مشکلات و بحرانهایی است، در بعضی از کشورها به شکل بحران هم هست. و لکن دشمن بر روی مناطق خاصی از دنیا متمرکز می شود و بر روی آن کار می کند. ملت ایران هدف توطئه های اقتصادی دشمنان اسلام است و در رأس آنها شیطان بزرگ امریکا قرار دارد. اگر، دولت جمهوری اسلامی برای گشایش اقتصادی مردم فعالیت و تلاشی را شروع کند، تا هر جا بتوانند با آن مخالفت و مقابله می کنند. این توطئه برای فشار آوردن بر اقتصاد کشور، بر ملت ایران، بر پول کشور است.

توطئه ی تبلیغاتی عبارت است از اینکه تبلیغات خودشان را در آن جهتی سازماندهی می کنند که بینات و اصول انقلاب را در ذهنهای مردم سست کنند و مورد تردید و شک و شبهه قرار بدهند. رادیوهای گوناگون، مطبوعات گوناگون، بازتابهای حرفهای آنها به وسیله ی ایادی آنها در داخل، همه در این جهت کار می کنند بلکه اعتقادات مردم را سست کنند.

این توطئه ها را دشمن دارد انجام می دهد. ملت ایران در مقابل توطئه های دشمنان همیشه ایستاده است؛ همیشه قاطعیت نشان داده است. به فضل پروردگار تا

امروز هم در مقابل همه ی توطئه های اساسی دشمنان آن کسی که پیروز شده است ملت ایران بوده است؛ آنچه پیروز شده است انقلاب بوده است؛ آنچه پیشرفت کرده است رسالت انقلاب بوده است؛ دشمن طرفی نبسته است، اما دشمن دارد ادامه می دهد.

پشتوانه ی پیروزی ملت ایران

ملت ایران به چه پشتوانه ای توانست پیروز شود؟ به پشتوانه ی ایمان، هوشیاری، آگاهی، وحدت کلمه و پابندی خود به راهی که امام بزرگوار به او نشان داده بود. تا امروز هم ملت ایران همچنان که در بیست و دوم بهمن ملاحظه کردید این راه را با استواری و قاطعیت و استقامت تمام دارد طی می کند. دشمن، دشمنی می کند؛ ملت ایران ایستادگی و قاطعیت نشان می دهد. در همه ی مراحل ملت ایران با صبر و بردباری، با پایداری و هوشیاری و با وحدت کلمه توانسته است به پشتوانه ی عظیم ایمان خود بایستد، موانع را از سر راه بردارد، پیش برود و دشمن را ناکام کند. شما توانستید دشمن را به فضل پروردگار ناکام کنید، خدا را شکرگزار باشید. هوشیاری ملت ایران باید ادامه پیدا کند. این چیزهایی که در حقیقت در داخل جامعه ی ما حبل الله است - یعنی قرآن، تمسک به ذکر الهی، تمسک به وحدت کلمه و پافشاری بر مواضع اسلامی و قرآنی - باید ادامه پیدا کند و ادامه هم پیدا می کند. مطمئناً ملت ایران این راه را با قاطعیت پیش خواهد برد. این معجزه ی عظیمی که به برکت اسلام و قرآن در این برهه ی از عالم به وجود آمد، پدیده ی کوچکی نیست. خیلی عمق دارد و بسیار ریشه دار است، اراده ی الهی هم بر این قرار گرفته است که در قرنی که همه ی عوامل بر علیه اسلام کار کرده اند، این حجت بالغه ی حق - یعنی حاکمیت اسلام - را حفظ کند، مردم دنیا را به رسالت اسلام معتقد و مدعن کند و نشان دهد که کید دشمن با همه ی کارهایی که می کند، با همه ی امکاناتی که در دسترس دارد، با ثروت و قدرت و اسلحه ی خود، با سیاست و دستگامهای جاسوسی خود در مقابل حرکت اسلام، کید شیطان است و ضعیف است: **إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**. این اراده ی الهی است و باید در این جهت حرکت کرد.

دل ملت با اسلام است

من به شما برادران و خواهران عزیز، به همه ی ملت ایران عرض می کنم این راهی که پیش می روید یعنی راه تمسک به اسلام و قرآن، همان راهی است که ایران را و کشور شما را از تمام مشکلات به فضل پروردگار نجات خواهد داد. این همان راهی است که عزت و آزادی و استقلال کامل و عظمت ملت ایران را در سایه ی اسلام آشکار خواهد کرد. دشمنان که می خواهند با وسوسه ی در عقاید مردم، با ایجاد تشکیک در اصول انقلاب، با ایجاد دودستگی در بین مردم کارهایی بکنند، نخواهند توانست. یک عده تلاش خود را می کنند، زحمت خود را می کشند ولی آبروی خودشان را می برند.

آن کسانی که به نفع جناح دشمن، به نفع مرکزیت استکبار و امریکا، به نفع جبهه ی ضد دین در دنیا و به نفع مستکبرانی که علیه اسلام و برای انتقام از اسلام و مسلمین تلاش می کنند، کار می کنند، اینها طرفی نخواهند بست. دل ملت با اسلام است، جان این ملت متوجه پیام اسلام و ندای اسلام است، متوجه امام بزرگوار است و همه باید تلاش کنند این نعمت بزرگ الهی را در دل و جان خودشان حفظ کنند و هر کسی که مسؤولیتی دارد باید در این جهت تلاش کند.

حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ

من همین جا به شما کارگزاران عزیز حج عرض بکنم حج را مغتنم بشمارید؛ حج خیلی فرصت گرانبها و بزرگی است. حج فرصت خودسازی و بازسازی اخلاقی و معنوی است، فرصت دیدن شوکت اسلام است، عظمت اسلام را ببینید؛ عظمت امت اسلامی را در حج مشاهده کنید. هر چیزی که حاجی را از این عبرت و درس بزرگ باز دارد، مضر و مخل است، و شما کارگزاران حج باید به این نکته توجه کنید و حاجی را به آنچه که باید ببیند، درک کند و به آن بصیرت پیدا کند، هدایت کنید؛ او را کمک کنید. سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی ارزش و سرگرمیهای معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج می کند، عمر خود را مصرف می کند، از جسم و جان خود مایه می گذارد، آن وقت دست خالی برگردد؟! دست خالی برگشتن از حج یعنی توفیق نیافتن

به بازسازی اخلاقی، به عبرت گیری، به بهره مندی معنوی، این دست خالی برگشتن است؛ حیف نیست؟ مگر عمر انسان چقدر است؟ مگر این توفیق چند بار برای انسان دست می دهد؟ روحانیون محترم حج در کاروانها در هر جایی که مراجعینی دارند، مردم را به این معنویت سوق بدهند.

پیام معنوی حج

این توصیه به صرفه جویی هم که ما همیشه بر آن تأکید می کنیم، بحمدالله گویا مسؤولین محترم حج به آن توجه جدی مبذول کرده اند، این به جنبه ی معنوی حج کمک می کند. حج برای عبادت است، برای معنویت و بصیرت است، برای پیام معنوی و سیاسی اسلام است. بزرگترین پیام سیاسی اسلام وحدت است، وحدت مسلمین، ایستادگی امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام، براءت از کفار و مشرکین، براءت از رأس شرک و کفر و استکبار یعنی امریکا؛ براءت از غده ی سرطانی صهیونیسم و اعلام نفرت و انزجار و بیزاری از او و از هر کسی که به وجود او و حضور او و توسعه او کمک می کند.

اینهاست پیام حج؛ اینهاست معنویت این واجب بزرگ. دلها را، جانها را، ذهنها را به این جهت سوق بدهید؛ چه مسؤولین در مسؤولیتهای مختلف، چه رؤسای کاروانها، چه علمای اعلام و محترمین و روحانیان عزیزی که با کاروانها هستند و چه هر کسی که مسؤولیتی دارد.

حرکت قرآنی در جامعه ی ما رواج دارد

بحمدالله حرکت قرآنی هم در جامعه ی ما به رغم دشمن رواج دارد. دشمن مایل به رواج فحشا و بی بندوباری و رواج مظاهر فرهنگ مبتذل غربی است، بخشهایی از فرهنگ غربی که در آن سودی متصور است، آنها را ترویج نمی کنند، اما مبتذلات را به اسم هنر، به اسم چیزهایی از این قبیل، رواج می دهند. دشمن این چیزها را دوست دارد.

دشمن رواج قرآن را دوست ندارد. هر جا رواج قرآن هست، رغم عنف دشمن است.

هر جا انس با قرآن هست این توسل به جبل المتین الهی است، قرآن این است. جامعه ی ما

بِحمدالله با توسل و تمسک به ثقلین، یعنی قرآن و عترت توانسته است از مشکلات فراوانی عبور کند. تمسک به ثقلین زمینه ی رحمت الهی است. خدای متعال رحمت می کند بر چنین ملتی و آثار رحمت الهی را می بینید. اینها آثار رحمت الهی است، قیام دولت اسلامی از آثار رحمت الهی است، تفضلات الهی از آثار رحمت الهی است.

عزت ملت ایران از آثار رحمت الهی است، شادابی حرکت اسلامی در بین جوانهای ما از آثار رحمت الهی است. امروز در دنیا جوانها تا گلو غرق در فسادند، غرق در بیکارگی و هرزگی و بی بند و باری اند. جوان مسلمان با معنویات انس پیدا می کند. اهل نماز و قرآن است، اهل اعتکاف و عبادت است، اهل حج و عمره است، جوانها به سفر عمره رفته بودند، کسانی که شاهد بودند می گفتند ما به حالت این جوانها غبطه می خوریم.

اینها آثار رحمت الهی است، خود اینها موجبات رحمت الهی است. اینها را قدر بدانید.

به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید

به هیاهو و جنجال و قیل و قال و عربده های دشمن اعتنایی نکنید. شأن دشمن همین است که یا حمله کند، ضربه بزند؛ یا اگر دید ضربه ی او کارگر نیست، عربده کشی و هیاهو و جنجال کند، مؤمنین را مرعوب و افسرده کند، این کار دشمن است. به اینها اعتنایی نکنید، بحمدالله حرکت ملت ایران به سمت صلاح است، متن ملت در خط اسلام و امام در حال حرکت است و به فضل الهی با توجهات حضرت بقیهالله الاعظم این حرکت ادامه خواهد یافت و خواهید دید که ان شاءالله دشمن بار دیگر و بارهای دیگر در مقابله ی با ملت ایران ناکام و بینی اش به خاک مالیده خواهد شد و ملت ایران به برکت اسلام و قرآن ان شاءالله روزبه روز مدارج پیشرفت و ترقی را طی خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال تفضلاتش را بر شما مستدام بدارد، ما را در راه خود و در مسیری که مورد رضای اوست هدایت کند و حرکت ما را مشمول لطف و رحمت و رضا و قبول خودش قرار بدهد.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۲۸ / ۱۲ / ۱۳۷۷ ه. ش.).

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۲۸ / ۱۲ / ۱۳۷۷ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْأَمِينِ الْكَرِيمِ، وَعَلَى آلِهِ الْمِيَامِينَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ.

روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده است

بار دیگر روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده و منادی پروردگار، دلهای پُرشوق و التهابِ مؤمنان را بدان کعبه ی امید فرا خوانده، و از هر سوی جهان گروهی سعادت‌مند را در پایگاه دعوت ابراهیمی و خاستگاه دین محمدی صلی الله علیه و آله گرد آورده است.

اکنون فرصت مغتنمی است که این نمونه ی منتخب امت بزرگ اسلام، خود را و امت واحده و آئین صلاح و فلاح آن را با نگاهی ژرف بنگرد و حقیقتی را که در حصارهای قومیت و نژاد و زبان، کمتر می توان بدان پرداخت، در گستره ی این میعادگاه جهانی به چشم آورد.

عظمت سرمایه ی امت اسلامی و خطر در کمین آن

در میان واقعیت‌های بزرگی که در این تدبیر و خودنگری جلوه می کند دو چیز از همه برجسته تر است؛ نخست: غنا و عظمت سرمایه یی که امت اسلامی از آن برخوردار است. و دیگر: سهمگین بودن خطری که در کمین این سرمایه ی بزرگ است.

سرمایه ی بزرگ امت اسلامی، آئین اسلام و معارف رسا و روشن و مقررات متین و

دستور جامع آن برای زندگی انسان است. اسلام با ارائه ی بینشی خردمندانه و عمیق درباره ی جهان و انسان و با توحید ناب و دستورالعمل اخلاقی و معنوی حکمت آمیز و ارائه ی مقررات و نظامات سیاسی و اجتماعی مستحکم و فراگیر و اعمال و وظائف عبادی و فردی، همه ی آحاد بشر را دعوت می کند تا: هم درون خود را از زشتیها و ضعفها و پستیها و آلودگیها برهانند و در باطن خود فروغ ایمان، و خلوص، و وارستگی، و صمیمیت، و محبت، و امید، و نشاط را بیفزوزند، و هم دنیای خود را از فقر و جهل و ظلم و تبعیض و عقب ماندگی و ایستایی و زورگویی و تحمیل و تحقیر و تحمیق رها سازند.

هم تزکیه ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است

برای فراهم شدن زندگی سعادت‌مندانه و مطلوب انسان، هم تزکیه ی اخلاقی فرد که گوهر او را از زشتیها و آلودگیها برهانند، و هم حرکت و تلاش جمعی که میدانهای زندگی را بروی او بگشاید و او را در چالش ناگزیرش با طبیعت و با نگهبانان رژیم های ستم و استکبار یاری دهد، ضروری و حتمی است.

اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادت‌مندانه یاری می دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می کند. همه ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه ی خطوط اصلی در شیوه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم تنیده ی این نسخه ی زندگی بخش و سعادت آفرین است.

همین مراسم جاودانه یی که حجگزاران در آستانه ی آنند، خود مجموعه ی گویا و پرنکته یی است از ذکر و شور و حال معنوی و درونی، در ضمن حرکت و تلاش و هماهنگی سازنده ی جمعی.

حج، در آئینی پُر راز و رمز، و در آمیزه ی شگفت آوری از سُکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، و حرکت و تلاش درونی و بُرونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسانِ مسلمان، در راه تحقق حیات طیبه ی انسانی را در برابر چشم آدمی می گذارد و حجگزار را به تمرین عملی وظائف بزرگ خود وادار می سازد.

جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند

امروزه جوامع گوناگون بشری، در خلاء معنویت و در سرگردانی و حیرت و گرفتاریهای بزرگ اجتماعی و فردی که بدست زر و زورسالاران جهانی بدان دچار شده اند، به اسلام و رهنمودها و درسهای بزرگ آن نیازمندند، و دعوت اسلامی نه فقط برای ملت‌هایی که در آتش فقر و استضعاف می سوزند، بلکه به همان اندازه برای مردمی که در مردابهای پوچی و سرگردانی و فقر معنوی در کشورهای ثروتمند و پیشرفته دست و پا می زنند، جذاب و نافذ و امیدبخش است. گرایش روزافزون به اسلام در میان قشرهای جوان و آزرده از پوچی دنیای مادی در کشورهای پیشرفته ی غربی، که آمارها و تحقیقها بدان گواهی می دهد، نشانه ی این جذابیت و نفوذ است.

مسلمانان جهان با درست شناختن و برآستی قدر دانستن این سرمایه ی بزرگ، قادر خواهند بود که تحولی حقیقی در زندگی خود پدید آورند و کشورهای اسلامی را از ضعف و وابستگی و عقب ماندگی و انحطاطی که امروزه بدان دچارند، نجات بخشند.

اثبات حقانیت نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام

اگر روزی بر اثر کج فهمیها و غرض ورزیها چنین وانمود می شد که اسلام فقط در محدوده ی مسجد و محراب یا در زندگی فردی و درونی انسان به کار می آید و در عرصه ی سیاست و اقتصاد و مبارزات اجتماعی و میدانهای بین المللی، ساکت و بی تفاوت است، و اگر روزی نظریه ی جدایی دین از سیاست، همچون دستمایه ی قدرتهای استعماری و سلطه های ظالمانه و حکومتهای استبدادی برای خاموش کردن انگیزه های اصلاح طلبانه ی مسلمانان و نابود ساختن زمینه ی قیامهای اسلامی، به کار می رفت، امروزه با سربرافراشتن جمهوری اسلامی در ایران و فائق آمدن آن بر همه ی توطئه ها و دشمنی های نظامی و سیاسی و اقتصادی، و یکتنه ایستادن آن در برابر جبهه ی وسیع کفر و استکبار و استبداد، و ناکام ساختن امریکا و صهیونیزم و همدستان آنان که با همه ی توان

به نابودی یا انحراف آن کمر بسته بودند، و رشد و اقتدار روزافزون بیست ساله ی آن، همه ی آن کج فهمیها و غرض ورزیها خشی گشته و نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام، حقایقیت و درستی خود را در میدان عمل به اثبات رسانده است.

جمهوری اسلامی توانایی های خود را به اثبات رسانده است

جمهوری اسلامی با پیمودن مسیری دشوار که یکسره پوشیده از مانعها و دامهایی بود که سردمداران نظام سلطه ی جهانی و زر و زورمداران بین المللی بر سر راه او نهاده بودند و با پیروز شدن در نبرد نظامی هشت ساله و نبردهای سیاسی و امنیتی و اقتصادی و تبلیغی بیست ساله، توانسته است قدرت خود را در اداره ی کشور، و بسیج توده های میلیونی، و پیش بینی و مقابله با حوادث بزرگ، و حضور موفق در چالش های بین المللی به اثبات برساند و توانایی و ابتکار خود را در سازندگی و پیشرفت و ترمیم ویرانیها، آنهم با وجود صف آرائیهای ظالمانه ی جهانی در برابر خود و نداشتن هیچگونه کمک سیاسی و اقتصادی از بیرون، در معرض دید همگان بگذارد. و علاوه بر اینها نهضت بیداری مسلمانان و اقدامهای بزرگ ملل اسلامی را که نشانه ی زنده شدن هویت اسلامی در آنان است تقویت و تسریع کند. امروز به برکت پیروزی اسلام در ایران، در همه جای جهان اسلام موج بیداری اسلامی رو به افزایش و اقتدار است.

اینک این اسلام است که سرفرازتر از همیشه در صحنه ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج کشیده ی این عصر بر می افروزد. و این است بزرگترین سرمایه ی امت اسلامی.

ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه ی بی زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرها یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون.

خطر درونی و دشمن بیرونی امت اسلامی

خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه ی فکری، و یا

مجموعه‌یی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران برهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه‌های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.

ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوه بزرگ و جدی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی‌خوانیم، همانا کوشش همه جانبه‌ی دشمنان ما با استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران

حقیقت آن است که امپراتوری بین‌المللی زر و زور، به سردمداری امریکا، با همه‌ی توان خود در برابر تأثیر جمهوری اسلامی بر جهان اسلام، به جدّ و جهد مشغول است.

رژیم امریکا و شبکه بین‌الملل صهیونیسم با مأیوس شدن از مقابله‌ی نظامی و اقتصادی با ایران اسلامی، اینک بر تلاش تبلیغی و سیاسی خود افزوده‌اند. هدف از این تلاش، تأثیرگذاری بر فکر و روحیه‌ی مسلمانان علاقه‌مند به جمهوری اسلامی در سراسر جهان و نیز بر ذهن و فکر مردم مؤمن ایران است.

آنان در این صددند که جمهوری اسلامی را که امروزه در جهان، مظهر جامعیت اسلام شمرده می‌شود، در موضع دفاعی قرار داده، ابتکار عمل را در میدان معارضه با دشمنانش از دست او خارج کنند، و برای این مقصود در چهره‌ی منافقانه و ریاکار، شعارهای مردم‌پسند مانند: حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر می‌دهند و جمهوری اسلامی را به بی‌اعتنایی به این شعارها، متهم می‌سازند.

چهره ی دوگانه رژیم امریکا

رژیم امریکا در حالی از حقوق بشر دم می زند که زشت ترین تصویر از نقض حقوق بشر را در رفتار مستکبرانه اش با ملت‌های ضعیف جهان از خود بر جای می گذارد؛ در حالی ادعای مبارزه با تروریسم می کند که خطرناکترین تروریست‌ها را در حمایت خود قرار می دهد؛ در حالی از دموکراسی سخن می گوید که از مستبدترین حکومتها در برخی مناطق جهان پشتیبانی می کند؛ در حالی بنام آزادی شعار می دهد که کمترین سخن آزادانه را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه های خطرناک و ستمهای روزافزون یهودیان صهیونیست- نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند- تحمل نمی کند؛ در حالی بنام حقوق زن بر ضد جمهوری اسلامی تبلیغ می کند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدی و سوءاستفاده و اهانت است؛ در حالی خود را پرچمدار مشارکت مردمی در حکومت می شمارد که هر جا مردم مسلمان حکومتی تشکیل دهند، با همه ی عده و عده در مقابل آنان به میدان می آید و از کودتاهای نظامی و توطئه های سیاسی بر ضد آنان با همه ی وجود پشتیبانی می کند.

سیاهه ی جرایم رژیم امریکا

در قضاوت سیاسی امریکا، آوارگان فلسطینی و لبنانی که با اشغالگران خانه ی خود مبارزه یی مظلومانه می کنند، تروریست اند؛ ولی تروریستهای صهیونی که مستمراً به روستاها و شهرهای لبنان حمله ی نظامی می کنند و زندانیان فلسطینی را با شیوه های قرون وسطایی شکنجه و آزار می دهند و خانه های فلسطینیان را خراب و بجای آن آبادیهای صهیونیستی احداث می کنند، شایسته ی کمکهای میلیاردی اند! نظامی همچون جمهوری اسلامی که مظهر قویترین پیوند میان مردم و مسئولان است و قانون اساسی و همه ی ارکان اصلی حاکمیت در آن و اصل نظام آن با رأی و اراده و انتخاب مردم تعیین و برگزیده شده اند، غیر دموکراسی است؛ ولی مستبدترین حکومتهای فردی که در طی سالهای متمادی حتی یکبار مردمشان قدرت انتخاب حکومت و حاکم و قانون را نیافته اند، مقبول و خالی از ایراد است! برای جمهوری اسلامی که هرگز به هیچ کشوری

حمله‌ی نظامی نکرده، داشتن سلاح غیر اتمی هم ناروا است و غضب و توقیف قطعات یدکی و هواپیما و بالگردانهای قبلاً خریداری شده‌ی آن مجاز است؛ ولی پر کردن منطقه‌ی خلیج فارس از انواع سلاحها و جنگنده‌های غیر لازم و تجهیز روز افزون رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی بی‌اشکال، بلکه لازم است! در منطق تبلیغاتی امریکا و شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیستی، اعدام قاچاقچیان هروئین در ایران، نقض حقوق بشر است؛ ولی ربودن مردم لبنان و بمباران روستاها و تیرباران بی‌پناهانی که از روستای خود گریخته‌اند، حتی خدشه‌ی هم در حقوق بشر نیست! کمک به مسلمانان مظلوم در منطقه‌ی بالکان برخلاف مقررات بین‌المللی است؛ ولی راه اندازی کودتای نظامی در کشورها بوسیله‌ی سازمان سیا و موساد، با مقررات بین‌المللی مخالف نیست! کمک به دولت عراق در هنگامی که به مردم حلبچه و جبهه‌های ایران حمله‌ی شیمیایی می‌کند، جرم نیست؛ ولی کمک غذایی به ملت عراق که بر اثر محاصره امریکا سالانه پانصد هزار کودک آن تلف می‌شوند، جرم است!

رژیم امریکا با سیاهه‌ی جرائمی که فقط گوشه‌ی بی‌از آن گفته شد، مدّعی رهبری جهان و طرفدار جهان تک‌قطبی به ریاست سران و سیاستمداران کم‌وزن و گرفتار خویش است و به گمان باطل خود قادر خواهد بود ملت با شرف ایران و سیاستمداران پاکدامن و نظام ریشه‌دار و مردمی آن را در موضع دفاعی قرار دهد.

جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می‌رود

برادران مسلمان ما در همه‌جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ترسیم کرده، به پیش می‌رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسئولان کشور و وحدت کلمه‌ی مردم مؤمن و رشیدش در ادامه‌ی خط امام خمینی عظیم راحل همه‌ی توطئه‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزبه‌روز به هدفهای بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد، و همانطور که در این بیست سال بارها با نصرت الهی، دشمن را ناکام ساخته باز هم با ایمان و عمل صالح خود، نصرت و رحمت الهی را شامل حال

خویش خواهد ساخت ان شاءالله.

در خاتمه از همه ی برادران و خواهرانی که از هر نقطه ی جهان در آن قبله ی دلها گرد آمده اند تقاضا می کنم که دست تضرع برداشته صلاح کار همه ی مسلمانان جهان و نصرت اسلام و مسلمین را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

علی الحسینی الخامنہ ثی

بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت

مصادف با اول ذی الحجہ ۱۴۱۹

بیانات در دیدار با کارگزاران حج (۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۸ ه. ش.).

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۸ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت

به همه ی برادران محترم و خواهران گرامی خوش آمد عرض می کنم و از همه ی شما دست اندرکاران فریضه ی عظیم حج تشکر می کنم. امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که امسال هم مثل سالهای پیش - بلکه بهتر از سالهای پیش - این واجب بزرگ، در موسم خود، و با شرایط و حدود خود، ان شاءالله اقامه بشود و مردم ما بتوانند معنا و مفهوم الهی و اجتماعی و سیاسی حج را در وجود خودشان حس کنند و آن را در فضای دنیای اسلام مجسم نمایند.

حج از یک طرف مظهر معنویت است؛ ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا؛ از یک طرف مظهر وحدت است؛ یکپارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجابها و پُر کردن دره ها و شکافهایی که یا به دست دشمن، یا به وسیله ی تعصبات و اوهام به وجود آمده است، و نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحده ی اسلامی است؛ و از طرف دیگر مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است. اگر ان شاءالله این سه جهت در حج متجسد و مجسم بشود، حج فایده ی خود را بخشیده است. اول، شما و حاجی هستید که از حج بهره می برید؛ در مرتبه ی دوم، دنیای اسلام و جامعه ی اسلامی و امت اسلامی است که این بهره را می برد.

یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می کند. الآن فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنوی تر شدن است. وقتی حجاج برمی گردند، باز باری از معنویت با خود می آورند؛ یعنی سوغات روحیه و معنویت. هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می شود؛ باید این طور باشد.

فضای کشور؛ مشحون از معنویت

من امروز به مناسبت این که کشور و ملت ما بحمدالله بعد از بیست و دوم بهمن و آن آزمایش بزرگ الهی، و قبل از انتخابات قرار دارند، لازم است این را عرض بکنم که فضای معنوی برای همه چیز یک کشور مفید است؛ فقط مسأله ی گرایش به آخرت و معنویات نیست. فضای معنوی، حتی برای اداره ی دنیای یک کشور هم مفید است و این به برکت انقلاب در کشور ما به وجود آمد و امروز فضای کشور ما تا حدود زیادی مشحون از معنویت است. لذا شما می بینید وقتی که جای حضور مردم می رسد، توده های مردم چه طور با روحیه و با شادابی، قدم در میدان می گذارند. چه چیزی انگیزه ی مردم است؛ جز همان عامل معنوی؟ من همین جا لازم می دانم از ملت عزیزمان به خاطر شکوهی که در بیست و دوم بهمن امسال آفریدند، تشکر کنم؛ اینها خیلی مهم است.

در همان حالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشمن با تمام قوا سعی می کنند مردم را با گذشته ی خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشی بسپارند و سعی کنند به خیال خودشان ارزشهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بیندازند، وقتی بیست و دوم بهمن می رسد، شما می بینید که در تهران و شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و حتی در نقاط دوردست و بسیاری از روستاها، مردم بیرون می آیند؛ نه کسی از آنها دعوتی می کند، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می آیند؛ این همان عامل معنوی است.

دشمنان ما دچار تناقض اند

من عرض بکنم که طراحان و کمین گرفتگانی که منتظرند از ملت ایران نشانه یی

بروز کند که آنها امیدوار بشوند که مردم با انقلاب میانه‌ی بی‌ندارند و از انقلاب جدا شده‌اند- که واقعاً کمین هم گرفته‌اند- اینها دچار تناقضند! از یک طرف بعضی از اظهارات و بعضی از تیرهای روزنامه‌ها را نگاه می‌کنند، که نشانه‌ی این است که همه‌ی معنویات در این کشور از بین رفته است؛ دیگر از انقلاب و از امام خبری نیست و همه چیز به دست فراموشی سپرده است؛ اینها خوشحال می‌شوند و خیال می‌کنند که همین طور است؛ اما بعد نوبت حضور مردم که می‌رسد- مثل روز بیست و دوم بهمن- ناگهان با سیل عظیم مردمی، با شعار اسلام، با شعار انقلاب، با یاد امام، با بزرگداشت خاطره‌های پُرشکوه گذشته مواجه می‌شوند! اینها دچار تناقضند و نمی‌دانند که چه بکنند؛ لذا در طراحیهایشان دائماً در حال رفت و برگشت و ترددند!

ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می‌زنند که ممکن است بعضیها را مرعوب بکند؛ اما حقیقت قضیه غیر از این است؛ ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دلهای مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند.

انتخابات هم همین طور است من لازم می‌دانم به این مناسبت، راجع به انتخابات، دو، سه جمله‌ی عرض کنم.

انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی

انتخابات، فقط یک پدیده‌ی سیاسی نیست؛ انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق، مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا- چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر دنیا- روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیل‌گران و سیاستگذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوقها بیایند و رأی بدهند؛ این نشانه‌ی استحکام یک نظام است؛ که بحمدالله ما این را در انتخاباتهای گوناگونی که در این سالهای متوالی

داشته ایم، همیشه نشان داده ایم و مردم حضور قوی بی داشته اند.

هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند؛ این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظامهای گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند؛ نظام جمهوری اسلامی این را داده است؛ باید مردم بروند و استنقاذ کنند.

گاهی یک رأی هم مؤثر است

گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچکس نگوید رأی من تنها چه تأثیری دارد.

گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می گذارد. شما می توانید با رأی دادن خودتان، آن شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه ی حساس - آن جایی که رأی یک نماینده می تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند - رأی او کارساز خواهد بود؛ لذا هیچ وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، ان شاء الله همه ی مردم - زن و مرد، پیر و جوان، و هرکس که از لحاظ قانونی می تواند رأی بدهد - بروند و رأی بدهند و انتخابات را پرشور و پررونق بکنند.

هرکس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش بینی من این است که آن چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون دیده ایم، ان شاء الله در این انتخابات هم مردم پرشور و با علاقه شرکت می کنند و حضور

خودشان را اعلام خواهند کرد و در واقع طرفداری خودشان را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهند داد.

برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی

نکته ی دوم این است که انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام بگیرد؛ دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلايق مختلفی هستند و مردم هم نگاه می کنند و ان شاء الله با شناسایی و با تدبر انتخاب می کنند و رأی خواهند داد؛ این کار باید در فضای آرام انجام بگیرد؛ این افتخار ماست. ما چند روز قبل از این، بیست و یکمین سالگرد انقلاب را جشن گرفتیم و چند روز بعد نیز بیست و یکمین انتخابات را در کشورمان برگزار خواهیم کرد؛ این چیز کمی نیست؛ چیز خیلی مهمی است؛ حالا- بنشینند دیگران برای ملت ما غصه بخورند که این کشور باید طرف دموکراسی برود! دموکراسی چیست؟ اگر منظور از دموکراسی، همین حضور و دخالت و شرکت و انتخاب مردم است، بفرمایید کجای دنیا چنین چیزی را سراغ دارید؟! آن کسانی که با پول و قدرت سیاسی امریکاییها سالها بر این مملکت حکومت کردند و همه چیز این مملکت را ضایع کردند، آیا یک بار توفیق پیدا کردند که چنین انتخاباتی را در سرتاسر این کشور به وجود بیاورند؟! بیست و یک انتخابات، در بیست و یک سال؛ این شوخی است؟! در تمام این آزمایشهای بیست و یک گانه، فضای این کشور تا امروز این طور بوده است؛ فضای آرام، فضای صمیمی.

تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است

البته بعضیها تبلیغ می کنند و حرف می زنند. فضای خشونت سیاسی و تشنج سیاسی و نفرت، به حال انتخابات مضر است؛ یک عده را از عرصه ی حضور در انتخابات بیزار می کند؛ یک عده را دچار تردید می کند؛ دلها را مرده می کند و امیدها را کم می کند. من می بینم متأسفانه بعضیها با اظهارات خود در برخی از این نوشتجاتی که منتشر می شود،

سعی می کنند فضای نفرت را بر جامعه حاکم کنند؛ این یکی به جناح چپ بد می گوید، آن یکی به جناح راست بد می گوید؛ اینها کجا می روند؟! کجا دارید می روید و چه می خواهید؟! چیست این تعبیراتی که ساخته اند و غالباً هم اینها را دشمن در دهانشان گذاشته و پرتاب کرده و یک عده آدم غافل - حالا نمی گوییم مغرض؛ اما بعضیشان هم قطعاً مغرضند - همینها را گرفته اند و مرتب لب می جنبانند و این حرفها را تکرار می کنند؟! چپ و راست چیست؟! این ملت، ملت مسلمان و مؤمن و یکپارچه بی است. این ملت، با هم این انقلاب را به وجود آوردند؛ با هم بیست و یک سال این نظام را حفظ کردند؛ با هم یک خطر بزرگ را در طول هشت سال جنگی که بر ما تحمیل شده بود، دفع کردند؛ بنابراین ملت باهمند؛ این دیوار کشیها چیست؟! یک عده با یک نامی در گوشه بی، یک عده با یک نامی در گوشه ی دیگری، همین طور مردم را تکه تکه می کنند. البته مردم هم نشان داده اند که به این حرفها اعتنایی ندارند؛ این هم معلوم است. مردم راه خودشان را می روند، کار خودشان را می کنند؛ حالا هم آنها بروند و کار خودشان را بکنند.

باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضیها با اصرار بر این که قرار است خشونت و تشنج بشود، ذهنها را دچار تشنج می کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می کنم، این دو، سه روزی که از حالا تا پایان رأی گیری باقی مانده است - که شاید بعد به مرحله ی دوم هم کشیده شود - در تمام این مدت، مردم عزیز ما و بخصوص جوانان، احساساتشان را کنترل کنند و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشم باز نگاه کنند و انتخاب کنند.

باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم

البته سلايق هم زياد است؛ همه گونه سلیقه وجود دارد؛ تا حالا هم همین طور بوده است. هر کسی طبق سلیقه ی خود عمل کند؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می کنیم، یک جا می بایست جواب آن را بدهیم. این طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلاً انتخاب نمی کنیم، یا انتخاب می کنیم و کسی چه می فهمد! بله، مردم نمی فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خدای متعال که تشخیص می دهد؛ ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به

خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می تواند در مسائل مهم- در مسائلی که باید به خدا جواب داد- به آنها اعتماد کند، اعتماد بکند؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار بدهند و همه مراقب باشند.

بگذارید مردم کار خود را بکنند

من به این کسانی که همین طور یک گوشه نشسته اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می کنند، نصیحت می کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه ی انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه ی انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمدالله در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست.

خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس

نکته ی بعدی هم این است که مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زور گویها و زیاده خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام قدس سره بارها اسم مدرّس را می آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالمتر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارباب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی کرد. همان وقتی که علی الظاهر فضا را بر ضد او آن چنان متشنج کرده بودند که علیه اش شعار می دادند، او ایستاد و حرف خودش را زد؛ این خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس است.

بعضی ها زود مرعوب می شوند

بعضیها زود مرعوب می شوند! من بارها عرض کرده ام که قدرتهای استکباری- یعنی

همین قدرتهای سلطه گر جهانی- که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می اندازند و دولتها و ملتها را زیر یوغ خودش می کشانند، عمده ی کارشان از ترساندن می گذرد.

قدرت واقعیشان آن قدر نیست که بر زبان می آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تا حالا- این انقلاب این طور رشد نمی کرد و این گونه نمی ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه گران امریکا و صهیونیستهای عالم، آن چنان که ادعا می کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده ی کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمی شود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمی شود؛ یک نمونه ی زنده اش را در زمان خودمان دیدیم- یعنی امام قدس سره- و هزاران نمونه ی دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم. این جوانان مؤمن و پاکباخته، از خدا ترسیدند؛ از هیچ کس غیر خدا ترسیدند؛ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. در گوشه و کنار، افراد و رادیوها و عوامل دشمن مرتب به اینها می گفتند، شما دارند توطئه می کنند؛ بناست ضربه بزنند؛ بناست چنین بکنند؛ بناست چنان بکنند؛ برای این که اینها را بترسانند؛ اما اینها گفتند نه؛ ایمانشان بیشتر شد؛ گفتند حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ خدا ما را کافی است؛ ما به خدا اعتماد داریم و به او اطمینان می کنیم. آن وقت خدای متعال می فرماید: فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضَّلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ. بله، وقتی کسی به خدا اتکا بکند، این گونه است. آن کسانی که دوران جنگ را دیدند و در آن صحنه ها بودند، می دانند که من چه می گویم. تمام قدرتهای مسلح عالم دست به دست هم دادند، برای این که بتوانند یک وجب از خاک این کشور را بگیرند؛ بتوانند بگویند مرز ایران از این نقطه چند کیلومتر عقب آمد؛ اما نتوانستند. این ملت در مقابلشان ایستاد؛ لذا نتوانستند. خدا کمک می کند و نمی گذارد دشمن غلبه پیدا کند.

مرعوب شدن، صفت خیلی بدی است. حالا یک وقت انسان در خانه ی خودش نشسته است و مرعوب می شود- این یک نفر آدم است- اما یک وقت انسان در مسند

مسئولیتی نشسته است- در مجلس است، در دولت است- او اگر مرعوب شد، واویلاست! مرعوب شدن او، یعنی از دست دادن بسیاری از امکانات این ملت! نماینده نباید مرعوب بشود.

نماینده نباید مفتون و فریفته شود

از طرف دیگر، نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضیها مفتون و فریفته می شوند و دهنشان باز می ماند؛ اینها آدمهای ساده لوحی هستند که راه حلهای خیالی اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی یی که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می شود، آنها را از خود بی خود می کند! سالها تجربه می کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاکستر سیاه می نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته ی از شرایط خاص این ملت و این کشور، راه حل ارائه شده ی از سوی اسلام باشند. اسلام در همه ی مسائل، همه ی راه حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می فهمیم، اگر ما بد می فهمیم، اگر ما دنبالش نمی رویم و نمی رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم.

نماینده، طمع ورز نباشد

نماینده، طمع ورز هم نباید باشد. بعضیها دهانشان که به اندک چیزی از طرف دشمن شیرین شد، همه چیز را از دست می دهند! اگر بخواهید نماینده یی مرعوب نشود، مفتون نشود، دچار طمع نشود، سراغ آدم امین و متدین بروید. معروف است که آدمهایی که خودشان هم امین نیستند، وقتی بخواهند مالشان را نگهدارند، دست یک آدم امین می دهند! امانت، یک ارزش است. ممکن است انسان متدین یک وقت اشتباه هم بکند؛ اما وقتی که فهمید اشتباه کرده، برمی گردد؛ این خیلی ارزش است. اینها مثل آن کسانی نیستند که اگر اشتباه می کنند، پا روی لغزشگاه می گذارند و به طرف جهنم می لغزند؛ وقتی هم فهمیدند، سرحرفشان می ایستند که نخیر، همین است؛ و تا آن اعماق می روند! پس، انتخاب نماینده مهم است.

باید درباره ی نماینده تحقیق کرد

البته تبلیغات هست. متأسفانه این روشهای غربی در خیلی از چیزهای زندگی - از جمله در تبلیغات - غالباً به ضرر ملتهاست؛ خودشان هم حالا در آن مراکز به این تبلیغات خیلی اعتنا نمی کنند. در یکی از این انتخاباتهای اخیر کشور امریکا - با این که این همه هم تبلیغات انجام می شود - گفتند سی و چند درصد از مردم شرکت کردند! خود آنها از این تبلیغات زده شده اند؛ اما حالا - بعضیها همان سوغاتی را به این جا آورده اند و برای پُر کردن چشم مردم، تبلیغات سبک آنها را انجام می دهند! این تبلیغات ارزشی ندارد.

بایستی نگاه کرد، تحقیق کرد، از انسانهای صالح جستجو و پُرس و جو کرد و به یک شخص رسید؛ هر کس بود، دیگر فرقی نمی کند. اگر شما تحقیق کردید، ولو اشتباه هم کرده باشید، خدای متعال اجر خواهد داد؛ خدای متعال مؤاخذه نخواهد کرد. باید تحقیق کرد و این کار را به بهترین وجهی انجام داد؛ این آزمایش بزرگ ملت و دولت و دست اندرکاران است.

مردم باید توی دهان دشمنان بزنند

باز همین اخیراً بعضی از این حضرات امریکاییها لحن جنانده اند و راجع به انتخابات حرف زده اند. یکی گفته است که ما داریم با دقت نگاه می کنیم و امیدواریم که فلان طور آدمها به مجلس بیایند! مردم باید توی دهان اینها بزنند. آن یکی گفته است که ما مسأله ی ردصلاحیت شدگان را تعقیب می کنیم! مسؤولان کشور خیلی باید چشمشان باز باشد. چه اتفاقی می افتد که یک دشمن - اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و می خواهند سلطه ی خودشان را مجدداً بر این کشور مستقر کنند - از این که کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران می شوند؟ آیا این نشانه ی آن نیست که آنچه که به عنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام می گیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمی فهمند چه می گویند و حرفهایشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.

دشمن کمین گرفته است

دشمن دهان را باز کرده است. یک روز این کشور با همه ی امکاناتش در اختیار امریکا و عوامل امریکا بود؛ انقلاب آمد، مسأله را بکلی دگرگون کرد؛ ملت را مستقل کرد، کشور را مستقل کرد، منابع کشور را مستقل کرد؛ اینها کمین گرفته اند و سینه خوابانده اند، تا بلکه بتوانند مجدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرند؛ ملت باید بیدار باشد؛ و بیدار است. به فضل الهی، حضور مردم در این انتخابات و انتخاب خوبی که این مردم خواهند کرد، یک بار دیگر امریکا و مستکبران و مراکز صهیونیستی را- در هر جای دنیا که هستند- ناکام خواهد کرد.

امیدواریم که خداوند متعال شماها را در این کاری که شروع کرده اید- خدمتگزاری به فریضه ی بزرگ حج- موفق بدارد؛ ان شاءالله حج شما را حج مقبولی قرار بدهد؛ این زحماتی را که در این راه می کشید، زحمات مقبول و مشکوری قرار بدهد و بتوانید- چه در رفتن، چه در آن جا، و چه در بازگشت حجاج- فضای معنوی کشور را هرچه بیشتر رنگین تر کنید.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۲۳/۱۲/۱۳۷۸ ه. ش.).

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۲۳/۱۲/۱۳۷۸ ه. ش.).

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

امت اسلامی از حج استفاده ی شایسته را نمی برد

برادران و خواهران مسلمان!

حج گزاران امت اسلام! سلام علیکم و رحمه الله

روزی که منادی بزرگ توحید ابراهیم و فرزندش اسماعیل قدس سره پایه های کعبه را در میان دره ها و کوههای دور افتاده و خشک بنا می نهادند، دورین ترین چشمهای بشری نیز نمی توانست آینده ی آن را همچون کانون گرم ایمان و امید و قبله ی دلها و جسمها درگمان آورد. امروز کعبه، مرکز معنوی جهان اسلام و بزرگترین مجمع هرساله ی امت اسلامی است. سرچشمه ی جوشان عشق و امید، و دریای خروشان عظمت و اعتماد، و محل التقا روده های بزرگ قومیت ها و ملتها است. اخلاص بنیانگذاران و قبول خدای سمیع و علیم، آن بذر را به چنین درخت پر بار و شاخه گستره ی بدل کرده است.

آیا امت اسلامی از این منبع پرفیض بهره ی شایسته را می برد؟ پاسخ این سؤال، دردناک و تکان دهنده است.

جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است

امروز جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است. شاید مهمترین آنها این دردهای

دهگانه است: منازعات سیاسی و مذهبی، سست شدن رشته های اخلاق و ایمان، عقب ماندگی علمی و صنعتی، وابستگی سیاسی و اقتصادی، اسراف و اشرافیگری و غرور در کنار فقر و گرسنگی و ذلت، ضعیف شدن اعتماد به نفس و امید به آینده در سران، منزوی کردن دین و گسستن آن از سیاست و زندگی، بی ابتکاری در آفرینش مفاهیم نو که قرآن منبع بی زوال آن است، تسلیم در برابر تهاجم فرهنگ تحمیلی غرب، و بالاخره: پایمال شدن عزت ملت های مسلمان با ذلت پذیری و طمعکاری برخی سران سیاسی.

این بیماریها که برخی از برخی دیگر و همه در طول زمان اند در خیانت و بی ارادگی و جهالت و استبداد عناصر داخلی یا از دشمنی و شیطنت و ظلم بیگانگان پدید آمده، بزرگترین ضربه ها را بر امت اسلامی وارد آورده است.

ناکامیهای جهان اسلام، نتیجه ی این بیماریها و تنها راه خوشبختی و کامیابی، نجات از آن ها است.

سیاستمداران و رجال دینی امت اسلامی چاره یی نمی اندیشند

امروز ثروتهای طبیعی جهان اسلام به تاراج می رود، ذخیره ی فرهنگی و فکری گرانبهای آن در زیر حجابی از پوشالهای تبلیغاتی مهاجمان فرهنگی عمداً پنهان می ماند، استعدادها و مغزهای جوان آن ربوده می شود، قوای آنان در منازعات نظامی و سیاسی نابود می گردد، بی مبالائی و ولنگاری اخلاقی و اعتقادی، از راه مدرنترین ابزارهای ارتباطی، همچون گندابی به درون محیط زندگی و درس و ورزش جوانان آن نشت می کند، نفت آنان، روز بروز بر ثروت کمپانیها و خزانه ی مالیات گیرندگان بیگانه می افزاید و بجای صاحبان اصلی، دشمنان آنان را فربه میسازد، در قلب جهان اسلام و در گوشه و کنارهای آن- در آسیا و افریقا و اروپا- تازیانه ی ظلم و خشم کافران بر پیکر میلیونها مسلمان فرود می آید و فلسطین و لبنان در آتش قساوت صهیونیستها می سوزد، ..

و اینهمه درد و رنج، سیاستمداران و رجال دینی و روشنفکران امت اسلامی را به چاره سازی بر نمی انگیزد.

این در حالی است که در همه جا دستمایه های ارزشمند برای پایه گذاری یک وضع نوین و نجاتبخش، هست و ابزار و انگیزه ی لازم برای تحوّل، بوضوح در همه ی کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. امروز کمتر کشور اسلامی است که احساس و انگیزه اسلامی در نسل جوان، و پایبندی عمیق ایمانی در بیشتر مردم، و نگرانی از وضع موجود و امید به دورنمای اسلامی، در آن بطور آشکار دیده نشود.

حصار نومییدی بر گرد ملت‌های اسلامی

آنچه می تواند از فعال شدن این امکانات مانع شود، در درجه ی اوّل آن است که قدرت سیاسی در داخل کشورها در سمت و سوی این آرزوها و خواست ها نیست و در مواردی حکومتها با ضعف یا وابستگی یا استبداد و مردم ستیزی که دچار آنند قادر بر همراهی و همکاری با آرزوهای بزرگ اسلامی مردم نیستند.

از سوی دیگر عظمت جهان اسلام و قدرت تاثیر گذاری آن بر وقایع جهانی از چشم آنان پوشیده است و در نتیجه هر ملّتی خود را در برابر فشار قدرتهای اسلام ستیز استکباری تنها می بیند و مقابله با هجوم سیاسی و تبلیغاتی و احیاناً نظامی آنان را ناممکن می یابد.

و بالاخره از سوی دیگر تجربه ی عملی و عینی حاکمیت اسلام در عصر کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران در پشت غبار غلیظی از تبلیغات خصمانه پوشیده است و صدها رسانه ی صوتی و تصویری و نوشتاری و هزاران مغز و قلم مزدور هر روز در کار وارونه نشان دادن حقایق آن، درشت کردن ضعفها و ناکامیهای آن و انکار کردن موفقیتها و پیشرفتهای آنند.

اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه ی التقا و مرکز اجتماع همه ساله، بدرستی بهره ببرند بخش مهمی از این حصار نومییدی و تلقین ضعف که بر گرد ملت‌ها کشیده شده است ویران خواهد شد.

موسم حج، می تواند عظمت و تنوع و اقتدار معنوی و انسانی دنیای اسلام را هر ساله بطور محسوس در برابر چشم مردمی از همه ی کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و

شناسائی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد. در حج همه ی ملتها می توانند خبرهای حقیقی از حال برادران را به دست آورند و حجاب تبلیغات خصمانه ی دشمنان جهان اسلامی را درنوردند، و با بهره گیری از فضای معنوی بیت الله الحرام، خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راه بازگشت به حاکمیت اسلام و کسب عزت و استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشورهای خود آماده سازند.

حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود

ایجاد حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی، یک زایش مبارک و البته دردآلود است. مرحله ی بعدی که حفاظت از مولود و تغذیه ی مادی و معنوی و مراقبت از رشد و تکامل روز به روز آن است، بسی دشوارتر و مجاهدت برای آن بسیار طولانی تر است.

در ایران اسلامی، این مولود با انواع دشمنی های آشکار و پنهان مواجه شد و بحمدالله اکنون در دوران استقلال و ثبات و بالندگی است، و البته طوفانهای دشمنی از سوی خبیث ترین مراکز استکباری و ضداسلامی همچنان از همه طرف او را احاطه کرده است. این نهاد دیریاب چون اولین نمونه در جهان معاصر بود و می توانست الگوی دیگر کشورها شود و منافع امریکا و صهیونیسم و دیگر جهانخواران را در سراسر دنیای اسلام تهدید کند، در معرض دشمنی خشم آلود و سراسیمه ی همه ی مراکز قدرت طلب جهان قرار گرفت؛ تحریکات قومی در داخل کشور، اولین حرکت دشمن بود، فعال کردن هسته های متشکل از مزدوران رژیم گذشته و تدارک کودتاهای نظامی و سپس تحریک یک دولت همسایه به تهاجم از مرزی بطول هزار و سیصد کیلومتر قدمهای بعدی بود که هر کدام به تنهایی برای قلع و قمع یک دولت ملی کافی بود. ولی جمهوری اسلامی فقط حکومتی ملی نبود، بلکه بنائی متشکل از همه ی آحاد ملت با ایمانها و انگیزه های ایمانی عمیق بود. جنگ آن همسایه ی خائن هشت سال بطول انجامید و با اینکه تلاش مغرضانه ی امریکا توانست ما را در معرض بددلی و سوء ظن برخی دیگر از همسایگانمان قرار دهد و کمکهای بی دریغ آنان را به سمت متجاوز سرازیر کند، در نهایت، جنگ افروز، خسته و تهیدست و شکست خورده از مرزهای ما عقب نشست.

در همه ی مدّت بیست و یک ساله ی عمر جمهوری اسلامی، امپراتوری خبری استکبار یکسره بر ضد ما تبلیغ کرده و برای بسیج افکار عمومی جهان در مقابله با حکومت اسلامی همه گونه سرمایه گذاری کرده است. سیاست خارجی و دستگاه امنیتی امریکا بکمک کلان سرمایه داران صهیونیست هر چه توانسته اند در ایجاد حصار اقتصادی و معارضه با تلاش سیاست خارجی جمهوری اسلامی، کوشش کرده اند. در سراسر جهان دهها گروهک تروریست یا مجموعه های مزدور سیاسی از وطن فروشان خائن، با پول و وعده و پشتیبانی دشمنان در حال عملیات خرابکارانه اند و صدها شهید نامدار و جاودان که محصول جنایتهای حقیرانه ی این مزدورانند، تاریخ انقلاب ما را رونق پایداریِ مظلومانه بخشیده اند.

جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می رود

کوتاه سخن آنکه بیش از بیست سال است که جبهه ی دشمن ما که در رأس آن امریکا و صهیونیسم است، با همه ی توان و با همه ی تدبیر و با همه ی تلاش خود با مولود مبارک انقلاب یعنی نظام جمهوری اسلامی می جنگد.

علیرغم آنان بیش از بیست سال است که نظام جمهوری اسلامی یک لحظه را برای رشد و بالندگی و ثبات خود از دست نداده و امروز نیرومندتر از همیشه، همان ندای اسلام و وحدت اسلامی و عزّت اسلامی را که مایه ی پریشانی و سراسیمگی دشمنان است با همان قوّت و انگیزه ی آغاز کار سر می دهد.

امروز یازده سال پس از رحلت معمار و بنیانگذار این بنا، امام خمینی عظیم، جمهوری اسلامی به سمت همان هدفی که او ترسیم کرده و از همان راهی که او نشان داده به پیش می رود.

افتخار این ثبات و اقتدار اولاً متعلق به ذات اسلام و تعالیم راهگشا و عزّت بخش آن و ثانیاً متعلق به ملت ایران است که مؤمنانه در راه اسلام پانهادند و مخلصانه فداکاری کردند و صبورانه از دستاوردهای آن پاسداری نمودند.

بی شک اگر ضعفهای ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی و کوتاهیها و غفلتهای

موجه یا ناموجه ما نمی بود، امروز جمهوری اسلامی به برکت احکام و معارف نورانی اسلام فصل بزرگتری از مشکلات را پشت سر گذاشته و به هدفهای خود نزدیکتر از این شده بود.

دروغ رذالت آمیز استکبار

امروز مانند همیشه ترفند عمده ی تبلیغاتی استکبار آن است که وانمود کند ملت ایران و دولت اسلامی آن از هدفهای ترسیم شده ی خود روی گردانده است. این دروغ رذالت آمیزی است که هدف آن نومید کردن شیفتگان حاکمیت اسلام در سراسر جهان و سست کردن همت جوانان در داخل کشور ما است.

در پی همین خدعه ی استکباری است که پس از بیست و یکمین انتخابات سراسری ما که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مشخص می کند، سران استکبار از حضور چیزی که بر آن نام دموکراسی می نهند در ایران ابراز شادمانی کردند. برای آنان دشوار است که به وجود مشارکت مردمی در تمام سالهای بعد از انقلاب تا امروز اعتراف کنند.

دشوار است که بپذیرند انتخابات با همین شور و وسعت در چهار سال قبل برای تشکیل دوره ی قبلی مجلس و در سه سال قبل برای تعیین رئیس جمهور اتفاق افتاده است.

آنان بیهوده خود را به اینکه شاید مخالفان حاکمیت اسلام و دلدادگان تجدید سلطه ی استکبار بر ایران، به مراکز قدرت راه یابند دلخوش می کنند. این همان بدفهمی و امید پوچی است که امریکا و مزدورانش را بارها در چالش با نیروی عظیم اسلام و اراده ی پایدار ملت ایران دچار ناکامی کرده است.

ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد

اینجانب با اتکال و اعتماد به خداوند عزیز حکیم، و با ایمان عمیق و خلل ناپذیر به احکام نورانی و نجاتبخش اسلام، و با معرفت کامل به ملت بزرگی که خود از دل آن برآمده و همه ی عمر را در میان آن گذرانیده و با عشق به آن به سالهای آخر عمر

رسیده ام، به دوستان و نیز به دشمنان اطمینان می دهم که این ملت راه اسلام را تا رسیدن به هدفهای بزرگ خود طی خواهد کرد و به همه نشان خواهد داد که عزت و رشد و پیشرفت مادی و معنوی و نیل به کرامت والای انسانی فقط در عمل همه جانبه به اسلام و قرآن است.

امریکا نمی تواند امیدوار باشد که دوباره ایران را در چنبره ی تسلط خود درآورد، که جوشش آرمانخواهی و مطالبه ی حاکمیت اسلام را در کشورهای اسلامی فروبشاند، که فلسطین را بی دغدغه در آغوش صهیونیستهای نژادپرست و سفاک بیفکند، که موج نفرت از خود را که روز بروز در دنیای اسلام رو به گسترش است بخواباند.

اگر این نگرش در میان دولتهای مسلمان عمومیت پیدا کند پرچم عزت اسلام بطور شایسته در جهان برافراشته می شود، حج کانون همبستگی واقعی و منبع لایزال نیروی اسلامی می گردد، ذخائر طبیعی جهان اسلام در خدمت ملتهای مسلمان درمی آید، فرهنگ غنی و حیاتبخش اسلام مجال کمک به بشریت را می یابد.

از خداوند متعال نزدیک شدن آن روز را مسألت می کنم و از همه ی شما حجاج محترم دعا برای فرج مسلمین جهان و کمک الهی به ملت مبارز ایران را درخواست می نمایم، و حجاج عزیز ایرانی را به کوشش هر چه بیشتر برای کسب فیض معنوی و حفظ متانت و وحدت و شرکت در جماعات و کسب ذخیره روحی و اخلاقی فرامی خوانم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

سیدعلی خامنه ای

بیانات در دیدار کارگزاران حج (۱۰ / ۱ / ۱۳۷۹ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۱۰ / ۱ / ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم

اولاً از خدای متعال مسألت می کنم این زحماتی را که شما آقایان کشیدید، به چشم قبول و کرم به آنها بنگرد و ان شاء الله این زحمات را از همه تان به بهترین وجهی بپذیرد؛ که این خودش بزرگترین پاداش است. بنده هم به سهم خودم - با این که تشکر من در قبال تشکر صاحب کار، قدری ندارد - از زحمات شما برادران عزیز متشکرم؛ چه جناب آقای ری شهری و آن هدایت کلی حج، چه کارهای اجرایی و سازمان حج، چه برادران دیگر، هر کدام در هر بخشی که مشغول خدمات هستید، ان شاء الله موفق باشید.

آنچه مهم است، این است که ما بایستی حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم و به اندازه ی ظرفیت حج، چشم امید به منافع حج بدوزیم؛ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ. البته می شود انسان از چیز خیلی با ارزشی، استفاده ی کوچکی ببرد و نداند که این استفاده نسبت به این موجودی، خیلی کم است. ای بسا یک سنگ خیلی قیمتی رادست یک آدم سنگ شناسی بدهند، آن را سنگ ترازو کند؛ دست آدم قدرشناسی که دادند، نگاه بکند، ببیند این سنگ ترازو نیست، بلکه هر قیراط آن میلیونها ارزش دارد و قدر آن را بداند.

بشر، بسیاری از موهبتهای الهی را قدر نمی داند

امروز بشر، متأسفانه دچار این بلیه ی بزرگ است که بسیاری از موهبتهای الهی

را چه در همین عالم طبیعت و ماده، چه در عالم ارزشهای معنوی، قدر نمی شناسد و نمی داند که این چقدر ارزش دارد. فرض کنید نفت را از زمین، بیرون بیاوریم، خیال کنیم که این نفت را آتش کردیم و چند کارخانه را به حرکت انداختیم و استفاده ی از نفت، همین است؛ در حالی که ای بسا، استفاده ی بهینه از این ماده، این نیست.

ما ذخایر دنیا را هم خالی کردیم، این ماده را در آوردیم و مصرف کردیم، نتیجه اش هم حالا- این زر و زیورها و لوکس بازیهای زندگی شده است! ای بسا که از این استفاده ی بیشتری می شد کرد؛ یک روزی بشر حسرت و تأسف این را خواهد خورد که ما از این ماده، استفاده ی بهینه نکردیم.

نشان قدرشناسی از حج

همه ی تلاش برای این است که ما حج را آن چنان که شایسته ی حج است، بشناسیم؛ خوشبختانه بعد از انقلاب، این کار به میزان زیادی شده است. الآن همین که از طرف نظام، عالمی مثل آقای ری شهری آن جا می رود و هدایت کلی جریان حج را بر عهده می گیرد، این نشان قدرشناسی از حج است. این که دولت اسلامی خودش را مسؤول می داند و مسایل حج را در مدیریت متمرکز و صحیحی می گنجاند، این قدرشناسی از حج است و منافی بر این مترتب خواهد شد و الآن می شود؛ لیکن من همه ی تلاشم، همه ی جد و جهدم در مواجهه ی با مسؤولان این واجب بزرگ، این است که ما به آن مقداری که الآن در برگزاری حج، موفقیت احساس می کنیم، اکتفا نکنیم؛ این همه ی آن چیزی است که بنده می خواهم به آقایان عرض کنم.

برای کشور، برنامه ریزی شده است

خوب، حالا جناب آقای امینی، آن حرف درست را گفتند؛ منتها صدا و سیما گوشه یی از قضیه است، همه اش صدا و سیما نیست. حالا صدا و سیما بهترین برنامه ها را هم بدهد، شما خیال می کنید این امپراتوری عظیم خبری که با میلیاردها دلار و با صداها

ایستگاه متمرکز دارند کار می کنند، با یک صدا و سیما خنثی می شود؟! برای کشور، برنامه ریزی شده است؛ یعنی الآن برای کشور، هم از لحاظ واقعی در متن کشور برای مقابله ی با انقلاب، هم از لحاظ انعکاس بهینه ی آن برای ساختن و جهت دادن افکار عمومی دنیا- که خیلی مهم است- برنامه ریزی شده است؛ منتها حسن قضیه این است که ما آن اصالت را داریم که وقتی یک نگرانی در این جا به وجود می آید- یا واقعاً، یا تبلیغاً- عده ی زیادی از کشورهای محروم دنیا بدون هیچ قوم و خویشی با ما، مضطرب و نگران می شوند و به شما مراجعه می کنند. البته اینهایی که به شما مراجعه می کنند، شاید یک صدم واقعیت هم نیستند.

تصمیم قاطع بر تحقق اسلام

آنچه که مهم است، این است که ما در حج بایستی به دنیا آن چیزی را منعکس کنیم که لب و مغز انقلاب، و لب و مغز هویت ماست. آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.

خوب، مسلم ما در این بیست و یک سال، همیشه که در یک حال نبودیم؛ یک وقت در حال شور و شوق بودیم، همه هم این شعار را می دادند؛ یک وقت مضطرب بودیم، یک وقت تنبل بودیم، یک وقت فعال بودیم، یک وقت کار کردیم، یک وقت هم نکردیم. خوب، حالا هم یکی از دوره هاست، اشکالی ندارد؛ حالتی از حالات متعددی است که ممکن است برای پدیده ی مستمری عارض بشود. ملا-ک، این نیست که حالا- در چه حال است؛ ملا-ک، این است که آن چیزی که هدف است، چیست و حرکت به کدام سمت است؛ این باید در حج، تحقق پیدا کند.

یعنی در حج، بایستی بدنه ی حج- در درجه اول بدنه ی کارگزاری حج، در درجه ی بعد بدنه ی عمومی حج، یعنی آحاد مردم- همه با رفتار، با گفتار و با عمل خودشان نشان بدهند که یک زُبرالحدیدی در این جا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد؛ این، امید می بخشد. این بزرگترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه ی نوشته ها، در همه ی گفته ها، در نشریه ی زائر، در رادیو و تلویزیون ما و در همه چیز

منعکس بشود. بر این باید اصرار باشد.

اگر ان شاءالله این تحقق پیدا نکند، بقیه ی مشکلات و مسایل، چیزی نیست.

امام قدس سره در میان ما زنده است

نگرانی افراد هم به یک معنا نگرانی به جایی است؛ برای خاطر این که آن تبلیغاتی که دارد در دنیا می شود، این را نشان می دهد که بین اینها اختلاف است، دعواست، فلان است، پشیمان شدند، فلان شدند! وقتی ما با روحیه ی باز آن جا رفتیم و بدون هیچ گونه اضطراب، با تسلط بر خودمان گفتیم که شعار ما اسلام است و حرکتمان حرکت امام است، نگرانی آنها مرتفع می شود.

چون الآن هم، امام خمینی قدس سره با اسم خودش از همه ی مجموعه ی انقلاب، در دنیا مطرحتر است؛ یعنی الآن همه ی حرفهایی که ما داریم، همه ی وزن معنوی و فکری که ما داریم یک طرف، امام هم یک طرف، باز امام سنگینتر است! یعنی شخصیت امام و آن چیزی که از امام می شناختند، بر همه ی این کتابهایی که نوشتیم و حرفهایی که زدیم، برتری دارد. ما بگوییم امام، هنوز زنده است. ما باید این را تبلیغ کنیم؛ باید بگوییم امام در میان ما زنده است، ما دنبال امامیم و تحقق امام را در جامعه می خواهیم.

حالا- چهار نفر آدم کج سلیقه، یا بی عقل، یا مغرض، می چسبند به گوشه یی از حرف امام، که فرض بفرمایید بر این، فلان اشکال وارد است! خوب، وارد باشد؛ غیر معصوم کیست که اشکال بر او وارد نباشد؟! بایستی ما آن کلیت امام را در دنیا بطور قاطع تبلیغ کنیم. بایستی بطور قوی در دنیا حضور امام را در داخل کشورمان اعلام کنیم؛ اشکالات برطرف خواهد شد.

برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید

شما نگاه کنید، ببینید ما براساس تفکر اسلامی خودمان، حج را چه می دانیم، برای چه می دانیم و می خواهیم در این سفر، از این موجود و این قالب جسم و روحی که دارد می رود و بر می گردد، چه ساخته بشود؟ و بعد واقعیات کشورمان چیست؛ دولت چقدر

پول دارد و مردم می توانند چقدر پول بدهند؟ زندگی یک حاجی در داخل خانه اش چگونه است؟ غیر از این حاجی، کسانی که نمی توانند هشتصد هزار تومان برای حج تهیه کنند، آنها چگونه زندگی می کنند؟

باید اینها را نگاه کنیم دیگر؛ اینها واقعیات زندگی ماست. نمی شود ما خودمان را در حصار قرار دهیم و خیال کنیم حج، مال یک عالم دیگر است؛ نه، حج هم مال همین عالم است. براساس اینها مشخص بکنیم. بعد بیاییم بررسی کنیم که در خانه، هرکس مثلاً روزی سه تا چای می خورد، حالا در سفر حج، چرا باید شش تا چای بخورد؟ این سفر حج چه خصوصیتی دارد؟ توجه می کنید؟ یعنی یک معیار و یک الگو درست کنید.

البته این الگو براساس تفکر صحیح باشد و به تصویب آن کسانی که صاحب نظر در این قضایا هستند، برسانید. بعد این را بطور قالب بگویید که من این جوری اداره می کنم.

همه خواهند گفت که خوب، سلیقه اش این است، دیگر چه کار کنیم.

خوب، از زیارت آقایان خیلی خوشحال شدم. ان شاء الله موفق باشید.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بیانات در دیدار حجهالاسلام والمسلمین ری شهری (۱۰/۱۱/۱۳۷۹ ه. ش.).

بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج

اشاره

(۱۰/۱۱/۱۳۷۹ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کار شما جزو وظایف همیشگی حکومت‌های اسلامی است

برادران و خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدوارم امسال هم خداوند متعال باران توفیق و هدایت و فضل خود را بر شما و بر همه ی حجاج بیت الله الحرام فرو بریزد و آنچه که محصول تلاش و مجاهدت شما خواهد شد، ان شاء الله برای اسلام و مسلمین نافع باشد.

جنبه ی شخصی و عبادی عمل شما، مثل خود حج، یک جنبه ی اصلی است؛ از آن نباید غفلت کرد؛ این با جنبه ی کاری و تشکیلاتی و اجتماعی آن منافاتی هم ندارد؛ کما این که حج مظهر ظهور و تلائف سیاست‌های بین المللی و جهانی اسلام است؛ در عین حال با این که مجموعه این معنا را می دهد، اما میان هر فردی با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته باشد؛ اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود.

اگر ظواهر سیاسی و اعلام براءت و حضور بین المللی مسلمانان، بر معنویاتی که در درون هر فردی هست، بر قصد قربت، بر حضور و حال و توجه و تضرع و استغاثه ی هر فردی میان خودش و خدا متکی نباشد، آن بنای باعظمت هم بی رونق و بی تأثیر خواهد شد.

همه چیز از باطن ما می جوشد؛ کار شما هم همین طور است؛ یک کار مهم حکومتی است؛ جزو وظایف همیشگی حکومت‌های اسلامی است. راه بردن توده های عظیم حاجی در مراسم پرمعنا و پُربرکت حج، یک وظیفه است؛ چه روحانی کاروان، چه مدیر

کاروان، چه دست اندر کاران و معاونان و خدمتگزاران، چه مسؤولان فرهنگی، چه مسؤولان تشکیلاتی و اداری، چه نمایندگی رهبری، همه و همه سرگرم تحقق بخشیدن به یک وظیفه ی بزرگ حکومت اسلامی هستند. اگر بخواهیم این کار به بهترین وجهی صورت بگیرد، باید از باطن هر یک از افرادی که دست اندر کار این کار عظیم هستند، رشته ی پیوندی با حضرت حق، با باطن این عالم و با حقیقت خود حج برقرار بشود. قصد اخلاص در کار، توجه به خدا، استمداد و هدایت خواستن از او، گذاشتن هر کاری به حساب او، تحمل هر رنجی برای او، بیرون آمدن از هر شائبه یی جز ادای تکلیف او، شرایط کار است. اگر این طور شد، آنگاه محصول کار نورانی خواهد شد.

حکومت اسلامی می خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد

همه چیز ممکن است نورانی باشد. گاهی انسان عملی را انجام می دهد؛ این عمل نورانی است، گاهی هم ظلمانی است؛ «وَقُوتِي نُورَ الْعَمَلِ». گاهی انسان نیت می کند؛ آن نیت نورانی است، گاهی هم ظلمانی است. بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. ظلمات در درون خود ما زمینه دارد؛ در عالم طبیعت هم مایه های ظلمانی فراوان است؛ در کشاکش مسائل جهان و میان مردم هم ظلمتهای فراوانی سر راه قرار می گیرد. اراده ی دین است که انسان را از ظلمات خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی و بی تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده های عالم، خارج کند و به نور ببرد؛ نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا، نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا. اگر این طور شد، جامعه نورانی خواهد شد.

نورانیت در باطن جمهوری اسلامی

اعتقاد راسخ بنده این است که یکی از علل بسیار مهم و اساسی اقامه ی بنای جمهوری اسلامی و دوام آن در مقابل مزاحمتها و اذیتها و خباثتهای دایمی صاحبان زر و زور و نوکرها و دست نشانده های آنها، نورانیتی است که در باطن جمهوری اسلامی

وجود دارد؛ هم در باطن مردم، هم در مقررات، هم در باطن مجریان با اخلاص و مؤمنی که بحمدالله هستند و در هر گوشه‌ی حضور دارند. آن وقتی این موفقیتها کامل خواهد شد که این نورانیت تعمیم پیدا کند؛ مجریان، همه نورانی بشوند؛ کارگزاران دستگاه در هر یک از قوای سه گانه، همه نورانی بشوند؛ ما معلمان، همه نورانی بشویم؛ دست اندرکاران کارهای مادی و معنوی این جامعه در دل خود نورانیت به وجود بیاورند؛ آنگاه این دستگاه و این بنا و این حرکت عظیم، در همه ی ابعاد موفق خواهد شد.

دین برای اداره ی زندگی انسان است

حج، فرصت خوبی است. عده یی از آن طرف می خواهند جوانب سیاسی حج، جوانب سیاسی دین و احکام دین را بکلی انکار کنند؛ این هم یکی از آن شیطنت ها و بازیهای بسیار رسوای دشمنان دین است که می گویند دین در امور سیاسی نباید دخالت کند! اگر دین در امور سیاسی نباید دخالت کند، چرا پیغمبر حکومت تشکیل داد؟ چرا بعد از پیغمبر خلفای صدر اول به نام دین بر مردم حکومت کردند؟ چرا امیرالمؤمنین با آن همه تلاش، به استحکام و استقرار حکومت تن درداد؟ دین برای اداره ی زندگی انسان است. زندگی انسان، فقط زندگی در پستوی خانه ها نیست. آن کسانی که می خواهند صحنه ی اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فعالیت اجتماعی را محل تاخت و تاز اهواء و شهوات و خباثتهای خودشان قرار بدهند و بندگان خدا را بندگان خود کنند، معارضی که می بینند، دین است. واقعاً وقتی دین در هر میدانی حضور داشته باشد، هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. آن جایی که شما می بینید اهل دین شکست خوردند، به این خاطر بود که دین را به میدان نیاوردند و لخت از مفاهیم دینی و عمل دینی و اخلاص دینی وارد میدان شدند. هر جایی که اهل دین با دین به میدان آمدند، بدون تردید پیروزی متعلق به آنهاست؛ این سنت الهی است؛ **وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا**. بعد می فرماید **سُنَّهَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**.

عده یی می خواهند ملت ما را از دین جدا کنند

عده یی برای این که ملت ایران را از پیروزی هایش، از سرافرازی هایش، از الگو شدنش در مقابل ملت‌های مسلمان، از عزتش در دنیا، از ممانعتش از ورود غارتگران بین‌المللی به این کشور، و سایر میدانهای افتخارآمیز دور کنند، چاره یی ندارند جز این که این ملت را از دینش جدا کنند. دین در اقتصاد جامعه، در فرهنگ جامعه، در روابط سیاسی جامعه، در تعامل مسئولان با مردم - همه جا؛ آن جایی که عرصه، عرصه ی دین است - حضور دارد. برای این که دین را از همه ی این عرصه ها بیرون کنند، جنجال می کنند که دین را سیاسی نکنید؛ دین اهل سیاست نیست؛ برای حفظ آبروی دین، باید دین را از سیاست دور کرد؛ آبروی دین در این است که بروند در معابد و در کنج خانه ها و در گوشه ی صندوقخانه ها اسم خدا را بیاورند! این است آبروی دین؟! پس این که می فرماید:

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ عَنِ خَدَايَ مَتَعَالَى اسْلَامَ رَا آورده است تا بر جهان بشریت خیمه بزند و مثل خورشیدی بر تمام ذرات کائنات بتابد و آنها را زنده کند؛ جمهوری اسلامی رسالتش این است و امام بزرگوار هنرش این بود. هنر بزرگ امام بزرگوار این بود که از قلب حوزه های علمیه و از مرکز فقاقت و دین، با صلاحیت کافی بیرون آمد؛ این را در دنیا فریاد کرد و دل ملت‌ها را تکان داد؛ چون فهمیدند که حقیقت دین این جاست.

در حج، هویت اسلامی را نشان دهید

آن روزی که دین با این چهره ی روشن و درخشان و پُرحماسه و افتخارآمیز در این جا ظهور کرد، آن هنگامی بود که هر جا قالب افسرده یی به خاطر دوری از دین، راه خود را از دست داده بود، به جان آمد. در منطقه ی فلسطین و لبنان، آن جایی که مردم سالها بود طعم ذلت را به وسیله ی دشمن در کام خودشان حس کرده بودند، کسانی بودند که در عمر خودشان هیچ آشنایی یی با دین نداشتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده ایم و در مقابل اسلام خاضع شده ایم و در برابر دشمن ایستادگی می کنیم. اسلام، آن اسلامی است که رهبر عظیم الشان بی نظیر جمهوری اسلامی - امام بزرگوار - آن را بر سر دست گرفت و به دنیا معرفی کرد؛ لذا فلسطین دوباره احیا شد.

امروز هم قضیه همین طور است. شما در حج هویت اسلامی را نشان بدهید. اسلام، هم معنویت است، هم سیاست است، هم نورانیت دل است، هم نورانیت عمل است، هم عزت باطنی انسان است به خاطر ایمان، هم عزت و شکوه ظاهری است به خاطر عظمت اجتماع اسلامی و بنای اسلامی و حکومت اسلامی.

ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است

شما بدانید، امروز مردم مسلمان در هر کدام از این کشورهای اسلامی بی که زندگی می کنند، آنهایی که احساسات اسلامی و ایمان اسلامی دارند، آن وقتی که چشمشان از دور به بنای جمهوری اسلامی می افتد و این بنای مستحکم و فاخر را مشاهده می کنند، در دل خودشان احساس غرور و عزت می کنند؛ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت، متعلق به مؤمنین است. امروز شما به دنیای اسلام عزت داده اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است؛ لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می خواهند دنبال این الگو حرکت کنند. استکبار چاره بی ندارد جز این که این پرچم را از دست شما بگیرد؛ جز این که شما را وادار کند بگوید ما پرچم اسلام و عزت اسلام و حرکت اسلامی را نمی خواهیم؛ همین حرفی که امروز بعضیها دانسته و ندانسته، نابخردانه و ابلهانه در گوشه و کنار می زنند و از آنچه که مایه ی عزت اسلام شده است، اظهار پشیمانی می کنند. در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال به برکت الطاف و فیوضات خود و با ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیهالله الأعظم (ارواحنا فداه) - که علی القاعده ایشان هم در موسم مشرف هستند و در طواف و در وقوف و در بسیاری از جاها نور وجود مبارک آن بزرگوار یقیناً پرتوافکن خواهد شد - دلهای ما و شما را نورانی کند و این حج و این برائت و این حرکت عظیم را مایه ی عزت مسلمانان، بخصوص عزت ملت عزیز ایران قرار بدهد.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الحرام (۱۲/۱۲ / ۱۳۷۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱۲/۱۲ / ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين

قال الله الحكيم: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت

موسم حج بار دیگر نمایشگاه عظیم خود را در پایگاه وحی و نبوت بر سر پا کرده و صحنه‌ی شگفت آور و شورانگیزی پدید آورده است. رودهای خروشان ملت‌های مسلمان از همه سوی جهان در این اقیانوس فرو می‌ریزند و همزیستی امت واحده را در زیر لوای توحید مجسم می‌کنند. احساسات در هم تنیده‌ی این مجموعه‌ی بشری، نمایشگر آرزوها و نیازها و دردها و توانائی‌های امت عظیم اسلامی است. سرزمین‌های حج، اکنون میزبان مردمی از ایران و عراق، از فلسطین و لبنان، از شبه قاره و شمال آفریقا، از ترکیه و بوسنی و از سراسر آسیا و اروپاست. این دل‌های پراشتیاق، می‌توانند ترجمان سخن دل امت اسلامی باشند. حج برای همین نزدیکی و صدا به صدا رساندن مسلمانان سراسر جهان است. رشته‌ای که اینهمه دل را بهم پیوند می‌دهد؛ همان پیامی است که نخستین بار از این سرزمین، صلا زده شد و طول و عرض جهان و تاریخ را در نوردید:

پیام توحید و وحدت؛ توحید خدا و وحدت امت. توحید، نفی خداوندگاری طواغیت و مستکبران و زر و زور سالاران است، و وحدت، مظهر عزت و اقتدار مسلمانان.

حج، فراتر از هر نوشته و گفتاری، این پیام ماندگار را هر ساله در قالب اجتماع عظیم خود،

بازپردازی می کند و به سراسر جهان اسلام می فرستد. هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر باید این حقیقت را بشناسد که شکوفایی و سربلندی و کامیابی همه جانبه ی کشورهای اسلامی تنها در سایه ی این دو به دست خواهد آمد:

توحید با همه ی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن، و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.

سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج

در اجتماع عظیم حج امسال، دهها سخن تلخ و شیرین را از دهها کشور اسلامی می توان دریافت کرد. هر یک از این پیامها، بار وظیفه ای را بر دوش دیگر برادران می گذارد و مجموع آن دورنمایی از واقعیت امت بزرگ اسلامی را در برابر چشم همه قرار می دهد: سخن ملت عراق که تطاول و ستم مداخله گران و دیکتاتوری و بی تدبیری زمامداران، رونق زندگی را از آنان گرفته و فلاکت و زبونی را بر آنان تحمیل کرده است.

سخن ملت افغانستان که تعصبا و کوته نگریها، اجر مجاهدات گذشته ی آنان را بر باد داده و ملتی را دستخوش جهالتِ مستی غافل و عنود ساخته است. سخن ملت بوسنی که سیاست اسلام زدایی از سوی امریکائیان و همدستانشان، هویت اسلامی آنان را به خطر افکنده و حاکمیت ملی آنان را بتدریج در معرض نابودی نهاده است. سخن ملت فلسطین که پرچم پر افتخار انتفاضه را با پنجه های استوار خود بپا داشته و با خون جوانان خود، شمشیر ظلم و قساوت صهیونیستها را کند کرده است. سخن ملت لبنان که با پایداری پر شکوه خود، افسانه شکست ناپذیری غاصبان کشور فلسطین را به سُخره گرفته و شکستهای فضاحت بار را به آنان چشانیده است. سخن ملت های آسیای میانه و شرق آسیا و افریقا و اقلیتهای اسلامی در اروپا و امریکا که هر یک از رنجها و شادیهها و دشواریها و موفقیتهای خود خبر می دهند. و بالاخره سخن ملت سرافراز ایران اسلامی که در آن پایداری، و ایمانِ بارور، و تجربه های روزبه روز خود در برابر توطئه ها و دشمنیها، و عزم راسخ خود در راه تحقق جامعه ی آرمانی اسلام را به گوش مشتاقان و تحسین کنندگان خود می رسانند.

جهان اسلام در حال گذر از مرحله ی حساسی است

امت اسلامی امروز در حال تجربه ی این موفقیتها و ناکامیها است. هم دولتهای مسلمان و هم ملتها در برابر این واقعیتها، تکالیف بزرگی بر دوش دارند و جهان اسلام در حال گذار از مرحله ی حساسی از تاریخ خویش است. آشنایی با این تکالیف و احساس تعهد در برابر آن می تواند ورق شوربختی و ضعف را از کتاب تاریخ اسلام بگرداند و بار دیگر صفحه ی عزت و عظمت مسلمانان و درخشش مادی و معنوی دنیای اسلام را بگشاید. امروز دنیای غرب که عامل تشدید کننده ی ضعف و عقب ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل نشدنی است. فساد مادیگری و نظام سرمایه سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه های آن تمدن مادی را آشکار می سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشعشع خیره کننده ی صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، بتدریج بر ملا می کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره ملتهب و رنج کشیده ی خود حس می کند و نشانه های آن را در جابجای جهان اسلام، بویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می بیند. فروغ امید، دلهای جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکم غرب، درهم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان گرامی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی چون و چرا است. در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده ی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است:

نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکن مادی خویش. امروز و در

آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده‌ی درخشان نومید و یا به آینده‌ی بی‌کامیابی که منطبق با نیات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری ترین ابزار غرب در سلطه‌گری اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشنفکران و سپس توده‌ی مردم اند. مبارزه با این ترفند جز با رویگردانی از فرهنگ تحکم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی باید بوسیله‌ی نخبگان و روشنفکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب، و اجزاء زیانبار و مخرب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌ی اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیت فرهنگی اسلامی و اندیشه‌های بارور و راهگشا و هدایتگر قرآن و سنت است. این یک فصل اساسی از مبارزه‌ی همه‌جانبه و خوش‌عاقبتی است که علمای دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند. بامید آنکه حج امسال بتواند عزم همگان را در پیمودن این راه پر برکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.

از خداوند متعال توفیق حج مقبول و بهره‌مندی از فیوضات و برکات این عرصه‌ی بی‌نظیر، برای همه حجاج مسألت می‌کنم، و بر حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه که گمان حضور مبارکش در این مراسم سالیانه می‌رود، به قدر گستره‌ی فضل و رحمت واسعه‌ی الهی، درود می‌فرستم و دعای مستجابش را در حق همگان آرزو می‌کنم.

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْنَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

علی‌الحسینی‌الخامنه‌ئی

ششم ذی‌الحجه ۱۴۲۱

۱۳۷۹ / ۱۲ / ۱۲

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤلان (۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.).

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤلان برگزارکننده ی مراسم دهه ی فجر

اشاره

(۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمت به مردم، نعمت بزرگی است

به همه ی حضار محترم خوش آمد عرض می کنم؛ هم دوستان و عزیزانی که در مسائل مربوط به واجب بسیار مهم حج مشغول خدمتگزاری هستند، و هم دوستان و عزیزانی که دست اندرکار برگزاری مراسم بسیار مهم و حساس دهه ی مبارک فجر هستند، و هم به همه ی برادران و خواهرانی که تشریف دارند؛ بخصوص کسانی که تحمل زحمت کردند و از راههای دور به این مجلس آمدند.

همه ی بخشهای فعالیت برای بهتر اداره شدن مسائل مردم و کشور، دارای اهمیت است. هر کس در هر جایی به خدمت به نظام و کشور و مردم اشتغال دارد، باید مباحثات کند و توفیق و کمک الهی را بطلبد و به معنای حقیقی کلمه شکر گزار نعمت بزرگ الهی باشد که امروز با برافراشته شدن پرچم اسلام، خدای متعال بر مردم این کشور منت گذاشته و این نعمتها را به آنها بخشیده است. خدمت کردن به مردم، حقیقتاً نعمت بزرگی است.

حج؛ حامل معنویت، وحدت و معرفت

مسأله ی حج از این جهت یک مسأله ی حساس و مهم و با عظمت است که کمک می کند تا مردم بتوانند از این واجب عظیم الهی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنند. از

ظرفیت عظیمی که حج برای مردم دارد- که خدای متعال می فرماید: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ- آنها را برخوردار کنید؛ خدمت در این راه، حقیقتاً با ارزش است. اگر حج، آن طوری که طبیعت این واجب اقتضا می کند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمانها حل خواهد شد. حج، حامل معنویت و وحدت و آگاهی و معرفت است؛ اینها برای ملت‌های اسلامی چیز کمی نیست.

نتایج تفرق دنیای اسلام

امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می کشد. امروز فلسطین با سبعانه ترین روشها لگدکوب می شود و مردم فلسطین در سخت ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می گذرانند. دنیای اسلام با همه ی امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه یی که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی شود؛ این خیلی دردناک است. با نصیحت نمی شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند؛ پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه ها و خانواده ها در کوچه ها و خیابانها با تانکها و اسلحه های مرگبار روبه رو شوند و بی هیچ ملاحظه یی این طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه؛ بیش از یک سال است این وضعیت کم و بیش ادامه دارد.

استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان

حج می تواند دنیای اسلام را متوجه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می تواند این معرفت را به ملت‌های اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست؛ این اشتباه خیلی بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملت‌های دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این گونه راحت در معرض

تطاول دشمن قرار می گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این طور مظلوم نمی شد. این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کما این که دیدید در مواردی برای ملت‌ها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می کند و اجازه نمی دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می دهد. بنابراین مسأله ی حج و استفاده ی از همه ی ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه ی کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، باارزش است.

مردم دهه ی فجر را قدر می دانند

مسأله ی دهه ی فجر هم همین طور است. بحمدالله آحاد مردم در طول این بیست و دو سه سال، در همه ی سالها و در همه ی نواحی کشور نشان دادند و ثابت کردند که به دهه ی فجر به عنوان یادبود روزهای عظیم انقلاب دلبستگی دارند. مردم دهه ی فجر را قدر می دانند. کسانی هم که موجب می شوند حرکت و حضور و ابراز احساسات مردم ممکن و آسان شود- که همین ستادهای بسیار فعال و مفید دهه ی فجر هستند- کارشان بسیار باارزش است.

دهه ی فجر برای کشور ما یک فرصت تاریخی بود و ملت ما را از یک حصار بسیار خطرناک خارج کرد. تا وقتی یک ملت در حصار استبداد یک حکومت وابسته و فاسد و ضد مردم و ضد فرهنگ و دین قرار دارد، هیچ چیز زیبا و مطلوبی که زندگی آنها را از لحاظ مادی و معنوی اعتلا ببخشد و پیش ببرد، نمی تواند در بین آنها پا بگیرد. در آن چنان رژیم، همه جا، پای بیگانه و منافع چپاولگران و اهانت به دین و فرهنگ و هویت ملی و تضعیف کشور پیدا بود؛ و این طبیعت آن رژیمهاست. انقلاب، ملت ایران

را از آن حصار خارج کرد و میدان و فرصت داد تا ملت بتواند در فضای آزاد، با اتکای به خود، با قدردانی از استعدادهای درونی خود و با به کارگیری همه ی آحاد مردم در میدانهای عظیم کشور، خود را نشان دهد. البته نمی توانیم ادعا کنیم از همه ی فرصتهایی که انقلاب به ما داد، توانستیم درست استفاده کنیم؛ اما می توانیم ادعا کنیم که انقلاب برای کشور ما یک فرصت تاریخی بی نظیر به وجود آورد و این فرصت همچنان در اختیار ملت ایران است.

دشمن سعی می کند دهه ی فجر را از یاد مردم ببرد

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور می خواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی می کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می آورد. سعی می کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

البته شما برادران و خواهرانی که مسؤول این ستادها هستید، باید با دادن آگاهیهای لازم و انجام فعالیتهای فرهنگی ضروری، مردم را به بهترین وجه از دهه ی فجر بهره مند کنید. امروز موج سیاسی فرهنگی دشمنان بشریت - که البته دشمنان اسلام و بخصوص ملتهای مستقل هم هستند - به صورت خیلی وسیع در همه جای دنیا گسترده شده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست. آن ملتی می تواند روی پای خود بایستد و خود را از کمند تسلط مراکز استکباری نجات دهد که بتواند در مقابل این امواج بایستد و با آنها مقابله کند.

وقتی ملت، بیدار و هشیار و متحد باشد و معرفت و آگاهی لازم را کسب کرده باشد؛ وقتی مسؤولان در خدمت منافع مردم باشند و خالصانه و مخلصانه و مجدانه و پیگیر، به دنبال این باشند که اهداف عالی ی این انقلاب و نظام را برآورده کنند و مردم را از این هدفها برخوردار کنند؛ آنگاه هیچ دشمنی نمی تواند مقاصد شوم خود را در این کشور

پیاده کند. مسؤولانی با جدیت و صداقت مشغول خدمتگزاری هستند؛ مردم هم به معنای حقیقی کلمه در راه اسلام و انقلاب ایستاده اند. ایمان و استقامت و آگاهی مردم، حقیقتاً مثال زدنی است.

مبارزه ی با فساد؛ یک جهاد واقعی

البته دستهایی هم سعی می کنند نگذارند. این که ما اصرار می کنیم باید با فساد و سوء استفاده ی مالی و اقتصادی با جدیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه یی به آن کشور می خورد که با هیچ چیز جبران نمی شود. لذا عرض کرده ایم، باز هم تکرار می کنیم:

مبارزه ی با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود- که ان شاء الله به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد- یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه ی مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمدالله در این کار همکاری و همدلی می کنند؛ اما در همه ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند.

هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان- چه در دولت، چه در قوه ی قضاییه و چه در مجلس- هیچ کس نمی تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند؛ همه باید در این زمینه فعال باشند.

در مبارزه ی با فساد، تبعیض قائل نشوید

لازم است در این خصوص هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگাহایی که با فساد مبارزه می کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر- اگر باشد- به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هر کس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق

فاسد و مفسد، مَر قانون را اعمال کنند. من به شخص یا پرونده یا موضوع خاصی نظر ندارم؛ برای من اشخاص مطرح نیستند؛ این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام بگیرد و دنبال شود.

کسی که وسوسه می شود وارد میدان فساد مالی شود، باید بداند در دسر این کار زیاد است؛ بفهمد مردم و مسؤولان کشور با این قضیه برخورد می کنند؛ این یکی از شرایط بسیار مهم است.

مواظب باشید فساد به وجود نیاید

از جمله ی چیزهایی که در این مبارزه ی وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فسادی که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن جا را تحت نظارت قرار دهند؛ نگذارند از اول فسادی به وجود بیاید.

البته مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطی و جناحی و غیره - که دشمنان از این که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می شوند - به میان نیاید؛ جلوی حق را نگیرد و مانع دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی نظران و برای خدا عمل شود. اگر این طور شد، به مملکت سود خواهد رسید.

فساد کمتر، سرمایه گذاری بیشتر

بعضی می گویند مبارزه ی با فاسد و مفسد موجب می شود در کشور سرمایه گذاریهای مالی صورت نگیرد؛ این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است.

کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می دانند و می گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه گذاری در آن کشور پایین می آید؛ اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه گذاری کمتر می شود؛ اما هر

چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه گذاری رشد پیدا می کند. من خواهش می کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده بی نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند.

من شک ندارم، کسانی که نمی خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می کنند جلوی این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند.

می خواهند مبارزه ی با فساد را تحت الشعاع قرار دهند

این نکته را هم به همه ی ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یک جنجال در گوشه یی، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند؛ اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می طلبد. البته مسؤولان هم باید مواظب باشند و بهانه ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن جایی که امکانات مملکت اجازه می دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلوی حرکت مبارزه ی با فساد را بگیرند.

در سالهای گذشته، شعار مبارزه ی با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجالها و مغلطه کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالی کشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه های گوناگون، جلوی این کار بزرگ را بگیرند.

هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه ی با فساد

در درجه ی اول، وحدت و هماهنگی و همدلی بین مسؤولان قوا مطرح است.

قوه ی مجریه، قوه ی قضاییه، قوه ی مقننه، نمایندگان محترم مجلس، وزرای محترم، قضات محترم؛ همه ی اینها کارگزاران نظام اسلامی و کارگزاران حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) و در واقع خدمتگزاران این مردمند. همه خود را خدمتگزار مردم

بدانند. امروز مردم از مبارزه ی با فساد خرسند می شوند و آن را مطالبه می کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می زند و برای آنها کار می کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.

با فساد مبارزه شود، نه با بی گناه

البته همه ی دست اندرکاران هم باید سعی کنند که در این زمینه، ظلم و ناروایی به وجود نیاید. با فساد و فاسد و مفسد مبارزه کنند، نه با بی گناه؛ این هم باید مراقبت شود.

تبعیض هم نباید باشد- همان طور که عرض کردیم- با یک چشم به افراد نگاه کنند. اگر این طور شد- که به لطف و فضل الهی ان شاءالله همین طور هم هست و خواهد بود- آنگاه الطاف الهی شامل حال خواهد شد و خدای متعال کمک خواهد کرد تا این حرکت پیش برود و ان شاءالله در همه ی بخشها مسئولان بتوانند به وظایف خود بدرستی عمل کنند.

از خداوند متعال می خواهیم که الطاف خود را بر این ملت عزیز نازل کند و ان شاءالله این ایام- این ماه مبارک و ماه ذی حجه و دهه ی مبارک فجر- را روزها و ماههای لطف و مرحمت و برکات خود برای ملت و کشور قرار دهد و قلب مقدس حضرت ولی عصر را از ما راضی و خشنود و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الحرام (۱/۱۲/۱۳۸۰ ه. ش.).

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱/۱۲/۱۳۸۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد البرية محمد وآله الطاهرين وعلى صحبها المخلصين والسلام على عباد الله الصالحين. قال الله تعالى: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ.

حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان

حج که آرزوی دینداران و بهشت ذاکران و فرصت صالحان است، بار دیگر فرارسیده است. از سراسر جهان امسال نیز جمعی به این میهمانی عمومی راه یافته اند.

غرقه شدن در فضای نورانی عبادت و خشوع و یادآوری خاطرات صدر اسلام و جستجو از نشانه های فلاح و عزت که این قطعه از زمین را در آسمانهای دور دست تاریخ، چون خورشیدی تابناک نشان میدهد، نخستین بهره های دل و ذهن مسافر تشنه و هوشیار است.

در اینجا تار و پود تعلقات و آلودگیها و غفلتها، همراه با لباس و زیور جسمانی، هرچند بطور موقت از آدمی جدا می شود و سپید جامه ی احرام، صفا و پاکی و یکرنگی را بر جسمها و دلها چیره میسازد. راه برای دیدن و شنیدن و فهمیدن که مایه ی رستگاری ابدی است گشوده میگردد؛ جوانه های صلاح و معرفت و برادری اسلامی، سرسبز میشود، و دست هدایت الهی نمایان میگردد.

اینجا اردوگاه بزرگ امت اسلامی، است؛ جایگاه تمرین خدائی و مردمی شدن، از «خود» های دروغین و شرک آلود بیرون جستن، و به «خود» حقیقی و الهی پیوستن. اینجا

جایگاه برائت از دیو و دَد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهد:

ان لا تعبدوا الشیطان و پاسخ به: ان الله برئ من المشركين و رسولُه است. اینجا محلّ تجلی امت واحده ی اسلامی و مظهر عزّت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است.

این ویژگیها در روزگار ما که تقابل حق و باطل و نیروهای خیر و شر، در مرحله ی خطر و حسّاسی است، معنای بارزتری یافته است.

ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می رسد

امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش میرسد، و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادگی و رستگاری است، با طنین بیشتری شنیده میشود. پاره های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سوئی و جهل و خرافه و فریب از سوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمند نور رستگاری و تشنه ی عدل و صلح و برادری کرده است.

امروز ندای ملکوتی: تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ .. که ردّ خداوندان زور و زر و صف آرائی در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستمدیدگان را بیش از همیشه مینوازد، و مژده ی: اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِیْرٌ، به آنان دلگرمی و امید می بخشد.

نخستین مخاطب این الهام خدائی ملتهای مسلمانند. بیداری اسلامی، شرق و غرب جهان اسلام را به جنب و جوش آورده و احساس هویت و شخصیت را در آنان باز آفریده است. پرچم عزت و اقتدار اسلامی در ایران به اهتزاز در آمده؛ ملت مظلوم فلسطین با تمسک به شعار اسلام، افقهای صهیونیزم را به یأس و ناکامی انباشته؛ جوانان در کشورهای اسلامی به میدان مطالبات آرمانی پانهاده و در برابر تجاوزگران و مستکبران عالم تهدیدی بزرگ آفریده اند.

آشکار شدن چهره ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

امروز به رغم تهمت‌ها و تحریفهائی که به وسیله ی مراکز تبلیغی صهیونیستی و استکباری، سیل آسا به سوی اسلام و منادیان شجاع و فداکارش جاری است، تفکر

اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله چهره ی خود را برای مردم جهان بتدریج آشکار ساخته است.

بتدریج همه در میابند که اسلام دین عدل و آزادی و رستگاری است، دین خرد و اندیشه و دانش است. اسلام، دین زندگی است، اما زندگی تهی از شرف و آزادی و عزت را مرگ می‌شمارد. دین عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت مینمایاند و دستمایه ی همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون میخواندند، مبارزه میکند. دین اتحاد و برادری و صلح جهانی است، اما اتحاد ظالم با مظلوم و فشردن دست جلاد بر سر جنازه ی شهیدان عدالت را خیانت می‌شمرد. دین واقع بینی و حسابگری است، اما توجیه ستمهای جهانی بنام واقع بینی را گناه میداند. دین احکام جاودانه است، اما جمود و قشری گری را نمی پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، اما بدعتگذاری و التقاط را رد میکند. دین گذشت و اغماض است، اما ظلم پذیری و ذلت را مُجاز نمیداند. دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله ی بردگی و کشتار ملتها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسانها باشد، جهل و وحشیگری می‌شمرد. دین جهاد است، اما جنگ بی منطق و قدرت طلبانه را جهاد نمی نامد. دین عزت و قدرت و حاکمیت است، اما این را دستمایه ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی سازد.

اسلام، پاسدار حُرمت و حقوق انسانها است، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت ترین دروغ و ناجوانمردانه ترین تهمت را کسانی مرتکب میشوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله یی برای توجیه قدرت طلبی ظالمانه ی خود بر علیه ملت‌های مسلمان قرار میدهند.

امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست

ملت‌های مسلمان! علمای دین! روشنفکران، جوانان و غیرتمندان جهان اسلام!

امت اسلام اینک در تیررس انواع تهدیدها و اهانتها است، استکبارِ عنان گسیخته به سردمداری رژیم امریکا و دلّالی و آتش افروزی رژیم صهیونیستی، از تجزیه و گسست ملت‌های اسلامی بیشترین سوءاستفاده را میبرد. قیام خونین ملت فلسطین و پرچم پر افتخار انتفاضه، طراحان سیاسی استکبار را خشمگین و سراسیمه کرده و آنان را به

اعمال گستاخانه و قدرت نمایی دیوانه وار و سوسه می کند. حوادث شهریور ماه نیویورک بهانه ی زورگویی های روزافزون کاخ سفید و جنایتهای بی سابقه ی دولت صهیونیست در فلسطین شده است. پس از عملیات فاجعه باری که آمریکا در افغانستان به بار آورد، چهره ی نظامی و خشن دولت ایالات متحده، روز بروز بیش از گذشته فضای جهانی را به ناامنی و جنگ و کشتار تهدید می کند. مبارزه با تروریسم و دفاع از صلح در خاورمیانه به بهانه هایی برای خشونت طلبی و زورگویی آمریکا و پوششی برای سلطه طلبی و دست اندازی به منافع و منابع حیاتی ملتها تبدیل شده اند.

شوخی زشت و طعنه زنی به حقیقت

شوخی زشتی است که بانی بیشترین ترورها، و به راه اندازنده ی بیشترین کودتاها، و تولید کننده ی مهلکترین سلاحها، و پشتیبانی کننده ی خطرناکترین تروریستها، مدّعی رهبری مبارزه ی بحق جهانی با تروریسم باشد. و طعنه زنی وقیحانه یی به حقیقت است که کشتار زن و مرد و کودک فلسطینی و خراب کردن خانه ی فلسطینیان بر سرشان و بیرون راندن آنان از میهن آباء و اجدادیشان، طرفداری و دفاع از صلح نام گیرد.

ایران اسلامی از سوی سردمداران کاخ سفید به اخلال در روند صلح خاورمیانه متصف میگردد. غافل از اینکه تجاوز ناعادلانه به حقوق ملت فلسطین و غصب سرزمین آنان که بدروغ، صلح نام گرفته است برای ناکامی و بی سرانجامی خود، محتاج اخلال کسی و دولتی نیست. این روند ظالمانه به خودی خود، محکوم به زوال و ناکامی است، و بیداری غیورانه و فداکارانه ی امروز ملت فلسطین از نشانه های حتمی آن است.

مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران

ایران اسلامی پرچم اسلام عزّتمند و روشن بین و رستگار کننده و آزادیبخش را با تهدید زورگویانه ی مستکبران از دست فرو نمی نهد. ایران اسلامی تروریسم را دشمن سعادت بشر می داند و بهای گزافی را در مبارزه با تروریستهای دست پرورده ی آمریکا و اسرائیل پرداخته است. ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره ی عبوس

استکبار نمی شود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه ی خود را که درس ماندگار امام خمینی عظیم است، قدر میدانند و از آن دفاع می کنند. راهپیمایی پر صلابت و سراسری ملت ایران در ۲۲ بهمن امسال پاسخ هوشمندانه یی بود به یاوه سرایانی که به گمان باطل خود خواستند میان مردم و نظام اسلامی یا میان ارکان اصلی نظام، جدایی و فاصله را القا و یا تبلیغ کنند. ملت و دولت ایران تهدیدها و جنگ افروزیهای امریکا را که حاکی از تجاوزطلبی و وحشیگری است محکوم می کنند و منطلق ضعیف و رویکرد خشونت طلبی آن رژیم را نشانه ی ضعفها و گسست های اساسی و عمیق در بنیان نظام ظالمانه ی استکباری می دانند.

ملت و دولت ایران، ملتهای برادر را به اتحاد فرا میخوانند و دست برادری به سوی آنان دراز می کنند؛ علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده ی این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده ریزی امت متحد و یکپارچه ی اسلام آماده سازند.

حج، نقطه ی آغاز و منبع لایزالی برای این مجاهدت عظیم و مبارک است.

از خداوند متعال می خواهیم که همه ی شما را با ذخیره یی سرشار از معنویت و معرفت به میهن های خود بازگرداند و دعای حضرت ولی الله الاعظم را شامل حال امت اسلامی فرماید. **وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ**

سیدعلی خامنه ای

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج (۲۵ / ۱۰ / ۱۳۸۱ ه. ش.).

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۲۵ / ۱۰ / ۱۳۸۱ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت

اولاً خوش آمد عرض می‌کنم. ثانیاً ولادت با سعادت حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را - که به برکت وجود قبر مطهر آن بزرگوار در سرزمین ما، حضور معنوی ایشان در سرتاسر کشور و در دل آحاد مردم ما آشکار است - تبریک عرض می‌کنم. امام هشتم علیه السلام ولی نعمت معنوی و فکری و مادی ملت ماست. امیدوارم به برکت این ولادت عظیم و شریف و به برکت وجود آن بزرگوار و معنویت ساطع از قبه ی مطهر ایشان، خداوند شما را که خدمتگزاران میهمانان و زایران بیت الله هستید، مشمول الطاف الهی قرار دهد و دل‌های شما را به نور هدایت الهی منور کند!

حرمت ماه‌های ذیقعد، الحرام و ذیحجه الحرام و محرم الحرام، به معنای عظمت این ماه‌ها و احترام بزرگی است که این روزها و شبها و ساعات در تکوین و اراده ی الهی دارد. ایام حج، اوج این کرامت و عظمت است؛ و حضور حجاج در مناسک و در مرکز توحید دنیای اسلام - یعنی مکه ی مکرمه - از بزرگترین برکات ماه‌های حرام است.

بی‌جهت نبود که اسلام در میان احکامی که قبل از اسلام بین مردم رایج بود، حرمت ماه‌های حرام را تقریر فرمود. این طور نبود که فقط پیغمبر اکرم با عرب جاهلی آن روزگار مماشات کرده باشد، که چون آنها حرام دانسته اند، اسلام هم اینها را حرام بداند؛ نه، این به معنای آن است که چهار ماه حرام - «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» - حقیقتاً امتیازی دارند؛ کما این که

در طول سال، روزها، شبها، هفته ها و دهه های مشخصی امتیازاتی دارند. این ماه ها امتیاز دارند و همه ی ما باید قدردانی کنیم؛ بخصوص حجاج بیت الله الحرام؛ کسانی که امسال به این سعادت عظمی فائز خواهند شد و همچنین شما که خدمتگزاران آنها هستید، باید این ایام را به عنوان مقدمه ی تشریف به آن سعادت عظمی مغتنم بشمارید. امیدواریم خداوند متعال توجهات و هدایات ویژه ی خود را شامل همه ی شما بفرماید و ان شاءالله دلهای شما را منور کند.

حج؛ یک واجب استثنایی

حقیقت این است که حج یک واجب استثنایی و یک مراسم عجیب و پُر رمز و راز است. اگرچه در باب حج بسیار گفته اند و همه گفته اند و مطالب شیوا و زیبایی هم بیان کرده اند، اما مسأله ی حج خیلی عمیق تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده ایم. حج، یک حرکت عبادی خالص عمیق - خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل - و با حالت اجتماع است. در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پُر معنای می کند.

اگرچه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماع عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه ی مسلمانها از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه ی واحد، خیلی معنا دارد. این که همه ی ملت مسلمان و امت اسلامی با وجود اختلاف لهجه ها و نژادها و عادات و سنن و سلايق و اختلاف مذاهب موظفند در یک نقطه جمع بشوند و اعمال ویژه یی را با هم انجام بدهند و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است، خیلی پُر معناست. معلوم می شود بنا بر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دلها و جانها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست؛ حتی رفتن به در خانه ی خدا و کنار هم قرار گرفتن دلها و با هم بودن تن ها و جانها نیز دارای اهمیت است. لذا ملاحظه بفرمایید در قرآن کریم می فرماید: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا. اعْتَصِمَ بِهِ حَبْلُ اللَّهِ، تَنَاهَا تَنَاهَا فَايِدَهُ يِي نَدَارْدُ؛ «جَمِيعًا» مَهْمُ اسْت. بَا هَمُ اعْتَصَامُ بِهِ حَبْلِ اللَّهِ كُنَيْدُ؛ بَا هَمُ بَه نَقْطَه ي اطمینان بخش تعلیم و تربیت و هدایت الهی چنگک بزیند. بَا هَمُ بَوْدُن مَهْمُ اسْت؛** دلها با هم، جانها با هم، فکرها با هم، تن ها در کنار

هم. طوافی که می کنید- این حرکت دایره وار بر گرد یک مرکز- نماد حرکت مسلمانان بر گرد محور توحید است. همه ی کارها و اقدامات و همتهای ما باید بر گرد محور وحدانیت الهی و توجه به ذات اقدس ربوبی باشد. این درس، مربوط به همه ی زندگی است. کسانی که می خواهند احکام اسلامی را به کنج خانه ها و عبادتگاه ها و دلها منحصر کنند و فعالیت عرصه ی اجتماع را از دین عاری کنند، به این نکات اسلامی توجه ندارند. سعی بین صفا و مروه یی هم که همه ی آحاد مسلمان باید آن را طی کنند، همین طور است. سعی، حرکت با همت، با شدت، با توجه، با اراده و حرکت آگاهانه است و همه باید با هم حرکت کنند؛ بروند، و بیایند. اجتماع عظیم در عرفات و مشعر و منا هم همین طور است.

این کارهای دسته جمعی عظیم که نظیر آن را در هیچ مذهب و مکتبی و در هیچیک از احکام دیگر اسلامی نمی شود پیدا کرد، نشاندهنده ی عظمت این واجب است. این جا یک ذخیره ی الهی گذاشته شده است که هرکس توفیق پیدا می کند دستی به سمت این ذخیره دراز کند، باید حداکثر استفاده را بکند.

از فرصت حج، همه باید استفاده کنند

هرچه می توانید، در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید. این اوقات، هم روزها و زمان، متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحاظ زمان، در اوج حرمت ماه های حرام قرار دارد؛ هم از لحاظ مکان، در نقطه ی اعلا ی مناطق متبرک- که خانه ی خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه ی مسلمانها در همه ی شبانه روزهاست- قرار دارد.

حاجی در آن جا باید رابطه ی خود را با خدا قوی و مستحکم کند؛ با قرآن انس پیدا کند و تضرع و ذکر و حضور را وظیفه ی دایمی خود بداند. انسان گاهی خیلی متأسف می شود که بعضی به آن جا بروند و دنبال کالاهایی بگردند که این کالاها را همه جا می شود پیدا کرد. بعضی، عمر و پول و آبرو و وقت عزیزشان را صرف می کنند تا به بازارهای گوناگون بروند و این کالاها را بیاورند؛ اینها کالاهای معمولی زندگی است و همه جا وجود دارد.

در آن جا کالایی هست که در هیچ جای دیگر نیست: کالای رضای الهی، زیارت خانه ی خدا، زیارت قبر مطهر پیغمبر؛ این کجا دیگر پیدا می شود؟ این مکان و این زمان را دیگر

کجا می شود پیدا کرد؟ از این فرصت باید همه استفاده کنند. شما که میزبانان و میهمانداران و خدمتگزاران حجاج هستید، این نکات را باید دایم به یکایک آنها یادآور شوید. زلال معنویت و هدایت به وسیله ی این مجموعه های مؤمن و علاقه مند، باید دایماً به سوی دل‌های تشنه ی حجاج روانه شود. خیلی از این فرصتها در اختیارات امت اسلامی هست که اگر از آنها استفاده بشود، امت اسلامی همان چیزی خواهد بود که قرآن برای او خواسته است: **فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ** یا **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ**؛ شما برترین هستید. البته نه برترین به خاطر نژاد، نه برترین به خاطر این که با خدا خویشاوندی یی دارید- هیچ کس از آحاد آفرینش، نسبت ویژه یی با خدا ندارد- اما شما برترین هستید، به خاطر انتساب به مکتبی که می تواند بشریت را در عصر حیرتش نجات بدهد؛ می تواند در طول قرون، مشعل هدایت را به دست انسانها بدهد و آنها را خوشبخت کند و به نقطه ی امن و امان و تکامل برساند؛ این امتیاز شماست. بقیه ی ادیان، مقدمه ی ورود این دین در معرض اندیشه ی بشریت بود- «انتم الاعلون»- به خاطر این که این ایمان در اختیار شماست؛ از این باید استفاده کنید.

قرآن انسان را هدایت می کند

همین ایمان است که می تواند قدرتهای شیاطین و فراعنه را خرد کند و در هم بشکند؛ همچنان که شکست. روزهای ظهور اسلام، چه کسی خیال می کرد جمع معدود مظلوم کم قوتی در یک گوشه ی مکه، به برکت این آیات الهی بتوانند بزرگترین تمدن زمان خود را به وجود بیاورند و مدنیت بشری را ارتقاء و رشد بدهند و این قلمرو عظیم و این رمعه ی وسیع را به وجود بیاورند و این طور در عمود زمان، با عزت و افتخار باقی بمانند؟ عده یی خیال می کردند بزودی همه چیز از بین خواهد رفت؛ **الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ؛** خیال می کردند پیغمبر در هر یک از حوادثی که برایش پیش آمد، موفقیتی به دست نخواهد آورد؛ **بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا.**

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا؛ که به خدای متعال سوءظن دارند، آنهایی که اهمیت و ارزش گوهر گرانبهای دین را نمی دانند، همان «قوما بورا» هستند؛

ما مسلمانها نباید به آن جا برسیم. قرآن می تواند انسان را هدایت کند؛ از انسانِ لَفِي خُسَيْرٍ برساند به انسانی که إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ به سوی خدا حرکت و سیورورت پیدا کند و با او ملاقات نماید. این حج، مظهر این قرآن است.

ایمان خالصانه ی مؤمنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده است؛ این را باید قدر دانست.

امروز دنیای اسلام دارد ضربه می خورد

مثل همه ی ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می بینید در مراسم حج دنبال اختلاف افکنی، فتنه انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشتهای دانسته یا نادانسته یی هستند که دارند این ذخیره را نابود می کنند و از بین می برند. کسانی که نمی گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که دارند این ذخیره را نابود و ضایع می کنند. کسانی که نمی گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی - آن هم در راه خدا، نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملتها، نه عظمت به عنوان جنگ افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزشهای الهی و در راه توحید - به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می کنند. امروز دنیای اسلام بر اثر نادیده گرفتن این ذخیره ی عظیم الهی دارد ضربه می خورد. شما ببینید مستکبران و فراعنه ی عالم، امروز در منطقه ی خاورمیانه با مسلمانها و کسانی که این گوهر عظیم را در بغل خود دارند - که متأسفانه درست استفاده نمی کنند - چه می کنند. ببینید با ملت فلسطین چه می کنند. ببینید برای عراق چه نقشه هایی دارند می ریزند. ببینید برای تصرف منابع مادی و معنوی و ثروتهای این منطقه چه خوابهای خوشی دیده اند. امت اسلام می تواند جلوی اینها بایستد و این حرکات سبعانه را خنثی کند؛ به شرط این که به ریسمان مستحکم و عروها لوثقای الهی توجه کند. شرط دشواری است، اما ممکن است. همه ی آرمانها - از جمله این آرمان - با گفتن و شنیدن و فهمیدن و پای فشردن تحقق پیدا می کند.

مسائل جهانی را با معیار اسلام می‌سنجیم

یک روز بود که در کشورهای عربی و میان ملتهای مسلمان هیچ نامی از عظمت و شوکت اسلام نبود؛ اما امروز به برکت پای فشاری ملت ایران بر روی آرمان اسلام و فداکاری و قبول مجاهدت، وجود دارد. ملت ایران به نفع امت اسلامی بار سنگینی را بر دوش گرفت. البته بزرگترین بهره را خود ملت ایران و مجاهدان فی سبیل الله می‌برند؛ اما دنیای اسلام هم از مجاهدت آنها بهره مند می‌شوند. نظام مقدس جمهوری اسلامی که خود را زیر پرچم برافراشته‌ی اسلام قرار داده است، به همه‌ی موازین اسلام پایبند است.

ما همه‌ی مسائل جهانی را با معیار اسلام می‌سنجیم؛ و این دقیق‌ترین معیار و بهترین ملاک مصلحت است. نباید خیال کرد چون ما از دید اسلامی به حوادث نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم حوادث را تحلیل کنیم یا در حوادث، راهبرد درست پیدا کنیم؛ بعکس، اسلام به دست ما مشعلی می‌دهد که جلوی راهمان را ببینیم.

کدام زندگی راحت؟

کسانی که در مقابل زورگویی امریکا و سبعت و وحشیگری بی‌نظیر صهیونیستها خود را باخته‌اند، تسلیم شده‌اند و حتی به آنها کمک کرده‌اند، به خاطر این که ملاحظه‌ی اسلام را نکرده‌اند، به این بلیه‌ی بزرگ دچار شده‌اند؛ نه دنیایشان درست شد و نه توانستند برای خود شرف و عزت انسانی درست کنند؛ پیش‌خدا‌ی متعال هم مؤاخذند. دولتها و کشورهایی که حاضر نشدند از مظلومیت ملت فلسطین دم بزنند و به طور جدی از آن ملت مظلوم دفاع کنند و الآن هم حاضر نیستند در مقابل زیاده‌خواهی و زیاده‌خواری امریکا در این منطقه انتقاد بکنند و جلوی او بایستند، دنیای آنها هم دنیای خوبی نیست.

ساده‌لوحی است اگر خیال کنیم اینها چهار قدم با امریکا راه می‌آیند، اما عوضش راحت زندگی می‌کنند. کدام زندگی راحت؟! تجربه‌های حول و حوش ما، در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه‌داران و شرکتهایی که پشتوانه‌ی آن سیاستها هستند، مفیدند، از اینها استفاده

می کنند؛ بعد مثل سنگ استنجاجی شیطان- به قول مولوی- آنها را دور می اندازند. این تجربه ی موجود ماست.

از ذخیره ی حج استفاده کنید

اسلام به امت اسلامی و حکام اسلامی عزت و قدرت و شجاعت می بخشد تا بتوانند اقدام کنند، بفهمند و راهشان را ببینند. حج فرصت بزرگی است که این حقایق و حقایق فراوانی از این قبیل- که به برکت معرفت اسلامی و هدایت اسلامی در اختیار ما ملت مسلمان ایران است- در اختیار افکار عمومی مردم دنیا گذاشته شود و آنها بیدار شوند. خیلی از دل‌های دنیای اسلام بیدارند؛ باید احساس کنند که در سرتاسر جهان اسلام، فکر آنها طرفدار دارد تا جرأت و شهامت و شجاعت لازم را پیدا کنند. همه ی اینها در سایه ی معنویت حج است؛ از معنویت حج و بهره برداری از مفاهیم عالی ادعیه و زیارات و آیات کریمه ی قرآن غفلت نکنید. هرچه می توانید، از این ذخیره ی عظمی استفاده کنید. ان شاءالله با دست پُر از این سفر برگردید.

از خدای متعال می خواهیم به همه ی شما برادران و خواهران عزیز که در خدمت حجاج هستید و بخصوص مسؤولان محترم این کار بزرگ که حقاً و انصافاً زحمات زیادی می کشند و مشکلات بزرگی را متحمل می شوند و آنها را حل می کنند، توفیق دهد. همچنین از بقیه ی دوستانی که از دارالحدیث و دانشکده ی مربوط به این کار، در این جا تشریف دارند، تشکر می کنیم. امیدوارم همه ی شما مشمول رحمت و لطف و هدایت الهی باشید و ان شاءالله بتوانید در این ایام متبرک و در این سفر متبرک بیشترین بهره را از سوی پروردگار متعال به دست بیاورید.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۸ / ۱۱ / ۱۳۸۱ ه. ش.).

پیام به حجاج بیت الله الحرام

اشاره

(۱۸ / ۱۱ / ۱۳۸۱ ه. ش.).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گردهمایی میلیونی مسلمانان در حج، پدیده ای بی نظیر و شگفت انگیز است. همه ملت های مسلمان از همه جای جهان و از همه قشرهای اجتماعی، در این چند روز در خانه خدا، زادگاه اسلام و پیامبر عظیم الشأن آن گرد می آیند و آیین های پر رمز و راز حج را برپا می دارند. در این شعائر پرشکوه و پرمعنی، پیوند دل ها با خدای بزرگ، پیوند دل ها با یکدیگر، حرکت بر محور توحید، سعی و تلاش همگانی، رمی شیطان و برائت از طاغوت، ذکر و تضرع و خشوع در برابر خدا، و احساس عزت و عظمت در پرتو اسلام، همه در عمل و بگونه ای نمادین به ملت های مسلمان، آموزش داده می شود؛ و مهربانی و همزیستی با برادران و استحکام و سرسختی با دشمنان، و رها شدن از پیرایه های خودپرستی و پیوستن به دریای عزت و عظمت الهی در قالب مناسک حج تجسم می یابد.

حج، نماد امت اسلامی

حج، نماد امت اسلامی و آموزنده نوع رفتاری است که این امت بزرگ برای تأمین سعادت خود باید در پیش گیرد. می توان حج را در حرکت هدفمند و آگاهانه و متنوع همگان در جهتی واحد خلاصه کرد. تار و پود این حرکت، یاد خدا و همدلی بندگان خدا است، و هدف آن ایجاد پایگاه مستحکم معنوی برای زندگی سعادت‌مندانه انسان:

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيُبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقُلَائِدَ.

امت اسلامی اکنون برابر الگوی حج، به حرکت بزرگ و هدفداری در زندگی واقعی خود نیازمند است و همه، چه دولت‌ها و چه ملت‌های مسلمان، در این مسؤولیت سهیمند.

اسارت سیاسی و اقتصادی

کشورهای اسلامی در یک قرن اخیر ضایعات جبران ناپذیری را تحمّل کرده اند.

موج استعمار و کشورگشایی غربیان، بیشترین آسیب را به ملت‌های مسلمان زد که ثروت‌ها و منابع مادی‌شان، آنان را آماج تهاجم‌های همه‌جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست‌اندازی‌ها برای مسلمانان، اسارت سیاسی و اقتصادی و عقب‌افتادگی علمی و مادی بود، و برای استعمارگران، بهره‌مندی از منابع مادی و انسانی مسلمین و افزودن بر ثروت و قدرت خود از راه غصب و ظلم و جنگ‌افروزی و خشونت.

پس از گذشت سال‌های متمادی ملت‌های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم‌های حق‌طلبی و آزادیخواهی در سراسر جهان اسلام، افق‌های نویدبخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد.

بدیهی است که کانون‌های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند.

روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع‌قدرتمندانه از حقّ روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده خویشند.

انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تایید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد: **أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ**

بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. استکبار جهانی یعنی شبکه در هم تنیده کارتل های نفتی و اسلحه سازی و صهیونیسم جهانی و دولت های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی احساس می کنند، با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم اند. مظهر این تهاجم که دارای ابعاد سیاسی و تبلیغی و نظامی و تروریستی است، امروز در رفتار و گفتار خشونت بار و صریح نظامیان حاکم بر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به وضوح دیده می شود: فلسطین مظلوم و خونین، روزانه در معرض قساوت آمیزترین برخوردهای رژیم غاصب است. ملت فلسطین همه مصیبت ها را از قتل و غارت و تخریب و شکنجه و تحقیر و اهانت، فقط به این جرم تحمل می کند که جرأت یافته تا حق پایمال شده ی خود را پس از نیم قرن به طور جدی مطالبه کند.

ملت عراق، نعره های تهدید به جنگ را به این دلیل دریافت می دارد که رژیم امریکا برای تسلط بر جریان حیاتی نفت و غارت باقی مانده ی منابع نفتی این منطقه و حضور مؤثر در کنار مرزهای فلسطین و ایران و سوریه و عربستان سعودی، لازم می داند در عراق استقرار یابد و سرنوشت آن کشور و بر اثر آن، سرنوشت همه کشورهای خاورمیانه را در چنگ خود بگیرد.

ملت افغانستان فقط به این دلیل در یکسال و چند ماه گذشته بمب ها و سلاح های کشتار جمعی امریکا و انگلیس و نیز دخالت و حضور اهانت بار و اشغالگرانه آنان را بر جسم و جان خود لمس کرده که دولت امریکا منافع نامشروع خود را اینگونه تعریف کرده است.

طمع ورزی شبکه های استعماری

طمع ورزی این شبکه استکباری و ضدبشریت، حد و مرز نمی شناسد. اگر در نیم قرن قبل، امریکا خود را صاحب اختیار کشورهای آمریکای لاتین می خواست، در نیم قرن کنونی خود را سلطان و دیکتاتور بی قید و شرط همه کشورهای منطقه اسلامی می خواهد. هدف گیری ها و برنامه ریزی های بین المللی و پرضایعه امریکا، همه ناظر به این مدّعی متکبرانه و در عین حال احمقانه است.

شک نیست که امریکا و متحدانش ناکام خواهند شد و دنیا یکبار دیگر شاهد

سقوط یک امپراتوری قدرتمند ولی مست خواهد بود، همچنانکه هم در افغانستان و هم در فلسطین، محاسبات مستانه آنان غلط از آب درآمد. ولی اگر امت اسلامی - چه دولت ها و چه ملت ها - به موقع و خردمندانه و شجاعانه تصمیم نگیرند، بار دیگر خسارت های سنگین و دیرجبرانی خواهند داشت.

تحرکات دیوانه وار

امریکا در دور تازه ی تحرکات دیوانه وار خود، که پس از حادثه بشدت مشکوک ۲۰ شهریور آغاز شده، دست به یک حمله تبلیغاتی نیز زده است: یعنی پرچم دموکراسی و تروریزم ستیزی را بر سر نیزه کرده و برای ملت های اسلامی در مذمت سلاح کشتار جمعی و سلاح شیمیایی داد سخن می دهد. آیا نمی اندیشد که ممکن است مسلمانان پرسند: اینها را چه دولت ها و شرکت هایی در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند؟ پس نوزده هزار بمب شیمیایی را که ادعا می کنید رژیم بعثی عراق در انبار داشته و چون سیزده هزار آنها را بر سر ایرانی ها ریخته پس شش هزار آن باید موجود باشد و شما به این دلیل حمله آینده خود به کشور عراق را توجیه می کنید، این تعداد سلاح و وسیله شیمیایی از کجا به دست رژیم عراق رسید؟ آیا کسی جز شما و هم پیمانانتان شریک جرم در این فاجعه تاریخی است؟

حامی تروریزم

آیا نمی اندیشد که ادعای مبارزه با تروریزم و متهم کردن گروهی مجهول و نامشخص نمی تواند ملت های مسلمان را که پشتیبانی امریکا را از وحشی ترین تروریست جهان یعنی رژیم اسرائیل می بینند، فریب دهد؟ امریکا با این تحرک تبلیغاتی پرهزینه و دیوانه وار، اکنون در چشم ملت های مسلمان، مظهر دروغ و دغلبازی و حيله گری است.

امریکای متکبر و مستکبر در فلسطین و افغانستان به هدف های خود نرسیده است و آن هزینه گزاف مادی و معنوی جز خسران نداشته است، و از این پس نیز بر همین گونه خواهد گذشت، ان شاء الله.

قبضه کردن اوپک

در عراق نیز ادعا می‌کند هدفش حذف صدام و رژیم بعثی است، و البته دروغ می‌گوید و هدف واقعی اش قبضه کردن اوپک و بلعیدن نفت منطقه و حمایت نزدیکتر از رژیم صهیونیستی و توطئه‌گری نزدیکتر بر ضد ایران اسلامی و سوریه و سعودی است.

قدر مسلم آن است که اگر آمریکا بر عراق چه با جنگ و چه بی جنگ سلطه پیدا کند، اولین قربانی این اشغال خصمانه، ملت عراق و شرف و غیرت و ناموس و ثروت آن ملت تاریخی است. و اگر آن ملت و کشورهای مجاور آن بهوش باشند به این هدف‌ها هم نخواهد رسید ان شاءالله.

سرچشمه‌ی مقاومت ملت‌ها

استکبار می‌داند که سرچشمه مقاومت ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، اسلام و تعالیم‌های بخش آن است. از این رو جنگ روانی گسترده‌ای را بر ضد اسلام و مسلمانان آغاز کرده است. پس از حادثه ۲۰ شهریور که قرائن بی‌شماری انگشت اتهام را به سوی شبکه‌های پنهان و نفوذی صهیونیست دراز می‌کرد، با شتابزدگی نام مسلمانان و اسلام را در ستون اتهام گنجانده و شب و روز تکرار کردند. جمعی مسلمان را نیز از آمریکا و افغانستان و نقاطی دیگر اسیر کرده به زندان‌ها و شکنجه‌های مخوف سپردند. نه هرگز اتهام این افراد ثابت شد و نه متهمان نام و نشان دار به چنگ امریکائیان افتادند. اما جنگ روانی بر ضد مسلمین و اسلام متوقف نشد و گویا به این زودی‌ها هم نخواهد شد.

دین آزادی و عدالت

اسلام دین آزادی و عدالت و حق‌جویی است. مردم سالاری حقیقی همان مردم‌سالاری دینی است که با پشتوانه ایمان و مسؤولیت دینی مطرح می‌شود و همانطور که در ایران اسلامی مشهود است بسیار مطمئن‌تر و صادقانه‌تر و مردمی‌تر از دموکراسی امثال آمریکا عمل می‌کند. دموکراسی که امریکایی‌ها ادعا می‌کنند به مردم کشورهای

اسلامی و عربی خواهند داد به اندازه ی گلوله و بمب و موشکشان خسارتبار است. دشمن حتی اگر دانه خرمایی هم به ما بدهد نمی توان مطمئن بود که آن را انباشته از زهری کشنده نکرده باشد. امت اسلامی در افریقا و خاورمیانه و غرب آسیا این را بارها و حتی در همین سال های اخیر آزموده اند.

امت اسلامی در چنین اوضاع حساس و خطیری بیش از همیشه به درس گیری از الگوی حج نیاز دارد: حرکت و نهضتی هدفمند و آگاهانه، و متنوع، و همگانی، در سمت هدف های قرآنی و بر صراط مستقیم اسلام .. قال تعالی: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا، و قال تعالی: قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. وَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

السيدعلى الحسيني الخامنه ئي

۵ ذی حجه ۱۴۲۳ / ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۸۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹